نامه های دستنویس جامی



تهیه و تنظیم از : عصام الدین اورنبایف

به همکاری و مقدمه : مایل هروی

اکادمی علوم ج . د . ا .
مرکز زبانها و ادبیات
دیپارتمنت زبان
و ادبیات دری

اکادمی علـوم جمهـوری
از بکستان‌شوروی
انستیتوت شرقشناسی
(ابو ریحان بیرونی)

نامه‌های دستنویس جامی

تهیه و تنظیم از:
عصام‌الدین اورنبایف

به همکاری ومقدمه
مایل هروی

* نامه های دستنویس جامـــی .

* تهیه وتنظیم عصام الدین اورنبایف

* به همکاری ومقدمهٔ مایل هروی.

* شمار چاپ : ۱۰۰۰ نسخه .

* جای چاپ : مطـبعه دولــتـی

کــابل ـ افغانستان

* سال ۱۳٦٤ خورشید .

عناوین:

تذکر : الف وبا

پیشگفتار از ص ۱ـ ۱۶

دیبا چه از ص ۱ تا ص ۴۲

متن نامه ها از ٤٤ـ ۱٤۸

توضیحات ۱۵۰ ۱۷۸

اصطلاحات ۱۷۸ ۱۹۰

کتب و نشرات ۱۹۱ ۲۰۰

اسمأ و اعلام ۲۰۱ ۲۱۷



پیشگفتار

از بهار گلشن فـــردو س گلچین نسخه یی
کا تب قدرت برای روز گار آورده است
نازم اینزیبا مرقع را که چون روی بتان
صفحه اش خطـی بخون نو بهار آورده است

مرقع:
عبارت ازچند قطعه خط خوش باتذهیب ،وگاه میناتور وتذهیب وکمند گل وترنج ،اســتادان و هنرمندان وقت ترتیب میدادند این پدیده هنری از تمام آیـت های هنری پرزیب وتزئین تــر مینمود ودر سطح عالیتر ین همه هنر نمایی های روی کـــا غذ قرار داشت .

مرقع ازنگاه لغت جامه وصله‌زده، کاغذ یکه به‌خط رقاع‌نوشته شده باشد، کتابیکه دران قطعات‌خط خوش وصل یافته ونقا شی های خوب دارد، شناخته شـده‌است .

چون مرقع به‌معنی خرقه نیز آمده است‌که از تکه های کهنه وپاره های رخت، عــارفان وصوفیان خرقه برای خود مــی ساخته وصله بروصله میزدند. این بیت حافظ مؤید این گفتا ر است :

من این مرقع پشمینه بهرآن دارم
که زیرخر قه‌کشم می، کس‌این گمان نبرد

دلقت به چه کار آیدو تسبیح‌ومرقع
درویش صفت‌باش کلاه تتـری دار

مرقع سازی در دوره تیموریان‌درپهلوی دستگاه های بـزر گ کتاب سازی در زمان بایسنقـرمیرزا متوفی ۸۳۷ فرزندشاهرخ باوج خود رسیده بود. جعفـربایسنقری متصدی وکلا نتـر کتاب خانه‌اش بود، آن وقتی‌بودکه کتاب مینو یشتند، خطا طی میکردند، تذهیب مینمود نـد.عرضه داشتی در سال ۱۳۹۶ـ ه .ق در استانبول در سالنا مه‌تاریخ هنر دانشگاه ذر یعـه ولیدی طوفان چاپ ونشر شد .

عرضه داشت جعفر در داخـل‌جنگی مربوط یعقوب بیك‌حکمران آق قویونلو (۸۸۳ـ ۸۹۵ ه) بوده است وجنگ یعقــوب‌یاد میشده است، این جنگ‌علاوه برعرضه داشت ،محتوی قطـعا ت زیبای هنری ،میناتور، خطو طخوش وتذهیب وسایر اسـناد دولتی آن روزگار بوده است .

جعفر در این عرضه داشــت‌خود که درواقع گزارش گو نه میباشد، خواسته است و شـایدمامور بوده است راپور کـــار

اعضای هنر ستان بایسنقری رابعرض بایسنقر میرزا برساند.
در متن این سند چهار سطـــرمقدمه آمده ومحتوای عرضـــه بیانگر کتاب سازی (مجـلد یوصالی ،تذهیب ومیناتور جدول کاری، خطاطی)است وهم صـــدفکاری ومنبت کاری، ابر یشم دوزی برخیمه‌هاومراحل‌ساختمان‌هفت بنادراین عرضه داشت باز تاب یافته است .

این عرضه داشت معلو مـــات‌مارا درباره هنرستان با یسنقر میرزا وسیع میسازد عبدالرزاق‌سمرقندی ودوست محمدگواشانی هروی به تفصیل درباره کـــا رهای هنری که‌بعمل آمده اســت یاد کرده اند، وخواند میروحسن‌روملو وقاضی احمد غفاری در زمینه باجمال سخن گفته انـــد.مرقع سازی درحوزه های هنری وفرهنگی خراسان، هنر اعلا یمیناتور وخطاطی راتجلی میدهد وشکی‌نیست که‌دوره شگوفان باحسین‌بایقرا متوفی۹۱۱را ازدوره شاهرخ به ارث گرفته است(۱) مرقعات زیادی در موزیم هـــا موجود است وهم‌ازبرخی مرقعات‌تنها مقدمه آن باقی مانده است

مرقع یکصدو چند برگـــــه کتابخانه‌لنین گرادقابل‌وصف‌است که در دربار شاهان تیمو ر یهند ترتیب یافته یک‌روی آ ن میناتور وتصویر های مکتب‌هندوروی دیگـــر خطوط خـــوش از عماد الحسنی‌که (یکی‌ازبزرگترین‌خطاطان نستعلیق نویس دنیای خطاطی است) مرقعیکه بـــهـــزادداشته ومقدمه آنرا خواند میـــر مورخ مشهور نگاشته اســـت درنامه نامی آنرا ثبت کرده است:
خواند میر در توصیف مر قـــــع‌بهزاد مینگارد .

نقاش ازل گشاد چون مهرسپهر
آراست‌مرقعی زاوراق ســـپهر

تصویر دران نموده نیرنگ رقم

چندین صنم سیمتن روشن چهر

تاآنجا که میگوید :

التذاذ نفس بشری از نقش وتصویر بروجهی که صورت حال امیر ووزیر وغنی وفقیر است قابل تحریر نیست وبیان شمه اززیب وزینت و تصریح وترویج آن (۲) .

مرقعیکه جامع آن محمدصالح خوشنویس وتاریخ ۹٤۸هـ دارد درخزینه اوقاف استانبول حفظ میشود (۳)

مرقع سلطان حسین میرزا .

مرقع شاه اسمعیل صفوی که مقدمه آنرا شمس الدین محمد وصفی در خصوص خوشنویسان وهنرمندان درسال ۹۱٦ نگاشته است (٤).

مرقع شاه تهماسب که آنرا محمدمومن کرمانی فرزند خواجه شهاب الدین عبدالله مروارید متوفی ۹٤۸ ساخته است (٥) .

مرقع امیر حسین بیك خزانه دار شاه تهماسب که مقدمه آنرا لك وسلیمی درسال ۹٤۸ هـ نگاشته است (٦).

مرقع محمد محسن هروی که مقدمه آن درسال ۹۹۰ در هرات نوشته شده است (۷) .

مرقع امیرغیب بیك یکی از امرای شاه تهماسب که سید احمد آهو چشم شاگرد میر علی هروی درسال ۹۷۳ ترتیب داده است (۸).

مرقع دارا شکوه متوفی ۱۰٦۹ فرزند شاه جهان که مشخصات این مرقع را پروفیسور شفیع لاهوری در مجله مدرسه خاوری بذکر آورده است .

مرقع زیب النسا، بیگم دخترعالمگیر ،مقدمه این مرقع راملا رضا راشد نوشته ودر کتابخانه خدابخش پتنه محفوظ است .

مرقع خطوط جعفر بایسنقری وسایر خطاطان دوره تیموری درمخطوطات توپینگن آلمان . حفظ میشود .(۹)

مرقع سلطان مراد درکتابخانه وین حفظ میشود .

مرقع سلطان یعقوب آق قویونلو درحدود هشتصدو هشتاد در خزینه اوقاف استانبول محفوظ است (۱۰) .

مرقع سرلوحه دار در گنجینه صفی بوده که درتبریز طبع شده است رقعات ولی الدین افندی که سه جلد از مرقعات خیلی نفیس است که یك جلد به خطاطی میرعماد الحسنی ارتباط میگیرد و دودیگر خطوط میرعلی هروی متوفی ۹۵۹ وسه دیگر خطوط غالب استادان بنام ومشهور جهان هنر خطاطی است که در دانشگاه اسلامبول محفوظ است.

مرقع گلشن که شامل آثارخطاطان ونقاشا نست وبر حسب دستور وصلا حدید نور الدین جهانگیر (۱۱۱٤ - ۱۰۳۷ هـ) ترتیب یافته است واکنون درکتابخانه دولتی ایرانست که دارای هشتادو هشت برگ میباشد .

دیگر مقدمه دوست محمد گواشانی هرویست بر مرقع بهرام میرزا که دوست محمد کتابدار بوده ودر سال ۹۵۱ هـ ترتیب داده ونگاشته است. این دیباچه ازهمه دیباچه ها مفصل تر است مثلا تاریخ خط را ازدور ترین زمانه ها نوشته وبعدا ثلث نویسان ونسخ نویسان وتعلیق نویسان و نستعلیق نویسان را باتوصیف چند کلمتی خود تذکر داده وهمین طور مختصر حالات نقاشان ومذهبان روز گار پیشین را نگاشته وتا معاصرین خود به نیکی یاد کرده است وگروهی از کاتبان ومجلدان ومذهبان ومینا تور یستان وهمه ارباب هنر راکه در کتابخانه بااو همکار بودند ودر اصطلاح کتاب سازی میکردند به گونه

ستایش ازهنر شان یاد کرده‌است‌در فرجام این دیباچه مفصل، ندیمان کتابخانه را بذکر آورده‌ورباعی دعائیه دارد :

تابرفلك از زهره و مه نام بود
بر اوج‌سپهر تاکه بهرام بود
تاهست مرقع سپهر ماز مه ومهر
این نامه شاهزاده بهرام بود (۱۲)

در کتابخانه ها این مرقعات‌ساز وبرگ داده میشده است .

مقدمه مرقعیکه قطب الدین‌محمد قصه خوان به شاه‌طهماست اول بسال ۹۶۲ نگاشته که باشتباه در مجله سخن بنام‌رساله خط درتاریخ خط ونقاش چاپ‌شده است .

درچند جادر مقدمه آن واژه‌مرقع یادشده واین مرقعات غالبا شامل تذهیب ومینا تور است ودر این پیشگفتار بوضاحت بصورت صنعت براعت استهلال‌بذکر آمده است .

حمد باخلاص مقرون صانعی‌بیچون رازیبد که‌مرقع روزگار بوقلمون را بوجود آورد ...

درسطر دیگر : که‌این مرقع‌ملمع رابه اوراق الوان خزان وبهار ترتیب داد بدین خوبی‌وزیبایی پرداخت .

قراریکه نگارنده را اطلاع برانست در پیشگفتار های مرقعات از برخی خطاطان ومذهبان میناتوریستان بصورت اجمال یاد میشود این دلیل آن‌نیست که‌این مقدمات را ما بحساب تاریخ خط بنامیم چون‌مستقل در نوشته نیامده است پیوند وارتباط دارد با متن‌مرقعیکه ترتیب یافته است .

مرقع شاه طهماسب اول بسال۹۶۲ ترتیب یافته که برایش قطب الدین محمد قصه خوان‌پیشگفتاری نگاشته است .

چنانکه درچند سطر بعد گوید :

بعضی از خطوط و تصویر استادان بدست فقیر حقیر دعاگوی دولت قطب الدین محمد قصه خوان افتاده بود وهمواره در مجلس بهشت آیین ومحفل فلك تزیین که ذکر خطوط وصور میرفت به مطالعه و مشاهده صحایف قطعات مذکوره احتیاج روی مینمود بنابر آنکه ترتیب وترکیبی نیافته بود، پیدا کردن آنچه مطلوب بود متعسر، بلك متعذر مینمود واجب دید که این مرقع را ترتیب دهد تا به سبب آن ازین دغدغه بکلی وارهد .

کلمه ای چند بدست بسیاری استادان نادر وهنر مندان قادر خط شناسان بی بدل وخوشنویسان بی مثل ومثل که به ترتیب آن قیام نموده شد درواقع ترتیبی روی نموده ومرقعی چهره گشود که هرصفحه اش سزاوار صد تحسین بلکه هرقطعه اش لایق صدآفرین ... (۱۳)

مطالب بالا مارا بیشتر به یقین میرساند که این رساله تاریخ خطاطی نیست بلکه مقدمه مرقعی است که قطب الدین قصه خوان نگاشته است .

ازین مرقعاتیکه یاد شده گروهی از مذهبان صحافان و صالان وراقان ونقاشان وخطاطان که شاهکار های بوجود آورده اند برخی از مرقعات مقدمه های دارد وبرخی ندارد واز بعضی مرقعات برگهای اصل از میان رفته وپریشان شده واز خوددور گردیده است .

در مقدمه این مرقعات گاه شرح حال هنرمندان چیره دست بذکر آمده است وگاه مقدمه تنها در پیرامون مرقع ویاکسیکه مرقع راساخته وپرداخته سخنانی بهم آمده .

در تعریف مرقعات وهنرمندان اشعار زیبایی نیز گفته شده است که مقدمه نویس بکار برده است در مقدمه مرقع گلشن این آبیات بذکر آمده است .

از بهار گلشن فـــردو س گلچین نسخه ای
کاتب قدرت برای روز گار آورده است

نازم این زیبا مرقع را که چون روی بتان
صفحه اش خطی بخون نو بهار آورده است (١٤)

دوبیت از مرقع حسین بیگ:
مرقعیکه حسین بیك کرده است انشاء

پی نظاره آن مهر طلعت مهو ش
سفینه ایست مزیف بصورت و معنی

جریده ایست مرصع بجوهر بیغش (١٥)

در موقع امیر حسین بیك که مالك دیلمی متوفی ٩٦٩ نـوشته است مالك استاد میرعماد الحسنی است که میرعماد درسال ١٠٢٤ کشته شده است .

مالك درباره سلطان علـــی مشهدی متوفی ٩١٦ گوید :
خط یاقوت را آنها کـــه دیدند

ازان سطری بیا قوتی خرید ند
اگر یاقوت این خـــط را بدیدی

ازین حرفی بیاقوتی رسیـدی (١٦)

سید احمد آهو چشم شاگرد میرعلی که بروایتی به بخـا را نیز بااو بوده است روز گـاری در هرات میزیسته در مقد مـــه غیب بیك کـــه جـامع تنظیم قطعات آنست در جاییکه ذکری از اوصاف بهزاد هروی و هنـرمندان ونقاشان خراسا ن میکنند این ابیات آمده است :

زکار زغاش بچابك روی

اگر مانی ازوی خبر داشتـی | بهست از قلم گیری مـا نوی
بود صورت مرغ او دلپذیر | ازو طرح و اندازه بردا شتـی
قلم را ازان کار بالا گرفت | چو مرغ مسما شده روح گیر

که اندر دو انگشت او جا گرفت قلم چون به تشعیر گیرد دلیر
روان موی خیزد بر اندام شیر ۱۷

چون مرقع هنر اعلای خطاطی میناتور وتذهیب است وانگشت سحار بسا هنرمندان عصر در ان دخالت کرده است این تحفه عظیم پر بها ئیست که در تصرف ارباب جاه ومقام بوده وآنهاییکه شم هنری داشتند، هنرمندان فرهیخته برای شان مرقع میساختند وانواع خطوط واقسام مینا توروا شکال تذهیب وکره بندی نقش ترنج وخطوط اسلیمی ،شمسه وتاج سرتاج رابا جداول زیبا درپهلوی هم میا وردند و شکل میدادند صفحه زیبای میشد که چشم راروشن بدارد وهر هنرمندی مجذوب آن گردد از آنرو درغالب این مرقعات مقدمه های نیز می نوشتند که تاریخ گو نه مینمود مختصراحوالی ازخطاطان بزرگ ومذهبان وآنانیکه در مرقع مانحن وفیه ذکری آمده است یاد میکردند ودر برخی مرقعات مقدمه نوشته نمیشد و چون مقدمه ازاصل خود جدا میشد آنگاه گمان میرفت که این مقدمه ازمرقع نیست ورساله مستقلی است درتاریخ خطاطی .

مرقع بصورت قطعه ز یبایکرو یه ویاد و رو یه ساخته و پرداخته میشده وبا اینکه ورق ورق یا بهم وصله خورده دربین جلدزیبای معرق که گل وبرگ وترنج بندی وخطوط زیبایی هندسی واسلیمی داشته است پیوند میشده استوگاه جلدلاکی منقش وگلریز نیز میساخته اند .

از مرقعیکه میرعلی علیشیر بکتابخانه خود ترتیب داد، است عبدالله مروارید دیباچه آنرا درشرفنا مه مولف خود ذکر وضبط کرده است،فهمیده میشودکه برخی ورق پاره های زیبا و منفرد ویا برگها واحد مینا توروصارع خوش وخطهای زیبا و سایر صفحات هنری که هر یک آیت ونشانه ای ازهنر بوده است

بصورت متفرق در کتابخانه گرد می‌آمده است. بهم پیوسته شود ووصله جور بخورد تا بشکل جالب وهنری ازآب باید در بیاید.

امیر عالیمقام نیز به مرقع‌سازی میل مفرطی دارد وتنها ما از دومرقع آن‌سند داریم که ساخته‌وپرداخته شده اند ودیباچه مرقعیکه عبدالله مروارید نگاشته در شرفنامه آمده است ولی مرقع دیگر میر علیشیر نوایی که مطالبی از دیگران و جامی است جدول لاجورد دارد ظاهرا مقدمه ندارد واگر درآغاز دیباچه هم داشته سندی ازان‌دردست نداریم.

میر علیشیر نوایی مرقعی فرمایش میدهد که ساخته و پرداخته شودوازآن خواجه‌عبدالله‌مروارید در شرفنامه مولفه خود بما خبر میدهد:

چند سطر دیباچه مارا بدین نکته میرساند که هنرمندان ومذهبان ونقاشان وخطاطان‌مامور میشدند تااین اوراق پراکنده رابهم آرند بهمت وکلك‌هنرمندانه خود پیوند واتصال نمایند واز کسوت ناهمواری بدرآید وچهره بهتروشکل خوبتر بخود گیرد واز کتابهای هنری وتزیینی یکسر وگردن زیباتر ومطلوبتر هستی پذیرد. درشرفنامه عبدالله مروارید عنوان داده شده:

مرقع امیر علیشیر.

آغاز: تامرقع ملمع بدیع‌الابداع‌سپهر برقاع ظلمت وشعاع‌والیل اذا یغشی والنهار اذا تجلی ابلق‌فام گشته وتاصحیفه جریده بیغمای ظلمت‌فریبای مهربتوفیق‌لازم الترصیع ... «در چند سطر صنعت براعت استهلال رامراعات‌کرده است. در وسط سطر های آخر دیباچه بدین بیان برمیخوریم به‌یمن آبادی‌وعون عاطفت‌حضرت جامع این مرقع» نصب‌الله کماینسب رایات تربیته علی

مفارق المسلمین مجلدا جمعی کثیر وجمعی از غفیر از صغیرو کبیر که به سلامت جودت وقابلیت در ظل ظلیل عاطفت وارشاد این آستان راه یافته به‌انامل رقم مهارت‌خود بر صفحات دهر نگاشته وبسیاری ازنفایس‌جواهر وشرایف زواهر که‌عبارت ازرقم زده کلك هزار دستان باشد هنر در استان باشد درخزانه کتب جمع گشته بودخاطر قدسی ماثر آنحضرت مستدعی آن گشت که نبذی ازاوراق واجزا واساطیر وغیرذالك را که مجتمع گشته ازفصل تفریق خیانت فرموده بجمع و تلفیق آن‌امر فرمایند وتمامی آنهارا بطریقه وصالی پیرا سته مرقعی ترتیب‌نمایند که‌درحمایت‌حصانت ومتانت جلد مامون ومحفوظ تواند بود وطالبا نرا ازان حظی معتد به‌حاصل باشد بنا بران بعضی از فضلای خطشناس وعرفا هنر اقتباس که بحلیه مهارت وقوف متحلی‌بودندمدتی به شاغل آن اشتغال نموده چنانچه ظاهر است ترتیبی لایق‌وتزئینی موافق دادند وا کمال واتمام در عام سبع وسؤ وثمانمایه موافق عددیکه از اجزای این‌ابیات بطریق جمل مستفا دمیگردند وثبت تاریخ

قطعه :

تانسخه جهانرا زینت شد این‌مرقع
باید ازوعطارد درکار خود نسقها
کافور گون بیاضش تا گشت‌دلکش از خط
هردم بردبخوبی از نوخطان سبقها
برصفحه های نسرین اندا خت سایه سنبل
تاریخت‌مشك سوده برسیمگون طبقها
پرسد اگرکس ازمن تاریخ‌اختتامش
گویم پی مرقع‌جمع آمده ورقها (۸۹۷)

مرقع دیگر امیر علیشیر همین نامه های جامیست و تعدادی از بزرگان ودوستا نست که ازسلطان حسین و امیر عالیمقام خواهشات والتماسهای شده واین نامه‌ها یك طرفه است واین مرقع را استاد اورنبایف باپژوهش همه جانبه در برگ برگ آن گوته گفته هایی دارد بهم آورده که هیچ تاریکی در باره آنها نمیماند .

نامه های جامی :

غالب تاریخها ییکه درخراسان ایران وماوراء النهر در روزگار پیشین نوشته شده است بگونه شاهنامه ترتیب یافته است یعنی گزارش از کشور گشایی وجنگ وجدالها وگاه درپهلوی این پهلوانان جنگ طلب عده انگشت شماری از دانشمندان بذکر آمده است که میشود بدقت هر چه تمامتر باز تابی ازفرهنگ آن زمان را باورکرد وبرداشت نمود.

این مورخان وگزارش گرا ن درتاریخ جفا کرده اند وفراوان مطالبی را از حیات اجتماعی مردم بما نمیدهند، از آنست که کار تاریخ نویسی ومردم شناختن خالی از اشکال نیست واز طرفی غالبا مؤرخان بر هیئت ها ی حاکمه ارتباط داشته وتاریخ رابه نفع سلطان وقت می نوشتند واما در سده بیستم پیدا شدند مورخانی که از یك اشارت بچندین اشارت پی بردند واز کوته گفته ها یی به مطالب زیادی دسترسی پیدانمودند (نوشته هاییکه برخی اجزا آن افسانه بوده است ازطرفی شاهنامه واره های بیش نبوده که مطالبی بدرد خو روآموزنده برداشت کرده اند وبازار تاریخ نویسی را رو نق داده اند .

ازانست که مطالب تاریخ و نکته های دقیق زنده‌گی مردم در برخی نامه های تاریخی بیان شده وامور اجتماعی وسیاسی توده ها ازآن کم وبیش تجلی میکند .

نامه های جامی بر گها یست که نبشته های سود مندی دارد وآینه ایست تمام عیار که بساجهات زنده گی مردم روزگار ش دران باز تاب یافته است .

در این نامه ها که جامی نوشته است، امیر علیشیر نوایی وزیر دانشمند وادیب ودانشمندگرا وفرهنگ ساز دوره تیموریان باسلیقه خاص باجدول لاجوردازآنها مرقعی ساخته وبا مسرت محفوظ مانده است. جامی شیوه نگارش خاص رادر موردوستان خود بکار برده است نثر بی پیرایه واز سجع وقافیه بدور واما درمورد خاص تصنع ادبی را مراعات کرده است ودر اصطلاح در کتب ادبی بگونه ودر کتب عرفانی بشیوه دیگر داد سخن داده است .

دانشمند محترم ع. اورنبایف باعمق نظر خاص دست اندرکار شد وقرعه فال ترتیب واهتمام نامه های پرمحتوای جامی بنام ایشان برآمد. طوریکه نگارنده این سطور در تاشکند با ایشان نامه های جامی را از متن مقابله نمود، براستی واحتیاط کامل از عهده این کار علمی بانظرموشگافانه برآمده اند. کارشان ازآن درخور تقدیر است وستایش که در مقدمه مکتوبات از حیات مختصر جامی وانسان دوستی اویاد کرده اند واز مرقع امیر علیشیر رقعاتیکه در دستر س امیر عالیمقام بوده است که همه مر منشات وخمسة المتحیر ین نگرفته بوده بذکر آوردند بـا مقایسه آنها وتاریخ گرد آوری این نامه های پرمحتوا که بسا مطالب تاریخی واجتماعی در ان منعکس یافته است .

چهره مرقع وتفکیك مطالب وصنف بندی نامه ها از نگاه آنکه نامه هایکطرفه است وتاامروزچه کسانی ازین مرقع استفاده برده اند ویا تحقیق کرده اند وکار بردنامه ها ومحتویات وگذارشهای که در این مرقع آمده بصورت مفصل بذکر آمده

است وهمه نامه‌ها بزبان روسی‌ترجمه شده دراین مرقع ٥٩٤ نامه است‌که ٣٣٧ نامه به جامی‌تعلق میگیرد ازین ٣٣٧ نامه بیست نامه درمنشات جامی وخمسة المتحرین امیر علیشیر نوایی به تکرار آمده است .

نامه ها درین مجموعه ازاهمیت خاص برخوردار است .

تعداد ی ازنامه ها مربوط‌میرعلیشیر وتعدادی ارتباط میگیرد به سلطان حسین میرزا .

یك عده ازنامه ها بموارد‌مختلف تعلق میگیرد، نامه‌هایی در مورد مالیات ونامه هایی‌برای طالبان ومدرسان یاد شده است ،رسیدگی بحقوق مردم پیرامون آبادانی ،در امر فرامین ونشانها بیان وگفتاری دارد . توضیحات وشروحی‌ازطرف محقق محترم در مطالب آن بذکر آمده‌است که‌از اهمیت خاص پرنصیب است. شناسایی اشخاص شامل‌نامه‌ها ،شناخت اماکن جغرافیایی واصطلاحات ولغات امور جتماعی وفهارس یاتعلیق‌مبسوط از طرف تنظیم کننده بر عمق‌کتاب افزوده است، محقق محترم اورنبایف بر بنیان ارزشهای تحقیق ومتود علمی کتاب جالبی از برگهای مرقع‌میرعلیشیر بدست ما داده اندواین کتاب میتواند منبع پربار‌ی‌باشد در طرز حیات وامور اجتماعی مردم وحیف هاوجفا هاکه‌بر مردم آن سامان میشده در امور فرهنگی ودر مجموع درکشاورزی وحیات اقتصادی ومردم شناختی ودر بعضی‌خصوصیت اخلاقی وپیوند های مردم یك آینه تمام نمایی باشد،هرگاه محققی بخواهد در مورد امور اجتماعی وسیاسی قرن‌نهم‌هجری اثری بیافریند این کتاب رهکشای کارش خواهد شد.منکه‌خوانش آنرا بعهده داشته ام ، به محقق ودانشمند محترم‌ع.

اورنبایيف این‌پیروزی بزرگرا تبریك گفته، موفقیت ایشـانرا در زمینه های تحقیق فـر هنگ تیمو ریان که میراث فـر هنگی مشترك خلق های ماوراء النهـروخراسان قدیم، افغـا نستـا ن امروز واز بکستان شوروی‌است‌ومارا بگذشته ما آگاه میسازد، تهنیت میگویم واین اثر که درکسوت یك متن انتقادی در آمده ومنبع موثق وغنا مندی ازجهات‌فرهنگی روز گار تیمو ریـا ن هرات وماوراء النهر است برای‌همه دانش پژو هان ومرا کـز پژوهشی مژدگانی ونوید میدهم

مـعـا ون سـر محـقق‌دکتور محمد یعقوب واحدی بنا بر علاقه خاصی‌که بـمو ضو ع‌کتاب دارند، مطالعه وتر تیـب درستنامه کتابرا بعهده گرفتند. دریغ‌ودرد که‌در چاپ بعـضـی صفحات کمتر رسیده‌گی شـده‌بود. زیرا که شرایط کارما ازهر جهت ناهموار بود. بنا بـر آن‌بااضافه کردن صحتنامه مرتبه دکتور واحدی این نقیصه رارفع کردیم واز محترم ننگیالی بخرکی که متصدی چاپ آن‌بود سپاس گذارم. مایل هروی ۵ر۴ر ۶۴

مراجع :

۱ـ مجله کتاب ، نشریه کتابخانه های افغانستان، نوشته از مایل هروی .

۲ـ رك مقدمه خواند میــر برمرقع بهزاد نامه نامی مجلــه آریانا مقاله مایل هروی .

۳ـ اطلس خط فضایلی ص۲۱

٤ـ بیانی خوشنو یسان وشماره ٦۲ مجله هنر ومردم .

٥ـ خوشنو یسان بیانی .

٦ـ روضات الجناب کربلا یی

۷ـ خوشنو یسان بیانی ص ۱۹۳ ج ۱

۸ـ اطلس خط فضایی ص ٥۲۲

۹ـ هنر عهد تیموری ازاستادحبیبی

۱۰ـ خوشنو یسان بیانی ج۱ص ۱۹۲

۱۱ـ لغات واصطلاحات کتا ب شناسی ازمایل هروی حرف م

۱۲ـ رگ تعلیقی بر دیبا چه‌دوست محمد هروی چاپ انجمن تاریخ ازاستاد فکری سلجو قــی۱۳٤۹ ش

۱۳ـ مجله سخن نوشته خدیو جم .

۱٤ـ ۱٥ ـ ۱٦ ـ ۱۷ـاطلس فضایلی ص ٥۱٥

۱۸ـ شرفنامه عبدالله مروار ید چاپ ویسبادن

دیباچه

عبدالرحمن جامی در ادبیات کلا سیك زبان دری ، شاعر نامد ار واند-
یشمند برجسته سده پانزدهم میلادی‌است. بسیاری از پدیده های فرهنگی
واجتمایی خراسان وماورالنهر درنیمه دوم سده‌مذکور بانامهای جامی‌ودوست
وشاگردش علیشیر نوائی (سالهای۱۵۰۱-۱٤٤۱) مربوط،ووابسته است.
نورالدین عبدالرحمن بن نظام‌الدین‌احمد جامی بتاریخ ۲۳ شعبان سال
۸۱۷قمری برابربا ۷نوامبرسال۱٤۱٤میلادی درده کوچك خرجرد از ولایت
جام واقع درربع‌خراسان (هرات)متولدگردید .هنگامیکه اوهنوز کودك بود
پدر وجدش که‌هردو فقیه بودندبهرات یعنی مرکز سیاسی وفرهنگی
دولت تیموریان نقل‌مکان یافتند .جامی‌که از قرایح واستعداد ها چشمگیر
برخورد داربود بیاری پدرش بزودی‌سواد آموخت .اودر مدرسهٔ‌نظا میه
هرات نزد اساتید مشهور آنزمان :جنید اصولی ،شهاب‌الدین‌محمدجاجرمی
ودیگران‌به تحصیل علوم متداوله پرداخت .

جامی‌سال ۱٤۳٦ ع بمنظور ادامهٔ‌تحصیل عازم سمرقند شدکه‌در آن
رصدخانهٔ الغ بیك‌دایر بود وزیج‌مشهوراو نیزترتیب میافت .جامی در
این شهر بدیدار قاضی زادهٔ رومی(متوفی بسال ۸٤۰ برابربا ۱٤۳٦-
میلادی)اخترشناس وریاضی دان‌زبردست نائل آمدوازتدریس اوبهره-
مند شد(۱) جامی پس ازاتمام تحصیل‌درسمر قند درسال۱٤٥۲ بهرات
بازگشت وتاپایان حیات‌خود درآنجا بسر برد .(۲)

جامی بتاریخ ۱۷ محرم سال ۸۹۸هجری (۸نوامبر سال۱٤۹۲ میلادی) درگذشت عبدالرحمن جامی میراث‌خلاق‌ثروت معنوی رابجا نهاده اضافه بر مصنفات اشعار زیبادارد وآثاری‌دررشته های فلسفه ، فقیه ، عروض، موسقی وغیره نیزبا وتعلق دارد که توسط دستنویس های کثیری تاکنون محفوظ مانده است وقسمت زیادآ ن بچاپ رسید است .(۳)

تحقیقات بسیاری درباره زندگی وخلاقیت عبدالرحمن جامی وعصر او انجام گرفت ودرار تباط بابر گزاری‌پانصدو پنجاهمین سالروز تولد او (سال١٩٦٤)پژوهشهای علمی‌درجهت‌فرآورد های ذهنی اوتحقیق ویژه ای یافت (٤) ودراین تاریخ برجسته وپس‌ازآن یك‌رشته آثار پیرامون جامی‌و مجموعه های مقالات ومواد کنفرانس‌ویژه سالگره تولد او ازچاپ بیرون آمد. (٥) پژوهشگران باتأکید جهت‌یابی انساند وستانه خلاقیت جامی (٦) جهان بینی‌اورا نیز متذکرمیشوند.اوفرزند عصرخود ومسلمان پرهیز گار وپارسا وپیر وفرقه صوفیه نقشبندی بود. ولی‌برای جامی صوفی گری بیش ازهر چیزهاله ایده‌لوژیك‌مقبولی بودکه درآنزمان بتحقق اندیشه های انساندو ستانه یاری‌میرساند .(۷)

آرمانهای جامی وجهان بینی‌اومبنی‌برپیدایش حاکم عادل‌وانساندوستی که دراندیشه رفاه‌مردم با شدنیز بظهوررسیده واودر تلاش برای بیدار کردن‌احساسات عدالتجو یانه وصلحدوستانه درآثار خود پیوسته به جلوه سیمای چنین‌فرمانر وائی آورده واثارخودرا رهنمود وار برایشان اختصاص داده است . (۸)

جامی ،هم دروطن خویش وهم‌فراتراز مرزهای آن از شهرت واعتبار فراوان برخوردار بود.مردم اورا دوست‌داشتند وگرامی میشمردند .سران دولتها نیز اورا منظور میداشتند وبحساب میآوردند .(۹)

دولتی جامی باعلیشیر نوائی بزرگ برزندگی وخلاقیت او (جامی) تاثیر شگرف نهاده وجامی نه تنها باستعدادواستادی شاعرانه ،دوست) خودارزش‌عالی مینهاد بلکه خصائص انسانی‌وانساندوستانه اوراهم‌گرامی میداشت .(۱۰) بسیاری ازآثارعبدالرحمن‌جامی‌نظیر آثار نوائی درنتیجه دوستی آنها بمنصه ظهور رسیده است .(۱۱)نوائی باتاکید همکاری کامل با جامی درمهمترین موضوعات زندگی اورامعلم روحانی خود میشمرد .(۱۲) دوستی خلل ناپذیر این‌دو چهره برجسته فرهنگ نمونه تابناك تأثیرو عمل مشترك ادبیات فارس ،تاجکی‌وازبکی راارائه نمودہ است .

تضادهای ایده یولوژیك عصر جامی،اندیشه های مذهبی وفلسفی وعرفانی ومحکوم داشتن خودسری واستبدادوبیعدالتی های اجتماعی وغیره در میراث فرهنگی جامی بازتاب یافته است.

برای پژوهش خصلت انساندوستانه خلاقیت جامی وروزگاراونامه های وی که منبع دست اول هستند وویژه خوداواست اهمیت خاصی رادارااست. عبدالرحمن جامی بامعاصران خود،شاعران، دانشمندان ،رجال‌دولتی ، حکمرانان سلسله تیموری، بایزیدوم سلطان ترکیه (سالهای ۱۵۱۲ـ ۱۴۸۱)، شاهان سلسله قره‌قویونلوجهانشاه (۱۴۶۷ـ۱۴۳۷) ،وسلسله آق‌قویو نلو- اوزون حسن(۱۴۶۶۱۴۷۸) ودیگران مکاتبه وسیع‌داشته است. این‌نامه های جامی که بسیارجالب واندوده ازانسان دوستی‌است. باستثنا چند فقره تحقیق نشده اند .آنها عمدتاً درسه مجموعه ذیل بزمان مارسیده است :۱. منشآت جامی‌شامل‌مجموعه نامه هاکه ازجانب شاعر دراخرین سن عمرترتیب یافته است(۱۳)این مجموعه حاوی ۹۱ نامه است (۱۴) نمونه های سبك نامه نویسی‌درنثر فارسی ـتاجیکی و دری قرن پانزدهم راارائه میکند .نامه هادرزمانهای مختلف ملی‌حیات مؤلف آنها نوشته شده اند .آنها درمجموعه بدینقرار گروهبندی از نگاه محتویات شده‌اند :۱۱نامه (۱۵) خطاب به درو. یشان خواجه عبیدالله ،یعنی خود خواجه عبیدالله ۲۲نامه (۱۶)خطاب به ملازمان حضرت سلطنت شاعری سلطان حسین بایقرا (۱۷):۳۳ نامه (۱۸) خطاب به ارگان دولت یعنی علیشیر نوائی که دردولت تیموریان‌درخراسان مقامات عالی رااحراز نموده بوده وخطاب به برخی اززعمادوامرای‌دربار حسین بایقرا ۲۵ نامه (۱۹)خطاب باشخاص مختلف که اکثراً نان خارج‌ازحدود ماوراالنهر وخراسان (درترکیه آذربایجان ،ایران وهندوستان) سکونت‌داشته اند.

منضمات شعری که اساساً رباعی‌هستند در متن منشور نامه های جامی مشاهده میشوند در بخش خاصی(۲۰) ترتیب یافته اند .

برخی از نامه های مجموعه منشآت‌جامی اغلب بعنوان نمونه های سبك مکاتبه در ادبیات فارسی- تاجیکی درمجموعه های کثیر نامه هائی که دراز منه مختلف تنظیم گردیده اندوبه رقعات ، مراسلات ، انشا ، منشآت موسومند نقل شده اند. مثلاًدر مجموعه ایکه توسطملا معین بن حاجی محمد الفراهی (متوفی بسال ۹۰۷ هجری ،۱۵۰۱ میلادی) تنظیم گردیده وحاوی نامه های عهد تیموریان است نه تنهانمونه های نامه های جامی (۲۱) بلکه همچنین پاسخ های آنهامندرج‌میباشد ودرمجموعه هائی که توسط محمود بن شیخ محمد الگیلانی رجل‌دولتی هندوستان درعهد حکمرانان

بهمنی (نیمه دوم سده پانزده) که همچون ملك التجار (مقتول بسال ۱٤۸۱) (۲۲) تدوین شده حاوی پنج‌نامه عبدالرحمن جامی است که بهندوستان (۲۳) ار سال گردیده اند .

۲. خمسته المتحیرین اثر علیشیرنوائی :این‌کتاب سال۱٤۹٤ پس از مرگ عبدالرحمن جامی (سال۱٤۹۲)نوشته شده و مرکب ازمقدمه ، سه مقاله و نتیجه گیری است این اثر-بطور عمده بشرح زنده‌گی وخلاقیت جامی ، دوستی وروابط‌ادبی دوشاعراختصاص دارد. مقاله دوم آن خصائص مکاتبات پرحرارت آنهارا معرفی میکندو بعنوان نمونه در آن ۱۷ نامه جامی به علیشیر نوائی بنحوکامل یامختصرارائه شده است .

نامه ها باتو ضیح مختصراو ضاع‌اجتماعی آن عصرو پاسخ نوائی بآنها همراه میباشد. این مراسلات جامی ازنظر محتوی مربوط‌به عده مکاتبات خصوصی ودوستانه (اطلاع‌دادن از وضع سلامتی ومبادله افکار درمورد موضوعات ادبی واجتماعی وسیاسی وغیره) است . (۲٤)

۳. نامه های بخط خود جامی ازآلبوم نوائی (مرقع علیشیر نوائی)که در مجموعه دستنویس های خاوری‌انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم از بکستان شوروی محفوظاست.

درحال حاضر منشآت جامی وخمسته المتحیرین علیشیرنوائی بچاپ‌رسیده اند. منشآت در مجله دانشکده ادبیات‌دانشگاه تبریز سال ۱۹٦۸ (۲۵) و خمسته المتحیرین درتاشکندسال۱۹٦٦ انتشار یافته اند (۲٦) نامه های جامی مندرج در آلبوم نوائی با ستثنا نمونه های جداگانه (۲۷) هنوز مورد بررسی علمی قرار نگرفته اند .

در تحقیقات سالهای اخیر ومثلا دراثراعلی خان افصح زاد روز گارو آثار عبدالرحمن جامی (صفحه ۱۵۵) تعدادنامه های جامی که بزمان مارسیده‌اند طبق مجموعه های فوق الذ کرو دیگرمجموعه ها (بجز آلبوم نوائی) از ۱۰۹-۱۰۷ تا ۲۰۰-۱۷۰ تعیین گر دیده. باید گفت که این ار قام تقریبی هستند .اگر تعدادنامه هادر«منشآت »جامی و خمسته المتحیرین نوائی را میتوان شمردنامه های‌موجوددر مجموعه های مختلف تا کنون مورد تحقیق متن شناسی جدی واقع نشده اند تا بتوان‌دقیقا گفت کد امیك از آنهادر منشآت جامی وخمسته المتحیرین نوائی‌تکرار میشوندوکد امیك دیگر آنهارا تکمیل میکنند. بهمین مناسبت وظیفه گردآوری وپژوهش مکمل‌همه نامه های جامی که بزمان مارسیده وتحقیق‌پاسخهای آنهاو اطلاعات دیگرمنابعی را که تاریخ نوشتن این یا آن نامه جامی را روشن میسازند امروز نمیتوان

انجام شده شمرد و این مساله هنوز نیاز به پژوهش دارد .

هدف از اثر حاضر تحقیق وچاپ ونشر نامه های دستخط عبدالرحمن جامی از آلبوم نوائی (یامجموعه مراسلات) باضمیمه توضیحات است .

تنظیم کننده آلبوم . سال ۱۹۳۸ این آلبوم به شعبه دستنویسهای خاور جنب کتابخانه عمومی بنام علیشیر نوائی واصل شد. شعبه مذکور بعدها بانستیتوی خاور شناسی جمهوری ازبکستان تبدیل یافت و آلبوم مذکوردر ترکیب بخش محفوظ مانده از کلکسیون کتب دستنوس شریف جان مخدوم (متوفی بسال ۱۹۳۵) کتابدوست مشهور که هنگامی قاضی القضات بخارا بوده (۲۸) دراختیار آن انستیتوقرار گرفت . در باره تاریخچه تشکیل آلبوم و تنظیم کننده آن در خود دست نویس ذکری بمیان نیامده. نام مجموعه مراسلات از سوی شریف جان مخدوم (در کاتالوگ حاوی شرح مختصرد ستنویس ها که توسط نامبرده برای کتابخانه اش ترتیب یافته) بآن داده شده است (۲۹)

در باره منشا پیدایش آلبوم ونحوه بدست آوردن شریف جان مخدوم چیزی ننگاشته ولی پس از برشماری غیرکامل اسامی مولفان نامه هاحدس میزند که تنظیم کننده آن علیشیر نوائی باشدکه طرف مقابل ومعنوی قرارداده شده البوم است (۳۰) این حدس بطرز عین مستقیم باسخنان خود علیشیر نوائی (۳۱) در اثرش بنام نسائم المحبت (سال ۱۴۹۵ ر۹۰۱) که به شرح حال شیوخ صوفیه اختصاص دارد تأییدمیگردد . نوائی نوشته است خواجه عبیداله احرار (متوفی بسال ۱۴۹۰) کی از مؤلفان نامه های موجوددرآلبوم اغلب بمناسبتهای مختلف باونامه مینوشته .شاعر بزرگ از یك آنها را حفظ نمود ودریك مجموعه نامه ها (مرقع) گرد آورده وباجداول رنگین ازیکدیگر مجزا ساخته است (۳۲) مشابهت نحوه تشکیل دستنویس آلبوم باتوضیح نوائی وجود ۱۲۸ نامه دستخطی عبیدالله احرار که پیشینه آنها بر حسب محتوی ونیز بنابر اینکه عناوین نوائی د رآنها مشاهده میشود همگی حق میدهند چنین انگاریم که آلبوم مذکور محتملاً همان مجموعه نامه ها یامرفعی است که نوائی ازآن در نسائم المحبت یادنموده است .

این موضوع که علیشیر نوائی خوددر اواخر حیاتش منشآت راتنظیم نموده ونامه هایش راکه بزبان ازبکی نگاشته درآن متمرکز ساخته گواه برعلاقه مفرط اوبتر تیب دادن چنین مجموعه هامیباشد که درزمان اورواج گردیده است .(۳۴)

درکتب ونشریات علمی اطلاعاتی دراین باره موجود میباشد که علیشیر نوائی چون «منشآت» نامه های خودرا بزبان فارسی تنظیم نموده که تاکنون یافت نشده است (۳۵) ظهیرالدین محمود با بردر باره نامه ضمن وقایع سال ۹۱۱ هجری (برابر باسال‌های ۱۵۰۶ـ ۱۵۰۵ میلادی) در برشماری آثار شاعر بزرگ ازبك ازمجموعه نامه های اوبزبان ازبکی نام‌میبرد (۳۶) .درهر صورت‌وجود ۱۷ نامه فقط بزبان ازبکی (مکاتبه باجامی) در خمسته المتحیرین اومجاز میسازد، برآن شدکه اوپاسخ نامه های بزبان فارسی رابزبان فارسی نوشته است.این اندیشه راگواه ذیل نیز تایید میکند :درمجموعه نامه ها تنظیمی،معین بن‌حاج محمدالفراهی نامه بزبان فارسی مندرج است‌که طبق آنچه که از عنوانش برمیآید به علیشیر ـ نوائی (امیرنظام‌الدین علیشیر) تعلق‌دارد. این‌نامه خطاب به حاکم‌هندو ـ ستان (والی ممالك هندوستان شرف‌خان)(۳۷) نوشته شده .

باین ترتیب میتوان برآن بوَدکه نامه های مندرج درآلبوم توسط اشخاص مختلف درزمان‌های گوناگون نوشته شده اند ودردبیرخانه دولتی باحتمال بیشتر درآرشیونوائی حفظ گردیده‌اند .پس‌ازوفات عبدالرحمن جامی و خواجه عبدالله که مولفان اکثرمراسلات‌هستند شاعر تصمیم گرفت نامه های آنان رابیاد بود آنهادریکجا گردآورد.

ولی جادهی نامه هادرآلبوم توسط‌تنظیم کننده صورت نگرفته زیرانه ازنظر زمان‌وصول به گیرنده وبرحسب‌اسامی مولفان آنها ترتیب بندی‌نشده اند .(۳۸) علیشیر نوائی که شخصاًازوضع نوشتن بسیاری ازنامه ها ی کلکسیون خود مطلع بوده ممکن نیست‌که آنهارا اینگونه بی‌ترتیب در مجموعه خودبگنجاند وباحتمال قوی‌وصالی چسباندن نامه ها به آلبوم وتشکل آنهاتوسط شخصی‌دیگر ی‌ولی بسفارش نوائی که گیرنده اکثر نامه های موجود درآن بوده انجام گرفته است. بنابراین نام«آلبوم نوائی»که درکتب ونشریات باین مجموعه داده‌شده ورواج یافته کاملاً محقانه است . (۲۹)

زمان تنظیم آلبوم طبق اطلاعات‌ضمنی وغیر مستقیم میتواند در محدوده سالهای ۱٤۹۰ ع و ۱٤۹٥ باشدزیرا از یکطرف دیرترین نامه جامی که حاوی تسلیت بمناسبت‌فوت خواجه عبیدالله احرار است در سال ۱٤۹۰ نوشته شده واز طرف دیگر نوائی دراثر خود بنام نسائم المحبت که در سال ۱٤۹٥ تنظیم شده از مجموعه نامه ها (مرقع) که ما آنرا با آلبوم حاضر یکسان میدانیم نام میبرد .

شرح پاله اوگرافیك آلبوم.

شرح پاله او گرافیك آلبوم .آلبوم نوائی درمنبع دستنویس انستیتوی خاور شناسی فرهنگستا نعلوم ازبکستان عبارت ازیك دستنویس منحصربفرد قرن ۱۵ (شماره-۲۱۷۸) ودو نسخه کپیه آن است در زمان ما بسال ۱۹۳۹ توسطای . عادلف تهیه شده اند.

دستنویس شماره۲۱۷۸ که حاوی‌اصل نامه ها است عبارت از کتاب پر عرض وطولی است بابعاد ۴۱×۲۹سانتیمتربا ۴۶ ورق میباشدوروی صفحات آن ۵۹۴ نامه دستخط بزبان‌فارسی متعلق به ۱۶ مولف نویسنده چسپانده شده (۴۱).

نامه هاروی کاغذ ساخت خاورزمین از نوع سمرقندی و اساسا با خط نسخ ونستعلیق نوشته شده‌اند .که خصائص انفرادی خط بزمولف را منعکس میسازد کاغذی که مراسلات‌روی آن چسپانده شده اند از کاغذ نامه ها متفاوت است: اوراق ضخیم‌تر، متراکم تروبراق هستند وبنظر میرسد ساخت هرات باشند. زیرا جدول‌لاجورد وصحاف و وصالی آن این مطلب را میر ساند.

نامه ها که اندازه های متفاوتی‌دارند از ۵×۷ر۳ سانتی متر(صفحه ب ۲۴) شماره ۳۳۹ر۳۳۳ (۴۲) تا ۲۲×۵ر۱۴ سانتی متر (صفحه ب ۴، شماره ۴۷ر۴۶) از یکد یگر با چهار خطی‌نازك (طلائی‌وسیاه) مجزا هستند،خواش دستنویس با چهار خطی مشتمل‌برنوار های طلائی وآبی یافته اند. خطوط مجزا کننده نامه ها گاهگاه‌باکناره های نامه هاتطابق ندارد مثلا در صفحه‌ب ۲۴ در نامه شماره(۳۳۳) ۳۲۹ خط مجزا کننده نامه انتهای کلمه والسلام را جدا نموده ودر صفحه ۲۶ در نامه های با شماره های (۳۵۸) ۳۵۲ و (۳۶۱) ۳۵۵امضأها خارج از خط سمت راست نامه ها قرار گرفته اند، در صفحه ۴۳ .در نامه شماره (۵۷۵) ۵۶۹ صفحه ۴۳ خط از بین امضأمؤلف ویاداشت مضا مین برنامه گذشته ودرنتیجه این‌تاثیرنادرست را در ذهن فراهم میسازد که گویا این قسمت نامه بنامه شماره(۵۷۲) ۵۶۶ که‌درزیرآن قراردارد مربوط میباشد، درصفحه آ ۴۴ درنامه شماره (ب-آ۵۸۴) ۵۷۸ ادامه نامه روی حاشیه وبیش ازابتدا آن چسپانده شده وبعلاوه دوقسمت از یك نامه از یکد یگر با خطجداشده اندوغیره.

نامه های چسپیده به اوراق آلبوم درجهات گوناگونی قرار دارند و بنظر میرسید که این موضوع ناشی از تمایل به گنجاندن حداکثر تعداد نامه دریک صفحه بوده است . سعی درپر نمودن نقاط خالی صفحات آلبوم محتملا ازاین موضوع هم ناشی است که برخی از نامه ها به دو یاسه قسمت بریده ودر کنارهم وصالی شده اند، شماره های ۲۰، ۲۲ـ صفحه آ ٤، شماره(٥٨/٥٣) ٥٢، (٥٦/٥٤) ٥٣ـصفحه ب شماره (آ ٢٨٦/ ٢٨٦) ٢٨٢صفحه آ ١٩، شماره (ب ـآ٢٩٨) ٢٩٤ـ صفحه ب ٢٠، شماره (٣١١)٣٠٧ـ صفحه آ ٢٢ ، شماره (٣٣٨ ـ ٣٣٦) ٣٣١ ، (ب ـآ ٣٣٧)٣٣٢ـ صفحه ب ٢٤، شماره (ب ـآـ ٣٨٣) ٣٧٧، (و ـ ب ـ آ ٣٨٩) ٣٧٨صفحه آ ٢٧، شماره (ب ـآ ٣٨٩) ٣٨٣ـصفحه ب٢٧،شماره (ب ـآ٤٦٢)٤٥٦ صفحه ب ٣٤،شماره(ب ـآ٥٤٥) ٥٣٩ ـ صفحه آ ٤٠ ، شماره(و ـ ب ـآ ٥٤٨) ٥٤٢ صفحه ب ٤٠، شماره (ب ـآ ٥٧٦) ٥٧٠ـصفحه آ ٤٣وغیره. برخی قسمتهای بعضی ازنامه ها د ر اوارق متفاوت آلبوم واقع‌شده‌اند :مثلاً پایان نامه شماره (٥٧٢)٥٦٦ـ صفحه آ٤٣ باحاشیه باریکی روی‌صفحه آ٤٥ بین‌نامه های شماره(٥٩٢) ٥٨٦ (٥٩٥) ٥٨٩ و (٥٩٦) ٥٩٠چسپانده شده وغیره .

نامه های موجود درآلبوم یکسان‌محفوظ نمانده اند ومتن‌برخی ازآنها مقداری آسیب دیده‌اند .(شماره‌ـ٢٩٣ر ٢٨٩ـصفحه آ ٢٠،شماره٥٩١ ر٥٨٥ ـصفحه ب ٥٤٤شماره ٥٩٩ر ٥٩٢ ـصفحه ب ٤٥وغیره) نامه های دیگر موثر ازرطوبت هستند (شماره٥٦٩ ٥٦٣ـصفحه ب ٥٤٢شماره٥٨٤ ر٥٧٨ ـصفحه آ ٤٤وغیره)وبرخی‌نامه هانیز ازلکه های قهوه‌ای رنگ زیان دیده اند (شماره٥٦٨ر٥٦٢ ـصفحه آ٤٢ وغیره).

خواهشمنداست به اعاده (منظوراعاده به ماوراالنهر است) پنج سرـ غلام وکنیزك ونیزگوسفند واسبی‌که تعلق‌به این‌فقیردارند (وآنهارا بخراـ سان برده‌اند)ازروی التفات خاطرشریف مساعدت نمائید .

عکس ٢٠دستنویس ٢١٧٨ ،صفحه آ ١٨، نامه شماره (٢٧٢) ٢٦٧، آنگونه که ازخط نامه برمیآید .مولف‌آن ،عبیدالله است .متن :

نویسنده تصمیم گرفت درآن‌جانب (درخراسان) ملکی بخردکه اداره‌آن به دارنده رقعه واگذار میگردد .خواهشمند است که اگراو بمهمی‌رجوع ملازمان کندبه وی مساعدت‌شود .

متحمل است‌که نامه هاپیش‌ازاینکه درآلبوم درج‌شوندمدت مدیدی درجائی حفظ شده‌اندوفوراً بمحض وصولشان‌درآلبوم چسپانده نشده اند. این

موضوع همچنین ازکوششی که برای ترتیب بندی نامه ها برحسب اسامی مولفانشان بعمل آمده برمیآید. ولی این ترتیب بندی تاپایان بعمل نیامده وگروه بزرگی ازنامه های یك مولف نظیر عبدالرحمن جامی وخواجه عبیدالله احرار درنقاط مختلف دستنویس قراردارند. قطعات جداگانه ای ازنامه ها نیزمشاهده میشوندکه قسمت اساسی آنها مفقود شده اند (شماره ٢٦ر ٢٥ـ صفحه ب ٥٤ شماره ٥٥ر ٥٤ـصفحه ب ٧، شماره ٢٩٢ ر ٢٨٨ ـصفحه آ ٢٠، شماره ٣٠٨ ر ٣٠٤ـ صفحه ب ـ٢١، شماره ٣٢٩ ر ٣٢٥، ٣٣٠ر ٣٢٦ ـصفحه آ ٢٤، شماره ٥٧٠ر ٥٦٤ـصفحه ب ٤٢) همچنین عبارات ناتمامی دیده میشوند (صفحه آ ٤٥ ـچهار عبارت متمایز وناتمام ازنامه های مختلف الحاق یافته اند) گاهی نیز تکه ای بنامه ای ملحق گردیده که نه تنها ازنظرخط بلکه ازلحاظ متن نیز ازآن متفاوت میباشد .(تکه شماره ٣٣٠ر ٣٢٦)در صفحه آ ٢٤ به انتهای نامه شماره ٣٢٧ر ٣٢٣ چسپانده شده، سطر چهارم نامه شماره ٣٣٨ر ٣٣٦ر ٣٣١ بمتن ارتباطی ندارد .

پژوهش نامه های آلبوم از نظرمتن شناسی در مجموع میسر میسازد تامتن اولیه نامه های معیوب را احیانمود. معهذا توفیق حاصل نشد که برخی از تکه ها را بهیچیك از نامه های آلبوم متعلق و منسوب شمرد و ممکن است هنگام تنظیم آلبوم بقیه متن نامه های معینی مفقود شده بودند

همانگونه که قبلا ذکرآن رفت نامه ها در آلبوم دارای امضا باد ستخط مولف ونویسنده شان هستند و فقطدر ٧٥ عدد آنها امضا موجود نیست (در ١١ فقره از نامه ها چنانکه ازردهاواثر های محفو ظبر میاید امضاها کنده ومفقود شده اند .)

برمبنای شباهت خط رادیگر نامه های امضا شده میتوان مولفان مراسلات فاقد امضا رامعین نمود.

امضاها معمولا بریده شده ودر گو شه راست بالای نامه ها ملحق شده اند وبندرت چنانکه گوشه راست بامتن اشغال گردیده باشددر گوشه چپ قرار داده شده اند. (شماره ـ٣٨٦ / ٣٨٠ ٣٨٧ ٣٨١، ٣٨٨/ ٣٨٢ـ صفحه ب ٢٧ وغیره) در ٦٠ نامه امضا ها بریده نشده اند. ودر زیر متن ویادر حواشی سمت راست نامه ها قرار دارند ارحج است در نامه های محمدبن امین الدین واقع درصفحات ـآ ٣٠، ب ـآ ٣١، ب ـآ ٣٢ ،ب ـآ ٣٤، ب ـ آ ٣٥ب ـآ ٣٦وغیره)

خطوط نامه ها در مواردی ازیکدیگر متمایزند . محتملا تنظیم کننده آلبوم ابتدا امضاها راازنامه های یك مولف بریده وبعد آنهارا زیرنامه ها

التصاق نموده‌یی آنکه مراقب انطباق‌امضا بانامه مفروض باشد. بنظرمیر-
سد از اینرو روی برخی از نامه هادوامضا یك مولـف واحد یکـی در بالاو
دیگری درپایان نامه چسپانـده شده(شماره ۲۷۱/۲۶۶ در صفحه آ ۱۸).
نامه هابا مرکب سیاه چین بوسیـله اعداد فرنگی شماره گذاری شده‌اند.
شماره ها سریع نوشته شـده‌اند ازاینرو قسمتـهائی ازیك نـامه واحد
همچون نامه هـای مستقل انـگاشته شده اند وشماره های جدا گانه بآ-
نها داده شده (انتـهای نامه شـماره(۵۸و۵۳و۵۲ ،صفحه ب ۷که توسـط
تنظیم کننده آلبـوم در کنار قـسمت‌آغازین نامه جـاداده شده جـدا گانه
همچون نامه شماره ۸۵ شماره گذ اری گردیـده ، همین وضـع در مورد
نامـه های شـماره ۵۶،۵٤/۵۳ در همین صفحه رویـداده است، شماره
۳۳۸،۳۳۶ ر۳۳۱ ـصفحه ب ١٤وغیره)درعین حال برخی از نامه ها که بدون
فاصله بانامه دیگر چسپانده شده‌انداز شماره افـتاده‌اند (مثلا تکـه ای از
نامهای کـه در آن مـطلب تمـام است‌زیر نامه شـماره ۳۱۸/ ۳۱٤ (برابر
با شماره ۳۱۷ طبق شماره گذاری‌ما)چسپانده شده است .

در صـفحه ٤۱ دستـنویس، فقطامضا عبـیدالله احرار قـرار دارد و
جای نامه خالی است بنظر میرسد که نامه کنده شده ومفقود گردیده است.
باری هنگام شماره گذاری اولیه نامه هادر کنار امضا شماره ۵۵٤ گذارده
شده (٤۳)
ازاینرو در چاپ حاضر شماره گذاری‌نامه ها مجددا صورت گرفته و شماره
های قبلی در آلبوم در داخل پرانتنرقرار داده شده .

صفحه آ ۱، ابتـدا صفحه ب ۱ وحواش صفحه ب ٤۵ بـایادد اشتها و
اشعار هاوی مطالب مذهبی وتصوفی‌که باآلبوم ربطی ندارند اشغال شده
وچنانـکه ازخـط آنـهـا برمیـآیـدتقریبا در آغاز قـرن بیستم نوشـته
شـده‌اند . در صفـحه آ ٤٦ ربـاعی‌عبدالر حمن جامی قرار دارد که در آن
بحساب ابجدتاریخ وفات‌خواجه عبید الله متوفی بسال ۸۹۵ هجری(۱٤۹۰
میلادی) ارائه شده . در همین صفحه اسامی ۱۱ تـن از ١٦ مولف نامه ها
باینقرار ذکرگـردیده : عبدالـرحمن‌جامی، خواجه عبیدالله شاه قاسم انو
ار (٤٤) خـواجه عبدالاول ، خـواجه‌علی، خواجه یحیی ، خواجه حسن بن
علا العطار، خواجه محمد بن امین الد ین خواجه سعـدالدین ، خواجه ابو-
سعید و خواجه صوفي علی .

یادد اشتهای صفحات ب ـآ ۱۰ وآ ٤٦ آ نگونه که از خط آنها برمیآید
توسط دارنده دستنویس یعنی شریف‌جان مخدوم نوشته شده که اثر مهر-

مدور او با تاریخ سال ۱۸۸۹/ ۱۳۰۷در صفحه ب ٤٥ موجود میباشد .
دو نسخه فوق الذ کرکه از روی‌دستنویس شماره ۲۱۷۸ توسط ا ی . عادلف برداشته شده نیزدر انستیتوی‌خاور شناسی فرهنگستان علوم از بکستان باشماره های ٤٢٤٥و٥١٣٦حفظ میشوند . دستنویس شماره ٤٢٤٥ باخط درشت وواضح نستعلق بامرکب سیاه چین روی کاغذ خوقندی برنگ روشن‌زرد گونه رونویس گردیده‌وشامل ۲۱۲ورق باابعاد ۳ر۲۵ر ۱٤ سانتی متراست‌تاریخ رونویسی آ ن‌سال ۱۹۳۹میباشددرصفحات ۲۲۱- گیری رو نویس کننده درج گردیده‌که در آن انگیزه اوبه برداشتن کپیه از دستنویس شماره ۲۱۷۸عرضه شده : این اثر بی‌نظیر عصر علیشیر نوائی که مناسبات متقابل‌شاعر بزرگ باهمعصرانش را باز تاب میکند بعلت دشواری قرائت نامه هاکه باخط رقاع وقسمتی باخط نسخ سده ۱۵ نوشته شده از نظر پژوهش بمیزان اندکی مورد توجه قرار داشت . باینجهت‌ای .عادلف به کشف رمزقرائت نامه ها وتهیه کپیه های مناسب آن برای خواندن پرداخت . تطا بق اصل با نسخ ای . عادلف ثابت میکند که نظر او در این باره که خواندن و فهم خطوط مولفان نامه دشوار است تاچه اندازه صحیح است

نسخه شماره ٥١٣٦ باخط‌نستعلیق‌وجوهر بنفش روی اوراق مختلف دفترکه غذا های آن‌از نوع‌خطداردچهار خانه دارد وغیره اند نوشته شده و شامل ۱٤۰ ورق باند ازه های۲۰×۱۲ سانتیمتر است.تاریخ رونویسی وجود ندارد . متن دستنویس‌ناقص تراز نسخه رونویس شماره ٤٢٤٥ میباشد در آن اضافه برجاافتادگی های انگشت شمار جاخالی های بزرگ موجود است . نامه های‌شماره (٥٦٢) ٦٥٥- (٥٩١) ٥٨٥ که در صفحات آ٤٤-آ ٤٢ اصل آلبوم(مطابق باصفحات آ ۲۰٤ -آ ۱۸۹ نسخه ٤٢٤٥) میباشند حذف گردیده. انطباق متن نسخه های شماره ٤٢٤٥و٥١٣٦ باصل آلبوم (دستنویس شماره ۲۱۷۸) نشان داد که اضافه برجا افتادگی های بزرگ و کلمات‌واصطلاحات جداگانه خوانده‌نشده ودر نسخه شماره ٥١٣٦ جا افتادگی های‌ذیل که برای هردو نسخه مشترک است نیز مشاهده میشود :

نامه های تمام باشماره های (۳۲۸)۳۲٤ در صفحه آ ۲٤ (طبق شماره های دستنویس ۲۱۷۸) (۳۷۲)۳٦٦-صفحه ب ۲٦، (٤۰۸) ٤۰۲- صفحه آ ۲۹، (٥٧٤) ٥٦٨- صفحه آ ٤۳

تکه هائی که مفهوم معینی را داراهستند: نامه های دارای شماره های (۲٦)۲٥_صفحه ب٤(٥۷) ٥٥_صفحه ب۷، (۳۲۹) ۳۲٥ و(۳۳۰) ۳۲٦_ صفحه ب ۲٤، (۳۹۸)۳۹۲_صفحـه ب۲۸؛

نوشته مضاف برنامه شماره (۳۷۱)۳٦٥ درصفحه ب ۲٦ دستخط خودمؤلف نامه متن شعـری ده‌سطـری درنامه شماره (٤٤٥ر٤٤۳) ٤۳۸ درصفحه ب ۳۲

نوشته مضاف بـرنامـه (بـ آ ٥۸٤)٥۷۸ درصفحه آ ٤٤.امضاهای زیری نامه شماره (٥۸۷)٥۸۱ در صفحه آ٤٤نام‌گیرنده (علیشیر نوائی)که توسط مولف درحـاشیـه نـامـه شـمـاره(٥۸٦) ٥۸۰
ازاینقرار نوشته شده ـعلیشیرنوائی‌مدضله العالی (صفحه آ٤٤)
علیرغم ازقلم افتادگی هاوجاهای‌خالی‌مذکور نسخ‌ای. عادلف ارزش علمـی فراوان دارند:محققانی که تـاکنـو ن به آلبوم مراجعه کرده اند اساسأ بر_ آنها تکیه نموده اند. مولف‌این سطورنیزدد کار خود برای تنظیم یك متن انتقادی که دراین اثر درج نـگردیـده کاملاً ازنسخ ای. عادلف بهـره گرفته است .

مولفان‌نامه ها. «آلبوم‌نوائی »همان‌طوریکه قبلاً تذکر داده‌شدحاوی٥۹٤ نامه از ١٦ مؤلف است.پیش‌از نیمی‌ازنامه ها به عبدالرحمن جامی شاعـر نامدار وبقیه بشخصیـتها ی مشهورماوراالنهر وخـراسان درسـده‌پانزده تعلق دارد. نامه هـا اساسـأ بـرای‌علیشیر نوائی ارسال‌گردیده اند که درسال‌هـای ١٤۸۷ ـ١٤٦۹ مقامهای‌عالی دولتی رادر بارسلطان حسـین_ بایقرا درهرات دارا بوده‌است .قسمت‌اندکی ازآنها بسلطان حسین واشخاص دیگر نوشته شده اند مثلاً نامه شماره(١٦٤) ١٥۹، آنگونه که از حواد ث مذکور درآن برمیآید برای سلـطان‌ابوسعید (١٤٦۹ ١٤٥١) پاد شـاه سلسله تیموری کـه قبل ازسلطان‌حسین بایقرا حکـمران ماورالنـهر و خراسان بوده بیش ازعزیمت او برای‌لشکرکشی به آذربایجان درسال١٤٦۸ فرستاده‌شده است (٤٥) تقاضاهـای‌ارائه کمك‌مادی به مستمندان موقوفا_ ت‌صورت میگرفت درخواست میشد نه تنها برای نوائی بلکه همچنین برای صدرها که اداره کننده گان امور وقف بوده‌اند نامه ها ارسال‌نمود(٤٦)
نامه هااز نظرتعداد، بترتیب، بمو لفان ذیل تعلق داشته :

١. عبدالر حمن جـامی. در آلبوم۳۳۷ نامه دستخطی باومتعلق است .

۲. خواجه عبیدالله احرار- شیخ‌متصوف مشهور و فئودال بزرگ که اراضی عظیم واموال دیگر را درماوراالنهرو خارج از آن دارا بوده است . او بعنوان رئیس فرقه نقشبندی‌درتصوف در ماورا النهر و خراسان از اعتبار فراوان برخور داربوده وبر-افکار عمومی زمان خود نفوذ بسیار داشته .خواجه احرار درماه‌رمضان‌سال ۸۰٦ هجری (مارس- آوریل سال ۱٤۰٤میلادی)متولد شده وآخرربیع الاول سال ۸۹۵ (۲۱فوریه سال ۱٤۹۰) وفات نموده است (٤٧)

در آلبوم ۱۲۸ نامه خواجه احرارکه همگی دارای امضا الفقیر عبیدالله هستند موجود میباشد (٤٨). دراین‌مورد فقط یك نامه آنهم باشماره ۲٦٦/۲٧۱- صفحه آ ۱۸ مستثنی‌است که در آن بجای امضا مذکور که در گوشه راست بالا الصاق گردیده‌امضا دیگری هم‌از اینقرار وجود دارد: الفقیر عبیدالله ابن محمود این امضادر حاشیه نامه جاداده شده وهمزمان با خود نامه نوشته شده است .

نامه های خواجه احرار عمدتا مربوط به مناسبات اجتماعی سیاسی متقابل ماورا النهرو خراسان درنیمه دوم‌قرن پانزد هم است باینقرار: منازعات درونی تیموریان واز جمله بین پسر. ان سلطان ابوسعید (مقتول بسال ۱٤٦۹)-سطان محمود (سالهای ۱٤۵۹۱٤۹٤) وسلطان احمد (سالهای۱٤۹۳ -۱٤٦۸) از یکسوو سلطان حسین بایقرا (سالهای۱۵۰٦ -۱٤٦۹که پس ازمرگ ابوسعید درخرسان تخت وتاج‌راتصرف نمود ازسوی دیکر (٤۹)و نیز موضوعات مذهبی (وعظهاشیخ شامل تحکیم شریعت ریشه کن کردن الحاد)(۵۰) در نامه های‌خواجه احرار مسائل مربوط فعالیت مالی واقتصادی (خرید اراضی، مرا جعت بندگان وغیره) مطرح است (۵۱)

عده‌ای از نامه های خواجه احرار،علیشیر نوایی و سلطان حسین بایقرا حاوی خواهش و تقاضا است در این‌موارد خواجه احرار، گاه برای جلب حمایت به جامی نیز رومیآ ورد. برخی‌از نامه های آلبوم این موضوع راتا یید میکند (۵۲)

۳. محمدبن امین الدین. در آلبوم٤٤ نامه اوموجود است (۵۳) وامضاءش از اینقرار العبدا لفقیرالی الله‌الکریم الغنی محمد بن امین الدین همواره زیرنامه ها واقع است . خط‌امضاها و برخی از نامه هایش متفاوتند احتمال دارد که این نامه هابدد یکته امین الدین به نشیش نوشته شده اند ولی توسط خود اوامضا گردیده اند .

عکس ۱۱ شماره دستخط ۲۱۷۸

صفحه ب ۳۸ شماره نامه ۵۰۶

(۵۰۰)

درباره محمدبن امین الدین اطلاعی در اختیار ما نیست . او در نامه هایش خطاب به علیشیر نوائی اوراعزار جمند الولد اعزالا کرم مینمامد (٥٤). ازقرار معلوم امین‌الدین‌گیرنده نامه بوده است .

در نامه های امین الدین اساساتقاضای اختصاص وجوه ووسایل مادی برای محصلان مدرسه های هرات‌مشاهده میشود. اودریکی ازنامه ها (شماره ٤٧٣/٤٧٩ ـ صفحه آ ٣٦)ضمن توصیه برای شخصی او را شاگرد خود مینامد ازین موضوع چنین برمیآید که امین الدین مدرس یکی از مدرسه های هرات بوده است امین‌الدین خطاب به نوائی عناوین اورا بر میشمارد (٥٥) ودر یکی از نامه هادرکنار عنوان امیر کبیر نام گیرنده یعنی امیر علیشیر را نیز ذکرمیکند(٥٦) .

اضافه بر این اودر نامه های شماره٤٢٣/٤٢٩ ، صفحه ب ٣٠ و شماره ٤٣٠/٤٣٥ صفحه ب ٣١ مینویسدسیمی ولی الله الغالب ونیز درسه نامه دیگر (شماره ٤٢٧/٤٣٢ ، صفحه آ ٣١ ، شماره ٤٣٧/٤٤٢، صفحه ب ٣٢، شماره ٤٧٨/٤٨٤ صفحه ب٣٦)مینگارد .

سیمی اسد الله الغالب‌وباین وسیله تاکید میکند که گیرنده باخلیفه چهارم حضرت علی همنام‌است . زیرا ولی الله غالب ، القاب خلیفه چهارم اند .

٤:میر عبدالاول‌نیشا پوری (٥٧)یکی‌ازدستیاران وداماد خواجه عبیدالله احرار مولف کتاب مسموعات‌حاوی شرح زندگی این شیخ است (٥٨) میر عبدالاول اهل نیشا پوراست‌ودر اول ذی الحجه سال ٩٠٥ (٢٨ـژون سال ١٥٠٠) در گذشته (٥٩).پدراو که احتمالا فئودل ثروتمندی بود مزرعه را بنام خانشاه در نیشاپورسبود اعقاب خودوقف نمود.نامه شماره ٣٧٥/٣٨١ ـ صفحه آ ٢٧در آلبوم ١٦ نامه خود عبدالاول که توسط خوداو چنین بامضاً رسید :«الفقیر عبدالاول (٦٠) و١٢نامه که مشترکاً باmولانا قاسم هوادار دیگرایشان خواجه احرار نوشته است‌وجود دارد .(٦١)

نامه های عبدالاول اساساً بموضوعات‌مذهبی (تحکیم شریعت وغیره)دا دن سفارش های خواجه احراردرمورد منافع‌سیاسی، اقتصادی ومالی‌او اختصا ص دارند .عده‌ای ازنامه ها باز تابنده‌مناسبات متقابل‌شخصی اوبامر سلالیه است‌که چنانکه ازعناوین آنها برمیآیدعلیشیر نوائی بوده .

۵: خواجه علی ـ شاگرد دیگر ودامادخواجه احرار اغلب بسفارش او بهرات میآمده ومورد پذیرش ونوازش سلطان حسین بایقرا واقع میشده .میرعبدالاول فوق الذکر درباره اوهمچون درباره شخصی که حتی درزمان حیات خواجه احرار فوت کرده سخن گفته است(یعنی قبل ازسال ۱۴۹۰)(۶۲) در آلبوم ۲۳ نامه خواجه علی موجـود میباشد (۶۳)که نزده عده آنها بامضاء او «خواجه علی» (یابطورساده علـی)،سه عدد مشترکاً باقاسم(۶۴) نوشته شده و ٤ نامه هم بدون امضاً میباشدکه براساس شباهت خط وسبك نامه به خواجه علی منسوب شناخته شده ـ اند .متن نامه ها بطورکلی بمتن نامه های عبدالاول نیشاپوری نزدیـك است ومعطوف بدفاع ازمنـافع خواجه احرار وکسانی است که باتقاضا های گوناگون باو مراجعه نموده اند .نامه هاآنگونه که ازمتن آنها بـرمـیآیـد بنـشانـی علیشیر نوائی وقسماً برای حسیـن بایقرا نوشته شده اند .

۶: مولاناقاسم (۶۵) ـ اهل روستای فرکت (نزدیك تاشکند) بوده وتقریباً ۵۰ سال نزدعبیدالله احرار خدمـت کرده ودستیار وفادار اوبوده .معا ـ صران آنگونه که از منابع برمیآ یـد مولاناقاسم راسایه خوا جه احـرار مینامیدند .اوبانزاکت وخوش سلوك بود وبهمین جهت خواجه احرار اورابا سفارشهای خودمعمولاً بعنوان شخصـی مورد اعتماد خویش نزدحکمرانان و اشخاص بـلند پایه گسیل مـیداشته مولاناقاسم درسن ۷۰ سالگی درششم ماه ذی الحجه سال ۸۹۱ (۳دسامبرسال ۱۴۸۶) درگذشت (۶۶)

آلبوم حاوی ۵ نـامه است (۶۷) که از سوی مولا ناقاسم امضا شده ۱۵۰ نامه هم توسط او همراه خواجه علی وعبدالاول نگاشته شده . متون نامه های مولا نا قاسم مرجحا مربوط باموروسیاسی واقتصادی ومالی خواجه احرار ، خانواده ودر ویشان نزدیك باودرماورا النهر نیمه دوم قرن پانزده است ومرسل الیه اوعلیشیر نوائی وسلطان حسین بایقرا میباشند .

۷ـ محمد تباد کانی ـ شمس الدین محمد تباد کانی مولف چـند شرح بر آثار عرفانی اسـت شرح اسـم الله شرح مـنازل السـایرین مخـمس بر قصیده برده او مترجم اربعین حدیث از عربی بفارسی نـیز هست . او در سـال ۸۶۶ بـرابر با سـال ۱۴۶۲ـ۱۴۶۱ مـیلادی با خواجه عـبیدالله احرار در سمر قند ملاقات نموده است. محمد تباد کانی با علیشیر نوائـی مناسبات نیك دوستانه علیشیر نوائی دستور داد نزدیك مقبره او خانقاهی بسازند که همچون خانقاه جماعت خا نه (۶۸)شـهـرت یافت .محمد تـباد

کانی بسال ۱۴۸۶ ـ ۸۹۱ بسن ۸۰ سالگی درگذشت ودرهرات در محل خیابان بخاك سپرده شد .

آلبوم حاوی پنج نامه (٦٩) محمدتبادگانی باامضا الفقیرالداعی محمد تباد کانی است . (۷۰) این نامه ها باز تا بنده مناسبات متقابل اوبا علیشیر نوائی وفعالیت اجتماعی است. مثلا او برای انتصاب شخص معینی بمقام خطیب در هرات واحیا حقوق درو یشان به کشتزار کوشش میورزدو تقاضا میکند مقصران واقعه خونین که در اثر آن در و یشان خسران وزیان دیده اند کشف شوند .

۸. خواجه محمد یحیی پسر دوم خواجه عبیدالله احرار است. امضاو در نامه ها الفقیر محمد یحیی است محمد یحیی شاگرد پدر خود بودوپس از مرگ او (سال ۱۴۹۰) دارائیو مقام روحانی اورابارث برد . اوبارهااز سمر قند به هرات سفر کرده درآنجا باعبد الر حمن جامی و علیشیر نوائی وحسین بایقرا ملاقات نمود. محمد یحیی همراه بادوپسر خود توسط سپاهیان شیبانی خان در سمرقند بتاریخ ۱۵ محرم سال ۹۰۸ (۱۱ اوت سال ۱۵۰۰) بقتل رسید و در جوارپدر در گورستان محله کفشیر دفن گردیده است . (۷۱)

در آلبوم ٦ نامه محمد یحیی (۷۲) موجود است . این مکاتبه شخصی اوبا علیشیر نوائي و حسین بایقراست ونیز توصیه هائی برای اشخاص دیگراز حلقه در ویشان ماورا النهردر مورد تعلق گرفتن اموال ارثی موجود در اراضی خراسان وحمایت ازآنان در امر زندگی شان ونیز توصیه یاری با شخاص است از سمر قند بهرات عزیمت میکنند .

۹. خواجه محمد عبدالله ، پسرارشد خواجه عبیدالله احرار همچنین بالقب های خواجه کلان خواجه ، خواجه خـــو ا جـــه مـــشـــهـــو ر است (۷۳) سال ۱۵۰۰ هنگام یورش سپاهیان شپانی خان بسمرقند، محمد عبدالله باند یجان گریخت ودر آنجافوت نمود ولی در تا شکند در گورستان قفال شاش (۷٤) بخاك سپرده شد .ودر آلبوم سه نامه خواجه محمد عبدالله (۷٥) موجود است که در آنهااو در خواست میکند در امور اشخاص معینی که از سمر قند عازم هرات هستند مساعدت شود (اجازه آوردن خویشان آنهااز هرات بسمرقند حفظ حق بارث بردن دارائی خویشان متوفی وغیره) امضا او درنامه ها چنین است : الفقیر محمد عبدالله .

«۱۰» خواجه محمد بن‌علاالعطا رنواده علا الدین عطار (متوفی بسال ۸۰۲/۱۴۰۰) است که نخستین جا نشین شیخ‌مشهور بخارا بهاالدین نقشبند (متوفی بسال ۷۹۱/۱۳۸۹) (۷۶) بنیان گذار فرقه نقشبندی در تصوف بوده . امضا خواجه محمد در نامه ها چنین است: «خادم الا برار مخمدبن حسن بن علا العطار» در آلبوم سه نامه باو تعلق دارد (۷۷) که محتوی آنها توصیه دربرابر گیرنده‌نامه ها در باره اعطار اجازه به ارائه کنند گان نامه و خویشان آنها برای‌خروج از هرات بماورا النهر ومسا عدت به عا زمان مکه جهت انجام حج‌است وغیره .

۱۱ـ ابوسعید ـ متولد اوبه در خراسان‌است او در جوانی بمنظور تحصیل بسمرقند امد ومدتی در مدرثه الغ‌بیك بعلوم دقیقه اشتغال ورزیدولی بعد پیرو خواجه عبیدالله احرارگردید و بتصوف گرائید وطی ۳۵ سال بلا وقفه نزد ایشان ماند (۷۸) . خواجه احرار او را بسیار گرامی میداشت . مثلا دریکی ازنامه های ارسالی بخراسان او خواهش نموده» متعلقان ابوسعیدکه درآن جانب(درهرا ت)اند تشویش نکشند» تا او خدمت خود خواجه احرار را قطع نکند (۷۹)امضا ابوسعید در نامه‌ها« الفقیر الحقیر ابوسعید» است. در آلبوم سه نامه خصوصی او (۸۰) حاوی دعای خیر برای گیرنده وجود دارد .

۱۲ـ سعدالدین: در باره‌او اطلاعی‌دردست نیت .در «مجموعه دستنویسهای خاوری فرهنگستان علوم ازبکستان»جلد ۱ـصفحه ۱۵۰ بدون‌اسناد به هیچ منبعی سال مرگ او۱۴۵۵ر۸٦۰یا ۱۴۵۷ ر۸٦۲ ذکرگردیده .اگراین موضوع باواقعیت منطبق باشد درآنصورت دونامه او(۸۱) که‌درآلبوم است‌برای سلطان ابوسعید (سالهای‌حکمرانی ۱۴٦۹ ـ۱۴۵۱) ونه برا ی حسین بایقرا (سالهای ۱۵۰٦ـ۱۴٦۹)ارسال‌گردیده ولذا چارچوبه زمانی نامه‌ها بحساب مرحله اسبق تغییرمییابد .

یکی ازنامه ها دارای امضاأالفقیرالداعی سعدالدین «ودیگر ی باامضاأ» اقل عبدالله الداعی سعدالله است .باوجود تفاوت خط های نامه ها رسم‌الخط «سعد»و«الداعی» درامضاها یکسان است .احتمال دارد که درنامه دوم‌نام سعدالله برای همقافیه بودن باکلمه عبدالله نوشته شده وخود نامه با دیکته مولف‌آن که‌همان سعدالدین است کتابت گردیده .درهردو نامه افزون برآرزومندی های نیك برای‌سلطان (نام‌وجودندارد) وملازمان اوارسال تسبیح آورده شده‌ازمکه برای‌او اطلاع داده‌میشود .ضمنا

451

باسمه سبحانه

امیر علیشیر بعد از عرض بندگی و دعا بحضرت امارت پناه علی
دام دولته
وزیر رفیع مقرب الحضرت السلطان امیر کبیر روشن ضمیر حضرت
بازنمودنی آنکه جناب فضائل مآب مولانا اعظم
ابن
مولانا اسحاق النظامی زید توفیقه اند و بسیار
ضعیف اند و از عنایت و مرحمت الحضرت
امیدوارند توقع آنکه شفقت و عنایت
ایشان
از دریغ ندارند بوده رفیع باد دوام والسلام والاکرام

عکس ۸، شماره دستخط ۲۱۷۸ صفحه ۳۳۲، شماره نامه (۴۵۰) ۴۴۵
مؤلف محمدبن عبدالملک

مؤلف نامه شخصی رابنام درویش‌ولی‌که بدربار سلطان عزیمت نموده توصیه میکند .

۱۳ـ محمدبن عبدالملك .ماازاواطلاعی‌دردست نداریم .خواندمیردر مورد محمد بن عبدالملك همچون در باره یکی‌از «اعاضم اهل‌قلم» (۸۲) زمان علیشیر نوائی نام‌میبرد .درآلبوم یك‌نامه او(۸۳) که برای علیشیر نوائی نوشته شده درج گردیده است .درآن‌نام وعنوان نوائی‌چنین‌آمده‌است:

مقرب‌الحضرت السلطان امیرکبیر...امیرعلیشیر «. بنابر نظری که درکتب ونشریات ،مقبول واقع‌شده، این‌عنوان‌درسال ۱۴۸۹ پس‌از مراجعت نوائی‌از استرآباد که‌درسال ۱۴۸۷ به‌حکمرانی‌آن منصوب شده‌بود ورودش بهرات وکنار گیرش ازمقامات دولتی به‌وی‌تعلق گرفته (۸٤) .این‌موضوع امکان میدهد که‌تاریخ نامه‌را قبل‌از سال۱۴۸۹ دانست .امضاً نامه‌چنین است: «الداعی بالخیر محمدبن‌عبدالملك» .

١٤ـ محمد تقی الدین بنابگفته خواندمیرنام‌او سعیدتقی‌الدین محمدکرمانی است‌اوپدران‌زن خواجه محمدعبدالله فوق الذکر پسر ارشد عبدالله احرار بوده (۸۵) . در آلبوم یك‌نامه او (۸٦) باامضا لفقیرالداعیی محمد تقی والدین موجود است‌این نامه حاوی در خواست ار سال وقف نامه مقبرۀ قسم‌بن العباس‌واقع‌درسمرقند باذکر دقیق تقسیم وجوه بین خادمان مقبره است . نامه بنام ملازمان حضرت سلطنت شعاری یعنی سطان حسین‌بایقرا نوشته شده .

۱۵ـ شیخ صوفی علی . یکی ازرجال اهل تصوف خراسان درنیمه دوم قرن ۱۵ بوده وبگواهی خواندمیردرا واخر حکومت حسین بایقرا (سالهای ١٥٠٦ ـ ١٤٦٩ در گذشته است (۸۷) در آلبوم یك نامه او (۸۸) باامضا»خادم الفقرا «والمساکین‌صوفی علی» وجود دارد ودر ان تقاضای مساعدت به رساندن وجوه نقدی بدرویشان عاز م‌حج‌شده‌است‌که بخش از آن (وجوه) بآنها نرسیده است .

١٦ـ محمد خواجه (؟)امضادر نامه خوانا نیست و میتوان فقط قسمتی از آنرا باینقرار خواند: «محبه مخلصه ... محمد خواجه» . در کاتا لوگ «مجموعه دستنو یسهای خاوری فر هنگستان علوم از بکستان شوروی (جلد ۱ صفحه ۱۵۱) نام مذکور«محمدبن خواجه بهاالدین» آمده ولی چنین فرائتی باهیچ چیز تا یید نشده

. در نسخ پیشگفته ای عادلف یادداشت شده که امضا خوانده نشد ». در آلبوم یك نامه به محمد خواجه تعلق دارد (۸۹)و چنانکه از متن آن

برمیاید مولف نامه یکی از مریدان‌ایشان عبیدالله احرار بوده. او با پیروی از پیشوای خود در مرو مقابر مقدسه و نقاطی را که ایشان در آنجا بوده زیارت نموده است. محمدخواجه در نامه اجازه حضور نزد گیر نده نامه را تقاضا میکند واما گیرنده آنگونه که ازعنوان نامه مقرب‌الحضرت السلطانی برمیآید علیشیر نوائی بوده که او نیزدر همان زمان درمرو اقامت داشته است. باین ترتیب، نامه محمد خواجه هنگام یکی از اقامت های علیشیر نوائی در مروپس‌ازمرگ خواجه احرار (سال ۱۴۹۰) نوشته شده و این دربهار سال۱۴۹۹درزمانی بوقوع پیو سته که نوائی طی عزیمت خود از هرات بمکه جهت‌انجام مراسم حج بمشهد رسید ولی بنابر مشورت سلطان حسین بایقراکه در مربوط سفر حج‌راموقوف ساخت وبمرو رفت (۹۰).

باین ترتیب مولفان نامه های‌دستخط موجود در آلبوم اشخاص تحصیلکرده زمان خود بود ه‌اند و ازاینرو نامه های آنهانه تنهااز نظر بینظیری خود بلکه همچنین از لحاظ‌سندیت دارای ارزش علمی فراوانند. آ نها مساعدت میرسانند که بتوان‌حیات فرهنگی خراسان وماورا النهر قرن ۱۵را کاملترو گسترده ترمتصورشد.

اکثر مولفان نامه هااهل فرقه نقشبندی میباشند ونامه هایشان که معمولا طی شرح آلبوم در کاتالوگ«مجموعه دستنویس های خاوری فرهنگستان علوم ازبکستان شوروی»(جلد ۱، صفحه ۲۴۹) تذکر داده شده تاریخ در ویشی قرن ۱۵ را روشن‌میسازد ونقش آنرا در جامعه مکشوف مینماید.

درنامه ها اغلب‌موضوعات اقتصادی،مالی وسیاسی مطرح میگردد ولذا مواد تاریخی جالبی را در اختیارمحققان میگذ ارد.

تاریخچه پژوهش آلبوم. «آلبوم‌نوائی» بلافاصله پس ازوصول به شعبه دستنو یسهای خاوری‌کتابخانه عمومی بنام‌علیشیر نوائی ورونویسی از آن توسط ای. عادلف(سال ۱۹۳۹) همراه‌با کشف خطوطد شوار خوان نامه ها توجه محققان رابخودجلب نمود. نخستین یاد آوری از آلبوم سال ۱۹۴۰ در مقاله آ. آ.مالچانف تحت عنوان «خصوصیات سیستم مالیاتی در هرات در عهدعلیشیر نوائی» (۹۱) صورت گرفته.
سال ۱۹۴۸ مقاله ر. ن. نبیف‌زیر عنوان » از تاریخ حیات سیاسی واقتصادی ماورا النهر قرن ۱۵ (یاد داشتهائی درباره خواجه احرار)(۹۲) انتشار یافت. مولف در آن ٦ نامه دستخط خواجه احر ار را که گواه

برتجارت وسیع او در ارض خراسان استفاده از اعتبار رو خانی خود برای کسب سود است نقل نمود. خواجه احرار بارها برای جلب حمایت از امور تجاری خود بدر بار تیمور یان در هرات رو آ ورده . مثلا در دونامه منقول توسط ر . ن . نبیف از گیرنده نامه ها تقاضا شده که از ارائه دهنده نامه های حمایت به عمل اید به تقدیم کننده گان سپار ش شند ه بوده که در خراسان گوسفندان، اسبها و کالاهای مختلف نظیر کاغذ کنجد، برنج، پنبه وغیره را که بخواجه احرار تعلق داشته اند بفروش رسانند (۹۳) . خواجه احرار در نامه های دیگر خواهش میکند به عودت بندگان ، غلامان واسبهای متعلق به وی (خواجه احرار) از خراسان بماورا النهر که توسط اشخاص ازماورا النهر بخراسان برده شده اند مساعدت گردد (۹٤) و به گیرنده نامه تذکر میشود که شریعت رادرخراسان تحکیم وتقویت بخشد همانگونه که این کاردر زمان خود ازسوی سلطان بوسعید درماوراًالنهرانجام گردیده (۹٥) وغیره .

سال ۱۹۵۱ آ. آ. سمیونف متن وترجمه ازفارسی بروسی دونامه دست خط خواجه احرارمندرج در «آلبوم نوائی» را با شرح مختصری درباره دستنویس شماره ۲۱۷۸ (۹٦) بچاپ رسانید .دراین اثر آ.آ. سمیونف راجع بآلبوم بمثابه یك اثر تاریخی مکتوب پرارزش ملل آسیای میانه سخن گفته است .
درپی این اطلاع ،جلد یکم کاتالوگ «مجموعه دستنویس های خاوری فرهنگستان علوم ازبکستان شوروی »تحت رواکسیون آ.آ. سمیونف ازچاپ برآمد که درآن مشروحتر از اطلاع آ.آ. سمیونف راجع به آلبوم توضیح داده شده واسامی ١٦ مولف نامه ذکر گردیده وفاکسمیل یك نامه جامی هم ارائه شده است (۹۷) .

سال ۱۹٦۰ ع. بهرامی ضمن تحقیق نظرات اجتماعی واقتصادی جامی(۹۸)، ، دونامه از «آلبوم نوائی »مربو ط بموضوعات بازرگانی ووضع دهقانان (۹۹) رامورد استفاده قرار میدهد .سال ۱۹٦٤ بانو براتوا اطلاع مختصری راراجع بآلبوم مذکورارائه نمود(۱۰۰)
او بااستفاده ازنسخ آلبوم که توسطای عادلف درسال ۱۹۳۹ (شماره ۲٤٤٥) رونویس شده اهمیت نامه های موجوددرآن رابرای تحقیق حیات اجتما عی واقتصا دی دولت تیموریان تاکیدمیکندوترجمه مختصرنامه عبدالرحمن جامی (۱۰۱) ویك نامه خواجه احرا ر (۱۰۲) راازفارسی باازبکی ارائه مینماید . براتوا دراثر خود راجع بتاریخ اندیشه اجتماعی واقتصادی درازبکستان درقرن پانزده (۱۰۳) همچنین ازچندنامه عبدالرحمن جامی

که درنسخه ای. عادلف (شماره ٤٢٤٥)موجود است، استفاده میکند.(١٠٤).
درارتباط با ٥٥ سالگی زاد روز جامی سال ١٩٦٥ دد تاشکند کاتا لوگ تنظیمی مولف این سطور، همراه با بانول.م. پیغانوا بچاپ رسید (١٠٥) که آن فهرست ٥٣١ دستنویس از ٤٦ عدد اثر جامی ارائه گردیده .افزون برشرح مختصری آلبوم درآن همچنین چهارعکس دستخط جامی از «آلبوم نوائی» درج شده است (١٠٦).

درمجموعه مقالات مربوط به هشتاد سالگی یان ریپکا دانشمند ایرانشناس مشهور چکسلوا کی که سال ١٩٦٧ درپراگ ازطبع بیرون آمد مقاله «نامه های عبدالرحمن جامی منبع تعیین کننده خصائص شخصیت جامی درشمار آید» (١٠٧) که انتشار یافت. دراین مقاله محتوای ١١ نامه جامی از «آلبوم نوائی» که باز تابنده نظرات این شاعر درباره حیات اجتما عی و اقتصادی کشور ومراقبت اواز مردم ساده است عرضه گردیده است.(١٠٨).

سال ١٩٧١ سه نامه عبدالرحمن جامی که درآلبوم مذ کورموجوداست برای حل موضوع مورد اختلاف نظر راجع بهنگام سفرعلاءالدین قوشچی(١٠٩) اختر شناس مشهور شاگرد الغ بیك وهمکار اودررصد خانه سمرقند از آسیای میانه بترکیه، مورد استفاده قرارگرفته .

همه پیشگفته هاگواه برعلاقه کاهش ناپذیر جوامع علمی به «آلبوم نوائی » همچون منبع پرارزش است که هنوزموضوع تحقیق همه جانبه واقع نشده. این وضع نیز انگیزه پژو هش آلبوم، تهیه متن اصل ونامه های جامی وتوضیح نکات آنها گردیده .

نامه های دستخط عبدالرحمن جامی. تقریبا همه نامه ها که در «آلبوم نوائی» (١١٠) عرضه شده دارای امضا اوباخط نسخ است. امضاها توسط تنظیم کننده آلبوم معمولا درگوشه راست بالای نامه ها الصاق گردیده‌اند وفقط ٢٤ نامه (١١١) فاقدامضا هستند ولی خط وسبك متون آنها بانامه ها ی دارای امضا جامی یکسانند .

امضا معمولی جامی چنین است :«الفقیر عبدالرحمن الجامی» ولی دریك مورد (صفحه آ ١٣، شماره(١٤٦) ١٤١ اومینویسد :«داعی مخلص عبدالرحمن» امضا آ خراو تند نوشته شد، اکثر نامه های جامی باخط نسخ خوانائی نوشته شده که دردیگر دستنویس های دست خط اواز مجموعه دستنویسهای خاوری فرهنگستان علوم ازبکستان شوروی(١١٢) مشاهده میشود وفقط برخی از هایش تندنوشته شده ونسخ معمولی جامی بنستعلیق شیب دارکه حتی گاهی

دارای عناصر شکسته است گذرنموده . بنظر میرسد که این امر ناشی ازوضعی بوده‌که نامه هادر آن‌کتابت‌یافته اند (نظیرعجله وغیرعادی‌بو دن اوضاع وغیره) (۱۱۳)

تطبیق نامه های متعلق بجامی که درآلبوم وجود دارند بانامه های او د ر «منشآت جامی» (شامل۹۱ عدد) وخمسته المتحرین علیشیرنوائی (شامل۱۷عدد)نشان دادکه از نامه های‌اخیر جمعا ۲۰ عُدد بشکل دستخطجامی در آلبوم موجود است .

صفحات دستنویس شماره های نامه های موجود درآلبوم نوائی»(۱۱٤	صفحات دستنویس در منشآت‌جامی—(۱۵۱)	صفحات چاپ خمسته المتحیرین
صفحه ب ۱، شماره ۲	صفحه آ ٥٤٦	علیشیر نوائی (۱۱٦)
رر ب ۱رر ۳	رر آ ٥۳۸	—
جامی (۱۱٥)		—
صفحه آ۲شماره ٦	صفحه آ ٥٤٦	صفحه ٤۱
آ ۲ شماره ۷	رر (۱۱۷) ب۷	—
ررب ۲ رر ۹	رر آ ٥٤۲	—
ررب۲ رر ۱۱	رر ب ٥٤٥	—
رر ب۲ رر ۱۲	رر آ ٥۳۹	—
ررآ ٥ رر (۲۹)۲۸	رر ب ٥٤۱	—رر ۳۸
رر آ ٥ رر(۳۰) ۲۹	رر ب ٥٤۱	رر ۳۸
آ ٥ رر ۳۰(۳۱)	رر ب ٥۳٦	—
رر آ ٥ (۲۲) ۳۱	رر ب ٥٤٥	رر ٤۱
رر ب ٥ رر (۳٤) ۳۳	رر ب ٥٤٤	رر ٤۲
رر ب ٥ رر (۳٤) ۳۳	رر آ ٥٤۳	—
رر آ ٦ رر (٤۳) ٤۲	رر آ ٥۳٦	—
رر آ ٦ رر (٤٤) ٤۳	رر ب ٥۳۷	—
رر ب ٦ رر (٤۷) ٤٦	رر ب ٥٤٥	—
رر آ ۹ رر (٦٦) ٦۱	رر ب ٥٤۲	—
۹۸ شماره (٦۹) ٦٤		
رر ب ۱۱ رر (۱۱۰) ۱۰٥	رر آ ٥٤٥	—
رر ب ۱۲ رر (۱۲۹) ۱۲٤	—	رر ٤۷
رر آ ۲۹ رر (٤۰٥) ۳۹۹	رر آ ٥٤۱	رر ٤٤

باری ، در آلبوم ۳۱۷ نامه اصلی جامی که برای علم کم آشنا است وجود دارد .

پژوهش قیاسی نامه های جامی در «منشآت» اوودر «آلبوم نوائی» نشان داده است که در منشآت نامه هائی گرد آوری شده که بارعایت قواعد سبك نثر مکاتبه ای مصنوع فارسی قرن ۱۵ نوشته شده‌اند که از قرار معلوم مولف آنها را نمونه این سبك شمرده است وحال آنکه نامه های آلبوم غالبا بازبان کاری مختصر اغلب بسبك «سپارش» (۱۱۸) نوشته شده اند واز قیودات سبك سنتی نثر مکاتبه ای سده های میانه فارغ میباشند (۱۱۹) . افزون بر این ، نامه های آلبوم که جنبه کاری دارند ممکن است سریع دریك نسخه نوشته شده وفقط نزد مرسیل الیه محفوظ مانده اند این موضوع که در برخی از نامه هاخط خرد گیها واصلا حات عبارات بادست خود مولف وجود دارند «۱۲۰» ودر حواشی برخی از نامه ها کلمات وحتی یك جمله (۱۲۱) جاافتاده نوشته شده موید این نظراست

نامه های جامی نظیر نامه های دیگر مولفان در آلبوم بدون ترتیب جاداده شده و فاقد تاریخ میباشند وتعیین زمان کتابت آنها فقط درمواردی میسر است که در آنهااز وقایع تاریخی یا اشخاص مشهور یاد شده است (۱۲۲) تعیین اسامی دقیق گیرند گان فقط در مورد برخی از نامه ها بر حسب وشناخت عنوانها نیز بیاری آثار دیگر (۱۲۳) میسر گردیده . (مرسل الیه در یك نامه ـ صفحه ب شماره ۹ ـ «جناب امیرعلی شیرعالی گهر» ذکر شده است). از لحاظ متن ومحتوی نامه های جامی را میتوان به گروه های ذیل تقسیم نمود (۱۲٤) :

۱ـ نامه های دارای جنبه خصوصی که ازاینقرارند :

آ) ۳۵ نامه برای علیشیر نوائی که باز تاب کننده روابط دوستانه و خلاق آنها هستند (۱۳۵) .جامی طی آنها به گیرنده در باره سلامتی خود اطلاع میدهد ، اخبارسفر خود بمکه وماورا النهررا ارسال میدارد . بنوائی در رابطه بامراجعت بخیر او از مسافر تهایش در ولایات خراسان تبریك میگوید، آثار خود را برایش ارسال میدارد واندیشه های خلاق خویش را بااو درمیان مینهد (۱۲٦)،ب) ۱۸ نامه جامی (۱۳۷) بسلطان حسین بایقرا گواه برمکاتبه فراوان بین آنها است (۱۲۸) جامی با ستفاده از حرمتی که نزد سلطان داشته اورا بعدالت



نسبت برعایاحل وفصل همه مسائل به طریق مسالمت آمیزوپر هیزاز منازعات داخلی وغیره فرامیخوا ند(۱۲۹) این عده از نامه ها بقرار معلوم حاوی پاسخ بسوالی است که هنگام خواندن یگرشته ازتذ کرات او در باره وضع مردم ساده مملکت پیش‌میآید (۱۳۰) این سوال مطرح میشود : چگونه جامی که در جامعه ای زندگی‌میکرده که هر گونه عدم رضایت از نظامات موجود ممکن بود باتنبیه سخت‌مواجه شودشهامت خطاب بدربار باد عوت به عدالت وبهبود زندگی زحمت‌کشان ساده را دارا شده بود؟ بنظر میرسد جامی باعتبار و نفوذ شگرف‌وهمچون شاعر نامدار وپیشوای معنوی متکی بودکه خود سلطان هم‌نمیتوانست آنرا منظور نسازد .

۲ـ نامه های توصیه آمیز:

آ) ۲۳ نامه که گواه بر کوشش‌جامی برای تسهیل زندگی مردم عوام دهقانان پیشه وران خسران‌دیده ها از مالیاتها سنگین وبلاوقفه وجمع آوری وجوه‌وغیره بتعداد کثیر و بطور فوق العاده بمناسبت منازعات وقفه ناپذیردرحیطه دولت تیموریان است (۱۳۱) دراین نامه هاکه اغلب خطاب به علیشیر نوائی ،شخصیت دارای‌مقامات عالیه دولتی یاخطاب به‌خودسلطا ن‌حسین بایقرا است جامی‌علیه نقص فاحش انصاف‌در اداره امور مالی،ظلم وستم‌وتضییق نسبت به مردم زحمتکش اقدام میورزد .مثلاً جامی‌دریکی ازنامه های خودچنین مینویسد : «... حال رعایاشهرو بلوکات بواسطه حوالاتی که نسبت بایشان واقع میشود بمقام اضطرار رسیده‌است ونزدیک‌است‌که سلسله زراعت وسایر احوال ایشان ازانتظام بیفتد ...التماس‌آنکه عنایت نموده اهتمام فرمایند که در حوالات تخفیفی واقع شودکه اگرچه بعضی آنهارا ضروری اعتقاد دارند ترك تعدی برمسلمانان ازآن ضروری‌تراست .» (۱۳۲)

جامی بمنظور تحقق امیال انساندو ستانه خود علیشیر نوائی راارضا میساخت که از خدمت دردربار حسینی بایقرا امتناع نورزد واین هنگامی بود که نوائی ازدشواری این‌خدمت به جامی‌شکوه مینمود (۱۳۳) تصور جامی ازوظایف اشخاص عالیرتبه ای که دردربار سلطان اشتغال داشته‌اند در نامه دیگر اوچنین بازتاب یافته :«... قرب سلطان صاحب قدرت ومجال سخن‌درآن‌حضرت نعمتی بزرگ‌وشکرآن‌نعمتی صرف‌انفاس واوقات است به

صالح مسلمانان ودفع مفاسد ظالمان‌وعوانان واگر ناگناه ازعراین شغل عیاذا بالله طبع‌لطیف راگرانی حاصل‌آید وخاطر شریف راپریشانی رو ی نماید تحمل آن‌گرانی‌را درگفه حنات‌درونی عظیم خواهد بود ومصابرت‌بر آن پریشانی رادرجمعیت اسباب‌سعادات دخلی تمام.

شعر

راحت ورنج چون‌بود گذران　　رنج کش بهرراحت دگران
زانکه باشد بمزرع امید　　رنج توتخم راحت جاوید (۱۳۴)

این‌موضوع که جامی نوائی راقانع‌میساخت که ازخدمت دربار سلطان بویژه بسود خلق کناره‌نگیرد، ازمحتوای نامه او (جامی) بوضوح معلوم میگردد که از قرارمعلوم برای‌علیشیر-نوائی ارسال‌شده‌است. اینک‌متن‌نامه :

«اگر مصلحت وقت‌باشد بعرض‌همایون برسانند شاید که فکر حال مسلمانان بکنند ... تخصیص وتوجیه برقاعده دودی ازحد گذشته است و هیچ نوع‌ضابطه درآن مرعی نیست. باندك بهانه چیز بسیاری میگیرند و ملازمان حضرت خلافت پناهی را...ازآن جزبدنامی حاصلی نه القصه هیچ کسرا فکرحال مسلمانان نیست و درمقام تحصیل نفع خویش اندوالسلام. (نامه شماره ٥ در آلبوم) .

ب)٤١ نامه باز تابنده مراقبت‌جامی ازتامین مادی محصلین ومدرسین مدارس است‌که اغلب وجوه ووسیله ای برای بقا خود نداشته واز شاعر تقاضا کرده‌اند جهت ارائه کمك بآ نان از محل و وجوه او قاف مساعدت نماید (۱۳۵) . این نامه جامی محتمل‌است یا خطاب به علیشیر نوائی بوده اند ویا خطاب به صدر ها یعنی تقسیم‌کنندگان عایدات اوقاف .درعین حال براثرقرابت محتوی نامه های دستخط‌مولف‌دیگر که در آلبوم موجوداندیعنی محمدبن امین الدین) که درآنها گاه‌عناوین وگاهی نام علیشیر نوائی‌ذکر میگردد (رجوع شود به بخش فوق«مولفان نامه ها» شماره۳) احتمال بیشتربر آنست که گیرنده این نامه‌های جامی نیز علیشیر نوائی باشد .

جامی در نامه های خود نه تنهاوضع فقر زده برخی از محصلین را اطلاع میدهد بلکه همچنین در موردحکمر انانی که باین موضوع بی اعتنا ،هستندتذ کرات انتقادی میدهد . مثلااو دریکی از نامه ها چنین مینویسد: «جمعی کثیر از فقرا طلبه علم بآوازه‌آنکه اسباب تحصیل درین دیار مهیاست‌از اطراف وجوانب سرگردان‌شده‌اند وبفکر معاش در مانده ... » (۱۳٦)

ج) ۷٦ نامه مـربوط نظم حقـوقی دردولـت تیموریـان است . مـردمی از اقشار گوناگون جامعه ازجورو ستـم‌شکنی اشـخاص مسـوولیت دارنـزد جامی شکایت میبردندو جهت دفاع ازحقوق‌خوداز اوتقاضای کومك‌مینمودند (۱۳۷) کثرت‌تعدادی اینگونه نامه‌هاگواه برتوجه دایمی جامی به چنـین تـقـضـأ هـا اسـت درسـه نامه دیـگر (۱۳۸) جـامی بـدفاع از منافع‌دهقانان علیه سو استفاده کنندگان از حکومت داراها برمیخیزد درـ شش نامه از نامزد های مردم صدیق‌ومفید بـرای مردم جهـت کد خـدائی حمایت مینماید (۱۳۹) وهمچنین در۱۳ نامه جامی برای انتصاب اشخاص شایسته و مورد احترام مردم که دراندیشه رفاه ملت هستند برای مقاـ مات کشوری ومذهبی تلاش مینماید.(۱٤۰)

د) سه نامـه (۱٤۱) موجود است‌که جامی بمحافل حاکمه توصیه میکند بآ بادانی‌کشور (حفرجوی وحو ض)مساعدت نمایند .

ه) توصیه جامی برای اشخاصی که باقشار مخـتلف جامـعه تعلـق دارند وقبل از رجوع به دستگاه های اداری‌دولت، جهت‌امورخـود حـمـایـت‌اورا جلب نموده‌اند . این بخش ها شامل۹۱ نامه اسـت (۱٤۲) تـوصیه های جامی بتقاضای اشخاص مختـلف برای‌امضا اسناد مـوید مالکیـت (ارضی) ویاتا یید مجدد اینگونه اسناد که ازسوی حکمرانان سابق داده شـده‌اند (۱۷ نامه) (۱٤۳) ونیز مراجعه جامی‌بدر بار بـرای واگـذاری نشـان راه (گذر نامه) بـاشخاصی که مایـلندبـعـــل مـخـتـلـف ا ز حدود خراسان خارج شوند (۱۱نامه)(۱٤٤). نامه های اخیر گـواه برآن است که خروج از خـراسان در زمان‌جامی تحت‌نظارت قرار داشت .

باین ترتیب تـعدادی ارجح نـامه های جامی در آلبوم همچون توصیه برای اشخاص مختلف نوشته شده وتعداد اندکی از آنها مربوط بمکاتبه خصوصی با علیشـیر نوائی وحسـین بایقر اسـت . جـالب است جـامی در تمایز باد یگر مولـفانی که نامه ها یشان در آلبو م‌هست در هیچیك از نامه های خـود سخنی از منـافع مادی شخصی خود ذکر نمیکند .

نامه های موجود در آلبوم یکجانبه هستند یعنی یاپاسخی اند و یا بابتکار مولف آنها نوشته شده‌اند .وپاسخ‌آنها در آلبوم وجود ندارد . درعین حال نمیتوان در وجود پاسخ از سوی‌علیشیر نوائی و حسین بایقرا تردید نمود زیرا آنها در یکرشته از آثارآنزمان همچون نمونه ذکر میشوند. (۱۴۵) . باری پاسخ سوال و چگونگی‌نتیجه توصیه های جامی برای دیگران (خطاب اوبگیرنده در باره بهبودبخشیدن وضع مادی برخی از محصلین ومدرسین مدرسه ، دهقانان تنگدست‌پیشه وران موضوعاتی هستند که میبایست آنها را در خود آلبوم‌جستجونمود. تحقیق نامه های جامی نشان میدهد که توصیه های اوبی‌ثمر نمانده‌اند.مثلاجامی‌در برخی‌ازنامه ها سپاس این‌یاآن متقاضی رادر برابرآورد تقاضایش ابلاغ مینماید (۱۴٦) گاهی‌هم درصورتیکه اتخاذ تدابیر برای‌انجام توصیه اش معوق مانده مجددا بطرف خطاب خود رومیآ وردو محتوی‌نامه سابق پیرامون موضوع مذکور را یاد آور میشود . (۱۴۷) .ضمنا این جریان آن نامه هائی را دربر نمیگیرد که جامی در آنها ساده‌دلانه از دربار تیموریان تقاضای الغا مالیتهای فوق‌العاده ورفع‌تضییق‌وفشار نسبت بملت از سوی مقامات دولتی (۱۴۸) را مینماید وتلاش‌میورزد باین طریق معایب سرشتی جامعه فئودالی را ریشه کن کند .

باتعمیم نتائیج پیشگفته میتوان‌برآن‌شد که نامه های عبدالرحمن جامی در «آلبوم نوائی» ارزش علمی‌بسیار دارند وبرای پژوهش آتی وبیشتر حیات وخلاقیت این شاعرحاوی مواد واقعی هستند این نامه‌ها موقع ومقام اورا درجامعه هرات‌در قرن ۱۵ معین میسازند و اعتبار فراوان ونفوذ وی برمعاصران رانشان‌میدهند . نامه هاشخصیت جامی انسانیت عمیق ،سادگی‌ومحبوبیت‌او رامکشوف میسازند وکوشائی اندیشه های انساندوستانه آثاروی را تاییدمیکنند . این اسنادسیمای تابناک شاعر ووطنپرست حقیقی‌راکه آبادانی کشور ومنافع ملت نزدش گرامی است احیا مینمایند. باری جامی براثر محدودیت تاریخی بینش خود نظیر همه مردمان پیشرو وآنزمان‌رفاه و آسایش ملت را باحکمرانی‌که

داد گستر وانسا ندوست باشد مربوط‌ووابسته میشمرد . اندیشه توهمی لزوم حکمفرمای خرد مند وصلحدوست- اساس نقطه نظر های اجتماعی و شاعرانه این‌شاعر بزرگ راتشکیل‌میدهد که‌دقیقا درنامه هایش بظهور پیوسته .

نامه های جامی در آلبوم مواد پرارزش‌هستند تاریخی رادربردارند و مثلاً مابر پایه آنها میتوانیم درباره برخی‌ازاشکال مالیاتها وگرد آوری وجوه فوق‌العاده ،اجباری وگرانبار که آن‌هنگام درخراسان اعمال میشده ونیز راجع بترتیب اخذآنها (مال،ذکات ،نامبردار، مددلشکر، رسم‌الصداره ، پیاده تمغا، سرانه ،پیشکش وغیره‌وشکل اساس اخذمالیاتها یعنی شکل پولی که‌گاهی طبق دستور خاص‌میتوانست بانوع‌طبیعی تعویض‌یابد). درباره سو استفاده ها وقانون شکنی‌های مقامات حاکمه وپیرامون دستگاه اداری دولتی ووضع دشوار ملت‌داوری نمائیم .

• • •

مصادر و استدراک

۱ـفخرالدین علی. رشحات،صـفـحه های ۱۳۵ـ ۱۳۴ ، برای کسب معلومات کامل راجع به حیات وفعالیت جامـــی رجوع شود به اثر فصح زاد، روز گار آثار عبدالرحمن جامی

۲ـدرکتب ونشریات افزون بر سفرسمرقند درسالهـای ۱۴۵۲ ـ۱۴۳۶ چهار سفردیگر جامی نیز باینقرار ذکر گردیده :سال۱۴۶۵ بماورا النهــر (سمرقند) سال۱۴۶۸ به مرو،سالهای۱۴۷۴ ـ۱۴۷۲ بمکه ومـدینه برای انـجام حـج، سال۱۴۷۹ بسمـرقندوتاشکند (حکمت‌جامی ،صفحات ۸۶ـ۸۱ فخرالدیـن علـی. رشحـات ،صفحات۱۴۵ـ۱۵۱ همچنین کتـاب حاضـر توضیحات مربوط به‌رقـعه هاشمار ۶۵، ۱۲۱ ر۱۱۶.

۳ـفهرست آثار جامی. رجـوع‌شودبه : برتلس مس. نوائی وجامی،صفحا ت ۲۴۰ ـ۲۳۹ کاتالو گ «دستنویس‌های آثار عبدالرحمن جامی» افصـعزاد،اثر مذکور ش،صفحات ۱۵۸ـ۱۰۸ .

۴ـبررسی شروح‌نشریات‌ویژه زندگی،خلاقیت وجهان بینی‌جامی: رجـبـف . عبدالرحمن جامی صفحات ۳۴ـ ۳۱ .

۵ـعبدالرحمن جامی ،۱.مجموعه مقالات،عبدالرحمن جامـی۲۰. موادومطا لب ویژه پانصد وپـنجاهمـین سالگـرد،افصح‌زاده اثر خودش .

٦ـبراگینکی .یادداشتهائی در رابطه باپژوهش خلاقیت جامی،صفحه ٦٤ ، رجبف نظرات‌فلسفی‌واجتماعی وسیاسی‌عبدالرحمن‌جامی،صفحه ۸۵،شاه‌محمدـ وف .دررابطه بامساله رشداندیشه های انساندوستانه .

۷ـرجبف .عبدالرحمن جامی، صفحـه ۱۷٦ .

۸ـبرتلس .نوائی‌وجامی،صفحه ۲۲۲.

۹ـ موید این موضوع همانا نامه های‌توصیه آمـیز جـامی مـندرج در این کتاب در دفاع از مـنافع مردمی است‌که برای جلب حمایت اوبه وی رومیآ وردند . در این مورد همـچنین نامه‌هـای پاسـخی‌خطاب بشخصیتهای‌عالیرـ تبه را که با جامی مکاتبه پر حرارت‌داشته اند بـاید خاطر نشـان ساخت (رجوع شودبه : عبدالرحمن جامی ،منشآت، دستـنویس شماره ۱۳۳۱، صفحات ب ۵۵۷ ـ آ ۵۳٤)

۱۰ـ برتلس . نوائی و جامی،صفحه ۲۲۷

۱۱ـ تـاریخ ادبیـات ازبـکی در پنج‌جلد .جلد ۲ (صفحات ۳۸۳ ـ ۳۸۱) همچنین بکتـاب حاضر بنشـانی های‌ذیل رجوع شود: نامه های جامی به نوائی شماره۲ ،(۴۳)۴۲(۱۰٦) ۱۰۳،(۱۹۷)۱۹۲ (۳۵۹) ۳۵۳ وغیـر ه .

۱۲ـ تاریخ ادبـیات ازبکی ، جلد ۲، صفحه ٦۳ .

۱۳ـ بنظر میرسد زمان تنظیم آن قبل‌از سال ۱٤۹۰ باشد یعنی هنکامیکه خواجه عبیدالله یکی از سمت مکاتبه جامی قوت نموده است زیـرا از اودر منشآت چـون شخص زنـده نام برده‌شده (دستنویسی شمـاره ۱۳۳۱ ، صفحه آ ۵۳۱) .

۱٤ـطبق دستنویـس شماره ۱۳۳۱(کلیات جامی ، در حاشیه صفحه های ب ۵٦۵ـ آ ۵۳۱) . رو نـویس شده‌در هرات بسـال ۹۰۸ هجـری (سال هـای ۱۵۰۳ ـ ۱۵۰۲ میـلادی) چاپ‌تـبریـز منـشآت جامـی سال ۱۳٤٦

شمسی از روی دستنویس قرن هفده، شامل ۸۵ نامه در اثر اعلا خان افصح زاد (صفحه ۱۵۵) تعداد نامه های جامی در منشآت ۱۰۹ ذکر شده است

۱۵ـ دستنویس شماره ۱۳۳۱، صفحات آ ۵۳٤ ـ آ ۵۳۱ .

۱٦ـ دستنویس شماره ۱۳۳۱، صفحات ب ۵٤۰ ـ آ ۵۳٤ .

۱۷ـ عبارات «درویشان خواجه عبیدالله» و«ملا زمان حضرت سلطان» شکل خاص خطاب به شخص روحانی ویا شخص عالیرتبه دولتی هستند که وضع نازلتر خطاب کننده آنهاراتاکید میکند .

۱۸ـ دستنویس شماره ۱۳۳۱، صفحات آ ۵٤۸ ـ ب ۵٤۰ .

۱۹ـ دستنویس شماره ۱۳۳۱، صفحات ب ۵٦٤ ـ آ ۵٤۸ .

۲۰ـ همانجا صفحات ب۵٦۵ـآ۵٦۵

۲۱ـ ملامعین بن حاجی محمد الفراهی . مجموعه رقعات و منشآت ، دستنویس شماره ۲۹٦، حاوی نزدیك به ۳۵ نامه جامی در صفحات ب ۱۰۰ ـب ۸۷، ب ۱۵٤ـ ب ۱٤۳ (شرح دستنویس به مجموعه دستنویسهای خاور (م.د.ج) جلد۱، صفحه ۱۵۲ ،شماره ۳٦۰ رجوع شود) . در رونویس دیگر (سده ۱٦) همین مجموعه بنام مکتوبات تیموریه (دستنویس شماره ۲۲۷۸ ، صفحات آ ۱۱۳ـآ ۱۰۵ ،ب۱۲۹ ـآ ۱۲٤ ،شرح رادرم.د.خ جلد ۱، صفحه ۱٤۸ ، شماره ۳۵٤ ملاحظه نمائید) تا ۵۰ نامه جامی نقل گردیده .

۲۲ـ تاریخ هندوستان صفحات ۲۸٦ ـ ۲۸۵ .

۲۳ـ ریاض الانشا دستنویس شماره ۲۸۳ صفحات آ ۵۱، ب ٦۳ ، ب ۱۳٤، ب ۱٤۷ ، آ ۱۹٤ .

۲٤ـ تاریخ ادبیات ازبکی ،جلد۲، صفحات ۳۸۱ـ ۳۷۸ . تعداد نامه های جامی بنوائی به عدد ۱۵ معین شده ولی طبق بر شماری

مصنف این کتاب بالغ بر ۷۱ عدد اند مقطعات شعری جامی به نوائی را که هنگامی اقامت جامی درمرونوشته شده اند به نامه ها ومراسلات جامی بنوائی منسوب نموده ایم .

۲۵ـ منشآت جامی ، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال نوز دهم، شماره ۱ ـ ٤ تبریز ۱۳٤٦ شمسی .

۲٦ـ علیشیر نوائی . خمسته المتحیرین درکتاب: جامی ونوائی گرد آورنده وتهیه کننده انتشارپارسا شمیف زیر نظر سویمه غنیوا، تا شکند ، سال ۱۹٦٦، صفحات ۷۷ـ۱۹

۲۸ـفهرست آنها بعداً در بخش «تاریخ پژوهش آلبوم» خواهد آمد .

۲۸ـ م.د.خ ، جلد ۱ صفحات ۱۵۱ـ۱٤۹ ،شماره ۳٥٦ ،جلد۱۰ صفحات ٥۰ـ ٤۹ شماره ٦۷۸۹

۲۹ـ این کاتالوگ دستنویس نیزدر انستیتوی خاور شناسی فرهنگستان علوم از بکستان با شماره ۲٤٦۰ موجود است . توضیح مربوط بآن در م .د . ح. جلد ٥، صفحات٤۱٥ـ ٤۱۲ درج گردیده ، شماره ٤۱٤۳، همچنین به اطلاعیه راجع بآن از اینقر ار رجوع شود: همرایف :یك کتابخانه شخصی وکاتا لوگ آن صفحات ۳۹٥ـ ۳۸۷ .

۳۰ـ دستنویس شماره ۲٤٦۰ صفحات آ ٤ـآ٤۳ .شریف جان مخدوم که آلبوم رامراسلات نامیده است مکاتبه علیشیر نوائی وسلطان حسین بایقرا و مولفانی را منظور داشته که در البوم معرفی شده اند از اینرو او در کاتا لوگ خود (صفحات آ٤۸ـب ـ٤٦) نوائی وسلطان حسین را در شمارمولفان نامه ها دانسته است ولی نامه های آنان درآلبوم موجود نیست.

۳۱ـ حکیم جانف ۱۰ آلبوم نوائی ـ «اوزبکستان مدینتی» ۲٦ آوریل سال ۱۹٦۸ .

۳۲ـ نسائم المحبت ،دستنویس شماره ۸٥۷،صفحه ب ۱۷۸ (شرح دستنویس در م.د.خ جلد ۱صفحات ۱۲۸ ۱۲۷ شماره ۳۰٦ آمده است) .

۳۳ـ تقریبا در همین زمان چنان مجموعه های مشهور نامه ها وراهنما های نوشتن نامه نظیر شرفنامه عبد الله مروارید ، مخزن الانشأ حسین واعظ کاشفی ، نامه نامی خوند میروغیره تنظیم گردیده اند.

۳٤ـعلیشیر نوائی. منشآت(رجوع شود به آثار او در ۱٥ جلد ، جلد ۱۳ صفحات ۸٥ تا ۱٥٦) .

۳٥ـ حمید سلیمان راجع به منابع آثار نوائی ونشر این آ ثار صفحه ٤٥.

۳۶با برنامه ،صفحه ۱۹۸ .

۳۷ـ دستنویس فوق‌الذکر بشماره۲۹۶(مجموعه رقعات‌ومنشأت، صفحات آ ۱۷۹ تا آ ۱۸۰) .

۳۸ـ به بخش «شرح پاله اوگر افیك‌آلبوم» رجوع شود .

۳۹ـ نام آلبوم ـ مجموعه مراسلات‌که شریف جان مخدوم باو داده است نیزوارد ادبیات شده (رجوع شود به م.د.خ‌جلد۱، صفحه های ۱۵۱ـ۱۴۹.)

۴۰ـ دستنویس شماره ۲۱۷۸،نامه شماره ۲۷۹/۲۷۴ .

۴۱ـباستثنا یکی‌که بزبان‌عربی‌است . (صفحه ۶۵شماره ۴۵/۴۴) .

۴۲ـ ازاینجا ببعد در شماره های‌دو گانه نامه ها شماره اول مطابق با شماره گذاری ما است که براساس‌تحقیق متن شناسی آلبوم صورت گرفته وشماره دوم باشماره گذاری‌قبلی موجود در آلبوم منطبق میباشد (در این باره رجوع شود به گذاری بعدی).

۴۳ـ شماره گذاری نامه هادرآلبوم‌از قرار معلوم پس از برداشتن دو کپیه از آن بسال ۱۹۳۹ توسط ای .عادلف (در نسخه های او نامه های بی شماره اندوترتیب دیگری رادارهستند) قبل از چاپ ونشر جلد ۱ کاتا لوگ م.د.خ بسال ۱۹۵۲ صورت‌گرفته که در آن در توضیح دستنویس صفحات ۱۵۱ـ۱۴۹ بآن شماره‌هااستناد گردیده وفقدان نامه شماره ۵۵۴ ذکر شده است .

۴۴ـ نام بدرستی نقل نشده(رجوع شود به بخش «مولفان نامه ـ ها» شماره ٦) تبصره برنام مولا ناقاسم .

۴۵ـ بتبصره راجع بنامهٔ شماره(۱۶۴) (۱۵۹) مراجعه شود .

۴۶ـرجوع‌شود بتبصره مربوطبنامه شماره (۳۶) ۳۵ .

۴۷ـ توضیح مشروحتر را میتوان‌در اثر ذیل در یافت نمود ، چخویچ. مقدمه برچاپ «اسناد سمرقند قرون۱۵و ۱۶» صفحات ۴۷ـ ۱۲، تاریخ های دقیق تولد ودر گذشت خواجه احرار ،توسط دامادش میرعبدالا ول دراثرش بنام «مسموعات» دستنویس۲ر۳۷۳۵ صفحات‌ب ـآ۲۲۶ نقل‌گردیده است .

۴۸ـ صفحات‌ب۴ ـآ۳،شماره‌های(۲۸) ۲۷ـ ۱۳ صفحه ب ۵ ، (۴۱) ۴۰، (۴۲)۴۱ صفحات‌ب‌ـآ۷۸ (۴۹)۴۸ـ (۶۲) ۹۵، صفحه آ ۱۸، (۲۷۱) ۲۶۶ـ (۲۷۸) ۲۷۳، صفحات آ ۲۰ـب ۱۸، (۲۸۰) ۲۷۵ـ (۲۹۲) ۲۸۸، صفحات ب ۲۴ـ آ ۲۰، (۲۹۴) ۲۹۰ـ(ب‌ـآ ۳۳۷) ۳۳۲، صفحه آ ۳۳

(٤٤٧)٤٤١ ،(٤٤٨) ٤٤٢صفحات‌ب‌-٣٨، (٤٩٧) ٤٩١- (٥٠٧) ٥٠١- صفحات ب ٤١- آ ٤٠، (٥٤١) ٥٣٥-(٥٦١) ٥٥٥.

٤٩- صفحه ٣١ شماره ١٤، صفحه ب ٣شماره ١٩، صفحه آ ٤، شماره های ٢١/٢٠، صفحه ب ٤، شماره(٢٨) ٢٧ صفحه آ ٧ شماره های (٥٠) ٤٩ ، (٥١) ٥٠، صفحه ب ٧شماره (٥٣/٥٨) ٥٢، صفحه آ ٨، شماره (٥٩) ٥٦، صفحه آ ١٩ شماره‌های (٢٨٦) ٢٨٢ / (٢٨٥) ٢٨١ ، صفحه ب ٢٠، شماره (٢٩٧) ٢٩٣وغیره

٥٠- صفحه آ ٣، شماره ١٣،صفحه ب ٤، شماره (٢٥) ٢٤، صفحه ٨، شماره (٦٢) ٩٥، صفحه آ ١٩ ،،شماره (٢٨٤)٢٨٠ ،صفحه ب٢١٩، شماره (٢٨٨) ٢٨٤صفحه ب ٢٠شماره(٢٩٥) ٢٩١وغیره .

٥١- صفحه ب ٣، شماره ١٥صفحه آ ١٨ ، شماره (٢٧٢) ٢٦٧، صفحه ب ١٨، شماره (٢٨٠) ٢٧٥وغیره .

٥٢-صفحه ب١٨ ،شماره (٢٨١)٢٧٨- نامه خواجه احرار وصفحه ب ١٧ شماره (٢٦٧) ٢٦٢- نامه جامی‌مقایسه شود . اضافه براین بنامه خواجه عبیدالله بشماره ٣١٠ر٣٠٧ونامه جامی بشماره ٦٩ر٦٤ مراجعه گردد. آ نطوریکه از این نامه ها بر میاید آنها نوائی را ترغیب میکنند که از در بار سلطان حسین بایقرا کناره‌گیری نکند .

٥٣- صفحات ب ٣٢- ب ٣٠،شماره های (٤٢٩) - ٤٢٣- (٤٤٦) ٤٤٠ صفحات ب - آ ٣٤، شماره های(٤٥٦) ٤٥٠-(٤٦٤) ٤٥٨، صفحه ٣٥شماره‌های (٤٦٩) ٤٦٣، (٤٧٠)٤٦٤، صفحات ب ٣٦- ب ٣٥، شماره های (٤٧٣) ٤٦٧- (٤٨٧) ٤٨١- .

٥٤- صفحه آ ٣٢، شماره (٤٤٠)٤٣٥، صفحه آ ٣٤، شماره (٤٥٨) ٤٥٢، صفحه ب ٣٦، شماره (٤٨٦)٤٨٠ وغیره .

٥٥- «امارت مآبا، ملجا الفقرا»شماره (٤٧٩) ٤٧٣- صفحه آ٣٦وغیره «امارت‌مآبی ووزارت پناهی» شماره (٤٧٠) ٤٦٤- صفحه آ ٣٥ و شماره (٤٨٦) ٤٨٠- صفحه ب ٣٦ وغیره ٥٦- شماره ٤٥٧/٤٥١- صفحه آ ٣٤ .

٥٧- دریکی از نامه های عبیدالله احرار (صفحه آ ١٨، شماره ٢٧٥/ ٢٧٠) او همچون امیر سعید عبدالاول‌ودر نامه خواجه علی (صفحه ب ٤٢، شماره ٥٦٧/٥٦١) امیرکمال الدین‌عبدالاول نامیده میشود .

٥٨- مسموعات . دستنویس‌شماره ٣٧٣٥/٢، چخویچ ، مقدمه بر

چاپ «اسناد سمر قندی قرون ١٦ـ١٥» صفحه ١٤ .
٥٩ـفخرالدين علی. رشحات،صفحات٣٣٥ـ٣٣٢ .

٦٠ـ صفحات بـآ ٢٧،شماره هـای(٣٨٠) ٣٧٤ ـ(٣٩٠)٣٨٤ ،صفحه ب ٣٣، شماره (٤٥٢)٤٤٦ ،صفحه ب٤٣،شماره‌های (٥٨٢)٥٧٦ ،(٥٨٣) ٥٥٧، صفحه آ ٤٥، شماره‌های (٥٩٥)٥٨٩(٥٩٦) ٥٩٠

٦١ـصفحــه ب ٢٨، شماره (٣٩٤)٣٨٨ ،صفحــه ب ـآ٤٣، شــماره‌های (٥٨٠) ٥٧٤ ـ(٥٧١) ٥٦٥ ،صفحه آ٤٥، شماره ٥٨٨ (بـآ ٥٩٤) .

٦٢ـعليشير نوائی .نسائم المحبت ،دستنويس شماره ٨٥٧ صفحه ب١٧٨ ،النظامی مقامات مولوی جامی،دستنو يس شماره ١٣٥٤، صفحه ب ١٠٦ ، مسموعات ،دستنويس ٢ر٣٧٣٥صفحه ب ٢٠٠

٦٣ـصفحه آ٢٨ شماره‌های (٣٩١)٣٨٥، (٣٩٢) ٣٨٦ ،صـفحـه ب ٣٧ شماره های(٤٩٥) ٤٨٩ ،(٤٩٦)٤٩٠،صفحات بـآ ٤٢،شماره‌های (٥٦٢) ـ٥٥٦ (٥٧٠)٥٦٤ ،صفحات ب .آ٤٤،شماره‌های (بـآ ٥٨٤) ٥٧٨ـ(٥٩١) ٥٨٥، صفحه ب ٤٥، شماره‌ای(٥٩٨)٥٩١ (٦٠٠) ٥٩٣ .

٦٤ـصفحه ب٣٨ ،شماره(٣٩٨ر ـ٣٧٩) ٣٩٢ ،صفحه آ٤٥،شماره(٥٩٢) ٥٨٦ ،صفحه ب ٤٥،شماره (٦٠١) ـ٥٩٤ .

٦٥ـدر فهرست اسامی مولفان نامه هاكه توسط شريف‌جان مخدوم درپايان آلبوم صفحه آ ٤٦ درج گرديده مولاناقاسم اشتباها بجای قاسم انوار شاعر مشهور آذربايجان تصور شده (قاسم‌انوار متوفی بسال ١٤٣٤ـ رجوع شود به :قلی‌زاده، جهان بينی قاسم‌انوار، باكو، ١٩٧٦) اين اشتباه از سوی سميونف در مقاله اش زيرعنوان «دو دستخط خواجه احرار» (صفحه ٥٣) تكرار شده است .

٦٦ـ مثلاً درنامه شماره (٣٩٥)٣٨٩ مولانا قاسم از قرار معلوم خطاب به عليشير نوائی از خواجه احرارخواهش ميكند مانع فروش كالا های شخصی اخير در هرات (كاغذ، برنج‌و كنجد) نشود ونيز صلح و آشتی بين‌حكمرانان تيموری- سلطان محمودوحسين بايقرا را تسريع بخشد. درـ بين نامه های جامی درآلبوم (شماره٢٠٤/١٩٩) توصيه ايست برای شخصی بنام خواجه قاسم كه مايل‌است نزد سلطان پذيرفته شود . بنظر ميرسد او همان مولانا قاسم‌باشد كه قبل از ديدار باسلطان از حمايت جامی برخورد ار گرديده .راجع به شخصيت و تاريخ در گذشت مولا نا قاسم شود به : عليشير نوائی‌نسائم المحبت، دستنويس شماره

۸۵۷، صفحات ب ۷۹ـ ب ۱۷۸، فخر الدین علی . رشحات، صفحات ۳۳۲ ـ ۳۲۹ .

۶۷ـ صفحه ب ۲۸ شماره های(۳۹۵) ۳۸۹ ـ (۳۹۷) ۳۹۱، صفحه ب ۴۳ شماره (۵۸۱) ۵۷۵، صفحه ۴۵۳، شماره (۵۹۳) ۵۸۷ .

۶۸ـ علیشیر نوائی . نسائم المحبت ، دستنویس شماره ۸۵۷، صفحات آ ۲۷۹ـ ب ۲۷۷ میر عبدالاول. مسموعات ، دستنویس شماره ۲/۳۷۳۵ ، صفحه آ ۲۰۱، خواند.میر مکارم الاخلاق صفحه ۶۶.

۶۹ـ صفحات ب۔ آ ۳۰، شمارههای (۴۲۳) ۴۱۷ـ ۴۲۷ گ ۴۲۱.

۷۰ـ در م.د.خ. جلد ۱ . صفحه ۱۵۱ شماره ۳۵۶ نام بام با علامت سوال چنین آمده : محمد نیاز کافی(؟)

۷۱ـ خواند میر جیب السیر، جلد۴، صفحه ۱۰۹، فخر الدین علی ، رشحات صفحات ۳۲۹ـ ۳۲۱، النظامی. مقامات مولوی جامی ، دستنویس شماره ۱۳۵۴، صفحات ب ـ آ ۱۰۸.

۷۲ـ صفحه آ ۳۳، شماره (۴۴۹)۴۴۳، صفحه ب ۳۳، شماره های (۴۵۴) ۴۴۸، (۴۴۹)، صفحه آ ۳۷،شماره های (۴۹۰) ۴۸۴، (۴۹۱) ۴۸۵، صفحه ب ۳۸، شماره (۴۹۵)۴۸۹ .

۷۳ـ دریکی از نامه های میرعبد الاول و قاسم راجع به اقامت آتی محد عبدالله در هرات اطلاع دادهمیشود واو در آنجا خواجه کلان نامیده شده (صفحه ب ۴۳، شماره۵۷۶/ ۵۷۳) .

۷۴ـ چخویچ . توضیحات برچاپ«اسناد سمرقند» صفحه ب ۴۳،شماره ۱۹۹،فخر الدین علی. رشحات،صفحات ۳۲۱ـ ۳۱۷ . همین جا (صفحه ۳۱۸) خصومت بین محمد عبدالله وبرادرش محمد یحیی برسر جانشینی مقام روحانی وارث اموال پدر شانخواجه محمد عبدالله احرار مشروحاً حکایت شده است .

۷۵ـ صفحه آ ۳۳، شماره (۴۵۰)۴۴۴ ، صفحه آ ۳۸، شماره (۴۹۲) ۴۸۲ صفحه ب ۳۷ ، شماره (۴۹۴)۴۸۸.

۷۶ـ م.د.خ جلد ۱ ، صفحه ۱۵۰، شماره ۳۵۶ .

۷۷ـ صفحه آ ۳۷، شماره های(۴۸۸) ۴۸۲، (۴۸۹) ۴۸۳، صفحه ب ۳۷، شماره (۴۹۳) ۴۸۷ .

۷۸ـ فخرالدین علی . رشحات ،صفحه ۳۴۳ـ ۳۴۱ (نام ابوسعید در اینجا همچون مولانا ابوسعید اوبهیآمده) .

۷۹ـ دستنویس شماره ۲۱۷۸ ،صفحه ب ٤۱، شماره (٥٦۱) ٥٥٥.
۸۰ـ صفحه آ ۳٥، شماره های(٤٦٦) ٤٦۰ ـ (٤٦۸) ٤٦۲ .
۷۱ـ صفحه ب ۳٥، شماره های(٤۷۱) ٤٦٥، (٤۷۲) ٤٦٦ .
۸۲ـ حبیب السیر ، جلد ٤،صفحه ۳٥۷.
۸۳ـ صفحه آ ۳۳، شماره(٤٥۱)
۸٤ـ بار تولد : میرعلیشیروحیات سیاسی اوآثار جله ۲ صفحت ٤٤٦ ۸٤ـ بارتولد: یرعیشیرو صیات۲٤٤ـ٦٤۳ تایخ ادبیات ازبکی، جلد ۲صفحه ۷۰.عنوان فوق الذکر نوایی‌دراسناد بیشتر نیزمشاهده می شود نامه حسین بایقرا برای‌یقوب یك(۱٤۷۸۱٤۹۰) حکمران آذربایجان‌از سلسله آی قویونلو بمناسبت‌انتصاب علیشیر به حکمرانی استر آباد (۱٤۸۷) و وا گذاری اختیار نامه باو برای برقراری مناسبات خارجی با کشور های همسایه (عبدالله مروارید منشآت‌مروارید، دستنویس ۲۸٦/۱ در حواشی صفحات ب ۲٦ـب ۲٥) . ولی‌ما باپیروی از نظری که رایج گردیده سال ۱٤۸۹ را نقل میکنیم .
۸٥ـ حبیب السیر، جلد ٤، صفحه ۳۲۱ .
۸٦ـ صفحه آ ۲۸، شماره (۳۹۳)۳۸۷ .
۸۷ـ حبیب السیر ، جلد ٤، صفحه ۳٤۷ .
۸۸ـ صفحه ب ۳۰، شماره (٤۲۸)٤۲۲ .
۸۹ـصفحه ب۳۳، شماره(٤٥۳)٤٤۷
۹۰ـسمیونف :مناسبات متقابل‌علیشیر نوائی وسلطان حسین‌میرزا. صفحه ۲٤۸ غنیوا. یکسند مربوط‌به شرح حال‌نوائی ،صفحات ۱۳ ـ۹
۹۱ـمجموعه بنیانگذار ادبیات‌ازبکی،صفحات ۱٦۹ ـ۱٥۳
۹۲ـمجموعه «شاعر بزرگ ازبك »صفحات ٤۹ ـ۲٥
۹۳ـمولف‌یکی ازاین نامه هانه‌خواجه احرار (رجوع‌شودبمقاله مذکور صفحه ۳۸ بلکه شاگرد اومولاناقاسم بوده‌که برای پسرخود محتملا بخواهش اوتوصیه نموده‌است (رجوع شود به دستنویس شماره۲۱۷۸ ،صفحه ب ۲۸،شماره ۳۹٥ ر۳۸۹) .
۹٤ـنبی‌یف .ازتاریخ حیات‌سیاسی‌واقتصادی ،صفحات ٤٤ـ٤۳ .
۹٥ـهمانجا ، صفحه ٤۷
۹٦ـ سمیونف دونامه دستخطخواجه احرار صفحات٥۷ـ٥۱ .
۹۷ـ م.د.خ. جلد۱، صفحات۱٥۱-۱٤۹ ،دستنویس شماره ۲۱۷۸،صفحه آ ۲٥،شماره (۳٤۲) ۳۳٦ .

۹۸ـ بهرامی .راجع به نظرات اجتماعی واقتصادی جامی صفحات ٤٠ ـ ٣٣

۹۹ـ همانجا صفحات ۳۸و٤٠دستنویس شماره ۲۱۷۸ ،صفحه آ ۲،شماره ٥،صفحه ب۱۲، شماره (۱۳۰) ۱۲٥ باقضاوت براینکه در نامه شماره ٥، جامی از مرسل الیه تقاضامیکندکه برای تجار وارد شوند ،بهرات شرائط تجارت بدون مانع فراهم گردد میتوان برآن شدکه گیرنده آن درهرات حسین بایقرا یاعلیشیرنوائی بوده(رجوع شودبه توضیع مربوط بنامه شماره ٥)ونه خواجه احرار که مولف مقاله مذکور میگوید .(صفحه ۳۹) .

۱۰۰ـ براتوا .راجع به یك اثرقرن۱٥:« مجموعه مراسلات» .

۱۰۱ ـ دستنویس شماره ۲۱۷۸،صفحه آ۲،شماره ٥صفحه ٥،شماره شماره (۳۷) ۳٦،صفحه ب ٦شماره(٤٦)٤٥ صفحه آ۹،شماره (٦۹) ٦٤ ،صفحه ب۹،شماره (۷٥) ۷۰ .

۱۰۲ـ دستنویس شماره ۲۱۷۸ ،صفحه آ ۸،شماره (٥۹) ٥٦ .

۱۰۳ـ براتوا .رشد اندیشه اجتماعی و اقتصادی در ازبکستان درقرن ۱٥.

۱۰٤ـ دستنویس شماره ۲۱۷۸،صفحه آ ۹، شماره (٦۹) ٦٤، صفحه آ ۱۲ـ شماره (۱۱۷) ۱۱۲، صفحه ب۱۲، شماره (۱۳۰) ۱۲٥،صفحه آ ۱٦، شماره (۲۲۳) ۳۱۸.

۱۰٥ـ کاتالوگ: «دستنویسهای آثار عبدالرحمن جامی در مجموعه انستیتوی خاور شناسی از بکستان شوروی »

۱۰٦ـ همانجا صفحه ٥٤، توضیح عکسهای ۱۱ـ۸، دستنویس شماره ۲۱۷۸، صفحه آ ۹، شماره (٦۹)،٦٤، صفحه ب ۹، شماره (۷٥) ۷۰، صفحه آ۱۲، شماره‌های (۱۱۷) ۱۱۲،(۱۲۱) ۱۱٦ .

این مقاله سپس در مجله ....

درکابل تجدیدچاپ شدوترجمه فارسی آن از انگلیسی درمجله آریانا«نیز انتشاریافت (شماره ۳۱٤،سال۱۹۷٦ر۱۳٥٤، صفحات۹٦ـ ۹۱) .

۱۰۸ـ دستنویس شماره ۲۱۷۸ .صفحه آ۲، شماره٥،صفحه ب٥ ،شماره های (۳٥) ۳٤، (۳٦)۳٥ ،(۳۸) ۳۷،صفحه ب ٦، شماره (٤۷) ٤٦،صفحه ب۹، شماره (۷٥)۷۰ ،صفحه آ۱۱ ،شماره (۱۰٥) ۱۰۰،صفحه آ۱۲،شماره های (۱۲۰)۱۱٥ (۱۲٦)۱۲۱،صفحه آ۱۳،شماره (۱٤۸) ۱٤۳ ، صفحه ب ۱۳ ،شماره (۱٥٥)۱٥۰

۱۰۹ـ اورو نبایف .پیرامون سفر علی قوشچی ازآسیای میانه ،صفحات ٥٦ـ٥۱. براساس نامه های جامی معین گردیده که علی قوشچی سال ۱٤۷۰

ازآسیای‌میانه سفرنموده ونه سال۱٤٤۹ـ اندکی پس‌ازفوت الغ بیک همانگونه که‌در کتب‌ونشریات ذکرگردیده (بارتولد .الغ بیک‌وزمان‌او، صفحه ۱۳۸). متون‌این سه نامه د رمقالات‌اورونبایف .«نامه های‌نایاب» واطلاعات جدید پیرامون‌زندگی علی قوشچی تکرار گردیده .

۱۱۰ـصفحات ب۲ـب۱، شماره‌های۱۲ـ۱، صفحات‌ب‌ـآ ٥، شماره‌ها ی (۲۹) ۲۸ـ(٤۰) ۳۹، صفحات‌ب‌ـ آ٦،شماره‌های (٤۸)٤۷ ـ(٤۳) ٤۲ ، ـ صفحات ب۱۷ـآ۹، شماره‌های (۲۷۰)۲٦٥ـ (٦٤)٦۰ ،صفحه آ ۱۸ شماره (۲۷۹) ۲۷٤، صفحه آ ۲۰، شماره(۲۹۳) ۲۸۹ ،صفحه‌های ب۲٦ ـ ب ۲٤،شماره‌های (۳۷۹) ۳۷۳ـ (۳۳۹)۳۳۳،صفحه های‌ب‌ـ آ۲۹ ،شماره‌های (٤۲۲) ٤۱٦ـ (۳۹۹) ۳۹۳، صفحه‌ب۳٤، شماره (٤٦٥) ٤٥۹صفحات‌ب ـ آ۳۹، شماره‌های (٥٤۰) ٥۳٤ـ(٥۰۸)٥۰۲ .

۱۱۱ـصفحه آ ۱،شماره ۲صفحه آ۲،شماره ۸،صفحه ب ۲،شماره ۱۲ ، صفحه آ٥،شماره (۳۱) ۳۰،صفحه‌ب٥شماره‌های (۳٥)۳٤(۳٦) ۳٥ ،(۳۸) ۳۷، (٤۰)۳۹،صفحه‌ب ۱۰ ، شماره(۱۰۱) ۹٦،صفحه آ ۱۲،شماره‌ها ی (۱۲٥) ۱۲۰، (۱۲۸)۱۲۳ ،صفحه‌آ۱۳، شماره(۱٤۳) ۱۳۸ ،صفحه ب۱۳ شماره های(۱٥۰) ۱٤٥ (۱٥٤) ۱٤۹،صفحه آ ۱۷،شماره‌های (۲٤۷)۲٤۲ ،(۲٤۹) ۲٤٤ ،(۲٥٤)۲٤۹ ،(۲٥٥)،۲٥۰ ،(۲٥٦)۲٥۱ ،(۲٥۷) ۲٥۲ ، صفحه آ ۲۰،شماره (۲۹۳)۲۸۹،صفحه آ ۲٦شماره(۳٦۲) ۳٥٦ صفحه ب۲۹ شماره‌های (٤۱۸) ٤۱۲،(٤۲۱)٤۱٥.

۱۱۲ـ دستنویس شماره٤۲۷۷ ،نسخه «شواهدالنبوت التقویت الیقین اهل‌الفتوت» (درکلوفن دقیقا تذکرداده‌شد که‌دستنویس توسطخودجامی رونویس شده‌ـرجوع شودبه‌م.د.خ.جلد ٤، صفحه ۲۱ شماره ۲۸۲٤) . مضاف براین دونسخه دیگر از این‌مجموعه بنابر شباهت خطوط انهابا دبستنویس مذکور بدستخط جامی‌نسبت داده شده. شماره ۱۱٦ نسخه دیوان دوم جامی «واسطه العقد»(رجوع شود به : م.د.خ. جلد ۲، صفحه ۱۸۹، شماره۱۱۹٥) و شماره۸۸۲٦ دستنویس اثر «الفوائد الضیا ئیه (شرح) ـ (رجوع شود به: کاتالوگ دستنویسهای اثر عبدالرحمن جامی ...صفحه ٤٦،شماره۱). خط این نسخه هابا خط نامه های جامی موجود درآلبوم یکسان است .

۱۱۳ـ مثلاً نامه شماره (۱۲۱)۱۱٦ در صفحه آ ۱۲، هما نگونه که خود جامی تذکر داده شده در حالیکه‌سوا راسب بوده و درراه (ازفاراب) بتاشکند قرار داشته نوشته شده .در اینجا امضا بریده نشده ودر زیر

متن قرار دارد ولی طبق معمول یك امضأ دیگر جامی در گوشه بالاسمت راست الصاق گردیده است .

۱۱٤ ـ دستنویس شماره ۲۱۷۸

۱۱۵ ـ دستنویس شماره ۱۳۳۱(کلیات جامی) حواشی صفحات ب ۵٦۵ـ آ ۵۳۱ .

۱۱٦ـجامی ونوائی، تاشکند ،سال۱۹٦٦ ، ب ۷۷ ـ ۱۹ .

۱۱۷ـ طبق دستنویس منشآت جامی شماره ۲۸٤/۱ .

۱۱۸ـ رجوع شود به حاشیه نامه شماره (٦٦ـ٦٥) ٦۱، که در آن جا می توصیه خود را «سپارش» نامیده است .

۱۱۹ـ در باره سبك مکاتبه درنثرفارسی عصر جامی رجوع شود به : بهروز. قواعد ادبی قرون وسطی وظهور آنهادر سبك مکاتبه ، صفحات ۵۲ ـ ٤۱ .

۱۲۰ـ نامه های دارای شماره های(۳۱۲) ۲۰۷، (۲۲٤) ۲۱۹، (۲۵۰) ۲٤۵ وغیره .

۱۲۱ـ شماره های (۲۲۰) ۲۱۵،(۳٤٦) ۳٤۰ .

۱۲۲ـ رجوع شود به بخشی ضیحات مذکور جامی که در آن جامی نامه های خود را به چهار گروه تقسیم نموده و همچنین تطبیق باخمسته المتحیرین علیشیر نوائی ویابا آثاردیگر معاصر جامی .

۱۲٤ـ ترتیب جادهی نامه هادرآلبوم وشماره های آنها در چاپ حاضر نظیر آنگونه که در دستنویس هست ارائه شده اند .

۱۲۵ـ شمار های ۲،۵، ٦،۷، ۸،۹، ۱۱، (۲۹) ۲۸، (۳۰) ۲۹، (۳۲) وغیره .

۱۲٦ـ گاهی در اینگونه نامه هاهمچنین برخی از موضوعات اجتماعی واقتصادی مطرح میگردد که طرحشان ناشی از شرکت نوائی در امور دولتی است (رجوع شود بنامه شماره ۵) .

۱۲۷ـ شماره های ۱، ۳، ٤، ۱۰،۱۳، (۳۱) ۳۰، (٤٤) ٤۳، (٤۷)٤٦، (٤۸) ٤۷، (۸۰) ۷۵ (۱۰۰) ۹۵،(۱۱۰) ۱۰۵، (۱۲۵) ۱۲۰، (۲۰۷) ۲۰۲، (۲۱۰) ۲۰۵ (۲۱۷) ۲۱۲،(۳۷۱) ۳٦۵ (۵۲۸) ۵۲۲

۱۲۸ـ همانگونه که در فوق تذکرداده شد برخی از نامه های جامی ممکن است خطاب به سلطان ابوسعید(۱٤٦۹ـ۱٤۵۱) سلف حسین بایقرا

بوده در ارتباط بامکاتبه حسین بایقرا با جامی مثلاًمبادله مراسلات شعری بین آنها حتی در نخستین سالهای‌سلطنت حسین بایقرا که توسط عبدالرزاق‌سمر قندی عرضه شده(مطلع سعدین ، جلد۲، قسمت ۳، صفحات ۱۴۰۰-۱۳۹۸)، نامه های‌حسین بایقرا خطاب به جامی موجود در « مجموعه رقعات‌و منشآت تنظیمی معین بن حاجی محمد الفراهی وغیره رامیتوان ذکر نمود طی یکی از آنها که از بلخ ار سال شده حسین بایقراباعتماد خاصی که بجای مبذول مید ارد از او خواهش میکند پیرامون‌وضع امور در هرات اطلاع دهد. (دستنویس شماره ۲۹٦، صفحه ۱۲٦) .

۱۲۹- مراجعه شودبنامه شماره۱. ۱۳۰- مراجعه شود بنامه های دارائی شماره (٤٦) ٤٥ (٥٧) ۷۰ ،(۳۷۷) ۳۷۱، (٥۲٦) ٥۲۰ وغیره که مابگروه دوم نامه های جامی منسوب‌کرده ایم.

۱۳۱- شماره های (٦۸) ٦۲ ،(۷٥) ۷۰، (۱۰٥)۱۰۰، (۱۳٤)وغیره

۱۳۲- رجوع شود به مثلاً نامه شماره (۷٥) ۷۰

۱۳۳- رر رر به‌علشیر نوائی، خمسته المتحیرین ، صفحه ٤۱ ب

۱۳٤- رر رر به نامه شماره(٦۹) ٦٤ در«آلبوم نوائی» .

۱۳٥- شماره های (۳٦) ۳٥،(۷۷) ۷۲ (۹۳) ۸۸،(۹۱) ۹٦، وغیره شمارها

۱۳٦- رجوع شود بنامه (۱٥۷۱٦۲ .

۱۳۷- شماره های (٤۰) ۳۹،(٤٥) ٤٤، (٦۸) ٦۳، (۷۳) ٦۸.(۸٥)

۱۳۸- شماره های (۳۹) ۳۷(٥۱۳) ٥۰۷ (٥۲۲) ٥۱٦

۱۳۹- شماره های (۷۱) ٦٦ (۱٤٦) ۱٤۱ (۱٤۹) ۱٤٤ (۲٤۹)

۱٤۰- شماره های (۳۹) ۳۸ (۹٤)۸۹ (۱۱٤) ۱۰۹ (۱۱٦) ۱۱۱

۱٤۱- شماره های (۱٦٤) ۱٥۹،(۲۰۹) ۲۰٤،(۲٤٤) ۲۳۹ .

۱٤۲- شماره های (۷۰) ٦٥ (۷۲)٦۷٦۷(۷٦) ۷۱ (۷۸) ۷۳ (۸۲) وشماره های‌دیگر

۱٤۳-شماره های (۳۷)۳٦، (٦٤)٦۰ (۷٤) ٦۹ (۸٦) ۸۱ (۸۷)وغیره

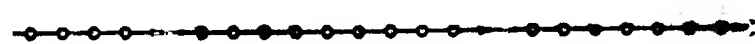
۱۴۴ـشماره های (۳۳) ۳۶(۱۴۰)۱۳۵(۲۳۳) ۲۲۸ (۲۶۳) ۲۵۸(۲۶۶) ۲۶۱ ۳۵۰ ۳۴۴ (۳۶۷)۳۶۱(۳۷۲) ۳۶۶(۵۲۳) ۵۱۷(۵۳۷) ۵۳۱(۵۴۰) ۵۳۴ .

۱۴۵ـعلیشیر نوائی .خمسته المتحیرین ،صفحات ۸۲۰ ـ۱۹۰، سلطان حسین‌میرزا. دیوان، صفحات۲۲۹ـ۲۲۷ ملامعین بن حاجی محمدـ الفراهی .مجموعه رقعات ومنشآ ت،دستنو یس شماره ۲۹۶ مکتوبات تیموریه ، دستنویس شماره ۲۲۷۸،عبدالرزاق سمرقندی مطلع سعدین ،جلد ۲جز۳،صفحات ۱۴۰۰ـ۱۳۹۸.

۱۴۶ـمثلاً درمضاقات برنامه های‌شماره ۱۱و(۴۳) ۴۲ ونامه شمار ه (۴۶۵) ۴۵۹وغیره .

۱۴۷ـمثلاً درنامه شماره (۴۶)۴۵درمورد نامه شماره ۵ودرنامه شماره (۳۵۰)۳۴۴ درباره نامه شماره(۲۳۳)۲۲۸ ،درنامه شماره (۳۴۵)۳۳۹راجع بنامه شماره (۲۱۸) ۲۱۳ ،درنامه شماره (۵۳۳) ۵۲۷ ازنامه شماره (۵۳۱)۵۲۵ درنامه شماره (۳۷۰)۳۶۴ازنامه شماره(۲۵۰) ۲۴۵وغیره تقاضاها تکرار تذکر داده‌شده‌اند .

۱۴۸ـ رجوع‌شود به نامه های‌دارای‌شماره ۵، (۷۵) ۷۰وغیره .



متن نامه ها

۱

باسمه سبحانه

از نورازل دلت منور بادا　　　اسرار ابد درومصور بادا
بی آنکه عنان عزم تابی سوبی　　　ملك همه عالمت مسخربادا

برضمیر منیر دولتخو اهان آن‌حضرت‌آئینه صواب‌نمای مصالح دینی و دنیوی است‌ومرآت صورت کشا ی‌مقاصد صوری‌ومعنوی روشن خواهد بودکه‌حضرت ذوالجلال والاکرام ازآغاز تاانجام اکثر مطالب ایشانرا بی آنکه تهیه اسباب ظاهری رادران مدخلی تمام بوده باشد میسر ساخته است و بواسطه حسن نیت وصفای طویت که نسبت باعموم رعایا وکافه برایا دارندبسی اطراف وا کناف را مسخر کرد انیده امیدواری جنانست‌که بی آنکه وجود ایشان در میان باشد و سعی ایشان حجاب شهودفضل و امتنان گردد بمقتضای قضیه لقد احسن الله فیمامضی کذلك‌یحسن فیمابقی همیشه در مصاعدجاه و حشمت متصاعد باشد ودر مراقی‌فتح و نصرت مرتقی صبر در امور عطیه ظفرست و استعجال در آن‌مظنه خطرلا یزال عساکر نصرت اثر با ظفر همعنان باد ودر سفر و حضراز خطاو خطر در امان و السلام و الاکرام .الفقیر عبدالرحمن‌ا لجامی

۲

باسمه سبحانه

ای مسلم ترا مسلمانی　　　کام اسلامیان سلامت‌تست
سویت ارکان خمسه اسلا م　　　می‌فرستم بغیررکن نخست
کان‌نه باجانم آنچنان آمیخت　　　که جدایی ازآن توانم‌جست

---

(۱) برگ ا ـ ب

انستیتوی شرقشناسی اکادمی ازبکستان شماره دستنویس ۲۱۷۸

بعده معروض آنکه از جمله کتاب نفحات الانس من حضرات القدس جزوی چند که نوشته شده بود ومقابله یافته صورت ار سال یافت وتمامی همت مصروف بآنست که آنچه باقی مانده عن قریب با آن سمت انضمام واتصال یابدلا یزال مشام ذوقشان را روایح نفحات انس متنسم باد ولب انبساط از بوارق حضرات قدس متبسم والسلام و الا کرام

۳

باسمه سبحانه

بنا میزد زهی منشور شاهی	بایرادش دعا کویان مباهی
بنام بنده در قید غم بند	خط آزادی آمد از خداوند

عنایت نامه همایون بانواع عنایات مشحون در اشرف ساعات و اطیب او فات خاکساران وادی فرن وبادپیمایان بوادی اشتباق را سر ذلت باوج عزت افراشت بدست مرحمت از خاك برداشت بایستی که این فقیر بخود چون خامه قدم ازسر ساخته جواب نامه بود بلکه بیخود قدم ازسر نشناخته طریق ملازمت پیمودی امابواسطه عجزوبی اختیار وبی قدری وبی اعتبار خودرادر معرض این مقصد بلندو مطلب ارجمند نمی داردوالا ـ غلبات شوق ونزاع وجذبات تعطش والتیاع بزمین بوسی عتبه سپهر مرتبه نه درمرتبه ایست که بحروف مرکبه وعبارات مرتبه شرح توان دادرجا و اثق است که عن قریب قریب مجیب عزشانه لطیفه متضمن این امنیت مفضی بفراغت وامنیت ازهجوم شدایداحزان وهموم ازمکمن بطون بظهور آرد و مشتاقان آرزو مندرادرمضیق دو ری ومهجوری نگذارد حق سبحانه قلع وقمع اصحاب شقاق ونفاق راعلی احسن الوجوه میسر کرداناد والسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

٤

بر ورق ازکلك تو یك دو سه قطره چکید
سنبل سیر آب رست سبزه مشکین دمید

تواتر اخبار مقدم شریف ایشان بروح فقیران ودرویشان چندان لذت وحضور و بهجت وسرور رسانیده که (کنجائی...) مداید فراق ومجال بسط نوائراشواق

نمانده است امیدواری چنان است که عن قریب بتحقیق وتحقق پیوند باد بالنبی المختار وآله الاخیار والسلام والاکرام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

٥

لازال فی خلود دولته وشمول نعمته عونا للاسلام والمسلمین وعونا لاصحاب الصدق وارباب الیقین

گفتم که کنم پس ازدعا حرفی چند — برعادت اهل رسم باهم پیوند
دل گفت که ازتکلف عادت ورسم — بگذرکه همین دعا پسند است پسند

بعده فصلی چند نوشته می شود اگرمصلحت وقت باشد بعرض همایون برسانند شاید که فکرحال مسلمانان بکنند اول جماعت رنودواوباش ازپیاده روو یتیم وغیرهم استیلاتمام یافته اندودراین مدت خونهای متعدد واقع شده است وهیچ کسی نپرسیده است وددرشبی که روزش این عرضه داشت نوشته شدجمعی ازین طایفه بسرمزاری که فقیران می باشند درآمده اند ویکی ازفقیران رابشمشیرزخمهای بسیارزده اند وبربستر هلاك افتاده تاحال چه شودو دیگر آنکه آوازه باطراف رفته است که کسی من بعدمتعرض حال تجار نمی شود بعضی ازیشان جسته جسته بدین جانب متوجه می شوند امابعضی ازعوانان و ظالمان بوساطت بعضی ازدلالان که بیشتر مهجور می بود بهرنوع که می توانند ورای تمغاچیزی می ستانند وتجاررا ازآمدن پشیمان می سازند دیگر آنکه تخصیص و توجیه برقاعده دودی ازحدگذشته است وهیچ نوع ضابطه دران مرعی نیست باندك بهانه چیز بسیار می گیرند وملازمان حضرت خلافت پناهی را(١) ادام الله تعالی عدله واحسانه ازآن جزبدنامی حاصلی نه القصه هیچکس را فکرحال مسلمانان نیست وهمه درمقام تحصیل نفع خویش اند. والسلام — الفقیر عبدالرحمن الجامی

٦

برکنار دجله دورازیارمهجورازدیار
دارم ازاشك جگر گون دجله خون درکنار
چون سواد دیده ام دریاکند بغداد را
سیل چشم دجله بارم گرشود بادجله یار

---

(١)درحاشیه رقعه ازین به بعدنوشته شده برگ ٢ ــ الف

دعای بعز اجابت‌قرین از مشاهد مقدسه ائمه مهدیین ومسالتی بشرف‌استجابت همراه ازمزارات متبر که اولیأ الله تحفه مجلس شریف وهدیه‌موقف منیف می‌گردد شوق و نزاع وتحنن و التیاع بدر یافت سعادت ملاقات که اعز مطالب واجل مراد ات است بیش از آنست که بامدادخامه زبان آور واعداد نامه سخن گستر از عهده ادای آن تفضی توان‌نمود لاجرم عنان بیان ازان صوب معطوف داشته معروض میگردد که بعون عنایت بی علت حضرت عزت علت و عزت احوال فقیرانی که رفقاسفر وجلسا بدوو حضراند برنهج سلامت ومنهج استقامت گذرانست وازهردغدغه ونگرانی که موجب تفرقه باشد وپر یشانی برکران‌ان‌شاءالله العزیز که مجاری امور دو لتخواهان آنحضرت نیزبر صورتی اجمل ومعنی‌اکمل واقع باشد بمنه وجوده این رقعه تضرع وابتهال دراواسط شوال‌بیرون از خطه بغداددر حین ار تحال بجانب حرمین شر یفین زادهماالله تعالی شرفا صورت ار سال یافت عزیمت چنانست بعد مشیه‌الله تعالی که‌چون زیارت آن منازل شریفه میسر گردد از راه شام مراجعت‌نموده در اسرع وقتی وبراسهل و جهی بدولت دستبوس رسیده شودمرادات دو جهانی وسعادات جاودانی محصل باد و السلام والا کرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۷

همایون نامه چون یار دلبر / بروی از عنبر تربسته زیور
خط مشکین و نظم جان فزایش / چوگیسوی مرصع درقفایش

دراطیب اوقات واشرف ساعات انیس‌خلوت دوران وجلیس صحبت مهجوران گشت .

گهی پرده زروی او کشادند / ز شوقش بوسها برروی دادند
گهی سوی قفایش دست بردند / زعقد گیسویش گوهر شمردند

درمقابله هرکرشمه ازآن‌شاهد غیبی‌که برمنصه پاکی وبی عیبی جلوه ظهور نمود انواع تعلق ودلبستگی‌و نیاز مندی وشکستکی بموقف عرض رسانیده می شودو تحاشیاعن الاطاله المفضیه الی (۱) الملاله برین دوبیت اقتصار کرده می‌آید .

---

(۱)درمتن دوالی‌آمده بودکه یکش‌زاید است .

بود واثق رجای من که واهب   زمحض وهب در باغ مکاسب
چنانش در برآرد شاخ امید   که باشدمیوه‌اش‌اقبال جاوید

والسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۸

مرغ جان کردی هوای دانها ی‌خـال او
گر نبستـــی‌رشته لاغر تـن‌مـن بـال او
گر بقصد جان فرستد قاصد آن‌مقصود دل
دل‌کـــنـــدفرسنگهاجان برکف استقبال او
بس کـه بردل خـامه بار غـم‌نهاد از شرح هجر
همچونون درخم شد پشت لام ودال او
خون کنم دل راو مالم در رکاب‌اوز چـشـم
تا چوپای اندررکـاب آرد شـود پـامـال او
رویش‌اربیند فرشته گرکشدصدبی گناه
یك گنه نـنویسـد انـدر نـامه اعـمال او
صوفی دل حالها کردست دوش ازذکردوست
سینه ام چون خرقه چاك‌اینك‌گواه حال او
یار جویان جامی وطعن رقیبان‌از قـفـا
در بـدر درویش و غوغای سـگان دنبال او

۹

صحیـفه از فتـحه صاد صـاد قانراگلهای فتح‌کشاده واز کسره حاحاسد انرا خار های کسر نهاده بعداز تمادی‌ایام انتظار و توالی آلا م‌اصطبار از جانب جناب امیر علی شیر عالی گهر

لازال فـی رویة مـصالــــح‌الدارین
کـــاســـمـه الشـریف مفتـوح العـین (۱)

که نام شریفش بصورتی لطیف نگاشته قلم تحریر و خامه تقریر کشت سمـت ورود یافت منتـظران زاویـه اخلاص وامیدواران کاشانه اختصاص

---

(۱)این بیت در حاشیه رقعه یادشده

را مروح روح ومفتح ابواب فتوح آمددر مقابله تحیات حیات انجام و تسلیمات مفتتح بتسلی تام متحف ومهدی ومبلغ میگردد شرح تعطش برشح زلال وصال حد زبان لال حال و مقال نیست لاجرم ازان تقاعد نموده بردعایی متضمن هر متمنایی اقتصارمی رود

زتیغ فتح شاه صف شکن را | اقالیم جهان بادا مسلم
پی هر فتح عائم را سکونی | میسر باد همچون لفط عالم
همیشه در دل حساد ملکش | چو سین نوك سنانها باد مدغم

والسلام | الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۰

باسمه سبحانه

هستم ز صفای خاطر وبی کینی | من آینه توای نگار چینی
روزی که بمن روی برو بنشینی | درمن همه عکس خوبی خودبینی

* * *

هردم زره دیده دلم خون ریزد | تا بوکه قضا لطیفه انگیزد
وین نامه وقاصد ازمیان برخیزد | بی‌واسطه دردامن وصل آویزد

اگرنه نامه نامی و صحیفه گرامی که مصب رشحات قلم ومهب نفحات کرم آن قبله اقبال و کعبه امانی وآمال باشد در هرچند روزی از ایام دوری واوقات مهجوری گلبن امید دورانرا برشحه تازه گرداند و غنچه مقصود مهجورا نرا بنفحه بشکفاند

یك غنچه مقصود بصدسال نخندد

یك گلبن امید بصد فصل نروید

نی طی نامه را گنجائی ادای شکراین مکرمت است ونی زبان خامه را توانائی انهای عذر این موهبت لاجرم درآن باب شروع ننموده بردعا اقتصار میرودلا یزال روضئه جاه وجلال دو. لتخواهان برشحات فضل آلهی تازه باد ودر جات ترقیات آن تازگی بنفحات فیض نامتناهی بی اندازه والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

درحاشیه رقعه این مطلب یادشد .

خدمت شیخ الاسلامی در تمشیت امورشرعی ومصالح عرفی حسب المقدر مساعی جمیله مبذول میدارد اگر درآن باب استحسانی واقع شود ممکن که سبب مزید آن کردد م

۱۱

رقعه مشتمل برقطعه بمیزان لطافت‌سنجیده بلکه کاغذی قطعه جوهرسیر
اب دران پیـچیده بمفلـسان عور ونزد یکان دور رسید

ازغایت تعظیم نشاندند آنرا   برحلقه دیده چون‌نگین درخاتم

جواب آن بکلك اخلاص برلوح اختصاص مرقوم گشت و بدعای حسن عا-
قبت و خوبی خاتمت مختوم آمد قرین‌اجابت باد بالنبی وآله الامجاد

الفقیر عبد الرحمن الجامی

این سطر در حاشیه آمده است

آنچه همراه رفعه نامفردآن طالب‌علم‌یب کرده بودند بسیار در محل واقع
شد امید است کـه وسیـله نجات وذریعه رفع در جات باشد

۱۲

دعاهایی که برلب نارسیده   نوید فاستجبـناها شنـیده
تحیاتی که باآن هست روشن   خروج از عهده حیوا باحسن

بشرف عرض رسانیده میشود شوق‌و آرزو مندی بملاقات شریف بیش
ازآنست که بتحریر بنان و تقـریـرزبان‌شرح آن‌توان توقع چنان‌می‌بو د
که‌مخلصانرا پیوسته بنوشته یـادفرمایند انشا الله که مانع فراموشی
بوده باشد اگرمن بعدبعض آن قاعده کنند حاکمند دولت وسعادت مستد
ام والسلام

درحاشیه رقعه نوشته شده

التماس آنکه خاطر شریف بمهم خد مت خواجه عطا الله مصروف دارند
شاید که سر انجامی یابد

۱۳

دعائی بدایت آن مضموم مع الشوق‌والـغـرام و ونـهایـت آن مـعـدود
الی یوم القیام والعین بینهما مفتوحه‌الی الا جابة من‌الملك العلام بصورت
نیاز نثار بساط جرات وانبساط مـی‌گردد میل و شعف بنیل شرف ملاقات
بیش از آنست که بصرف (عشیات)وغدوات دراعمال ادوات (قلم‌ودو ات

برگ ۲ـ ب

ادا) شمه از آن توان کردلا جرم‌عنان قصدونیت از صوب آن امنیت معطوف داشته بدین دوبیت مصروف‌می گردد

زیرك آن‌کس که‌در خرابه دهر در گنجینه‌های راز زند

جاه کوتاه زیر پای نهد دست در دولت دراز زند

لایزال نهال روضه امیدبرومند بادوشاخ دوحه‌سعادت جاوید بدان‌پیوند والسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

درحاشیه رقعه

خدمت‌خواجه سلطان بیك‌مردی‌نیك‌است ملتمس آنکه بنظرعنایت ملحوظ گرددواز حسن رعایت‌محفوظ

نیز درحاشیه رقعه

ازسادات علوی شرمند گی بسیاراست ملتمس‌آنکه بنظر عنایت‌ملحوظ را از آن شرمند گی بیرون آرند

١٤

نی کلك توطفل معنی را بنبات حسن بپرورده

غره صبح‌را زطره شام رشك رخسار نوخطان کرده

قصه کوته شب‌دراز مرا پاره پاره بروز آورده

صحیفه شریفه مشحون بمعانی‌وعبارات لطیفه نزدیکان دورو دوران نزدیك بحضور رامشرف‌ساخت درصورت هرخطی خطی روی نموده واز عکس‌هر حرفی فرحی پرتو انداخت‌ازشوك‌شکایت عنچهای شکروثنادمانید واز خارگله گلهای محمدت ودعاشکفانید آری

گرخوی توبگذرد به‌خارستانها خارستانها شود بهارستانها

حکایت گله وشکایت بنابران واقع‌شدکه ایشان ازرقعه این‌فقیر تصور کرده‌اندودر تحت‌تحریر وتقریرآورده‌والا

ناید ازتو چنان معامله که کسی را رسد از ان گله

نیست ازتو بجزگله گله‌مند زآنکه لطف‌تواش‌ز بیخ بکند

حضرت‌حق سبحانه همواره‌درنظررافت خودشان داراد(و) یا آفت‌نظر

برگ ٥ـ٢

بخودشان مگذاراد والسلام والاکرام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۵

چنین که یارمرا روی خوب وخوی نکوست
عجب مدارکه گردند دشمنان همه دوست

زچشم وغمزه وابروچه حاجتش بسپاه
چوکشوردل واقلیم جان مسلم اوست

نامه مخبر ازمصالحه متضمن مصالح جمهور انام و صحیفه مشعر بموافقتی موافق مرافق کافه خواص وعوام ازساخت مخیم جاه وجلال ومعسکر دولت واقبال حضرت خلافت پناهی سلیمان دستگاهی عزالله تعالی انصاره(۱) وضاعف ملکه واقتدار هبخاك نشینان آستانوافخار که اناالليل واطراف النهار بدعاگویی دوام دولت وخیرخواهی ارکان ملك وملت می گذرانند رسید وکلا گوشه قدرومنزلتشان باوج عزت وکرامت رسانید همه یك دل ویك زبان بوظایف شکرگزاری قیام نموده وقواعد منت وسپاس داری کارفرموده می گویند :

خسروا قاعده عدل فزون (کن) که زعدل
عرصه ملك توهر روز فزون خواهد شد

فتح و نصرت زخدا خواه که بی منت خلق
مدعی گرهمه شیرست زبون خواهدشد

لا یزال دولت موافقان در معرض ازدیاد بادو گردن مخالفان در ربقه انقیاد و السلام والاکرام

۱٦

زهی کرده از شوق شهباز طبعت	همایان قدسی هوای تذروی
زمردم فرستاده ای مطلعی خوش	کزاهل سخن مثل آن نیست مروی

الحق مطلعی است از معانی آن انوارذ کاطالع واز عبارات آن آثار حسن ادالامع اگردر بعض اوقات باتمام آن پرد ازند .

برگ ۵ـ۱

(۱) در حاشیه رقعه صفات آمده

* وپرتوا ندیشه برتکمیل آن‌اند ازند.
شك نیست که بیت القصیده نظم‌ایام و واسطه العقد شهور و عوام خواهد بود حق سبحانه از هرچه نباید مصون دارد و از هرچه نشاید مامون و السلام

الفقیر عبد الرحمن الجامی

۱۷

بعد از عرض نیاز معروض آنکه خد مت مولانا جلال الدین سید محمود را بقصد زیارت مادر وبرا درعزیمت سمرقند شده است التماس آن دارند که عنایت نموده اتفات فرمایندو اجازت این سفر از ملا زمان آن حضرت حاصل کنند توفیق رفیق باد و السلام

الفقیر عبد الرحمن الجامی

۱۸

باکلك توگفت نامه کای‌گاه‌خرام   صدتحفه خوش برومآورده‌زشام
گرپای تو در میان نباشد نرسد   مهجور انرازجانب‌دوست پیام

چون رقعه شریف بخط وعبارت لطیف‌متضمن رباعی

چنان‌در جودت وحسن بیان‌فرد   کزان بهترتصورکم توان‌کرد

بمطالعه این‌ضعیف‌رسید ازهرمصرع بردل محزون وسینه مجروح‌درتفرقه مسدود گشت‌وباب‌جمعیتی مفتوح‌نایره‌شوق‌وصال اشتعال یافت‌وداعیه سفر مفضی بدولت اتصال‌استکمال پذیرفت‌امابواسطه تمادی ایام‌روزه وتضاعف ضعف‌هرروزه موعداین‌مراد بعیدافتادحق‌سبحانه وتعالی همکنانرا توفیق مصالح دینی ودنیوی رفیق گردانادوالسلام والاکرام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۹

بعدازعرض نیازمندی معروض‌آنکه مکتوب شریف‌مبنی‌از صحت و سلامت‌وعافیت رسید وانواع‌بهجت وسرور رسانید وقضیه صلح‌که نوشته شده بودامید است‌که عن قریب بوقوع پیوند (د-؟)که مصلحت جمیع‌مسلمانان ازهردو جانب درآنست وفقیران‌اینجائی راتمام همت ونهمت متوجه آنست که زودترواقع‌شودشك‌نیست‌که‌خاطرشریف ایشان نیزبرآن خواهد بودوحسب‌المقدور در آن باب‌اهتمام‌خواهند نمود مقاصد بروجه اکمل‌محصل باد   والسلام والاکرام

۲۰

بعدازعرض نیاز معروض آنکه دار ندگان مردم غریب وطالب علم وفقیرند اگر چنانچه عنایت نموده نسبت بایشان نوع احسانی واقع شود بسیار درمحل مینماید توفیق رفیق باد والسلام

۲۱

بعداز عرض نیازمعروض آنکه خدمت سیادت مآبی مردم عزیزاندوچندگاهست که بجهت امضای نشانی تشریف آورده‌اند وآن بامضا نرسیده‌است وبسیار مضطر گشته اند اگرچنانچه عنایت نموده التفات نمایندوامداد فرمایندکه مهم ایشان بکفایت انجامد بسیار درمحل مینماید توفیق رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده برزکر شیخ مزارا بوالولید بوده وکرمی را که او برزگر بوده فروخته اندودرحصه اول تعلل می کنند وقسمی راازآن حواله بکسی کرده‌اند که نمی‌دهد التماس آنکه عنایت نموده چنا ن کنند که حق او بدورسد توفیق رفیق باد والسلام

۲۳

بعد ازعرض نیازمعروض آنکه بسیاری ازبزرگان کوسویه التماس آن می دارند که سید میران درمیان ایشا ن کلان تر باشدوقطع مهمات ودفع مضرات بکند اگرچنانچه عنایت نموده ملتمس ایشان رامبذول دارند دورنمینماید توفیق رفیق باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٤

بعداز عرض نیازمعروض آنکه خدمت مولاناجلال الدین بایزید ملکی بمیعاد معین بشخصی فروخته استوازمیعادگذشته است ووجه آنرا ادا نمی‌کند التماس آنکه عنایت نموده اشارت (رودکه) آن وجه را ادا(کندو) تعلل نکند(توفیق) رفیق باد

۲۵

باسمه سبحانه

سلامی که چون که بلسان رمزازاصول ومبانی آن نکته کویم جزولای ازلی

درسم نیست وچون بمشام ذوق ازوصول بمعانی آن شمه بویم ازهموم ابدی ترسم
نی بافاتحه اخلاصی مقرون بغایت تذلل وابتهال ونهایت تو چه بدولت اتصال
تحفه موقف شریف وهدیه مجلس شریف می گردد داغ دل سوخته ازفراق دراثنای
علم آتش اشتیاق روشن تر ازآنست که درشرح وبیان آن بکاغذدور وی و
خامه دوز بان احتیاج افتدلاجرم طی آن بساط نموده وزبان انبساط کشوده
انها میرودکه درین ولاورقی بلکه یهزار باب محبت وولاسبقی مشحون
بنکته چندکه اوقات مطالعه آخرین شرحهای قصیده برده که بی شك کوی
سبق ازشرحهای اولین برده روی نموده محلو بلطایف ار جمند که بران کتاب
لطافت انتساب چون قطره شینم که چندبرگل سیراب بتازگی افزوده مطرح
پرتواندیشه گشت ومسرح نظر عقل فکرت پیشه آمد الحق هر معنی دقیق
که بتدقیق نظرموی شکاف شکافته بودندو بقوت مناسبت چون موی دابران
درهم یافته عقل باریك بین را میان آن وموی فرق نهادن دست نداد اماچون موی
برفرق نهادوهرعبارت پاك که بفهم دراك از بحر زخار خاطر گوهر بار گوهروار
استخراج کرده بودند وبالماس تفکرسفته درسلك انتظام آورده از ان تا
جواهر آبدار ولالی شاهوارتفاوتی چندان ندیدلاجرم آنرازیب وو شاخ
جان وزینت حمایل چنان گردانیدتو چه خاطرشریف باستنباط این نوع غرایب
وبدایع باوجود کثرت شواغل وموانع علامت آنست که ایشانرا تفرقه ظاهر
ازجمعیت باطن مانع نمی آید وازین معنی امیدوار گشته مسالت میرود
که حق سجانه و تعالی جمعیتی کرامت فرماید که این جمعیت درجنب آن محض
تفرقه نمایدبمحمد وآله الکرام علیه وعلیهم التحیه والسلام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

درحاشیه گفته شده

چنین استماع افتاده که نسبت بخدمت خواجه سعدالدین مسعود که در
ین دیار بلکه درین روزگار غریب افتاده انواع الطاف وغریب نوازی بوقوع
پیوسته الحمدلله تعالی که آنچه فقیرانرا ازاخلاق کریمانه ملازمان در
خاطرمی گشت بظهور امده است که روز بروز در ترقی وازد یادباشد
باقی اجزا ١٦ شرح قصیده مصحوب مکتوب فرستاده شددرمحل قبول باد
ونیز در حاشیه سلام الله علیکم

٢٦

صبا ازمرومی اید فدایش بادجان من
که می گویدحدیثی مروی ازجان وجهان من

زجـانــان نامــه بــل کزمسیحانسخه دارد
پی د رددل بیمار وجـان نـا تـوان مــن

نامه ازعنوان آن نفحات صبح سعادت فایح وصحیفه از مضـمون آن لمعات آفتاب عنایت لایح مبنی از انتظام سلك جمعیت زمین بوسان ساحـت مجلـس همایون ومشعر بازدیاد موادحشمت باریافتگان بارگاه دولت روزافزون مشام امید محرومان کلبه فراقر امعطر ساخت ودیده انتظار محبوسان زاویه اشتیاق رامنور گردانید

منت ایزدراکه از نزهتکه لطف وجمال خاطرغمدیده راسرمایه شادی رسید
ازسرابستان شاه کشورجاه وجـلال تحفه زندانی منشـور آزادی رسید

اضعاف مضعفه آن معاطفه ملاطفه که از فحوای آن مطالعه افـتادعجز و شکستگی وشـوق ودلبسـتگی بموقف عرض رسانیده می شود وتخفیف تصدیع رابرین دوبیت اقتصار کرده می آید

امیدوارچـنانم کـه فیض فضل ازل همیشه کام ده شاه کامران باشـد
بقد دولت او خلعتی ببار آید که عطف دامن آن ملك جاودان باشد

والسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

٢٧

فی الفتاوی الصغری لوقال الرجل ان فعلت کذافالف درهم من مالی صدقة لکل مسکین درهم واحد فحنث وتصدق الکل علی مسکین واحد جاز .کذافی الجنس الثانی من ایمان الخلا صه وکذاایضاالـثـالــث فـی النـدز مـن فـضل فی کتاب ایمان خزانة المفتـیـن .

ولوقال لله علی ان اتصدق بهـذا لدرهم علی مسکینین فتصدق علی واحد اجزا .ء کذافی الفصل الخامس والعشرین من ایمان المحیـط . نذر بقـرآة القرآن لایصح. کذا فی کتاب ایمان خزانة الفتاوی والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمدوآلـه وصحبه اجمعین .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

٢٨

باسمه سبحانه

هبت ربع وهیجت اشواقی اجرت دم مقلتی من آمـاقـی
ازرنج فراق ومحنت مشتاقـی حرفی گفتم فقس علیه الباقی

هرگاه قلمی بتراشم تادرجواب رقعه شریف ورقی بخراشم هیچ نیابم که بارها آنرانگفته ونوشته باشم ازملالت تکرار اندیشه کنم واقتصار برعایت اختصار بیشه سازم

هرکه برمن زهجرت آید دردی تحریر رباعی کنم یافردی
زان میترسم کزدم چون من سردی برخاطر عاطرت نشیند گردی

نوشته شده بود که در قبله رویه هرات تعدیها واقع است تخصیص را جهتی نیست این واقعه در جمیع جهات شایع است

درنوبت حسن آن مه اوج جمال
ازدست رقیبان نکوهیده خصال
چه شرق وچه غرب وچه جنوب وچه شمال
ازجو رپرست واز جفا مالامال

واما قضیه دعاواستدعا که اشارتی بآن رفته بود دعارا نوحی می باید که رب لاتذر علی الارض گویان در هیچ دیارازین طائفه دیارنگذار دواستدعا راصاحب فتوحی که حقوق مستدعیانرا گذارده ازمدعیان دمار برآرد و درین روزگار این هردو مفقوداست واز جمله محالات معدود ظل عاطفت مبسوط بادوسایه شفقت ومرحمت مسدود والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۹

آمد مرغی برگ گلی درمنقار بروی خطی ازسنبل تر کرده نگار
مضمون خطآنکه ای خزان دیده گیاه خوش باش که ازتویادکرد ابربهار

رشحات اقلام دبیران عالی مقام سده سدره آیین لازالت ملثما لشفاه الملوك والسلاطین که سر چشمه حیات لب تشنگان وادی حرمان وسرمایه نجات سرگشتگان بوادی بعدوهجران استفی ایمن یوم واسعد ساعة بدین فقیر حقیرالبضاعه رسید روضه جانراخضرتی تازه دادوحدیقه جنانرا نضرتی بی اندازه بخشید برحصول این دولت ووصول بدین سعادت وظایف شکر گزاری ومراسم منت وسپاس داری بجای آورده شد وتخفیفاً للابرام و تحاشیاً عن اطالة الکلام بردعا اقتصار کرده آمد

برتاج وران شاه جهان سر بادا برفرق زمانه سایه گستر بادا
آوازه بندگی وشاهی تاهست ما بنده وشاه بنده پرور بادا

والسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۰

این نامه چه نامه است کـــه چون طره جانـــان
صدجلوه خوبیست زهـــر پیـچ وخـــم او
واین تـازه رقـــم از قـلـم کیست کـه بادا
صدجان گرانمایه نـثار قـلـــم او

چون رشحه خامه مسکین نوازکه برصفحه نامه مشکین طراز مرغـــان اولی اجنحه رادام نهادست سلسلـه شوق مشتاقان دورو محرومان مهجور رادرجنبش آوردعنان آرزومندی برکاب بوسی حضرت خداوندی نه چنان از دست رفت که ببازوی طاقت و توانایی ونیروی مصابرات وشکیبایی امساك آن توان کرد

آمد نسیم سلسله مشکبوی دوست زنجیرمی در ددل دیوانه سوی دوست

لاجرم گستاخی نمود تسلیه خاطـرمشتاق وتسکین حرارت اشتیـاق را حرفی چند مبنی ازطرفی ازآن وسطری چند مشعر بشطری ازآن نگاشته خامه نیاز واخلاص ورقم زده قلم افتـقار واختصاص می گردد

شوق چون غالـب شود گیـرم زمردم گوشه
خامه ازمژگان دوات ازدیده پرخون کـنـم
حسب حـال خـود نویسم پـر بیاض روی زرد
تا بدین صورت غم هجران زدل بیرون کـنـم

ایزد تعالی دولتیـان مخیم جـلال وسعادتمندان معسکر اقبال آن حضرت راهرچه زودتر بمـقر دولت ومستقرجاه وحشمت برساناد ودیده رمد دیـده منتظر انرابذروه غبار موکب نصرت شعار روشن گرداناد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۱

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا زاده که رافع رقعه اخلاص اند اظهار فقرواحتیاج بسیار می کنندوسابقا نشانی داشته اند که ازاوقاف محقری دروجه معاش ایشان مـی داده اندوحالا آنرا بازبسته اندالتماس آنکه عنایت نموده التفات خاطر شریـــف بحال ایشان دارند تاآن محقر بدستور سابق که موافق شریعت مطهره بـوده باشد بدیشان برسد توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۹ـ۱ شماره رقعه ٦٤

۳۲

بعد از عرض نیاز معروض آنکه چون موصل رقعه شریف عزیمت مراجعت نمود این فقیر خواست که درجواب آن کلمه چند بنو یسد هرچند گرد خاطر نفور ازر سوم عادی وتکلفات رسمی گشت ازمعانی فکری وسماعی چیزی جزین رباعی بخاطر نگذشت :

کی باشد کی که از جدایی برهیم　　وزتفرقه منی و مایی برهیم
دربحر فنا ونیستی غرقه شویم　　وزخود بینی وخود نمایی برهیم

حق سبحانه وتعالی توفیق کرامت خرق عادت مقضی بهردولت وسعادت رفیق گرداناد والسلام والاکرام　　الفقیر عبدالرحمن الجامی

درحاشیه نوشته شده:

میر خلیل الله عزیزی که درسلک ملازمان سلطنت شعاری منخرط است وبخدمت مولانا کمال الدین حسین خوارزمی نسبتی دارد اظهار احتیاج واضطرار کرده واستدعای سپارشی نمود اگرچنانچه التفات(ـ) بحال وی نمایند دورنمی نماید

۳۳

بعد ازعرض نیاز معروض آنکه دارنده خواجه احمد راباهتمام ملازمان ایشان از عملهای دیوانی معاف داشته بوده اند وازآن هشت سال گذشته است درین ولاویرا درجمع عمله داخل داشته اند ومزاحمت مینمایند اگر چنانچه عنایت نموده التفات فرمایندکه ویرا استخلاصی تمام حاصل شود دور نمینماید توفیق رفیق باد　　والسلام والاکرام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳٤

بعد ازرفع نیاز مرفوع آنکه چون ازسفر مبارك بهراة رسیده شدو بخدمت صاحب اعظم خواجه سیف الدین مظفر اتفاق ملاقات افتاد آثار خیروصلاح از یشان مشاهد شدوچنین استماع افتادکه تغییر اوضاع واطوار پیشنه کرده اند وحالا بموجب فرمان جهانمطاع متوجه اردوی همایون شده اند التماس آنکه عنایت نموده التفات خاطر شریف ازحال ایشان دریغ ندارند

برگ ۹-۱ شماره رقعه ٦٥-٦٦
برگ ۹-۱ شماره رقعه ٦٧

ودرامداد واعانت ایشان مساعی جمیله مبذول گردانند که چنین معلوم شد که درین مدت ازیشان هیچ نوع بدنفسی نسبت بهیچ کسی واقع نشده است و امیداست که من بعد نیز واقع نگردد ومعاش ایشان بامسلمانان بهتر از پیشتر باشد توفیق رفیق بادوالسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۵

بعدازعرض اخلاص بلسان محبت واختصاص معروض آنکه قرب سلطان صاحب قدرت ومجال قبول سخن در آنحضرت نعمتی بزرگست وشکر آن نعمت صرف انفاس واوقات است بمصالح مسلمانان ودفع مفاسد ظالمان وعوانان واگر ناگاه ازممراین شغل عیاذا بالله طبع لطیف راگرانی حاصل آید وخاطر شریف را پریشانی روی نماید تحمل آن گرانی را در کفه حسنات و زنی عظیم خواهد بود ومصابرت بران پریشانی رادرجمیعت اسباب سعادت دخلی

راحت ورنج چون بود گذران رنج کش بهر راحت دگران
زآنکه باشد بمزرع امید رنج تو تخم راحت جاوید

حق سبحانه وتعالی توفیق دستگیری ازپای افتادگان وپایمردی عنان ازدست دادگان رفیق گرداناد والسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

درحاشیه رقعه نوشته شده

سواد نشان گم شده فرستاده شد اگر امضافرمایند حاکم ند

۳۶

بعد ازعرض نیاز معروض آنکه مخادیم عظام که خدام حرم شریف حضرت رسالت اند(۱) صلی الله علیه وعلی آله وسلم بجهت ضبط حاصل موقوفات آن واخذ وایصال آن بمستحقان باین دیار تشریف آورده اند وسندها همراه دارند وشواهد وآثار صدق برایشان ظاهراست چنانچه این فقیررا دران هیچ اشتباهی نمانده است وخدمت پهلوان شیخ بایزید راهماناکه برین معنی وثوق نست وامیدست که عن قریب برسد التماس آنکه حسب المقدور در امداد وتقویت ایشان مساعی جمیله مبذول دارند که بی شبهه آن وسیله امدادات صوری ومعنوی ازروحانیت آنحضرت صلی(۲) الله علیه وعلی

برگ ۹ــ۱ ،شماره رقعه ۶۸
برگ ۹ــ۱ شماره رقعه ۶۹
(۱) (۲)درحاشیه صلی... نوشته شده

آله وسلم وهمم عالیه مجاوران خواهد بود چون معلوم است که همت شریف صرف این معنی خواهند نمود زیادت مبالغه نمی‌رود توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۷

بعد از عرض نیاز عرضه داشت آنکه بواسطه حسن معاش خدمت خواجه سیف‌الدین مظفر رعایا را امید واری تمام حاصل شده در زراعت و عمارت کوشش نمودند و بحمدالله تعالی بسیاری از مواضع معمور و مزروع گشته عجزه و رعایا از سر فراغ خاطر بدعاگویی دوام دولت بندگان حضرت اشتغال دارند و مردم عزیز می‌گویند که درین مدت کسی این نوع غمخوارگی رعیت نکرده و در آبادانی کوشش ننموده مناسب دولت ابد پیوند چنان می‌نماید که بنوعی عنایت و مرحمت نسبت با ایشان واقع شود که موجب مزید امید واری رعایا و سبب نیک معاشی امثال ایشان شود و فرقی میان نیک معاش و بد معاش ظاهر گردد ظل رافت و سایه عاطفت ابدالاباد ممدود بادم

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۸

بعد از عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا حبیب‌الله متوجه اردوی همایون شدند و اعتماد کلی بر التفات و اهتمام خدمت شما می دارند التماس آنکه زیادت از آنچ متوقع و ملتمس ایشانست عنایت و رعایت نسبت با یشان بحصول انجامد زیرا که اهلیت و استحقاق ایشان ظاهر است توفیق رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۹

بعد از عرض نیاز معروض آنکه دارنده رقعه اخلاص خواجه تاج‌الدین احمد را باردوی همایون آورده‌اند بجهت امری که بعرض شریف خواهد رسانید التماس آن می‌دارد که عنایت نموده التفات خاطر بجانب او دارند که بروی بخلاف شریعت مطهره تعدی نرود توفیق رفیق بادم

برگ ۹ ـ ب ، شماره رقعه ۷۰
برگ ۹ ـ ب شماره رقعه ۷۱
برگ ۹ ـ ب شماره رقعه ۷۲
برگ ۹ ـ ب شماره رقعه ۷۳

۴۰

بعد ازعرض نیازمعروض آنکه سوادنشان سیورغال مخدومزادگان این‌فقیر فرستاده‌شدا لتماس آنکه عنایت‌نموده‌التفات فرمایندتامهر کرده شودکه دیوانیان مضا یقه می کنند و اینجاتدارك آن‌نمیتوان کرد توفیق رفیق‌باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۴۱

بعد از عرض نیاز معروض آنکه حال‌رعایا شهر و بلوکات بواسطه حوالا-تی که نسبت بایشان واقع می شودبمقام اضطرار رسیده است ونزد یك است که‌سلسه زراعت وسایر احوال‌ایشان از انتظام بیفتد و این قصه بخدمت صاحب اعظم خواجه معین الد ین گفته شد ایشان از آنجا که مقام انصاف و نیکخواهی ایشانست نسبت‌با مسلمانان بسیار اظهار عجز و در ماندگی کردند و گفتند که مضطر وحیران مانده‌ام از اردو حوالات بسیار واقع و پیش رعایا چیزی باقی نیست‌هرچه بوده با ضعاف گرفته اند التما س آنکه عنایت نموده اهتمام فرمایندکه در حوالات تخفیفی واقع شود که اگرچه بعض آنهارا ضروری‌اعتقاد دارند ترك تعدی بر مسلمانان از آن ضروری تراست‌حضرت حق سبحانه توفیق آنچه مصلحت دنیا و آخرت در آن باشدرفیق گرد اناد بمنه وجوده و السلام الفقیر عبد الرحمن الجامی

۴۲

بعد از عرض نیاز معروض آنکه چنانکه معلوم این فقیر شده است خدمت سیادت انتساب را در باره فقرا طلبه‌علم و رسانیدن وظایف ایشان سعی واهتمام بسیار ست باردوی همایون‌تشریف نموده اند شك نیست که بنظر عنایت ملحوظ خواهند شد تو فیق رفیق بادم
الفقیر عبد الرحمن الجامی

برگ ۹-ب شماره‌رقعه ۷۴
برگ ۹-ب-شماره رقعه ۷۵
برگ ۹-ب- شماره رقعه ۷۶

بعداز عرض نیاز معروض آنکـه خدمت مولانا امیر علی فقیر وعیالمندند و بتحصیل علوم مشغول اگر چنانچه عنایت نموده و جهی‌شود که بفراغ بال و جمعیت خاطر بتحصیل مشغول‌توانند بود امید است که مـوجب از دیاد دولت و سعادت دو جهانی گرددتوفیق رفیق باد والسلام .

الفقیر عبد الرحمن الجامی

٤٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب‌اقضوی اعظمی را مهماتست که بعرض شریف خواهند رسانید التماس آنکه‌عنایت نموده چنانچه مقتضای مکارم اخلاق ومراسم اشفاق آن حضرتست‌اهتمام فرمایند که بکفایت انجامد تو فیق رفیق باد.

٤٥

از لطف‌تو تاواسطی سرخ قبا	شدقطره زن‌ازسه رومی‌ماه‌قفا
آورد کهرهای کرانمایـه بـما	از لـجـه بحـر لجـی جـودو عطا

• • •

فیاض کرم‌زفضل بـی اندازه	انداخت زمقدمت بشهر آ وا زه
شدبا غ مراد نامرادان خـرم	شدشاخ امید ناامیدان تـازه

چون قاصد خبرمـستغنی از القاب‌معنی بودازتصدیع اطناب در معرض جواب برین چند کلمه اقتصار افتادآمال وامانی دوجهانی‌میسر بادوالسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

٤٦

ای لطف‌تو شادی دل‌غمزده‌گان	جمعیت وقت‌وقت برهـم زدگان
ماتم زده‌گان این دیاریم‌ونکرد	غیراز توکسی‌پرسش‌ماتم‌زده‌گان

هرچندواقعه حضرت خواجه قدس‌سرد(۱)مصیبتی استعام متساوی‌النسبه بکافه انام‌شك نیست که تفقد فقیرانی‌که بدروغ یاراست دم‌اخلاصی‌می‌زد ه

برگ ۱۰ـ۱ـ شماره رقعه ۷۷

برگ ۱۰ـ۱ـ شماره رقعه ۷۸

برگ ۱۰ـاـ شماره رقعه ۷۹

(۱) قدس‌سری درحاشیه

اندودعوی اختصاص می کرده ازمقوله مکارم اخلاق وطریقه مراسم اشفاق خواهد بودعجب حالی که تا آمدن حاملی رقعه هیچ آفریده درین معنی لب تفقدی نجنبانیده وقدم ترددی نرنجانیده حق سبحانه وتعالی ملازمان ایشانرا روز بروز توفیق اقامت قواعدمروت واشاعت عوائدفتوت زیادت کرداناد والسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

٤٧

بعداز رفع نیاز مرفوع آنکه عارضه که دررقعه شریف نوشته بودند بدان امتدا دواشتند ا دمعلم فقیران اینجائی نشده بود بحمدالله که بصحت پیوسته است وهیچ پریشانی نمانده است احوال اینجائی بخیر گذرانست وهیچ تفرقه جزواقعه فرزند خدمت مولانافقیه واقع نیست بروی ظلمی رفت که درین مدت برهیچکس نرفته است شاید که حامل رقعه وقوف داشته باشد بعرض برساند دولت وسعادت دوجهانی میسر باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

٤٨

بعداز عرض نیازمعروض آنکه خدمت سیدقطب الدین بواسطه تقصیری که درمدت سفردرملازمت واقع شده است اظهار تشویرو شرمندگی می کنند التماس آنکه عنایت نموده نظرلطف ازحال ایشان دریغ ندارندوبطریق معهود بحسن التفات محظوظ گردانندتوفیق رفیق باد والسلام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

٤٩

بعد از عرض نیاز معروض آنکه درسفر مبارك از خدمت خواجه شمس الدین علی اخلاق حمیده مشاهده افتاده به جهت جزوی مهمی که ظاهرا مصلحت مسلمانان درآن مینماید بسعادت زمین بوسی مشرف خواهد شد التماس آنکه در کفایت آن مهم التفات نمایند واهتمام فرمایندتوفیق رفیق بادوالسلام والاکرام . الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۰-ا- شماره رقعه ۸۰
برگ ۱۰-۱ ،شماره ۸۱
برگ ۱۰-۱ ،شماره رقعه ۸۲
برگ ۱۰-۱- شماره رقعه ۸۳

۵۰

بعد از عرض نیاز معروض آنکه خد مت سید خلیلی الله بجهت مهمی بدان جانب تشریف حضور ار زانی داشته اند التماس آن میدارند که نسبت یا ایشان وسایر قرابتان وخویشان امری که مخالف شریعت مطهره باشد واقع نشود توفیق رفیق باد وسعادت زیادت واسلام والاکرام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۵۱

بعداز عرض نیاز معروض آنکه مبلغ بیست هزار دینار کپکی درهمین سال بخدمت خواجه نورالدین اکر محواله داشته گرفته بوده اند وجها ت وی بان مصروف شده وحالا مبلغی دیگر که ادای آن مقدور وی نیست ازوی مطالبه مینمایند وتشدد می کنند و برخاطر ایشان پوشیده نخواهد بودکه وی ازسایر این طائفه باخلاق حمیده وافعال پسندیده ممتازاست اگرچنانچه عنایت نموده التفات نمایند که وی راازین ورطه نجاتی حاصل آیدازمکارم اخلاق ایشان دورنمینماید توفیق رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۵۲

بعداز عرض نیازمعروض آنکه خدمت حافظ شمس الدین که کمال ایشان در حفظ قرآن وقرائت وتجوید آن ازآن ظاهر تراست که بشرح احتیاج افتد درگنبد مقبرهٔ مدرسه بیگم مصدر حفاظ اندامادرآن باب نشان همایون حاصل نکرده اند التماس آنکه عنایت نمود هاهتمام فرمایندکه پروانه همایون صادرشود تاهیچکس رامجال مضایقه نماند توفیق رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۵۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت سید خاونشاه پروانه همایو ن حاصل کرده اند که فرزند ایشان راازبلخ بدین جانب روانه گردانندومتعلقان

برگ ۱۰ـ۱ـ شماره رقعه ۸۴
برگ ۱۰ـ۱ ،شماره رقعه ۸۵
برگ ۱۰ـب ،شماره

ایشانرا اطلاتعرض نکنند وهما نجابزراعت‌خودمشغول باشندوحالاالمتاس آن‌دارند که این پروانه نیز حاصل‌شود که هرچه بناوجه از فرزندایشان گرفته اند باز گردانند توقع آنکه اگراین پروانه حاصل شدنی است درآن باب اهتمام نمایندوالا اعلا مفرمایند توفیق‌رفیق بادم
الفقیر عبدالرحمن‌الجامی

٥٤

بعدازعرض نیازمعروض آنکه این‌فقیررا باخدمت‌استاد سلام آشنایی دیرینه است بجهت حضرت خلافت‌پناهی پوستینی دوخته اند می‌خواهند که بگذرانند التماس آنکه عنایت‌نموده‌اهتمام فرمایند شایدکه درمحل قبول واقع‌شود توفیق رفیق باد الفقیرعبدالرحمن الجامی

٥٥

بعد از عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولوی نشانی داشته است اماگم کرده اما نقل دفتر دارد التماس انکه‌عنایت نمود اشارت رود که امضای نشان او بکنند که مردی فقیرو عزیزاست ودیر گاه است‌که درین ولایت سرگردآن است تا بولایت خود رجوع‌نموده بدعای دولت مشغول باشد توفیق رفیق باد

٥٦

بعداز عرض نیاز معروض آنکه درویش عبد الکریم که خادم و خادم زاده مزار متبرك حضرت‌خواجه است قدس‌سره و صلاحیت تمام دارد وبتحصیل علوم مشغول است نذری که در پایان‌پای مرقد مطهر آن حضرت می داده‌اند بطریق ارث‌تعلق بایشان‌می دارد ودرآن باب نوشته ملازمان نیز دارد ودر ین ولا شخصی مزاحم میشود التماس‌آنکه عنایت نموده دفع مزاحمت آن شخصی بکنند تا بفراغ خاطر بتحصیل‌ودعاگویی مشغول تواند بود توفیق رفیق باد الفقیر عبد الرحمن الجامی

برگ ١٠ـب، شماره‌رقعه ٨٧
برگ ١٠ـب، شماره‌رقعه ٨٨
برگ ١٠ـب، شماره رقعه ٨٩
برگ ١٠ـب، شماره رقعه ٩٠

۵۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب‌سیادت مآبی نقایت انتسابی باردوی همایون تشریف آورده بشرف ملاقات‌مشرف خواهند شد شك نیست که نسبت بایشان چنان التفات واهتمام‌خواهد بود که احتیاج بفضولی این فقیر نباشد اما بنابر فرموده ایشان‌التماس می رود که در مصحتی که بعرض‌رسانند اهتمام نمایند توفیق‌رفیق باد والسلام

الفقیرعبد الرحمن الجامی

۵۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌خواجه غیاث الدین عزیمت اردوی هما یون کرده بشرف ملازمت مشرف‌خواهند شدالتماس آنکه التفات خاطر خطیر از جانب او دریغ ندارندودر مصلحتی که رجوع بملازمان اهتمام‌فرمایند وفیق‌رفیق باد والسلام الفقیرعبد الرحمن الجامی

۵۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌مولانا جلال الدین یوسف محضری مخبر از استعداد واستحقاق وصلاحیت‌واهلیت ایشان که بخطوط اکابر موبـ شح است بدست دارند واظهار فقر واحتیاج می کنند اگر چنانچه عنایت نموده وجهی شود که فارغ البال‌بتحصیل علوم نافعه مشغول باشند مناسب ولایق مینماید توفیق رفیق بادوالسلام

الفقیرعبد الرحمن الجامی

۶۰

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب‌مولوی مولانا سعید که در لنگر حضر ت امیر غیاث می‌باشند مردم دانشمندوصالح اند از مناصب شرعیه هرچه بدیشان مفوض گردد از عهده آن که‌اینبغی بیرون می‌توانند آمدهرامدادی که در آن باب واقع شود در محل خواهد بود توفیق رفیق باد والسلام

الفقیرعبد الرحمن الجامی

برگ ۱۰ـب، شماره رقعه ۹۱
برگ ۱۰ـب، شماره رقعه ۹۲
برگ ۱۰ـب، شماره رقعه ۹۳
برگ ۱۰ـب، شماره رقعه ۹۴

٦١

بعد از عرض نیاز معروض آنکه حمزه نام شخصی با زوجه خود وشخصی دیگر که زوجه خودرا باو متهم داشته است ظلمی بغایت شنیع بتقدیم رسانیده استچنانکه محضری که بدست دارنده است بآن گویاست ومردم بسیار بآنچه در آن محضر نوشته اند اخبار می کند چنانکه درآن باب شبهه نمانده است اگر چنانچه عنایت نموده بغور آن برسند از طریق شفقت برمسلمانان دور نمینماید توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبد الرحمن الجامی

٦٢

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا رئیس الدین که فضایل وکمالات ایشان چنان ظاهر است که ازشرح مستغنی است بآن جانب توجه نموده اند شك نیست که التفات واهتمام نسبت بایشان در آن مرتبه خواهد بود که بی آنکه فضولی وگستاخی این فقیررا مدخلی باشد بنظر عنایت ورعایت ملحوظ شوند لاجرم درآن باب اطناب نمی رود توفیق باد والسلام والاکرام الفقیر عبد الرحمن الجامی

٦٣

بعد ازعرض نیاز معروض آنکه مولانا لطیفی که از اولاد خدمت مولانا لطفی است بجهت مهمی باردوی همایون تشریف خواهدآورد اگرچنانچه عنایت نموده در کفایت مهموی اهتمام فرمایند از مکارم اخلاق ملازمان دور نمینماید توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبد الرحمن الجامی

٦٤

بعد ازعرض نیاز معروض آنکه دارنده مظلوم مینماید وتظلمی دارد اگرچنانچه عنایت نموده اصغافرمایندو بغور حال او پرسیند شك نیست که سبب مزید دولت وسعادت دوجهانی خواهد بود توفیق رفیق باد
الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ١٠ـب، شماره رقعه ٩٥
برگ ١٠ـب، شماره رقعه ٩٦
برگ ١٠ـب، شماره رقعه ٩٧
برگ ١٠ ـب رقعه ٩٨

۶۵

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت صاحب اعظم خواجه شمس الدین محمد گرشاسف بجهت نشان سلاطین گیلان که موعود بوده است انتظار بسیار بودند و می برند و چون استمالت آن خانواده قدیم بسیار مناسب مینماید اگرچنانچه عنایت نموده اهتمام فرمایند که آن وعده بوفا انجامد وخواجه مشارالیه زودتر بان جانب متوجه شوند ازمراسم اشفاق ومکارم اخلاق مستبعد نمینماید توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۶۶

باسمه سبحانه

بعداز عرض نیازمندی وشکستگی عرضه داشت آنکه دیرگاه است که خدمت امیر حیدر بجهت بعضی گستاخیها که بواسطه همصحبتان بدازوی صادرشده بود بموجب فرمان همایون درحبس مانده است وحالا چنان معلوم میشود که بسبب این ریاضت اضطراری وقت وی صافی گشته وازآن کردارها پشیمان شده وازهم صحبتان بدنفور ودرصدد آنست که چون ویرا صورت استخلاصی حاصل آید استرضای خصوم بکند ومن بعد دربند خصومت هیچ مسلمان نباشد وامیدواری بعنایت بی علت حضرت پروردگار چنانست که ویرا برین نیت وعزیمت مستقیم دارد وهمانا که خدمت امارت مآبی نیز معنی ملهم شده اند زیراکه بعضی ازخواص ایشان ازاستراباد رقعه مبنی ازمیل ایشان باستخلاص وی نوشته اند اگرچنانچه عنایت نموده اشارت رود که ویرا ازحبس بیرون آرند ودرسلك سایر بندگان انخراط یابد از مقتضای عواطف پادشاهان دور نمینماید حق سبحانه وتعالی ظل رافت وسایه عاطفت آنحضرت رابرمفارق عالمیان پاینده داراد بمنه وجوده والسلام والاکرام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۱ــ۱، شماره رقعه ۹۹
برگ ۱۱ــ۱، رقعه ۱۰۰

75

عکس ١٤ شماره دستخط ٢١٧٨ ،صفحه ب٩ شماره نامه٧٥(٧٠)

۶۷

بعداز عرض نیازمعروض آنکه خدمت‌سیدزاده نشان سلاطین دارد که آبا و اجداد ایشان از ما سوای مال ولشکر معاف‌می بوده اندالتماس آنکه عنایت نموده وجهی شود که آن نشان‌بامضارسد تا بفراغ بال بوظیفه دعا گویی و خیر خواهی قیام توانـدنمود توفیق رفیق باد والسلام

۶۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه امیرعلی سپاهی را گرفته در زندان کرده اند و جمعی مردم معتمد پای بر جای‌ضمان وکفیل وی می شوند التماس آن مینمایند که بعرض همایون رسانیده نوعی سازند که استخلاص یابند اگر چنانچه در آن باب سعی جمیل‌مبذول دارند شك نیست که مثاب وما جور باشند توفیق رفیق باد. الفقیرعبد الرحمن الجامی

۶۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه مـی‌گویند قریت به بیست سال است که دارند گان را بآن متهم می دارند درموضعی چیزی یافته‌اندو بارها تفحص کرد اند هیچ ظاهر نشده است وحالاباز ایشانرا بآن جهت گرفته اند و مزاحمت مینمایند التماس آنکه عنایت‌نمود التفات فرمایند که برایشان حیفی نرود توفیق رفیق باد والسلام الفقیرعبد الرحمن الجامی

۷۰

بعد از عرض نیاز معروض آنکه دارنده می گوید که پسر قاضی خواف بروی دعوی دارد التماس آن‌می داردکه معامله ایشان را قاضی دیگر پرسد نه پدروی اگر چنانچه التماس‌اورا مبذول دارند چون محل تهمت است حاکمند توفیق رفیق‌باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۱ـا، شمداره رفعه ۱۰۱

برگ ۱۱ـا، شماره رقعه ۱۰۲

برگ ۱۱ـا، رقعه ۱۰۳

برگ ۱۱ـا رقعه ۱۰٤

۷۱

بعد ازعرض نیاز معروض آنکه مولاناشیخ محمد نام عزیز یست که در ولا یت غرجستان می باشد و مردم ویرابصلاح و تقوی تعریف می کنند و بمطالعه علوم مشغول می باشد بجهت‌مونت معاش یك جفت‌گاو زمین زراعت می کند التماس آن مینماید که عنایت نموده اشارت رود که چنانچه مقتضای شریعت مطهره است مال ازوی بجنس گیرند که در تحصیل زر بوی تفرقه می رسد اگرملتمس وی را مبذول دارند شك نیست که سرمایه سعادت دنیوی واخروی خواهد بود توفیق رفیق باد .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۷۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب‌مولوی اعظمی ادام الله تعالی فضائله بجهت مصلحتی که بسمع شریف‌خواهند رسانید باردوی همایون توجه نموده اند التماس آنکه عنایت نموده‌بهروجه که مصلحت دانند در امداد و اعانت ایشان اهتمام فرمایند و تجویز آن نکنند که نسبت بایشان امداد امری که خلاف شریعت مطهره باشدواقع شود توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۷۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌شیرین بیك وشیخ در ویش که دار ند گان رقعه اخلاص اند از مخصوصان خدمت خواجه مولانا اند و همراه ایشان با کوچ بهم عزیمت سفر مبارك‌داشته اند وحالا بجهت عدم استطاعت در خراسان مانده اند نه استطاعت آن‌سفر دارند ونه قوت مراجعت التماس آنکه عنایت‌نموده التفات خاطر شریف‌از حال ایشان دریغ نفرمایند باشدکه بوطن مراجعت توانند نمود توفیق‌رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۱ـا، رقعه ۱۰۵

برگ ۱۱ـا، رقعه ۱۰۶

برگ ۱۱ـا، رقعه ۱۰۷

٧٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه شب پنجشنبه ششم ذوالحجه خدمت شاطر رقعه شریف رسانیدند وبر مضمون آن اطلاع افتاد شکر بسیار بجای آور ده شد که اتفاق سفر نیفتاده بود واگر نه عزیمت بعد قضاالله آن بود که پیش از ماه ذوالحجه بهر حال که باشد بیرون آمده شود اما بحسب اتفاق چند کس در حوالی که فقیران می باشند مریض شدند چنانچه از بعضی امید مقطع شده بود اما بحمدالله که اکثررا مرض بصحت بدل شد وبعضی دیگررا جانب صحت غالب است ودر خاطر چنان می بود که نافی اجزاه نفحات چندی نوشته شده بود اما مقابله نیافته بود و دارنده مستعجل بوداید چنانست که بعدازین حق سجانه و تعالی توفیق دهد که هر چه زودترسر انجام یابد توفیق رفیق باد والسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

٧٥

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانازاده که بانواع فضایل وکمالات آراسته اند دیرگاهیست که ایشانرا باین فقیرالتفات خاطری هست حالا عزیمت اردوی همایون کرده بشرف ملازمت خواهند رسید التماس آنکه عنایت نموده نظر لطف ورعایت ازحال ایشان دریغ ندارند ودرمصلحتی که رجوع بملازمان نمایند فرمایند توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

٧٦

چه نامه است این که گویی میم اوفاست یقین کزخلقت اوراحظ اوفاست
به ناف نافه زان رومشك باشد که روزی چند بااو مشك باشد

لله الحمدوالمنه که اراجیفی که باهوای مخالفان موافق بودمر تفع شدو اکاذیبی که بامراد موافقان مخالف می نمود مندفع گشت لایزال احوال ایشان ازموجبات تفرقه مصون بادواوقات باسباب جمعیت مقرون والسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۱ـب، رقعه ۱۰۸
برگ ۱۱ـب ،رقعه ۱۰۹
برگ ۱۱ـب، رقعه ۱۱۰

۷۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه مولاناعلاالدین عیسی برافعال گذشته اظهار ندامت میکنند ومیگویند عزیمت آن دارم که درآینده بامثال آن قیام ننمایم وآنرا تاکید بایمان مغلطه می کندالتماس آن میدارد که آنرا من بعد بآن کار تکلیف نکنندو معاف دارنـد تـــو فیــق رفیق بادوالسلام

* * *

دیگر التماس دارد که بعد ازتوبه ا زجرم وادای جـرمانـه ازجـریمه اودر گذرند .(۱)   الفقیر عبدالرحمن الجامی

۷۸

بعدازعرض نیازمعروض آنـــکه شاه خواجه وکیخسرومیرآخر بسیارست سلطانی رسیـده اند پانـز ده فرزندمانده است که اکثر صغیرند ومیگویند ازاسباب مـعاش آنــچه بوده اســت بعضی رابموجب حکم همایون وبعضی رابی حکم گرفته اندومحقر ملکی مانده است که توهم آن دارند که آن هم دیوانی است که توهم آن د ارنـدکـه آن هم دیوانی شود التماس آنکه چون جمعی صغار درمیانند عنایت نموده ودولـت خواهی حضرت خلافت پناهی مدالله تعالی ظلال معدلته (۲) کرده اهتمام فرمایند که حق ایشان ضایع نشود و التفات فرمایند که نشان همایون حاصل شود که آن ملك راهیچ کسی مـتصرف نشود وبایشان بازگذارند تابمعـاش خودصرف کنندوبدعای دولـت مشغول باشند توفیق رفیق باد وسعادت زیادت والسلام

الفقیرعبدالرحمن الجامی

---

(۱)درحاشیه بزکر آمده

بر۱۱ ــب،رقعه ۱۱۱

(۲) مدالله .. در حاشـیه ذکر شده

برگ ۱۱ــب، رقعه ۱۱۲

۷۹

بعداز عرض نیاز معـروض آنـکبسیارمردم عزیز نیکویی خدمتاحمد دفتردار می‌گویند وفرمان همایـو نصادرشده‌است که اورا بند کرده بـا ردوبرند وجهت‌آن‌معلوم نیست‌التماس‌آنکه خاطر شریف بـجانـب‌اودارند و نگذارند که بی‌موجبی تفرقه باحـوال‌اوراه یابد وچون اعتماد تمام برمکارم اخلاق‌ایشان هست مبالغه نـمـی‌رودتوفیق‌رفیق بادوالسلام

الفقیرعبدالرحمن الجامی

۸۰

بعدازعرض نیازمعروض آنـکـــه بعضی شـرکاقریه کـوسویه اتفاق نامه نوشته اندالتماس‌آن‌می‌دارند که‌عنایت‌نموده اشارت رودکـه خـدمـت سیدامیران‌در آن‌قریه کلانتر بـاشـدونگذارد که‌درمیان شرکاظلم وتعدی رودواگر ازظالمان وعـوانان‌حیـفـــی‌متوجه شود دفع‌کند توفیق‌رفیق‌باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۸۱

بعدازعرض نیازمعروض آنـکـــه خدمت‌مولوی اعظمی مولانانوربخـشی که براهلیت واستحقاق خودمنصـــب‌احتساب ولایت‌تون‌را محضری طویـل الذیل که بالقاب واسامی اکابرواصاغرآن‌ولایت موشح‌است بدست‌دارند و رقعه قاضی آنجانیز دران‌باب حاصل‌کرده‌اند باردوی همایون توجه نموده بشرف دستبوسی مشرف خواهدشـدالتماس‌آنکه عنایت نموده التـفات شریف‌ازحال ایشان دریغ ندارندوچون‌درآن‌مهم بملازمان رجوع‌نمایداهتما م تمام مبذول فرمایند توفیـق‌رفیق‌باد وسعادت زیادت والسلام

الفقیرعبدالرحمن الجامی

برگ۱۱ ـب‌رقعه ۱۱۳

برگ۱۱ ـب،رقعه ۱۱٤

برگ۱۱ ـب‌رقعه ۱۱۵

٨٢

بعدازعرض نیازمعروض آنکه حسن معاش خواجه مجدالدین محمد نسبت بارعایا برخدمت شماظاهرخواهد بود (وچنین استماع) افتاده که درحین وحشتی که مردم شهررا بادیوانیان بنابر تکلیفاتی که متحمل نبوده است واقع شده بعضی مردم شکرگذاری اومی کرده اند اگرچنانچه عنایت فرموده نوعی سازند که اورادر امور دیوانی فی الجمله مدخلی باشدکه ازمظلو می دفع ظلمی تواند کرداز مکارم اخلاق ایشان دورنمی نماید توفیق رفیق باد .

الفقیرعبدالرحمن الجامی

٨٣

بعدازعرض نیاز معروض آنکه قنبرعلی نام شخصی است درمیان دلالان که بسیاری ازتاجران مقبول القول بشرارت وبدنفسی اواخبار کرده اند واین فقیر نیز ازبعضی تهمتها که درحق مسلمانان کرده است وقوف دارد وبه تجدیدازوی درحق دارنده چنانکه بعرض خواهند رسید میگویند امری واقع شده است که مشتمل است برانواع ناشایست التماس آنکه خالصا لوجه الله واستدامه الدولة الحضرة السلطانیه اعزالله تعالی انصاره (١) نوعی سازند که دست وی ازمسلمانان کوتاه شود واز شروی ایمن شوند توفیق رفیق باد وسعادت زمادت الفقیرعبدالرحمن الجامی

٨٤

بعداز عرض نیازمعروض آنکه مدت حبس وقید خدمت سیدنصرالله کسکنی امداد تمام یافت هرچند جریمه ایشان عظیم بوده باشد اگرچنانچه عنایت نموده شرف نسب ایشانرا ملاحظه فرمایند وخاطرشریف بر(آنمعنی) گمارند که ایشانرا صورت(استخلاصی)حاصل شود ازمکارم اخلاق ومراسم اشفاق مستبعد نمینماید توفیق رفیق باد وسعادت زیادت والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ١١ ـب رقعه ١١٦
(١) تذکر آن درحاشیه آمده
برگ ١١ـ١ ،رقعه ١١٧
برگ١٢ـ١ ،رقعه ١١٨

۸۵

بعدازعرض نیازمعروض آنکه خدمت مولانازاده که رافع رقعه اخلاص اند ازاوقاف محقروظیفه داشته و حالا آنرا بربسته اندومی گویند که مارا ازهیچ جهت مدخلی که معاش گذرد نیست التماس آنکه عنایت نموده التفات ازحال ایشان دریغ ندارندودرمهمی که رجوع نمایند چون بوفق مصلحت باشداهتمام فرمایند توفیق رفیق باد وسعادت زیادت والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۸٦

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا برهان الدین ومولانا جلال الدین محمود مردم فقیر و غریب وصالح اند وبتحصیل مشغول اگر چنانچه عنایت نموده وجهی شود که ما یحتاج ضروری ایشان را از اوقاف بایشان برسانند از قاعده شفقت و مرحمت دور نمینماید توفیق رفیق باد والسلام والاکرام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۸۷

بعداز رفع نیاز معروض آنکه در پانزدهم ماه ربیع الآخر بجهت استدعا حضرت خواجه بجانب تاشکند توجه واقع شد همه یاران در ضمان صحت وسلامت اند امیداست که عن قریب مراجعت واقع شود. معذور دارند که این کتابت بر پشت اسپ واقع شده است توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۸۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولوی مردم عزیزاند و استحقاق تمام دارند جناب صدارت مآبی ایشانرا براوقاف محقر وظیفه نوشته است التماس آنکه عنایت نموده اهتمام فرمایند که آن محقر بایشان برسد که بسیار در محل خواهد بود توفیق رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۲-۱ ،رقعه ۱۱۹
برگ ۱۲-ا، رقعه ۱۲۰

برگ ۱۲-۱، رقعه ۱۲۱
برگ ۱۲-۱، رقعه ۱۲۲

۸۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده‌که مردی فقیرمی نماید مصلحتی بسمع شریف خواهد رسانید اگر چنانچه التفات نموده امداد فرمایند از مکارم اخلاق ایشان دور نمینماید توفیق‌رفیق باد والسلام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۹۰

بعد از عرض نیاز معروض آنکه دارنده تظلمی دارد التماس آنکه عنایت نموده التفات نمایند و بغور حال اواهتمام فرمایند توفیق رفیق باد و السلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۹۱

بعد از رفع نیاز مندی مرفوع آنکه‌چون رقعه شریف مبنی از رسیدن مخادیم در کنف صحت و وسلامت بمقام معلوم‌رسید موجب‌بهجت وسرور فقیران گشت امیدست که بروجه‌احسن وطریق‌ایمن مراجعت نیز که اهم مطالب و اتم مآرب است مبسرگردد و آن بهجت و سرور مضاعف شود بمنه وجوده دولت‌دینی‌ودنیوی‌وسعادت صوری و معنوی محصل باد والسلام والاکرام

۹۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه درویش محمد کفش دوزر ابقلابی گرفته مدتی‌است که‌حبس کرده اندضعیفه داردوطفلی صغیر ودایما در مقام تضرع وتظلم اند عنایت نموده‌وجهی شود که اورا از آن کار توبه دهند وبآن طفل صغیر بخشیده آزادکنند امیدواری چنانست که‌سبب از دیاد دولت وسعادت دوجهانی باشدتوفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۲ـ۱، رقعه ۱۲۳
برگ ۱۲ـ۱، رقعه ۱۲۴
برگ ۱۲ـ۱، رقعه ۱۲۵
برگ ۱۲ـ۱، رقعه ۱۲۶

۹۳

بعداز عرض‌نیاز معروض آنکه جناب امارت مآب امیر مظفر برخدمت میرکی غضبی فرموده‌اند ووی‌محضری که دلالت برحسن معامله ومعاش‌اومیکند وخطوط بسیاری ا زمردم قهستان برانجانب فرستاده ملتمس آنکه عنایت فرموده وجهی‌شودکه بی وجه بروی حیف‌وتعدی نرود توفیق رفیق‌باد .
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۹٤

بعدازعرض نیاز معروض آنکه خدمت‌شیخ‌خطیب‌بآن‌جانب‌متوجه بودند باین‌چند کلمه گستاخی کرده‌شد وچون‌مهم ایشان معلوم ملازمانست در ان شروع‌نمیرود توفیق‌رفیق بادوالسلام والاکرام

۹٥

بنمود ابری‌زجانب دشت‌وبرفت بر(۱)تشنه لبان زدور بگذشت‌وبرفت
برگشت امید ماجگرسوختگان ناریخته نم‌زراه برگشت‌وبرفت

هرچندامید ناامیدان بحصول‌نرسیدومرادنامرادان بوصول نینجامید امید هست‌که هرچه‌مصلحت دینی ودنیوی‌انسان بآن منوط باشدوسعادت‌صوری ومعنوی انسان بدان مربوط برو جه اجمل‌وطریق اکمل میسرگردد والسلام والاکرام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۹٦

بعدازعرض‌نیاز معروض آنکه مزارعان بساکوه تظلم می‌نمایند که کاریزهای ایشان خشک‌شده‌است‌و درمحصولات ایشان نقصان بسیار واقع شده‌است التماس آنکه عنایت‌التفات‌خاطر شریف‌ازحال ایشان دریغ‌ندارند وتفحص فرموده‌نگذارند که برایشا ن‌حیفی رودتوفیق رفیق‌بادوالسلام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ۱۲ــ ۱،رقعه ۱۲۷
برگ۱۲ ــ۱،رقعه ۱۲۸
برگ۱۲ــب رقعه ۱۲۹
(۱) در خمسة المتحیرین‌نوایی در انستیتوی خاور شناسی ابوریحان بیرونی‌شماره۲۲٤۲ برگ٤٤ ــب(از)نوشته شده
برگ۱۲ ــب‌رقعه ۱۳۰

۹۷

بعد از عرض نیاز معروض آنکـه خدمت مخدومی اعظمی ادام الله فضائله سمامحمدا چون از سفر معلوم رسیده‌اندهیچ‌چیز همراه نداشته اند وآنچه اینجا داشته اند همه تلف شده است‌چنانکه معـلو م‌ایشان (خـواهد بود) التماس آنکه بعرض‌حضرت(خلافـت‌پناهی) ادام الله تعالی ظلال جلاله (۱) رسانیده نوعی سازند که ایشانرا در (خدمت) وتربیت مخدوم زاده عالمیان انبته الله نباتا حسناً (۲) بگذارند واز سفر معهود معاف دارند تابدعای دوام دولت‌فارغ البال‌مشغول‌باشند دولت‌وسعادت مستدام والسلام والا کرام . الفقیر عبدالرحمن الجامی

۹۸

بعدازعرض نیاز معروض آنکه مصحف‌شریف که حضرت سلطنت شـعاری خلافت پناهی تحفه روضـه شریفه‌حضرت رسالت صلی‌الله علیه وسلم ساخته فرستاده بودند ز دست خـدایقلی درنواحـی تربت مقدسـه جـام رسیدوفرح وسرور تمام‌بخاطر فقیران‌رسانید حضرت حق سبحانه آنحضرت را از هرچه نباید نگاه دارد و از هرچه نشاید در پناه والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۹۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌خواجه عبدالرحمن که بشرف ملاقات مشرف خواهند شدمردم صالح‌بصلاح‌نفس وحسن معاش ایشان گواهی می دهند التمـاس آنکه عـنایت نـموده‌التفات از حال ایشان دریغ ندارندو در مصلحتی که بملا زمان رجوع نما. یند اهتمام فرمایند توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

---

(۱) - (۲) در حاشیه آمده

برگ ۱۲ـب، رقعه ۱۳۱

برگ ۱۲ـب، رقعه ۱۳۲

برگ ۱۲ـب، رقعه ۱۳۳

١٠٠

بعداز عرض نیازمعروض آنکه خواجه فخرالدین می‌گوید که پدراورا بعدد نام بردار نوشته اند و او مدت دوماهیست که بسفر رفته است باآنکه استعداد واستطاعت آن هم نداردالتماس آنکه تفحص فرموده نوعی شودکه بروی حیفی نرود توفیق‌رفیق‌باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

١٠١

بعداز عرض نیاز معروض آنکه‌ضعیفه چند درد دل و تظلم می کنند که‌خاتون امیر خلیل جارچی رانوکران‌خدمت امیر مظفر گرفته اند التماس آنکه چون امیر خلیل بدستست عنا یت نموده و جهی سازند که آن ضعیفه خلاص شود که گرفتن و نگاه‌داشتن او مناسب نمینماید توفیق رفیق باد .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

١٠٢

بعد از عرض نیاز معروض آنکه خدمت امیر ویس را بجهت آنکه بجریمه متهم شده محبوس داشته اندچند روز ست که متعلقان او تظلم بسیار میکنند که حال او باضطرارانجام‌ رسیده است اگر چنانچه می دانند که جریمه او قابل عفواست عنایت‌نموده التفات فرمایند که‌اورا صورت استخلاصی حاصل شود توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

١٠٣

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت سید زاده که رافع رقعه اخلاص اند به تحصیل مشغول‌می‌باشند وبسیارمستحق و محتاج اند واز او قاف محقر وظیفه می‌داشته اندواز تغلب مباشران اوقاف نمی رسد التماس آنکه نسبت سیادت واحتیاج واستحقاق‌ایشانرا ملاحظه فرموده نوعی‌سازنده که مقضی الوطر این‌سفر مراجعت نمایندوبدعای دوام دولت‌بفراغ بال‌اشتغال فرمایند توفیق رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ١٢ـب، رقعه ١٣٤

برگ ١٢ـب، رقعه ١٣٥

برگ ١٢ـب، رقعه ١٣٦

برگ ١٢،ب رقعه ١٣٧

۱۰٤

بعدازعرض نیاز وافتقار معروض آنکه خدمت دیوانه هشیار استاد سی کله (؟)راالتماس آن دارندکه ایشانرا بکلانتر انقصبه که حل وعقد امور بدست ایشان است ودر قیامت ازراستی وناراستی دران مسئول خواهند شدسفارشی رودکه با ایشان بموجب راستی عمل نمایند وبرایشان تعدی نرود توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

در حاشیه نگاش یافته

اگرچنانچه نموده خدمت مولاناجمال الدین زید توفیقه درین معنی اهتمام فرمایند ازمکارم اخلاق ایشان دور نمی نمایدم

۱۰۵

بعدازعرض نیازمعروض آنکه خدمت سیادت مآبی نشانی حاصل کرده بوده اند که مایحتاج ایشانرا ازاوقاف مدرسه تومان آغا که در قصبه کوسویه است بدهند آن نشا نغایب شده است ومتولیان درآن باب تعلل مینمایند التماس آن می دارند که عنایت نموده اهتمام واقع شودکه آنرابدلی حاصل شود توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۰٦

بعداز عرض نیاز معروض آنکه مخدوم زادگانرادا عیه چنانست که ازعید مراجعت نمایند التماس آنکه عنایت نموده التفات فرمایند واجازت رفتن ایشان حاصل کنند توفیق رفیق باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۰۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه سادات عظام خدمت سیدشرف الدین وسید قطب الدین بجهت بعضی مهمات باردوی همایون تشریف خواهند داد التماس آنکه عنایت نموده التفات خاطرخطیر(ازجانب)ایشان دریغ ندارند ومساعی جمیله مبذول داشته وجهی سازندکه مقضی المرام ومکفی المهام زودتر مراجعت نمایند توفیق رفیق بادوسعادت زیادت والسلام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۲ــب رقعه ۱۳۸
برگ ۱۲ــب،رقعه ۱۳۹
برگ ۱۲ــب رقعه ۱٤۰
برگ۱۳ ــ۱،رقعه ۱٤۱

۱۰۸

بعداز رفع نیاز معروض آنکـــه همگنانرا امیدواری بودکه چون خدمت خواجه سیف الدین مظفر بر وجهی معاش کرده که سبب معموری مواضع ورفا ـ هیت عجزه ورعایا بوده وکم تصرفـی اوظاهرست عنایت ومرحمت بندگـان حضرت نسبت باوظاهر گردد واکنون تحمیلی واقع شده است که مردم عزیـز میگویند ادای ان مقدور اونیست واگرتخفیفی واقع نشود منجر به بی عر ضی خواهدشد وسبب نومیدی خـوا هـندگشت ملتمس آنکه عنایـت نـمو ده اهتمام بنوعی فرمایند که نتیجه آن بزودی بظهور رسد که یقین موجـب ازدیاد مواد دولت بنـدگان حضـرت خواهد بودتوفیق رفیق باد والسلام

الفقیرعبدالرحمن الجامی

۱۰۹

بعدازعرض نیاز معروض آنکـه خدمت مولوی اعظمی بموجب فرموده حضرت سلطنت شعاری ادام الله تعالی(۱)ملکه چند گاهی بمنصب شیخی مزار متبرك کارگاه اشـتغال نمـوده اند وبواسطه کارت توجه وتردد مردم متفرق معرف بآنجاتفرقه بسیاربحال ایـشان راه یافته ومی یابد وحالاخاطر بــران آورده اندکه ایشانرا صورت استخلاصی حاصل شود التماس آنکه چون معلو م ایشان خواهد بودکه امثال این منصـب دومرتبه ایشان است التفات نمایندو درکفایت آنچه بعرض رسانند اهتمام فرمایند وپوشیده نخواهد بودکه ا ز مناصب شرعیه هرچه بایشان تفویـض یابد ازشان ایشان هست که از عـهد ه آن کماینبغی بیرون آیند توفیق رفیق بادوالسلام

۱۱۰

بعداز عرض نـیاز معـروض آنکه خدمت سید محمد مجذوب رادرراه بااین فقیر ملاقات واقـع شـد بسفر مبارك اظهار رغبت تمام کردند وفرمودندکه از خدمت ایشان التماس کن که مهمات مراساخته زود روانه کنندکه می خواهـم زود ساختگی کنم وبقافله ملحق شوم صورت حال این بود که نوشته شـد اگرعنایت نموده هرچه صلاح بـاشد بتقدیم رسانند حاکمند توفیق رفیق باد والسلام الفقیرعبدالرحمن الجامی

برگ ۱۳ـ۱ ،رقعه ۱۴۲
(۱)ادام الله ..درحاشیه آمده
برگ ۱۳ ـ۱، رقعه ۱۴۳
برگ ۱۳ـ۱، رقعه ۱۴٤

۱۱۱

بعدأزعرض نیاز معروض آنکـه نشانی که مضمون آنآنست که محقر مالیاز اوقافخانقاه شاهابوالغیثقدسسرمعافمیداشته اند همراه خدمت استاد حاجی ابرقوهی بخدمت فرستادهشدالتماس عنایتنمودهالتفات فرمایند که امضاکردهشودکه آن تعلق به بندگیمخدومی شیخابوالخیر میدارد واین فقیررا نسبتبخدمت ایـشان اخلاصواختصاص بسیاراست وشكنیستکه همتشریف ایشانرا درمصالح دینیودنیوی اثرهاخواهد بودتوفیقرفیقباد

الفقیرعبدالرحمن الجامی

۱۱۲

بعدازعرض نیاز معروض آنکـه درینمدت که خدمت خواجه کمالالدین مظفر وخواجه شمسالدین محمدبدیواننشسته اندازمردم بسیار شکرگذاری ایشان استماعافتاده استودر مقـامرعایتجانب نمودهاند عنایت فرمو ده جانب ایشانرارعایت نمایند واگرخلافواقعی بعرضهمایون رسانیده باشند تدارك فرمایند توفیق رفیقباد . داعی مخلص عبدالرحمن الجامی

۱۱۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمتمولانا جلال الـدین محمود کـه رافع رفعه اخلاص اند مردم صالح وطالبعلم و فقیر وغـریب اند واز اوقـاف محقر و ظیفه داشته اند که معاشبدان می گذرانیده اند وحالا آنرا باز گرفته اندوا یشان مضطر مانده اندالتماس آنکه عـنایت نموده اهـتمام فرمایند که فقیرانی که فقرو استحقاق ایشان بسیار ظاهر است بلکه توا ن کفت که از ایشان هیچکس مستحقتر نیست محروم نمانند وحاصل اوقا ف بغیر ایشان معروف نگردد توفیقرفیق باد والسلام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ۳ـ۱ رقعه ۱٤٥

برگ۱۳ـ۱ رقعه ۱٤٦

برگ ۱۳ـ۱، رقعه ۱٤۷

۱۱٤

بعداز رفع نیاز معروض آنکـه حـال مخادیم ولایت جام بکمال اختلال رسیده است چنانکه معلوم ایشان نیز خواهد بود وهمانا که درین ولا رسد لشکر بآن ولایت رسـانیده اند وایـشانرا قطعا استطاعت آن نیست و پاریـنه همین صورت واقع بوده بعرض همایون رسانیده بوده اند وایشانرا معا ف داشته امسال نیز امیدواری تمام دارند التماس آنکه عنایت نموده در آن باب التفات نمایند واهتمام فرمایند توفیق رفیق بـاد والسلام والاکـرام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۱٥

بعداز عرض نیاز معـروض آنکـه ازمردم عزیز چنین استماع افتاده است که خدمت امیر علا الدین علی غوری باخلاق حمیده موصوف اند وباو صاف پسند یده معروف ولطف وانعام ایشان با آینده و رونـده ولایت غرجـستان عام التماس آنکه چـون بدستبو سـی شریف مشرف شوند عنایت والتـفات از حال ایـشان دریـغ ندارنـد واگر صاحب غرضی نسبت بایشان سخنی گفته باشد یاگوید طریـق احتیا طرامرعی دارند که بی موجبی بی عرضی بایشان لاحق نشود که امثال این مردم درین روز گار نادر می باشد ورعا یت جانب ایشان موجب معموری ولا یتی می گردد دولت وسعادت زیادت وعنایت وتوفـیق رفیق باد والـسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۱٦

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خـدمت خواجه شمـسی الدین محـمد از قصبه فوشنج بشرف دستبوس مشرف خواهند شد التماس آنکه عنایت نمو ده تظلمی که بسمع شریف رسانند بغور آن برسند که خرابی بسیار با حوال ایشان راه یافته است ودر آن باب محضری بدسـت دارند تـوفیق رفیق باد والسلام

برگ ۱۳ـ۱، رقعه ۱٤۸
برگ ۱۳ـ رفعه ۱٥۰
برگ ۱۳ـب، رقعه ۱٥۱

۱۱۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه درآن‌روز که فرمان همایون بنـام میرکی سمر قندی رسید تـفحص کـرده‌شدپانزده روز بود که وی از شهر سفر کرده بود و چنـین گفتند کـه والده‌همراه‌داشته وبـجـا نـب قـبـلـه متوجه بوده واین فقیر عزیمت شمرقتد جزم کرده وتوقف بآن جهت واقع است که یکد و اشتر از کسی گرفته شده است و وی بطلب شتر رفته و هنوز نیامده انـشا الله تـعالی چون بیاید توقفی واقع نخواهد شد توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۱۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب‌سیادت مآبی سعادت اکتسابی بشرف ملاقات مشرف خواهند (شد)وبعضـی‌مهمات بعرض شریف خواهند رسانید التماس آنکه حسب المقدور درکفایت‌آن سعی جمیل مبذول دارند که بـی شك وسیله نجات‌ورفع درجات خواهدبود توفیق رفیق باد
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۱۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌مولانا درویش عـلی رادر شـبرغا ن والده وخو یشان هستند بنیت صله رحم عزیمت آن جانب کـرده بشرف ملازمت خواهد رسید التماس آنکه درمصلحتی که بملازمان رجـوع نماید التفات نمایند واهتمام فرمایند توفیق‌رفیق باد والسلام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۲۰

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب‌سیادت مآبی را مهمی است که بسمع شریف خواهند رسانید التماس آنکه عنایت نمـوده التفات شـریف دریغ ندارند ودر کفایت مصـلحت ایشان‌اهتمام فرمایند توفیق رفیق باد

برگ ۱۳ـب، رقعه ۱۵۲
برگ ۱۳ـب، رقعه ۱۵۳
برگ ۱۳ـب، رقعه ۱۵٤

۱۲۱

بعداز عرض نیاز عرضه داشت آنکه خدمت خواجه جلال الدین جامی وبرا در ایشان خواجه عبداللطیف که ازاولاد بزر گوار حضرت شیخ الاسلام اند قدس الله تعالی سره (۱) وبصلاح وسداد موصوف اند وبتحصیل علوم مشغول و مشغوف بجهت فی‌الجمله قرضی که واقع شده اختلال تمام بحال ایشان راه یافته است‌اگرفرمان همایون نفاذ یابد که مدت سه سال مال جزوی زراعتی که دارندبجنس گیرند واخراجات وعوارضات را بد ستوری که معاف می داشته اند معاف دارند امیدست که قرض ایشان مودی شودو اختلال حال ایشان‌اصلاح بذیرد وسبب مزید دولت واز دیاد شوکت‌ملازمان کرددبمنه وجوده الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۲۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جماعت قصابان تظلمی دارند بسمع شریف‌خواهند رسانید اگر چنانچه عنایت نموده بغور حال ایشان برسند ونگذارند که برایشان تغلبی رودشك‌نیست که‌سبب مزیددولت وسعادت دوجهانی خواهند بودتوفیق رفیق بادوالسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۲۳

بعداز عرض نیازمعروض آنکه صورت‌حال خدمت میرزامحمد عمرپیش خدمت‌شما ظاهر خواهد بودواضطراب‌واضطرار وجزع‌وفزع‌خدمت‌والده‌وسائرمتعلقان ایشان‌از ان‌ظاهرترهمکنان‌دست امیدواری دردامن حلم‌و بردباری حضرت خلافت شعاری زده‌استظهارتمام‌بحسن اهتمام خدمت‌شما دارند التماس‌آنکه عنایت نموده‌حسب‌المقد.وردررعایت جانب‌ایشان مساعی جمیله بتقدیم رسانند ودرآن‌که‌مهم ایشان‌درآن‌حضرت بوجه‌خیرگذرد التفات فرمایند حضرت حق‌سبحانه همه‌را برآن‌دارد که‌رضای اودرآنست وتوفیق خیرات ومبرات رفیق گرداند والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

---

(۱) درحاشیه قدس .سره.

برگ ۱۳ ـب، رقعه ۱۵۵

برگ ۱۳ـب رقعه ۱۵۶

برگ ۱۳ـب رقعه ۱۵۷

۱۲٤

بعدازعرض نیاز معروض آنکه عزیزی دیگر مولاناشهاب الدین اسمعیل نام از جانب تبریز تشریف آورده اند بعزیمت تحصیل می‌خواستند که بجهت وظیفه که ازاوقاف مقرر شود باآن جانب برسند اماضعفی داشتند اگرچنانچه عنایت نموده بجهت وی نیزچیزی تعیین فرمایند دور نمینماید توفیق رفیق باد والسلام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۲٥

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولوی فقیر وغریب است و بتحصیل مشغول اگر چنانچه ازاوقاف محقر وظیفه که معاش تواندگذ رانید تعیین یابد درمحل می‌نماید توفیق رفیق باد والسلام .

۱۲٦

بعدازعرض نیاز معروض (آنکه) جناب سیادت مآبی بجهت جزوی مهمی که بسمع شریف رسیده باشد می‌خوا ـستند که باردوی همایون متوجه شوند اماچون توهم سرما وبارندگی بودواستعداد دفع آن نی یکی ازمتعلقان راهمراه خدمت مخدومی آصفی فرستادندامیدوار می باشند که بهروجه که مصلحت دانند امداد فرمایند وزودترمتعلق ایشان مراجعت کند توفیق رفیق باد والسلام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۲۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه مردم صالح بصلاح خدمت مولاناعلاالدین که حامل رقعه اخلا ص است گواهی می‌دهند هماناکه شخصی وی راباآنکه درسرای او چیزی یافته است متهم می‌دارد التماس آنکه عنایت نموده التفات فرمایند که نشان همایون حاصل شودکه باوی بموجب شریعت مطهره عمل نمایند وتعدی نکنند توفیق رفیق بادوالسلام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ١٤ـ١ رقعه ١٥٨
برگ ١٤ ـ١رقعه ١٥٩
برگ ١٤ـ رقعه ١٦٠
برگ ١٤ـ١شماره رقعه ١٦١

۱۲۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جمعی کثیر ازفقرآ طلبه علم بآوا زه آنکه اسباب تحصیل درین دیارمهیاست‌ازاطراف‌وجوانب سرگردان شده‌اند وبفکر معاش درمانده وخدمت‌مولانازین‌الدین علی ومولانانظام‌الدین‌ازان جماعت انداگرچنانچه عنایت نموده‌وجهی شودکه‌محقری که بآن معاش توانند گذرانید ازاوقاف تعیین یابدازطریقه شفقت ومروت دورنمینماید توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۲۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه حافظ صدرالدین محمدکه‌رافع رقعه اخلاص است‌مردی صالح‌است‌عرضه داشتی‌دارد التماس آنکه عنایت نموده آنراالصغا فرمایند وبغور اوبرسندووجهی سازند که بروی‌حیف وتعدی نرود توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۳۰

معروض آنکه جوی‌مزاررابجهت‌دیوار دارالنعیم نعمت‌آبادلازال معمورا الی یوم‌التنا مقداری بالاتر می‌بایست‌بردخدمت خواجه قطب‌الدین طاوس‌کرم نموده اهتمام بسیار فرمودند وجو ی‌رااز بالای باغ‌نظرگاه گذرانیدند بر وجهی که‌آب بسیار خوب‌بلکه بسیاروخوب‌می‌آید وفقیران مزار بسیار از آن‌منت‌دار شدند وحالا مدتیست که بجویی که‌موعود بودبجد وجهد تمام مشغول اندویکبار به بعضی ازممرهای‌آن‌جوی رسیده شدآثار چهارجوی‌که درایام سابق می‌کنده اندظاهرست‌اماهیچ‌یك‌بنهایت نرسیده وجویی که‌حالا کنده می‌شوداگرچه ازهمه بالاتراست‌ومشکل ترمی‌نماید امااميد چنانست که بحسن اهتمام خواجه مشارالیه بلکه به‌یمن التفات ارکان دولت‌عن قریب برموجب دلخواه جاری گرددحاصل‌آنکه درکندن جوی‌مزار اهتمام نمودند وفقرا مزاررا دست‌رس شکرگزاری آن‌نیست آنرا بالکلیه بلطف وعنایت ملازمان بازمی گذارند چون‌عطااز تست‌شکرش‌هم‌تو گوی والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۴ـ۱ رقعه ۱۶۲
برگ۱۴ـ۱رقعه ۱۶۳

۱۳۱

بعداز عرض نیاز معروض آنکه آسیاب قریه غشه آنچه ملك شرکا آن بوده اکثر آن تعلق بفقرأ سرمزار گرفته التماس انکه آنچه رسد آن آسیاب می شود از لشکر وغیره بآن جماعت حواله ندارند وبار فقیر آنرا بر گردن ایشان ننهند و اگر چیزی ضرورت افتد هم باین فقیران رجوع کنند امیدست که حضرت حق سبحانه وتعالی سهل گرداند توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۳۲

بعد از عرض نیاز معروض آنکه چنین می گویند که خواجه شهاب الدین برادر مولاناعلی صانعی را هرگز در اموری که تعلق به برادر وی می داشته مدخلی نمی بوده بلکه در امور دیوانی مطلقا مدخل ننموده وچند گاهست که درزمره مخلصان و مریدان خدمت مولانا شمس الدین محمد تباد کانی مدظله درآمده است وبآن طائفه محبت تمام دارد اگرچنانچه عنایت نموده التفات خاطر شریف بجانب وی دارند تا بروی ظلم و تعدی نرود دور نمینماید توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۳۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت امیر قاسم که اهالی مدرسه ایشان بصلاح نفس و حسن معاش ایشان گواهی میدهند بعرض می رسانند که ایشانرا استعداد آنکه یراق سفر بقدر ضرورت توانندکرد باقی نمانده است التماس آن می دارند که عنایت نموده وجهی شود که مرسوم ایشان بقدر کفاف حاصل گردد یا اجازت دهند تا بفراغ بال بدعا گویی مشغول باشند توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۴ـ۱، رقعه ۱۶۵
برگ ۱۴ـ۱، شماره رقعه ۱۶۶
برگ ۱۴ـ۱، رقعه ۱۶۷

۱۳٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌حافظ جمال‌الدین‌مردم عزیزانند عرضه داشتی دارند می خواهند که بسمع‌همایون برسانند التماس آنکه‌عنایت نموده التفات از حال ایشان دریغ‌ندارند ودر مصلحتی که رجوع نما- یند اهتمام فرمایند توفیق رفیق باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۳۵

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت امیر جان احمد از هر ناملایمی که در گذشته ازیشان واقع شده اظهارندامت و توبه می کنند ومی گویند من بعدامثال‌آن‌واقع‌نخواهد شدالتماس‌آن‌میدارد که‌عنایت نموده‌التفات خاطر شریف‌ازحال اودریغ ندارند ودرمصلحتی که‌رجوع بملازمان نماید اهتمام فرمایندتوفیق‌رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۳٦

بعدازعرض نیاز معروض آنکه‌خدمت امیربهلول التماس آن‌می‌دار د که‌التفات خاطرشریف شامل‌حال‌اودارند وچون‌در مصلحتی‌رجوع‌بملازمان نماید اهتمام فرمایند اگر چنانچه ملتمس اورامبذول دارند حاکمند توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۳۷

بعدرفع‌سلام وسوق‌کلام * دربیان‌کمال‌شوق وغرام‌مرفوع آنکه اعتقاد آنست‌که اعتناواهتمام خدمت شمابجناب سیادت مآبی ازان بیشترخواهد بودکه بفضولی‌این‌فقیر احتیاج افتداامابنابر فرموده ایشان‌التماس‌می‌ر ود که‌التفات ازحال ایشان دریغ‌نفرمایندودررعایت ایشان اهتمام نمایندتوفیق رفیق‌باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ١٤ـ١، رقعه ۱٦۸
برگ ١٤ـ١ ،رقعه ۱٦۹
برگ١٤ـ١ رقعه ۱۷۰
برگ١٤ـب رقعه ۱۷۱

۱۳۸

بعداز عرض نیازمعروض آنکه حضرت‌خلافت پناهی خلدت دولته درانده‌را مبلغ پاصدد ینارعنایت‌فرمایندبعداز عرض نیاز معروض آنکه حضر ت خلافت پناهی خلدت دولته دارنده‌را مبلغ پانصد دینار عنایت فرموده اندو همراهان اومستعجل اندالتما س‌آنکه کرم نموده وجهی سازند که آن زور تر برسد تااز همراهان باز نماندتوفیق رفیق باد والسلام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۳۹

بعداز عرض‌نیاز معروض‌آنکه دارنده‌تظلمی دارد التماس آنکه گوش فـرا سخن او داشته بغور حال او برسندکه اظهار عجـز ودر مانـدگی بسیار میکند توفیق رفیق باد

۱٤۰

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌سید محمـد مجذوب بـدست دارنـده دیوانه چولی نشانی فرستـاده‌اند والتماس امضامی نمایند اگر چنانچه اهتمام شریف درآن باب مبذول دارندشك نیست که موجب ازد یاد دولت وسعادت دارین خـواهد بود تـوفیق‌رفیق باد وسـعادت زیـادت والسلام

۱٤۱

بعداز عرض نیازمعروض آنکه ضعیفه دارنده را در وقـت غارت بـدخشان لشکریان امیر مزید اسیر کرده برده‌اند و حالا خلاص یافته اما فرزند وی همچنان گرفتارست التـماس عنایت‌نموده وجهی شود که فرزند وی نیز خلاص‌شود توفیق‌رفیق‌باد والسلا م الفقیر عبدالرحمن الجامی

می‌گویند گواهان داریم بران که‌حرالا صل اند . (۱)

برگ ١٤ـب، رقعه ۱۷۲
برگ ١٤ـب، رقعه ۱۷۳
برگ ١٤ـب، رقعه ۱۷٤
برگ ١٤ـب، رقعه ۱۷۵
۱ـ در حاشیه یاد شده

۱٤۲

بعد از عرض نیاز معروض آنکه دارنده مردی فقیرست از ولایت جام می گوید که آنجا بروی حیف وتعدی‌رفته است التماس آنکه عنایت نموده بغوراو برسند واشارت نافذ گردانندکه اگر کسی بروی ظلمی کرده باشد تلافی نمایند توفیق رفیق باد .

۱٤۳

بعداز عرض نیاز معروض‌آنکه دارنده شیخ احمد (را) نام بردار نوشته اند و مردم صالح گواهی می دهند که او را استطاعت آن نیست التماس آنکه عنایت نموده تفحص فرمایند که بروی حیف‌وتعدی نرودتوفیق‌رفیق باد

۱٤٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌پهلوان شمعون از رعایت و عنایت ملازمان شما شکر گذاری بسیار می‌کنند و بدان طالب مزید التفات و وا هتمام از حام اود ریغ ندار ندودروا هتمام از حال اود ریغ بدارندو در مصلحتی که رجوع نماید اهتمام‌فرمایند توفیق رفیق باد

۱٤٥

بعداز عرض نیاز معروض آنکه درنده‌می کوید که مصحفی بخط حضرت امیر المو منین علی رضی الله تعالی‌عنه در مجلس همایون گذرانیده است وحالا آن مصحف موجود است التماس‌آنکه عنایت نموده وجهی شود که نسبت یوی شفقت ورعایتی‌واقع شود وبالکلیه محروم نشود والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ١٤ــب، رقعه ١٧٦

برگ ١٤ــب، شماره رقعه ١٧٧

برگ ١٤ــب، رقعه ١٧٨

برگ ١٤ ــب، رقعه ١٧٩

۱٤٦

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌امیرابومسلم که در آن سفر که استقبال می کرده‌اند خواجه قوام‌الدین سمنانی باایشان همراه بوده است التجا بخدمت شماآورده‌اند التماس آنکه چون بسیار محجوب ومتوهم اند چون سایر گناه کاران ایشانراایمن گردانند ودر آن حضرت بگذرانندوعنایت دریغ نفرمایند توفیق رفیق باد .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱٤٧

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده رقعه اخلاص بزیارت‌حرمین شریفین زادهماالله تشریفا موفق‌شده‌اند می‌خواهند کلمه چندبسمع شریف برسانند التماس آنکه عنایت‌نموده اصغا نمایند وبهرچه مصلحت دانند اشارت فرمایند توفیق رفیق‌بادوالسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱٤٨

بعداز عرض نیاز معروض آنکه‌مهتر محمدچله سرایی که‌متروکه خدمت مولانا جعفرخطاط بوده بتغلب گرفته است باوجود آنکه ورقه مولانا مشار الیه سجل قاضی بدست دارندوپروانه همایون نیز صادر شده است که آن سرای را بورثه مذکور بازگذارد و مادام که بحسب شرع اثبات نکند مزاحم نگردد التماس آنکه عنا. یت نموده اهتمام نمایند که حق در مرکز قرار گیرد توفیق رفیق باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱٤۹

خدمت امیر سید محمد امیر هاشم که بدان جانب تشریف آورده اند فرزند ارجمند ایشان وسایر متعلقان دیده‌انتظار برراه دارند التماس آنکه عنایت نموده زودتر نوعی سازند که مراجعت فرمایند و درکفایت مهمات ایشان آنچه در وقت گخبه اهتمام نمایندوالسلام .

برگ ١٤ـب، رقعه ۱۸۰
برگ ١٤ ـب‌رقعه ۱۸۱
برگ ١٤ـب، رقعه ۱۸۲
برگ ١٤ـب، رقعه ۸۱۳

۱۵۰

بعداز عرض نیازمعروض آنکه دارنده‌تظلمی دارد التماس آنکه گوش فرا سخن او کرده (بغور) او برسندونگذارند که برو تعدی رود توفیق رفیق باد والسلام .
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۵۱

بعداز عرض نیازمعروض آنکه دارنده‌مولانا محمود طالب علم صالح فقیر است اگر عنایت نموده اورا (از) اوقاف محظوظ گردانند ازطریقه شفقت و مرحمت دور نمینماید توفیق رفیق‌باد والسلام .

۱۵۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت خواجه جلال الدین محمودعرضه داشتی دارد بسمع‌شریف خواهددرسانید التماس آنکه عنایت نموده التفات خاطر شریف دریغ ندارندواهتمام فرمایندتوفیق رفیق‌بادوالسلام

۱۵۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارندگان مردم‌رعیت اندوتظلمی‌دارند التماس آنکه عنایت نموده تظلمایشانرااستماع فرموده بهرچه مصلحت دانند اشارت فرمایند توفیق‌رفیق‌باد

۱۵۴

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده‌می‌گوید که خدمت سیدنصرالله سبزواری راقیدکرده‌اند بجهت‌حکایتی‌که درحق ایشان می‌گفته اندالتما س آنکه عنایت نموده وجهی سازند که بخلاف‌شریعت مطهره برهیچکس‌حیفی نرود توفیق رفیق‌باد والسلام

برگ ۱٤ــب، رقعه ۱۸٤
برگ ۱٤ــب رقعه ۱۸۵
برگ ۱٤ ــبرقعه ۱۸٦
برگ ۱٤ــبرقعه ۱۸۷
برگ ۱٤ــب رقعه ۱۸۸

۱۵۵

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارندگان اتفاق نامه ازرعایای قریه کوسویه بدست دارند که خدمت‌خواجه عبدالرحمن که پدران وی‌دران قریه همیشه کلانتر می‌بود اند وبکفایت‌مهمات رعایا قیام می‌نمودند منصب پدران وی‌بوی تعلق گیردوبکفایت‌مهمات ایشان قیام نماید تارعایابفراغ بال بزراعت مشغول توانند بودالتماس‌آنکه چون مصلحت رعایادران مینماید عنایت‌نموده دران‌باب اهتمام فرمابینندالفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۵٦

بساط زرکش‌شاهی چه نقش‌هادارد تن‌برهنه مانقش بوریا دارد

بکش‌زنطع امل‌پاکزین عمل عیسی زکرد بالش خورشید متکا دارد

بدست راحت اقبال‌دهر غره‌مشو، که زخم سلی اوبار درقفا دارد

کسی‌که برمحك‌همتش‌بود زرومس بیك‌عیار چه حاجت یکیمیا دارد

بسنك‌سرنه وآسوده زی‌زدرد سری که بهر تاج کران سنك‌پادشادارد

حضوردل که شه از ملك مال جست‌ونیافت
بکنج مصطبه بی جست وجو گدا دارد

بپشت پا زده جامی دو کونراوهنوز
ز فقرچشم‌خجالت به پشت پا دارد

۱۵۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه می‌گویند بدرالدین رابعلت سمرقند ی‌گری گرفته اندوجماعتی‌معتمدضمان‌وی می‌شوند ازخدمت شما التماس آن میدارندکه عنایت نموده دراستخلا ص‌وی‌اهتمام فرمایند والتفات دریغ‌ندارند رفیق باد . الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ۱٤ ــب رقعه ۱۹۰
برگ۱٤ ــب‌رقعه ۱۹۱

۱۵۸

بعد از عرض نیاز معروض آنکه دارنده پهلوان شمس بیشتر عسی می بوده‌وحالا قباحت آن‌شغل بروی ظاهرشده ترك آن کرده التماس آنکه عنا یت نموده اشارت رود که هیچکس‌اورا بآن تکیف نکند تابفراغ بال بکسبی حلال که معاش او بآن گذرد مشغول‌باشد توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۵۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه چون‌این فقیران بولایت سبزوار رسیدند خدمت خواجه کمال الدین‌حسن حمعان(؟) نسبت بایشان وظایف مروت و آدمی گری بجایی آوردند وچند پیاده‌همراه ایشان ساختند تا ایشانرا از مواضع مخوف گذرا نیدند التماس‌آنکه عنایت نموده‌التفات خاطرشریف از حال ایشان دریغ ندارند وسایه‌عاطفت شامل احوال ایشان گردانند شاید که بعضی از حقوق ایشان مودی‌گردد توفیق رفیق باد ـ

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱٦۰

بعداز عرض نیازمعروض آنکه جماعت‌موالی در بعضی از مدارس بمطالعه مشغول بوده‌اند وبموجب شرط واقف‌عمل نموده و می کویند که آنچه بشرط واقف استحقاق آن دارند بایشان نمی رسانند اگر چنانچه عنا یت نموده وجهی شود که بر ایشان‌حیفی نرود بسیار در محل مینماید توفیق رفیق باد والسلام .

۱٦۱

بعداز عرض نیاز معروض آنکه سیدزاده محمد قاسم نام از بلخ آورده‌اند وحبس کرده اند رقعه بدین فقیرنوشته وبروح حضرت رسالت صلی الله علیه وسلم سوگند داده که وجهی سازند که بعرض همایون رسا-

---

برگ ۱۵-۱، رقعه ۱۹۲

برگ ۱۵-۱، رقعه ۱۹۳

برگ ۱۵-۱، رقعه ۱۹٤

نیده شود وسبب استخلاص وی گرددالتماس آنکه چون سوگندی عظیم‌داده
است عنایت نموده نوعی سازند که خلاص شود که جمعی دیگررا که با
او هراه آورده بوده‌اند خلاص شده‌اند و او ازین معنی بسیار متالم است
توفیق رفیق باد . الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۶۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده‌محمود پیر که درده خود باعانت
مشغول است مردم نیك می گویند که ویرا چندان جهت دنیوی نیست که از
عهده مدی نامبر دار بیرون تواندآمدالتماس آنکه عنایت نموده وجهی
شود که ویرا باین علت مزاحم نشوند توفیق رفیق باد والسلام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۶۳

بعداز عرض نیاز معروض‌می گردد که آنچه در رفعه اخیر فرموده بودند
عین مصلحت در محض صواب بود امادر رقعهای حضرت خواجه که عنایت
نموده باین فقیر نوشته اند بتکراراشعار بآنکه خاطر شریف ایشانرا
برفتن فقیر بآن جانب التفات تامی‌هست واقع شده است واین فقیر نیز
در مقابله آن آنچه مشعر باین معنی‌بوده عرضه داشت ملازمان ایشان
کرده بیش ازین تاخیر کردن مفضی‌بتوهم تکاسل وتساهل‌میگردد ومقصود
این فقیر از رقعه که بآن مصدع‌شده بود آن بود که صدق وکذب
اخبار اراجیف گویان که ملایم سفربآن جانب نمی‌نمود معلوم شود الحمد
الله که همه غیر واقع بوده استعزیمت حرکت بیش از عید بعد قضاء
الله تعالی رفته شود اگر چنا نچه بیش از رسیدن این فقیر استجازه
این معنی می باید کرد کرم نمایند والا بوقت ملاقات گذارند توفیق رفیق
باد والسلام . الفقیر عبدالرحمن الجامی

از کتاب نفحات الانس بجهت بعضی‌موانع که کاتب را بود آن مقدار که
توان فرستاد تکمیل نیافته بود امابعد ازین بقدر وسع‌اشتغال بآن واقع
خواهد شود انشاءالله تعالی م (۱)

برگ ۱۵ـ۱، رقعه ۱۹۵
برگ ۱۵ـ۱، رقعه ۱۹۲
برگ ۱۵ـ۱، رقعه ۱۹۷
(۱) در حاشیه آمده

۱٦٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه مردم‌صالح بنیکوئی خدمت خواجه زین العابدین گواهی می‌دهند التماس آنکه عنایت نموده التفات از حال ایشان دریغ ندارند و اگر اهتمام فرمایندکه ایشانرا از عملهای دیوانی معذور دارند تا بفراغ خاطر بکشت وزراعت‌اشتغال نموده دعای دولت روز افزون گویند از مکارم اخلاق ایشان دورنمینماید توفیق رفیق باد والسلام وا لا کرام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱٦٥

بعداز عرض نیازمعروض آنکه مولانا حسین نشاپوری راباوجود فقر واحتیاج تمام مرضی واقع بوده‌استچنین می‌گویند که وعده رفته بوده است که اورا ازخانقاه میرزا مبلغ‌دواشرفی بدهند اگرچنانچه فقرواحتیاج اوراملاحظ فرموده‌وعده وفاشود دو رنمینماید توفیق رفیق باد .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱٦٦

بعداز عرض نیازمعروض آنکه خدمت بیکه بیگیم ازولایت فراه‌رقعه نوشته بودند وازخدمت شماالتماس‌عنایت ورعایت کرده‌اگر چنانچه ملتمس ایشانرا مبذول دارند ازعموم‌لطف ورافت وکمال شفقت وعاطفت دور نمی‌نماید توفیق رفیق‌بادوالسلام‌والاکرام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱٦۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده بران شخص که متهم استکه داماد اورا کشته است یك‌گواه‌گذرانیده است وحالامی خواهد که گواه دیگر گذراند می‌گوید که جمعی بحمایت آن شخص‌بدار القضا حاضرمی‌شوند و گواهانرا تهدید می‌دهند التماس آنکه عنایت نموده نگذارند که کسی حمایت کند تامعاطه ایشان بموجب شریعت‌بقطع رسد توفیق رفیق‌باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۵ـ۱، رقعه ۱۹۸
برگ ۱۵ـ۱ ،رقعه ۱۹۹
برگ۱۵ ـ۱ رقعه ۲۰۰
برگ ۱۵ـ۱ ،رقعه ۲۰۱

۱۶۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه مخادیم ازفرزندان خدمت شیخ الاسلامی شیخ حافظ عمروردهی اند قدس سره می‌خواهند که بخدمت ایشان ملاقات نموده فاتحه خوانند ودعایی گویند اگردرآن باب اهتمام فرمایند حاکمند توفیق رفیق باد. الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۶۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه برحامل رقعه خواجه قاسم حیفی رفته است التماس آنکه عنایت نموده التفات شریف ازحال اودریغ ندارند ودر مصلحتی که رجوع نماید اهتمام فرمایند توفیق رفیق بادم

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۷۰

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت خواجه زاده اعظم خواجه قاسم بشرف دسبوسی مشرف خواهند شد التماس آنکه عنایت وشفقت دریغ ندارند ودرمصلحتی که بملازمان رجوع نماید سعی جمیل مبذول دارند توفیق رفیق باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۷۱

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت سید زادها درین دیار غریب اندوفقر واحتیاج تمام دارندو بتحصیل مشغول شده اند اگرچنانچه عنایت نموده وجهی شود که ایشانرا ازاوقاف چیزی بدهند که بآن معاش توانند گذرانید شك نیست که سبب مزید سعادت دوجهانی خواهد بود والسلام والاکرام.

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۷۲

بعداز عرض نیازمعروض آنکه خدمت خواجه معین الدین محمد که در سفرمبارك شرف موافقت ایشان دست داده بودبآن جانب متوجه بودندباین دوسه کلمه گستاخی کرده شد دولت وسعادت لایزال لازم وقت ورفیق حال باد والسلام. الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۵ــ۱ ،رقعه ۲۰۲
برگ ۱۵ــ۱ رقعه ۲۰۳
برگ ۱۵ ــب رقعه ۲۰۴
برگ ۱۵ــ ب ،رقعه ۲۰۵
برگ ۱۵ــب رقعه ۲۰۶

۱۷۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه احوال‌دعا گویان اینجایی موجب خیر گذرانست‌امیدواری بعنایت بی علت‌حضرت حق‌سبحانه وتعالی آنست که هرروز جمعیت صوری ومعنوی ایشان‌درترقی وتزاید باشد چون‌خدمت خواجه شمس الدین‌محمدمتوجه بودندباین‌کلمه گستاخی رفت توفیق‌رفیق باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۷٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولوی اعظمی بانواع فضائل وکمالات متحلی اند وشرف خدمت وصحبت حضرت خواجه نیز دریافته اند ایشانرا جزوی مهمی‌است‌که بعرض‌خواهند رسانید التماس آنکه عنایت نموده درکفایت آن‌اهتمام فرمایند‌ونشانی که در بایست باشدبیکی از ملازمان اشادت فرمایندکه تکمیل آن‌بکنند که ایشانرااستطاعت تکمیل آن نیست توفیق رفیق‌باد والسلام. الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۷۵

بعداز عرض نیازمعروض آنکه بعضی ازمردم کراسان بعرض شریف رسانیده بودندکه مقداری‌زمین خالصه است ومیخواهند که آنجا مسجدی بنا کنند وایشانرا وعده کرده بوده‌اندکه بعضی ازملازمان آن‌حضرت متصدی عمارت‌آن خواهند شدحالاآن جماعت‌می‌گویند که وقت عمارت می‌گذرد التماس آنکه عنایت نموده بهرچه مصلحت دانند اشارت فرمایندتوفیق رفیق باد

۱۷٦

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌خواجه شهاب الدین اسحاق بآنجانب توجه نموده بشرف دستبوس مشرف‌خواهند شد امیدست که فقیران اینجا بی بوسیله ایشان ملتفت خاطرعاطرعزیزان شوند سعادت دوجهانی میسر باد والسلام والاکرام. الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۵ـب ،رقعه ۲۰۷
برگ ۱۵ـب‌رقعه ۲۰۸
برگ ۱۵ـب ،رقعه ۲۰۹
برگ ۱۵ـب، رقعه ۲۱۰

۱۷۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب سیادت مآبی سعادت اکتسابی بآن جانب تشریف آورده بعضی مهمات بسمع شریف خواهند رسانید که در آنجا حق بجانب ایشان مینماید ودران باب سند های قوی بدست دارند اگر چنانچه عنایت نموده التفات فرمایند که حق درمرکز خود قرار یابد از طریقه شفقت وخیرخواهی ایشان دور نمینماید توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۷۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه بعضی از طلبه علم که در قریه کوسویه بتحصیل مشغول اندمی گویند که مدتی است که در مدرسه مذکوره بتحصیل و تدریسی مشغول اند ومدرس وطلبه را وظیفه معتدبها نرسیده است باوجود آنکه حاصل بسیاراست التماس آن میدارند که عنایت نموده اشارت رود که امینی براستی تفحص فرماید باشدکه وظیفه ایشان برسد توفیق رفیق باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۷۹

خدمت مولوی بتحصیل مشغول اند وفقر و احتیاج تمام دارند اگر چنانچه عنایت نموده اهتمام فرمایند واشارت نمایند که ایشانرا ازاو قاف محظوظ گردانند از مکارم اخلاق ومراهم اشفاق ور نمینماید توفیق رفیق بادوالسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۸۰

بعداز عرض نیازمعروض آنکه شخصی نسبت بر برادر دارنده رقعه نیاز امری باز نموده است که می گویندخلاف واقع است التماس آنکه عنایت نموده و تفحص فرموده نوعی سازندکه برهیچ کسی حیف وتعدی نرود توفیق رفیق باد , الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۵ــب، رقعه ۲۱۱
برگ ۱۵ــب، رقعه ۲۱۲
برگ ۱۵ــب، رقعه ۲۱۳
برگ ۱۵ــب، رقعه ۲۱۴

۱۸۱

بعداز عرض نیازمعروض آنکه خواجه عبدالاحد رابا شخصی دعویی است شرعی وبدار القضا حاضر نمیشودالتماس آنکه عنایت نموده اشارت رود که انقیاد شریعت کند وبدارالقضا حاضر شود توفیق رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۸۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب‌سیادت مآب سید معز الدین را از ولایت گناباد بعضی موء اخذات دیو انی طلب‌دا شته اند مردم‌عزیز نیکویی او میگویند التماس آنکه التفات‌خاطر شریف بجانب ایشان دارند که بر ایشان حیف وتعدی نرود توفیق‌رفیق باد والسلام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۸۳

وفقهم الله تعالی لمایحب ویرضی‌چون‌جناب سیادت‌مآبی سعادت اکتسابی بآن صوب توجه نموده بودندباین دعای مقرون باخلاص مشحون باختصاص خودرا بخاطر شریف داده‌گستاخی واقع شد والدعآ معاوالسلام والاکرام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۸٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه‌چنین استماع‌افتاد که بعضی مردم نسبت بخدمت مولانا صانعی سخنا نمیگویند التماس خاطرشریف بجانب اودارند واگر سببی مجدد واقع‌شده‌باشد احوال گذشته راسبب نسا زد که آن‌امری بود عام‌وخصوصیت‌بهیچ‌کسی‌نداشت توفیق رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۵ــب، رقعه ۲۱۵
برگ ۱۵ــب، رقعه ۲۱۶
برگ ۱۵ــب، رقعه ۲۱۷
برگ۱۵ــب‌رقعه ۲۱۸

۱۸۵

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولاناشیخ محمد ومولاناسعید مردم فقیر وغریب‌اند وبه نیت تحصیل آمده‌اند وازجهت معاش(احتیاج)تمام دارند اگرچنانچه عنایت نموده‌وجهی‌شودکه ایشانرا سدجوعی ازاوقاف میسرگردد بسیار درمحل مینمایدتوفیق رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۸۶

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌مولانا شیخ ابوسعید مجلدجلدی ظفر نامه ساخته بوده‌اند وازآنچه مقرر شده‌بوده چیزی باقی مانده است التماس‌آن میدارد که‌عنایت نموده‌التفات فرمایند که آن بقیه واصل‌شود که احتیاج تمام دارند والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۸۷

بعدازعرض نیاز معروض آنکه دارنده‌مردی فقیرست وازمهتر احمد رکابدار حمامی باجارت‌گرفته بوده است یکساله وبدل اجارت رسانده وحالاازمدت اجارت‌وی یکماه گذشته ودارنده میگوید که بدان مبلغ‌که با جارت گرفته بودم زیان‌میکند مهترمذکور نه‌ازبدل اجارت چیزی‌کم‌میکند ونه حمام رااز ومیگیرد ووی راتکلیف‌میکند که بدل اجارت رابهمان مبلغ جواب گوی التماس آنکه عنایت‌نموده‌التفات فرمایند که‌این فقیر ازتغلب وی خلاص یابد توفیق رفیق باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

این‌فقیررا باین شخص‌نوع اختصاصی هست‌اگرچنانچه‌درین باب‌اهتمام نمایند منت عظیم خواهد بود (۱)

برگ۱۵ ـب‌رقعه ۲۱۹

برگ ۱۶ ـ۱،رقعه ۲۲۰

برگ ۱۶ـ۱ ،رقعه ۲۲۱

(۱) درحاشیه آمده

۱۸۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت شیخ الاسلامی ملاذالانامی بعزیمت اردوی همایون بیرون آمده بودند چون خبر الطافی که نسبت بایشان واقع شده بود رسیدآن‌عزیمت‌درتوقف افتاد التماس آنکه دراتمام لطفی‌که کرده‌اند ودرایجاد وعده که‌فرموده‌اند اهتمام نمایند که تفرقه وتشویش ایشان تابحدی است که درحیز تحریر وتقریر نمی گنجد دولت وسعادت دوجهانی میسر بادوالسلام والاکرام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۸۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب سیادت مآبی امیر نورالدین محمد قناد راپیش ملك‌اسکندر فراهی‌مبلغی بوده است‌وآنرا بوکیل خود شیخ احمد حواله داشته بوده است‌که‌از محصولات مزارع وی‌ادانماید ودرین چند سال بواسطه تفرقهایی‌که بوده‌است میسر نشده است‌وخدمت سید مشارالیه دارنده رقعه نیاز(مولانا) حسن را همراه شیخ احمد مذکور باردوی همایون فرستاده اندالتماس عنایت نموده اهتمام‌فرمایند که‌فرمان جهان‌مطاع حاصل شود که ارباب تغلب دست‌از (آن)مزارع باز دارند وقرض‌خدمت سیدمذکور راادانمایند که‌درین مدت اختلال بسیار باحوال ایشان راه یافته است وبدان‌وجه احتیاج تمام دارند توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

دیگر معروض آنکه خدمت‌سیدمذکور راقرضی واقع است ووجه آن غیرازین مبلغ مذکور چیزی دیگرنیست مقصود آنکه المتفات دریغ نفرمایند (۱) م

برگ ۱۶ـ۱،رقعه ۲۲۲

(۱) درحاشیه آمده

برگ ۱۶ـ۱ ،رقعه ۲۲۳

۱۹۰

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا کمال الدین حسین بانواع فضائل واخلاق حمیده متصف اند امازجهت ضیق معاش تفرقه بسیار دارند اگرچنانچه عنایت نموده وجهی شودکه (از)اوقاف وغیرآن محقری که مدد معاش ایشان شود بایشان برسد ازمراسم اشفاق ومکارم اخلاق دورنمی‌ـ نماید توفیق رفیق باد والسلام . الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۹۱

بعد از عرض نیاز معروض آنکه جناب سیادت مآبی مردم عزیزوفاضل اند ودرین دیار غریب اند وفقر وعیال‌مندی واحتیاج تمام دارند جزوی‌مهمی بسمع شریف خواهند رسانید التماس آنکه عنایت نموده وروحانیت اجداد کرام ایشانرا ملاحظه فرموده امدا دواعانت ایشان فرمایندوالتفات‌واهتمام ازحال ایشان دریغ ندارندتوفیق رفیق باد . م الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۹۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه مولانانورالله ولدمقری محمود مردی صالح است و پدروی ویرا در حیات خودگردانیده بوده و منصب اذان مسجد جامع رابوی تفویض نموده وهمانا که آنرا بسمع شریف رسانیده بوده حالا مقری شیخ یوسف بآن جانب توجه نموده قصد آن دارد که در آن باب نشان همایون حاصل کند التماس امدادی می دارند اگر چنانچه ملتمس ایشان مبذول گردد از مکارم اخلاق‌ایشان دور نمینماید توفیق رفیق باد والسلام . الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۹۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا قاسم ومولانا نورالله مردم‌فقیر وصالح وغریب اندواز نواحی همدان بقصد تحصیل باین‌جانب‌آمده اگر جنانچه عنایت نموده و جهی شود که از او قاف آنچه ما یحتاج ضروری ایشان باشد بایشان برسد و بفراغ بال به تحصیل مشغول باشند بسیاردر محل مینماید توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ۱٦ـ۱رقعه ۲۲٤
برگ ۱٦ ـ۱ رقعه ۲۲۵
برگ ۱۲ـ۱، رقعه ۲۲٦
برگ ۱٦ـ۱، رقعه ۲۲۷

۱۹۴

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده مولانا لطف‌الله مردی‌طالب‌علم صالح فقیر ست اگر چنانچه و جهی‌شود که ازاو قاف بقدرحاجت محظوظ گردد از طریقه شفقت و مرحمت دورنمینماید توفیق رفیق باد والسلام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۹۵

بعداز رفع‌نیاز مرفوع‌آنکه خبرچنان رسید که خدمت ایشانرا فی الجمله درد پایی بوده است امابحمدالله که در عقب آن مژدره صحت نیز دادند این فقیررا نیزبا ایشان درین معنی موافقتی واقع است

وه که باز ازدرد زانو ماند برجاپای من

تاچه خواهدکرد بامن دردپا بر جای‌من

صحت وسلامت مستدام باد والسلام‌والا کرام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۹۶

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌مولانا عماد الدین احمد عزیمت اردوی همایون کرده بشرف ملازمت خواهدرسید التماس آنکه عنایت نموده التفات خاطر شریف بجانب او دارندودر مصلحتی که رجوع بملازمان نما-ید اهتمام فرمایند توفیق رفیق بادوالسلام والا کرام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۹۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌مولانا نظام الدین را در شهر نام برد ار نوشته اند و ایشان میگویند که مارا در شهر هیچ نوع جهتی نیست وسالهاست که متوطن ولایت کرخیم‌ودران ولایت شرکت داریم التماس آنکه عنایت نموده و جهی شود که‌ایشان نام دار کرخ باشند ونام ایشا نرا از دفتر نامبر داران شهر اخراج‌کنند توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱٦ـ۱، رقعه ۲۲۸
برگ ۱٦ـ۱، رقعه ۲۲۹
برگ ۱٦ـ۱، رقعه ۲۳۰
برگ ۱٦ـ۱، رقعه ۲۳۱

۱۹۸

بعداز عرض نیازمعروض آنکه مولاناعبد الکریم که دارندهء رقعه اخلاص است مردی صالح است مدتی مدید باوی همسایگی واقع بوده هرگز ازوی امری نا ملایم مشاهد ومحسوس نشده‌است التماس آنکه عنایت نموده التفات خاطر شریف از وی دریغ‌ندارند ودر مهمی که رجوع نماید اهتمام نمایند توفیق رفیق باد م .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۹۹

بعداز عرض‌نیاز معروض آنکه خدمت‌مولانا علاءالدین علی‌را التماس آن هست که نشانی مشتمل برآنکه هرجابرسند تعظیم واحترام ایشانرا واجب دانند و متعلقان ایشانرا بهیچ نوع‌تعرض‌نرسانند والا غان ایشانرا نگیرند حاصل شود توقع آنکه عنایت‌نموده در آن باب اهتمام نمایند توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۰

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارندهء رقعه اخلاص ازین دربازاراسپ خرید و فروخت می‌کرده وبدان سبب‌تفرقه ها کشیده ومی کشد وحالا می گوید ترك این کار کرده‌ام التماس‌آنکه باوجود آنکه درین کار محذوری شرعی نیست که بدان موءاخذباید شد ترك آن گرفته است عنایت نموده التفات خاطر شریف بدان مصروف گردانند که من بعد بدان سبب مزاحم او نشوند توفیق رفیق باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۰۱

بعداز عرض نیازمعروض آنکه ضعیفه دارنده عرضه داشتی داردمی خواهد که بعرض شریف برساند اگر چنانچه عنایت نموده اصغا فرمایند و بغور آن برسند ازمکارم اخلاق ایشان‌دور نمینماید توفیق رفیق باد والسلام والا کرام. الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱٦ــ۱، رقعه ۲۳۲
برگ ۲۱ــب، رقعه ۲۳۳
برگ ۲۱ــب، رقعه ۲۳٤
برگ ۲۱ــب، رقعه ۲۳۵

۲۰۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا فضل الله بانواع فضائل وکمالات آراسته اندااما باوجود عیالمندی فقر واحتیاج تمام دارند واز اوقاف بجهت مدد معاش ایشان محقری تعیین یافته است اماچون پروانه همایون برطبق آن صادر نشده است گاه گاهی درآن تعلل مینمایند التماس آنکه عنایت نموده اهتمام فرمایند که درآن باب پروانه حاصل شود توفیق رفیق باد.

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۰۳

بعداز عرض نیازمعروض آنکه خدمت خواجه محمد علی کرم نموده مهمات سرمزار رامتقبل شده اندکه مضبوط دارند التماس آنکه عنایت نموده التفات ازحال ایشان دریغ ندارند واگر نشانی عنایت فرمایند که درآ بی که بسر مزار می آید هیچکس بی جهتی مدخل نسازد دور نمینماید توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۰٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه چون خبرمقدم شریف ازآستانه روضه مقدسه سلام الله علی من حل فیها(۱)رسید موجب جمعیت وحضورهمه فقیران گشت دیده انتظار بررا هست امیداست که عن قریب بشرف ملاقات برسند حصول مرادات ووصول بسعادت میسر باد والسلام والاکرام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱٦ ــب،رقعه ۲۳٦

برگ ۱٦ ــب، رقعه ۲۳۷

برگ۱٦ ــب رقعه ۲۳۸

(۱) سلام الله ... درحاشیه

۲۰۵

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولوی اعظمی مولانا شهاب الدین احمد خوافی که شغل احتساب تعلق بخدمت ایشان دارد باوجود ضعف پیری ضعفهای دیگر ایشانرا طاری شده است ومجال سوارشدن واطراف وجوانب گشتن ندارند چون درنشان همایون باستخلاف ماذون بوده اند خدمت سیادت مآبی شاه غیاث الدین راکه نسبت فرزندی بشیخ العالم نیزدارند بخلافت خود نصب فرموده اندوچون علم وصلاح ایشان ظاهرست بسیار مناسب مینماید اگرچنانچه عنایت نموده وجهی شودکه درآن باب نشانی واقع شود تا موجب اطمینان شوددور نمینماید توفیق رفیق باد .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۰۶

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده‌را مصحفی که درصددهدیه کردن آن بوده است پیش سیداسترابادی که وفات کرده بوده ومی گوید که گواهان دارم که آن مصحف ملك منست التماس آنکه اشارت فرمایند که مصحف رادر محکمه قضا حاضر کردانند تابهرچه قاضی اسلام حکم کنند برآن بروند توفیق رفیق (باد)

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۰۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت شیخ زاده طوسی که از فرزندان شیخ حافظ عمر وردهی قدس سره (۱) اندو بصلاح نفس موصوف درمدرسه تومان آغازدر قریه کوسویه امام وحافظ اندالتماس آنکه عنایت نموده اشارت رود که وظیفه ایشانرا بایشان برسانند ودرآن تعلل ننمایند توفیق رفیق باد .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱٦ــب ،رقعه ۲۳۹

برگ ۱٦ ــب، رقعه ۲٤۰

(۱) درحاشیه آمده

برگ ۱٦ــب رقعه ۲٤۱

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت امیرجلال الدین یعقوب را با یکی از عزیزانی که این فقیر را با ایشان طریقه اخلاص ومحبت درمیان است نسبت قرابتی هست التماس آنکه عنایت نموده التفات خاطر شریف از حال ایشان دریغ ندارند ودرمصلحتی که بدلازمان رجوع نماید اهتمام فرمایند توفیق رفیق باد .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۰۹

بعداز عرض نیازمعروض آنکه خدمت مولانا اویس درویشی صالح ونیازمندست توقع آن می‌داریم که بنظر عنایت ملحوظ گردد وازحسن التفات ورعایت محظوظ توفیق رفیق باد والسلام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۱۰

بعداز عرض نیاز معروض آنکه باباحاجی عید گاهی میگوید که آب عید گاه بدستور سابق نمید هند التماس آن می‌دارد که اشارت رود که بردرختان عیدگاه حیفی نرود توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۱۱

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده را مددی نوشته اند می‌گوید که مرا استطاعت آن نیست التماس آن میدارد که عنایت نموده اشارت رود که تفحص فرمایند وبروی حیف و تعدی نرود توفیق رفیق باد .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۱۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مخدومی مولانا مردم دانشمند وعزیزاند قضیهٔ دارند که بسمع شریف خواهند رسانید التماس آنکه بغور حال ایشان رسیده نوعی سازند که برایشان حیفی نرود توفیق رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ۱۶ ــ ب رقعه ۲۴۲
برگ ۱۶ ــ ب، رقعه ۲۴۳
برگ۱۶ ــ ب رقعه ۲۴۴
برگ۱۶ ــ ب ،رقعه ۲۴۵
برگ۱۶ ــ ب رقعه ۲۴۶

۲۱۳

بعداز عرض نیازمعروض آنکه درویشان مجاور ان غار خواجه احمد عباس‌اند دران نواحی محقر وقفی‌هست که مصرف آن‌مجاوران می بوده‌است‌وهرگزدستور نمی بوده‌است که رسم الصداره ازآنجا بگیرند وحالااضعاف آن‌گرفته اند التماس آنکه عنایت‌نموده وجهی شود که درویشان آنجا معاش‌توانندکرد وبر ایشان خلاف قاعده حیف و تعدی نرود توفیق رفیق باد .

۲۱٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دیرگاه است که جناب مخدومی سیادت مآبی رانسبت باین فقیر التفات‌خاطری‌هست وهمانا که درین‌ولا بزرگوار ایشان درنواحی بلخ‌بجوار رحمت حق‌سبحانه پیوسته اند بحکم ضرورت بآن‌جانب متوجه شده بشرف ملاقات شریف‌مشرف خواهندشد التماس آنکه عنایت نموده بهرچه مصلحت دانند اشارت‌نمایند ودرکفایت‌مهمی که بعرض‌رسیده شود اهتمام فرمایند توفیق‌رفیق بادوسعادت زیادت والسلام والاکرام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۱۵

بعداز عرض نیازمعروض آنکه دارندگان رقعه نیاز خواجه محمود و خواجه سلطان احمد مردم‌مزارع اندوتاغایت استماع نیفتاده است‌که از ایشان نسبت برعایا ظلم وتعدی‌واقع‌شده باشد التماس آنکه عنایت نموده التفات‌خاطرازجانب‌ایشان دریغ‌ندارندونگذارند که برایشان تعدی رود بی موجبی توفیق رفیق باد والسلام

برگ ۱۷ــ ۱، رقعه ۲٤۷

برگ ۱۷ــ۱ رقعه ۲٤۸

برگ‌۱۷ ــ۱ ،رقعه ۲٤۹

۲۱٦

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا زاده شهرسبزی ومولانا ابویوسف مردم دانشمند وعزیز وپیروفقیراند واز هیچجامدخلی ندارند و باندك چیزی قانع انداگرچنانچه عنایت فرموده اهتمام فرمایند که از اوقاف محقر چیزی برای ایشان تعیین یابدازمکارم اخلاق ایشان دورنمی نماید توفیق رفیق باد .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۱۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه همانا دارنده امیر محمدیارك که درسلك ملازمان انخراط داشته بی‌اجارت باین‌جانب آمده بوده ونسبت بوی‌حکم سیاستی واقع‌شده بوده‌ازین‌فقیراستدعاشقاعتی نمود این فقیراورا ازخدمت خواجه سیداحمد شفاعت‌کرده نگذاشت‌که اورا بسیاست‌رساند وحالااورا بآن جانب روان گردانیده التماس می‌روکه اورا بدستور سابق‌درسلك ملازمان راه‌دهند وجریمه که‌صادر شده‌عفوفرمایند توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۱۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب مولوی مخدومی مولاناشهاب‌الدین احمدخوافی رادرآن وقت‌که از منصب‌احتساب استعفا می‌کردند این‌فقیروعده کرده‌بود که اگرمخادیم امدادنفرمایندواز عهده این‌کار کما ینبغی بیرون نتوانند آمدازایشان درخواست کرده‌شود که شمارامعذور دارندالتماس آنکه چون امدادایشان کماینبغی‌واقع‌نشود وازعهده آن‌بیرون نتوانند آمد وجهی شودکه ایشان رامعاف‌دارندتوفیق رفیق بادوالسلام .

برگ۱۷ ــ۱ ،رقعه ۲۵۰

برگ۱۷ــ۱ ،رقعه ۲۵۱

برگ۱۷ــ۱ ،رقعه ۲۵۲

۲۱۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا زاده (۱) مردم عزیزانند ازولایت بدخشان بنیت تحصیل تشریف آورده‌اند وجهتی ظاهر که ماده معاش ایشان باشد واقع نیست اگرچنانچه عنایت نموده مایحتاج ضروری ایشان ازاوقاف تعیین یابد ازطریق مصلحت دور نمینماید توفیق رفیق بادوالسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۲۰

بعداز عرض نیازمعروض آنکه حکایت وظیفه خدمت مولانا نظام الدین (۲) احمد خوافی ومحتسبان ایشان بسمع شریف رسانیده شده بود التماس آنکه عنایت نموده اشارت رود که ازمحلی که بسهولت وصول یابد تعیین یابد تا بفراغ خاطر بامر احتساب اشتغال توانند نمود وترویج شریعت مطهره توانند کرد توفیق رفیق باد والسلام

۲۲۱

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت حامل رقعه اجازت خواسته بشهر آمده بوده وتوقف وی ازمیعاد مراجعت تجاوز کرده ازمواخذ آن خوفی دارد التماس آنکه چون توقف را عذرها دارد عنایت نموده وجهی شود که تقصیر وی بعفو مقرون گردد توفیق رفیق بادوالسلام

۲۲۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه متعلقان امیر زاده یارمحمد اضطرا ب بسیار دارند ومی‌گویند که هنوز ویرا آفتی نرسیده وخدمت امیر بهبود داعیه درخواست اوکرده ویرا نگاه داشته است اگرچنانچه وجهی شود که آن حضرت چنانچه مقتضای کرم ایشانست ازسیاست وی تجاوز نمایند سبب مزید سعادت خواهد بود توفیق رفیق باد

---

(۱) درحاشیه آمده

برگ ۱۷ـ۱ رقعه ۲۵۳

(۲) درشماره ۲۳۹ و ۲۵۲ شهاب الدین یاد شده

برگ ۱۷ـ۱، رقعه ۲۵٤

برگ ۱۷ـ۱ ، رقعه ۲۵۵

برگ ۱۷ـ۱، رقعه ۲۵٦

۲۲۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه باوجود آنکه فضل وکمال واستحقاق واستیهال خدمت مولوی اعظمی عزالدین ملك احمد ازآن ظاهر تراست که بشرح احتیاج افتد هریك از ائمه اسلام ومشاهیر انام درآن باب چیزی نوشته اند و اظهار آن کرده التماس آنکه عنایت نموده التفات خاطر شریف بجانب ایشان دارند ودرمصلحتی که رجوع نمایند اهتمام فرمایند وچون امثال ایشانرا احتیاج باین مبالغه ها نمی باشد برهمین اقتصار کرده شد توفیق رفیق بادو اسلام .

قضیه قضا مولانا نظام الدین بسمع شریف رسانیده شده بود هرچه در آن باب مصلحت دانند حاکمند . (۱)

۲۲٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده را فرزندی بوده وبشخصی نکاح کرده اماهنوز درخانه پدر بوده شخصی دیگر بشرارت موصوف است دعوی کرده که فرزند ترامن نکاح کرده ام وگواهان گذرانیده امازمان نکاح او متاخرست فتوی ائمه اسلام حاصل کرده است که نکاح شخص دوم اعتبار نداردامامی گوید که او بغایت سفیه است وتهدید میدهد وایذا می کند التماس آنکه عنایت نموده وجهی سازند که شراواز سراین مسلمان وفرزند وی دفع شود توفیق رفیق باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۲٥

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب سیادت مآب بجهت مهمی باردوی همایون تشریف خواهند آورد التماس آنکه عنایت نموده مساعیء جمیله در کفایت آن مبذول دارند که مردم بسیار عزیزانند و شك نیست که استرضای خاطر شریف ایشان وسیله سعادت دینی ودنیوی خواهد بودتوفیق رفیق باد والسلام . الفقیر عبدالرحمن الجامی

---

(۱)از قضیه به بعددرحاشیه نوشته شده

برگ ۱۷ـ۱ ،رقعه ۲۵۷

برگ ۱۷ـب رقعه ۲۵۸

برگ ۷۱ـب، رقعه ۲۵۹

۲۲۶

بعداز عرض نیاز معروض آنکه امیردرویش معمد و امیر درویش احمد کوکلتاشان خدمت میرزاسلطان محمودراعنایت نموده بخشیده‌اند امادر فر-ستادن امیر درویش احمد فی الجمله تاء خیری واقع است و ایشانرا میکو یندانند ك ضعفی ومرضی هست اگرچنانچه کرم فرموده وجهی شود که ایشانرا در خارج زندان درین مدت‌تاء خیر بمعتمدی بسپارند در محلی که هوایی داشته باشد واز عفونت‌زندان خلاص یابند از مراسم اشفاق و مکارم اخلاق ملازمان دور نمینمایدتوفیق رفیق باد م

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۲۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا قاضی‌که رافع رقعه‌ء اخلا ص اند مدتی درین ولایت بتحصیل‌مشغول می بوده اند وحالا عزیمت وطن کرده اند و احرام ملاقات پدربزرگوار خود بسته التماس آنکه عنا یت نموده التفات شریف از حال اودریغ ندارندودر مصلحتی‌که بملا ز مان رجوع نمایداهتمام فرمایند توفیق‌رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۲۸

بعداز عرض نیازمعروض آنکه دارنده‌می کوید که بجهت حمام شیخ زاده صدر ممر آبی محدث در خانه اونهاده اند وبسبب آن خانه‌ء اوروی بویرانی نهاده است التماس آن می‌دارد که تفحص فرموده بغور او بر-سند توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۲۹.

بعداز عرض نیاز معروض آنکه میگویند خدمت امیر سای نرد (؟) بخشی راحضرت‌خواجه رقعه نوشته طلبیده‌اندالتماس می دارد که عنایت نموده التفات واهتمام دریغ ندارند وسعی‌جمیل مبذول دارند که زودتر اورا اجازت فرمایند توفیق رفیق باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۷۱ـب، رقعه ۲۶۰
برگ ۷۱ـب، رقعه ۲۶۱
برگ ۷۱ـب، رقعه ۲۶۲
برگ ۷۱ـب، رقعه ۲۶۳

۲۳۰

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت استاد حاجی محمد بشرف ملازمت مشرف خواهند شدوجوانی نیکوخصال‌می نماید التماس آنکه عنایت نموده التفات واهتمام از حال او دریغ ندارند توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۳۱

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌مولانا خواجه بجهت جزوی مهمی دارنده رقعه امیر حاجرابملازمت مخادیم فرستاده اندالتماس آنکه چون آن مهم‌را بسمع رساند عنایت نموده‌اهتمام نمایند والتفات فرمایند که بران وجه که مصلحت دانند آن مهم‌سرانجام یابد توفیق رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۳۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌خواجه جمال الدین عطاءالله رابمساعی جمیله خدمت شما استطاعت‌سفر مبارك حجاز حاصل آمده است و می خواهد که شکر گذاری این‌معنی رادر مواضع شریفه و منازل متبرکه بوظیفه ء دعاگویی وخیر خواهی‌دینی ودنیوی‌قیام‌نمایدالتماس‌آنکه عنایت نموده نشان راهی حاصل شودکه هرگاه عزیمت مصمم شود مانعی نباشد توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۳۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌خواجه عبد الخالق مردی بهمت و مروتست و حضرت خواجه عبیدالله رانسبت بایشان التفات واهتمام بسیارست ودر آن وقت که بمرو تشریف‌آورده بودند در منزل ایشان نزول کرده بودند وحالا تظلمی دارند میخواهند که بعرض همایون برسانند التماس آنکه عنایت نموده وسعی‌جمیل مبذول داشته نوعی سازند که مطلوب ایشان بروجه احسن میسرگردد توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۷-ب، رقعه ۲٦٤

برگ ۱۷-ب، رقعه ۲٦٥

برگ ۱۷-ب، رقعه ۲٦٦

برگ ۱۷-ب، رقعه ۲٦٧

۲۳٤

بعداز عرض نیازمعروض آنکه خدمت‌خواجه سیف‌الدین ولدخواجه رمضان تونی را قدری اسباب بوده‌است‌که درمدت غیبت ایشان غایبی کرده بوده‌اند التماس آنکه عنایت‌نموده اشارت فرمایند که‌چون اسباب ایشانرا بی‌جهتی گرفته اند بایشان باز گذارند توفیق‌رفیق بادوالسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۳۵

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمتی که دارنده پهلوان پیراحمد را فرموده بوده‌اند می‌گویند که کماینبغی بجای آورده است وبتکمیل وتتمیم آن هنوز مشغول است‌حالا عزیمت آن‌کرده که بشرف دستبوس برسد شك نیست که بنظر لطف وعنایت ملحوظ‌خواهد گشت توفیق‌رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۳٦

بعداز عرض نیاز معروض آنکه رعایا کم براق راتوهم آن شده‌است که‌جناب امارت مآبی رابواسطه ناملایمی که‌از یشان واقع‌شده است ملال‌خاطری هست التماس‌آنکه عنایت‌نموده وجهی سازند که توهم آن‌فقیران مرتفع شود واگرجریمه ازیشان‌صادرشده‌باشد عفو فرموده بسرعنایت‌باز آیند توفیق رفیق باد والسلام

برگ ــ۱۷ــب،رقعه ۲٦۸

برگ۱۷ــب‌رقعه ۲٦۹

برگ ۱۷ــب رقعه ۲۷۰

۲۳۷

هو

خواجه کمل عبیدالله که نفس پاك او
چون خطا بارجعی ازموطن‌اصلی شنید
درشب سلخ‌مه موت نبی‌همچون نبی
نزد شاه مقتدردر مقعد صدق آرمید
چون شهید عشق ومقتول‌فنا فی‌الله بود
یافت عارف‌سال تاریخش زمقتول شهید(۱)

۲۳۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده میگوید که پارینه اورا مددی نوشته بود (نـد)وبی‌آنکه وی‌رااستعداد آن اثبات‌گردد ازوی‌گرفته اند التماس آن(میدارد که)عنایت‌نموده‌تلافی ... وتفحص فر(مایند)اگر بروی ....(۲) بدهند توفیق رفیق‌باوا‌السلام

۲۳۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه‌ضعیفه دارنده تظلمی دارداگرچنانچه آنرا اصغا نموده‌بغور حال‌وی برسندازطریقه شفقت ومرحمت دورنمینماید

برگ۲٤ـب، رقعه ۲۳۹ .

---

(۱)این قطعه‌شعر برروی سنگ‌مزارخواجه عبیدالله احرار درسمرقند حك ونگارش یافته

رقعه‌ها ی‌شماره ۲۷۱ـ۲۷۸در برگ۱۸ به قلم خواجه عبیدالله احرار تعلق دارد

(۲)خوانده نشد. برگ ۲۰ـ۱ ،رفعه رقعه های شماره ۲۸۰ـ۲۹۲در برگهای ۱۸ب ۲۰ـ۱ تعلق دارد به قلم‌خواجه عبیدالله احرار

رقعه های‌شماره ۲۹٤ـ۲۳۸ دیر برگهای۲۰ـ۱ـ۲٤ ب‌تعلق به قلم‌خواجه احرار دارد .

برگ۱۸ـ،رقعه ۲۷۹

۲٤۰

بعداز عرض نیاز معروض آنکه چنان‌معلوم شدکه حضرت‌خواجه (۱) ذکررفتن ونارفتن این‌فقیر می‌کرده‌اندخدمت‌خواجه کلان ذکر بعضی موانع کرده‌اند ایشان آنرا برتعلل حمل‌فرموده‌اند وحالاداعیه رفتن بآنجانب قوی‌شده است عزیمت چنانست بعدقضا الله سبحانه که بیش‌از آنکه هواگرم‌گردد رفته شود التماس آنکه اگرپیش‌از خیربا واستجازه از ملازمان حضرت سلطنت‌شعاری خلدملکه (۲)می‌یابد کرد عنایت‌نموده اجازت‌حاصل کنند واگر خیربادواستجازه بیکبارمی‌توان کرد اعلام فرمایند شایدکه آن معنی میسر گردد حق‌سبحانه وتعالی‌توفیق مصالح‌دینی ودنیوی‌رفیق کرد اناد والسلام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٤۱

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌پهلوان محمد شیربان از ابنای جنس خودمیگویند بانواع صلاحیت ممتازاست و با ایشان نسبتی ندارد التماس آن می دارد که از عنایت عام واهتمام تمام ملازمان محظوظ گردد و در مهمی که رجوع نماید التفات دریغ نفر یند توفیق رفیق باد وسعادت زیادت .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٤۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه بعضی‌از جماعت بخشیان تخلف کرده بمخالفان رفته بوده اندو بجرم آن‌برهمه آنجماعت تحصیلی واقع شده واز آنجمله امیر عبدالخالق و امیرعبد العظیم اند که مردم عزیز به نیکیء ایشان گواهی میدهند وهرچه در حوزهٔ تصرف ایشان بوده بضبط ملازمان در آمده ونسبت با امیرعبدالخالق بکرات تشدد وشکنجه واقع شده چنانکه می گویند متصدیان آنراجزم بآن حاصل شده که اورا چیزی نمانده است التماس آنکه چون حال‌برین موجب باشد عنایت نموه اهتمام فرمایند که ایشانرا مخلصی حاصل‌شود توفیق رفیق باد والسلام والاکرام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

---

(۱)درحاشیه ادام الله تعالی ماامکن‌البقا
(۲)درحاشیه آمده

برگ ۲۵-۱ ،رقعه ۳٤۰
برگ ۲۵-۱، رقعه ۳٤۱
برگ ۲۵-۱، رقعه ۳٤۲

بعد از عرض اخلاص طلبان محب ...

معروض آنکه قرب سلطان صاحب ...

همچنان قبول سخن در آن حضرت نعمت ...

دیگر آن بحث صرف انفاس و اوقات

مصالح مسلمانان و دفع مضرت ظالمان

و عوانان و اگر ناگاه از محبی اتفاق اشتغال افتد

طمع لطیفت اگر آنی حاصل آمد ...

وسائلی روی نماید تحمل آن گرانی

حسنات و ذنبی عظیم خواهد بود ...

و آن وسائلی را در جمعیت اسباب سعادت

دخلی تمام راحت و رنج چون بود

رنج کش بهر راحت دیگران زانکه ...

رنج تو هم راحت جاوید حق سبحانه

توفیق ... [illegible]

عنان از دست داد کان ... والاکرام

عکس ۱۳ دستخط شماره ۲۱۷۸ صفحه آ ۹، شماره نامه (۶۹) ۶۴

۲٤۳

بعداز عرض نیازمعروض آنکه خدمت‌خواجه زین‌العابدین‌وخدمت‌استاد مجدالدین بجهت مهمی باردوی همایون‌تشریف می‌آورند التماس آنکه عنایت نموده التفات‌شریف ازحال ایشان‌دریغ ندارند ونگذارند که بسخن ارباب غرض برایشان حیف‌وتعدی‌رودکه درین چندگاه ایشانرا تفرقه بسیار رسیده‌است توفیق‌رفیق‌باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٤٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه می‌گویند خدمت مولاناکمال الدین‌اظهر رادران امری که بتو هم‌آن محبوس‌داشته اندمدخلی نبوده‌است وباز خواستی که واقع شده‌بنابر آن‌بوده‌که درمجلس همایون سختی‌نااندیشیده ازایشان صادرشده‌است التماس‌آنکه‌عنایت نموده وجهی شودکه ناملایمی بایشان‌لاحق نشود توفیق‌رفیق‌باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٤٥

بعداز عرض نیاز معروض آنکه‌درین مدت چنین مسموع‌شده‌است‌که خدمت‌مولانا علاالدین علی‌صانعی‌نسبت‌بارعایادرمقام‌نیک نفسی‌وصلاح‌اندیشی وخیرخواهی بوده‌است ومعلوم نشده‌است که‌منافی این امری‌واقع شده باشد التماس‌آنکه چون حال برین‌طریقه باشد التفات واهتمام ازحال ایشان دریغ‌ندارند وتقویت ورعایت‌اورا برذمه کرم‌عمیم خودلازم شمارند درین چندروز درهمین معنی رقعه‌نوشته شده‌بود اماچنان گفتند که نرسیده‌است‌اگر رسیده‌باشد درتکریرتصدیع معذور دارندتوفیق رفیق باد والسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۲۵ـ۱،رقعه ۳٤۳

برگ۲۵ـ۱ رقعه ۳٤٤

برگ ۲۵ـ۱شماره ـ۳٤٥

۲٤٦

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولوی اعظمی مولانا سیف الدین که بصلاح و نیك نفسی موصوف اند و مدت عمر خود بتحصیل علوم و درس آن گذرانیده اند و بشرف ملاقات مشرف خواهند شد مدت بیست سال است کما بیش که اشراف خانقاه شیخ چاوش تعلق بایشان میداشته حالا بی موجبی شرعی ایشانرا عزل کرده اند و بشخصی دیگر مفوض ساخته التماس آنکه عنایت نموده التفات ازحال ایشان دریغ ندارند و نوعی کنند که حیفی که بر ایشان رفته باشد تدارك و تلافی یابد که فقر واحتیاج وعیالمند دارند وجهتی که مدد معاش باشد موجود نی توفیق رفیق باد(۱)م

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٤۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت حافظ که بصلاح نفس موصوف است وتلاوت وقرائت وی چنانچه بسمع شریف خواهد رسیدخالی از چاشنی نیست بآنجانب تشریف آورده مد عایی دارد اگرچنانچه درتحصیل آن مصلحتی باشدوامدادی واقع شوددرمحل مینماید که اظهار اضطرار بسیار می کند توفیق رفیق باوالسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٤۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت حاجی یوسف که ازمجاوران حرم شریف مکه زادها الله شرفا(۱) استوویرا وجهی که ملازمان آنحضرت قرض گرفته بوده اندو باسترابادحواله داشته بوده اندوحالامحروم آمده است التماس آنکه عنایت نموده وجهی سازندکه وجه وی حاصل شودکه درین دیار غریب اندوالتجا بخدمت شمادارند توفیق رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

---

(۱)ازعیا لمندی به بعددر حاشیه آمده
برگ ۲۵ـ۱ ،رقعه ۳٤۷
برگ ۲۵ـ۱،رقعه ۳٤۸
(۲) در حاشیه نگارش یافته

۲٤۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب مخدومی راالتفات تمام بجانب فقیران هست وازایشان اوصاف‌خمیده‌واخلاق پسندیده مشاهده افتاده واز قواعد مروت‌وخصایص انسانیت که ازآن جانب نسبت بایشان واقع‌شده‌شکر گذاری بسیار دارند شك‌نیست‌که آن‌روز بروز زیادت خواهدبودتوفیق رفیق‌وسعادت زیادت والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٥۰

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌مولانا علاءالدین علی‌قوشچی درباب استجازت که بعرض رسانیده‌شده‌بود مبالغه تمام‌دارند وخاطر ماندگی بسیارمی‌کنند التماس آنکه‌عنایت‌فرموده چنان کنند که‌زودتر اجازت حاصل شود توفیق رفیق بادوالسلام . الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٥۱

بعداز عرض نیاز معروض آنکه‌خدمت‌سید زاده‌جوانی صالح‌است و بتحصیل مشغول محقری ازاوقاف‌جهت‌معاش ایشان‌تعیین‌یافته بوده است کیفیت آنرا بعرض‌شریف‌خواهندرسانیدالتماس آنکه التفات خاطرخطیر ازحال ایشان‌دریغ ندارندودرکفایت‌مهم‌ایشان‌اهتمام فرمایندبروجهی که بزودی مراجعت نمایندتوفیق رفیق بادوالسلام‌والاکرام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۲٥ـب‌رقعه ۳٤۹

برگ‌۲٥ـب،رقعه ۳٥۰

برگ‌۲٥ ـب‌رقعه ۳٥۱

۲٥۲

بعداز عرض نیازه عروض آنکه حامل ضراعت‌مولانانجم‌الدین‌عبدالحمید راباشیخ زاده ابهری‌محقر وظیفه تعیین‌یافته بوده وباز بتنصیف آن فرمان همایون‌صادر شده‌ومی گویندکه آن بمعاش ایشان وفانمی کندوبتشو یش میگذرانند وحالاعزیمت آنجانب‌کرده‌التماس آن‌میدارند که‌وظیفه ایشان بدستور اول تکمیل یابدتابفراغ‌خاطربتحصیل علوم مشغول توانند بودو بدعاگویی دوام دولت‌قیام توانندنموداگرچنانکه عنایت‌نموده‌ملتمس‌ایشانرا مبذول دارندشک‌نیست که‌مزیدجا ه‌وحشمت دوجهانی خواهد بودتوفیق رفیق‌باد والسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٥۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه‌جناب‌سیادت مآبی درین‌دیارغریب‌اند وفقیر وعیال مند وازراه دور بامیدی‌آمده‌اند که بسمع شریف‌خواهندرسانید التماس‌آنکه عنایت‌نموده وجهت‌سیادت‌وغریب وفقر وعیال مندی ایشانرا ملاحظه فرموده‌وجهی سازند که‌نومیدنشوند واز موايد انعام واکرام آن حضرت بهرمندگردند توفیق‌رفیق‌باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٥٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه‌خدمت خواجه علاالدین
که‌از انتظار لطف اوست‌روشن اولوالابصاررا چشم جهان بین
درین ولانظر بصیرنشان بآن بیناگشته رمدفراق دیده‌ودیده‌آفت هجران‌رسیده رابغبار موکب مخادیم روشن‌سازدشک‌نیست که بعد ازحصول‌آن دولت‌و وصول بآن سعادت مشمول عواطف‌کریمانه خواهد شد چشم خدمت مولانا فضل‌الله را نزدیک بآن آورده بودکه‌بیاض عارضی آن‌بتمام د و ر شوداما بواسطه این‌سفر درتاءخیر افتاد توفیق رفیق باد وسعادت زیادت والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۲٥ ـب،رقعه ۳٥۲
برگ ۲٥ـب رقعه ۳٥۳
برگ ۲٥ـب، رقعه ۳٥٤

۲۵۵

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌خواجه زین الدین ابوبکر که از فرز ندان حضرت شیخ الا سلام اند قدس‌الله سره باردوی همایون تشـریف آورده بشرف ملاقات خواهند رسیدوبعرض خواهند رسانید که شخصی را که قاضی گوسویه که در دیانت‌اوشبهه ء نیست بشرارت وبدنفسیء او گواهی میدهند با متعلقان ایشان‌بحثی وخصومتی هست ومی خواهد که بتغلب پیش برد وبآنچه مقتضای‌شریعت مطهو است راضی نیست التماس آنکه عنایت نموده التفات فرمایند که نشانی حاصل شود که مطلقا از قانون شریعت تجاوز ننمایند واگر بخلاف‌شریعت چیزی بحمایت گرفته باشد بایشان باز گردنند وهیچ کس حمایت‌نکند توفیق رفیق باد وسعادت زیادت والسلام . الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۵٦

بعداز عرض نیازمعروض آنکه مخادیم‌کرام وسادات عظام را سابقا وظیفه ء مقررمی بوده وحالا بسببی که بعرض‌خواهند رسانید اختلالی بآن راه یافته است اگر چنانچه عنایت نموده‌وجهی شود که آن وظیفه بدستور سابق بایشان مع الزیاده وصول یابدتامدد معاش ایشان گردد بسیار مناسب و در محل مینماید توفیق رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۵۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارندگان رقعه ء اخلاص می گویند که بر ما ظلم وتعدی رفته است که بعرض‌خواهند رسانید التماس آنکه عنایت و عاطفت شامل‌احوال ایشان داشته بغور ایشان برسند ودست تعدی و ظلم ظلمه راازایشان کوتاه گردانندواگر کسی را با ایشان معامله ء باشد بشریعت مطهره رجوع فرمایند ونگذارند که بی حجتی شرعیه بریشان تغلب نماید که شك نیست که موجب مزیددولت وسعادت دارین خواهد بود والسلام . الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۲۵ـب، رقعه ۳۵۵
برگ ۲۵ـب، رقعه ۳۵٦
برگ ۲٦ـ۱، رقعه ۳۵۷

۲۵۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده رقعه اخلاص درویش افراسیاب بجهت مهمی متوجه اردوی همایون‌شده بدستبوس شریف مشرف خواهد شد التماس آنکه عنایت نموده التفات‌خاطر از حال او دریغ ندارند ودر مصلحتی که بعرض رساند اهتمام‌فرمایند توفیق رفیق بادوالسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۵۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه چون‌خدمت مولانا شمس الدین تشریف می آوردند از کتاب نفحات الانس جزوی‌چند نوشته بود اما هنوز مقابله نیا فته بود ازین جهت در ارسال آن توقف افتاد درخاطر چنانست که بزودی مقابله کرده بآنجانب برسد توفیق‌رفیق باد.

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۶۰

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌خواجه خضر بعمارت حوضی که معلوم ایشان خواهد بود مشغول شده بودندوجهاتی که بدیشان تعلق می داشته نذر آن کرده بوده‌اند و حالا دیوانیان‌در آن‌باب مضایقه می نمایند التماس آنکه عنایت فرموده نوعی سازند که به نذزخودوفا توانندوآن عمارت درتا خیر نیفتد که لاشك امثال این خیرات‌موجب‌از دیاد دولت وسعادت دوجهانی خواهد بود والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۶۱

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌امیر حاجی محمد بخشی ازو ظایف مر حمت واشفاقی که نسبت بوی واقع‌شده است شکر گذاری بسیارمی کند و خودرا از ادای آن قاصر می داند وطالب زیادتی التفات می باشد حضرت حق سبحانه همکنان را توفیق مصالح‌دینی ودنیوی رفیق گرداناد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۲۶ـ۱، رقعه ۳۵۸

برگ ۲۶ـ۱، رقعه ۳۵۹

برگ ۲۶ـ۱، رقعه ۳۶۰

برگ ۲۶ـ۱، رقعه ۳۶۱

٢٦٢

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌مولانا عبدالمجید ویاران ایشان مردم عزیز و غریب اند ودر تحصیل علوم‌اجتهاد تمام نموده انـد ومی نـمایند التماس آنکه عنایت نموده التـفات‌خاطر شریف از حال ایشان دریغ ندـ ارند واهتمام تمام در آن که معاش‌ایشان بوجهی گذردکه بتحصیل مشغو ل توانند بود وبدعا گویی دوام دولت اشتغال توانند نمود مبذول دارند تو فیق رفیق باد والسلام . الفقیر عبدالرحمن الجامی

٢٦٣

بعداز عرض نیازمعروض آنـکـه مشایغ کوسویه ازسایر اولاد کـرام حضرت شیخ‌الاسلام قدس‌الله تعالی‌سره(١) بفقر وعجز امتیاز تمام‌دارند اگرچنانچه عنایت نموده درکفایـت‌مهمات ایشان التفات واهتمام دریـغ ندارند ازمکارم اخلاق ومراسم‌اشفا قایشان غریب نمی‌نماید توفیق‌رفیق‌باد والسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

٢٦٤

بعداز عرض نیاز معروض آنـکـه خواجه اسمعیل خواجه‌علی فخرالدین مدتیست که محبوس است‌بی آنکه به‌حسب شریعت بروی امری ثابت‌شده باشد جماعتی‌ضعفاتظلم بسیارمی‌نمایداگر چنانچه عنایت‌نمـوده‌اشارت رود که اورا بگـذارند و بخلاف شـریعت‌نعرض‌نرسانند ازطریقه شفقت‌ومرحمت دور نمی‌نماید توفیق رفیق باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

٢٦٥

بعداز عرض نیاز معروض‌آ نـکـه‌درویش دارنده عرضـه‌داشتی دارد التماس آنکه اصغا فرمـوده بهر چه‌مصلحت‌دانند اشارت فرمایند توفیـق رفیق بادوالسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ٢٦ـ١ ، رقعه ٣٦٢
(١)قدس ... درحاشیه
برگ٢٦ـ١ ، رقعه ٣٦٣
برگ ٢٦ـ١ ، رقعه ٣٦٤
برگ ٢٦ ـ١ ،رقعه ٣٦٥

۲٦٦

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جمعی راکه سیاست کرده‌درزندان انداخته بوده‌اند وبعدازآن خلاص یافته همانا که عرضه داشتی بجهت دفع بعض توهمات بعرض رسانیده بوده اندبنا برآن ایشانرا باردوی طلبیده‌اند اگر چنانچه عنایت نموده التفات فرمایندکه حیفی که برایشان رفته مضاعف نشوداز مکارم اخلاق ایشان‌دور نمینماید توفیق رفیق باد والسلام والاکرام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٦۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌مولانا شرف‌الدین حسن‌را پدر عزیز ایشان استدعای آن‌کرده اند که تشریف حضور بولایت‌قزوین ارزانی دارند التماس آنکه عنایت نموده ووجهی سازندکه اجازه‌رفتن‌ایشان‌حاصل شود تافارغ‌البال بشرف‌ملازمت پدربزرگوار مشرف‌گردندتوفیق رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٦۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده رقعه اخلاص ولدامیرعبدالعلی بجهت مهمی که بسمع شریف‌خواهنددرسانید باردوی همایون تشریف‌داده التماس آنکه عنایت نموده‌در باب‌مهم ایشان اهتمام‌فرمایند که عجزوفقر ودرمانده گی‌بسیار دارندتوفیق رفیق‌باد وسعادت زیادت والسلام

فتوی کرده بوده‌اند که خشتهای‌مقبره‌پدر خودرامی‌توانند فروخت و می‌گویند که خدمت خواجه خضر بجهت‌عمارت حوض‌می‌خرند التماس‌آن دارد که رخصت ملازمان حضرت‌خلافت‌پناهی‌نیز حاصل کنندم (۱)

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۲٦ـ۱ ،رقعه ۳٦٦

برگ ۲٦ـ۱ ،رقعه ۳٦۷

(۱)ازفتوی کرده تاآخیر درحاشیه آمده

برگ ۲٦ـب، رفعه ۳٦۸

عکس ۲،دستخط شماره ۲۱۹۸،
صفحه آ ۱۸، شماره نامه(۲۷۲)
۲۶۷

۲۶۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه برخواجه سلطان احمد که از جمله مزارعان نواحی سرخس است شخصی بحثی دیوانی دارد بعضی ازصلحا آن نواحی به نیکویی خواجه مشارالیه گواهی می‌دهدالتماس آنکه عنایت نموده وجهی شودکه بروی حیف وتعدی نرودوقضیه ایشان بموجب راستی پرسیده شود توفیق رفیق بادوالسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۷۰

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا زاده شهرسبزی ومولانا ابویوسف مردم پیر ودانشمند وفقیراندقناعت تمام دارند وباندك چیزی معاش ایشان می‌گذرد التماس آنکه عنایت نموده اهتمام فرمایند که ازاوقاف بجهت ایشان محقروظیفه تعیین یابدکه بسیار درمحل خواهد بودتوفیق رفیق بادوسعادت زیادت والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۷۱

خدمت خواجه محمود باسایرنیاز مندان نیازمندی رساندندفیه (؟)ایام (۱)

۲۷۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه چون اجازت خدمت مخدومی را برفتوی ائمه موقوف‌داشته بودندوفتوی ائمه حاصل شده‌است که اولی بحال‌خدمت ایشان سفر مبارك است التماس آنکه عنایت نموده پروا نه نشان راه‌حاصل کنند که محل بسیارنیك است وخاطرشریف ایشان بسبب آن بسیار متفرق توفیق‌رفیق بادوالسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۲۶ـب رقعه ۳۶۹

برگ ۳۶ـب رقعه ۳۷۰

برگ۲۶ ـب رقعه ۳۷۱

(۱)این سطر رانمیتوان رقعه جداگانه دانست درحاشیه آمده‌و سقطاتی‌دارد.

برگ۲۶ـ ب، رقعه ۳۷۲

۲۷۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا شمس الدین کرمانی در استراباد فوت شده اند واکابر آنجایی بخدمت برادرایشان مولانا جلال الدین محمود مکتوبات نوشته بودند وعلیحده قاصدی فرستاده که زودتر بآن جانب متوجه شوند چون مکنت واستطاعت آن نداشتند که بسهولت بآن جانب توانند رفت احرام ملازمت بستند که بهر مصلحت که اشارت رود بموجب آن قیام نمایند التماس آنکه عنایت نموده اهتمام فرمایند که متروکات وی مضبوط ماند که در کرمان دوفرزند صغیر داشته است تا حق ایشان ضایع نشود توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۷٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت خواجه ناصرالدین که ازاولاد حضرت مولانا زین الدین ابوبکر تایبادی اندقدس الله تعالی روحه نشانی که داشته اند بدان جانب فرستاده والتماس امضای آن دارند متوقع آنکه عنایت فرموده همان دستوررا که در باقی نشانها معهود ست نسبت بآن بتقدیم رسانند بی شك موجب ازدیاددولت وسعادت خواهد بود .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۷۵

بعداز رفع نیاز معروض آنکه دارنده مولانا نورالدین علی بتحصیل مشغول است وفقر وفاقه تمام دارد اگرچنانچه عنایت نموده وجهی شود که ازاو قاف چیزی مددمعاش وی گردد ازعموم الطاف وشمول اعطاف ملازمان دورنمینماید توفیق رفیق باد .

برگ ۲٦ـب ،رقعه ۳۷۳

برگ ۲٦ ـب، رقعه ۳۷٤

برگ ۲٦ـب رقعه ۳۷۵

۲۷٦

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت امیر علاالدوله می‌گویند که مردی فقیرم وبی زهدی هم‌نیستم‌وبی‌طبعی هم‌التماس آن‌میداردکه عنایت نموده اهتمام فرمایند که‌زودترنشان‌اوامضا یابدکه‌فرزندان ومتعلقان او دردست محصل‌اند توفیق‌رفیق‌بادوالسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۷۷

بعدازرفع نیازمعروض آنکه دارند ه‌وسایر فقیران تظلم می کنند که برهر سر مقداری ملخ اند اخته اند وبعدازتشویش بسیار که ملخ می آرند از یشان سرانه آن می طلبند وایشانرااستطاعت آن نیست و تفرقه بسیار بایشان راه می یاید اگر چنانچه عنایت نموده چنانکه ملخ را دفع می کنند سرانه آنرا نیز دفع کنند عندالله ضایع نخواهد بود توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۷۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌مولانا شیخ حسن را که صاحب جمع مدرسه میرزا می‌بود اند واکثر طلبه‌علم از ایشان راضی اند اختلالی بحال راه یافته است واز آن جهت تفرقه تمام دارند اگر چنانچه عنایت نموده وجهی شود که تلافی آن کرده شودو بجمعیت خاطر بحال خود مشغول توانند از مکارم اخلاق ایشان دورنمینماید توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ۲٦ ـب‌رقعه ۳۷٦

برگ ۲٦ـب، رقعه ۳۷۷

برگ ۲٦ـب، رقعه ۳۷۸

۲۷۹

بعداز عرض نیازمعروض آنکه دارنده‌تا جرست و مردی نیك مینماید خدمت امیر مغول‌در بلخ‌ازوی باسم قـــر ض‌مبلغی کثیر گرفته است و میگوید که حالا نیز بآن معترفست التماس آنکه عنایت نموده با او در آن باب سخنی گویند و بهروجه که مصلحت دانندجنان کند که تدارك و تلافی حال او بکتدکه بسیار شکسته ودرهم ریخته شده است واگر حالا چیزی نیست از وی تمسکی ستانند و میـعادی مـقررگردانند دورنمینماید توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۸۰

بعداز عرض نیاز منـدی و شکستگی‌و شرح تعلق ودلبستگی بشرف ملا- قات که بهترین مرادا تست معروض‌می گـردد که چـون در سـفر مبارك بخطه بغداد رسیده شد جناب سیادتمآبی که این مکتوب مصحوب ملازمان ایشان است نسبت بفقیران تلطف وتفقد بسیار نمودند ودر دقایق غریب نوازی تقصیر نفرمودند التماس آنکه‌چون بشرف دستبوس برسند عنایت وتفقد از حال ایشان دریغ ندارند ودر مهمی که رجـوع بملازمان نـماید اهتـمام فـرماینـد این رفعـه نـیازروز یکشنـبه دوم رمضان از بـغداد نوشته شد عزیمت چنانست که بعدتوفیق‌الله سبحانه بعدازعید بزیارت حرمین شریـفین زاد هماالـله تعالی‌شرفا عزیمت واقع شود واز اطراف و جوانب قافله بسیار جمع شده اند واحوال بادیه رابغایت نیك‌نشان مـی دهند امیدواری چنانست که بی تفر قه و تشویشی دراقرب او قات دولت ملاقات دست دهد مـرادات دنیوی وسعادات اخروی محصل باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۲٦-ب، رقعه ۳۷۹

برگ ۲۹-۱، رقعه ۳۹۹

رقعه های تحت شماره ۳۸۰- ۳۹۸در برگهای ۲۷-۱-۲۸-ب بقلم عبدا- لاول -خواجه علـی‌ومحمـدتقی‌الدین‌تعلق دارد .

۲۸۱

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت درویش صوفی سمع از مردم حاجی و صالح اند می گویند که امیر جنیدنسبت بایشان بی‌ادبی کرده و سخنان بی ادبانه گفته التماس آنکه عنا یت نموده بهر نوع که مصلحت دانند قضیه ایشانرا تفحص فرمایند واسترضای خاطر درویش صوفی بکنند تو فیق‌رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۸۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه امیرقاسم اختچی رابواسطه احتیاج وعیا لمندی میل دهقنت وزراعت شده استالتماس آن میدارد که عنایت نموده وجهی سازند که اورا از ملازمت و لشکر وسایر تکیفاتیکه می‌باشدمعاف ومعذور دارند تا بفراغ خاطر بکارخود ودعاگویی دوام دولت مشغول تواند بود توفیق رفیق باد . الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۸۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده‌زکات خوددر نشاپور داده وتمسک مزکی نشاپور در دست دارد وبعدازآن حولان‌حول نشده‌اینجانیزاز و ی زکات می گیرند چون فرمان همایون‌چنان صادر شده است که زکات را بموجب شرع گیرند اگر چنانچه عنایت نموده وجهی شودکه بخلاف شرع بروی تعدی نرود دور نمینماید توفیق‌رفیق باد .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۸٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌سیادت مآبی از نواحی همدان بقصد تحصیل بخراسان تشریف آورده‌اند وچند گاهست که در قصبه کوسویه در مدرسه تومان آغاباستفاده مشغول‌می‌بوده‌اند وهماناکه ازآن ممرآنقدر که بمعاش ایشان‌وفاکنه نمی‌رسیده است حالا بجهت ضرورت متوجه اردو شده اند اگر چنانچه‌عنایت نموده وجهی شود که آنچه ما یحتاج ایشانست بایشان برسد شک‌نیست که محلی از ین بایسته تر و مصرفی ازین شایسته ترنخواهد بودتوفیق رفیق باد والسلام والاکرام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۲۹ـ۱، رقفه ٤۰۰
برگ ۲۹ـ۱ رقعه ٤۰۱
برگ ۲۹ـ۱، رقعه ٤۰۲
برگ ۲۹ـ۱، رقعه ٤۰۳

۲۸۵

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده رقعه اخلاص را عرضه داشتی است بسمع شریف خواهند رسانیدالتماس آنکه بهر چه در آن باب مصلحت دانند اشارت فرمایند توفیق‌رفیق باد .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۸۶

سلامی کرده از سین تیز دندان کشاده عقدها از رشته جان
سلامی ازکمند طره لام دل صاحب دلان آورده در دام
سلامی خوشتر از فردوس اعلی الف در وی کشیده قد چوطوبی
بزیر آن الف از چشمه میم عیان درپای‌طوبی عین‌تسنیم

تحفه صحبت شریف وهدیه مجلس‌منیف گشته معروض آنکه چون‌خدمت خواجه عطاالله را شوق رکاب بوسی‌عنان گیر شده بود خود را بر فتراك او بستن واجب ندود لا جرم این رقعه‌مصحوب رساله که بتجدیدبترحرین پیوسته بودبحضور فرستاده‌شد اگرمصلحت دانند بعرض همایون برسانند والا:

هرچه نه مقبول دل پاك تست بـا یدش‌از لوح بیان‌پاك شست

دولت عاجل‌مفضی بسعادت آجل‌بروجه‌اکمل میسر باد و محصل والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۸۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌مخدوم زاده از اولاد شیخ بزرگوار شیخ زین الدین اند رحمه الله تعالی‌وبجد تمام به تحصیل‌مشغول اندودرآن معنی قابلیت و استعداد کامل دارندعرضه داشتی دارند می‌خواهند بسمع شریف‌برسانند اگرچنانچه عنایت‌نموده اصغانمایند وبه‌مقتضای آن بهر نوع‌که مصلحت‌دانند‌اشارت‌فرمایندودورنمینماید توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۲۹ـ۱، رقعه ٤٠٤

برگ ۲۹ـ۱، رقعه ٤٠٥

برگ ۲۹ـ۱، رقعه ٤٠٦

۲۸۸

دی پیك خجسته پی ازآن مایه ناز آورد بسوی‌من یکی نامه راز
هرچند رسانمش بپایان زآغاز از بسکه خوش آیدم زسر گیر م باز

نامه مشکین طراز که از رشحه خامه‌مسکین‌نواز برمهجوران جراحت‌رسیده کاغذی بود درو مرهم راحت پیچیده‌دراعز اوقات چون‌الذ اتوات بقحطیان خشك سال فراق وبی زادان بادیه‌اشتیاق رسید

دل ازو کام وبدن‌قوت وجان قوت گرفت

اضعاف الطاف واعطافی که ازمضمون‌آن مفهوم کشت نیاز مندی وشکستکی وشوق ودلبستکی مرفوع میگردد تفرقه جزدوری صوری ومفارقت ضروری واقع نیست امیدواری چنانست که‌آن‌نیز بزودی مرتفع شود ایام وساعات باکتساب سعادات مصروف باد وعین عاهات وآفات از ساحت مرادات مکفوف والسلام . الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۸۹

عمارت شایشته می‌کنند و امامت‌نیزتعلق بایشان می دارد التماس آنکه چون عمارت مسجد باتمام رسد اشارت رود امامت مسجد تعلق بایشان داشته باشد وکسی بخلاف شریعت‌مزاحم ایشان نشود وتفرقه نرساند توفیق رفیق باد . الفقیر عبدالرحمن الجامی

در حاشیه یاد شده:

داعی زاده زاده الله دواعی السعاده‌دعا میر ساند

برگ ۲۹ـ۱، رقعه ۴۰۷

برگ ۲۹ـ۱، رقعه ۴۰۸

۲۹۰

بعداز عرض نیاز معروض آنکه اینفقیررا در سفر مبارك با جناب مخدومی شیخ نظام الـدین سلطان بخـت كهحامل رقعه اخلاص اند اتفاق موافقت و مرافقت دست داد ودر طریقه ترددوتفقد تقصیر ننمودند چـون از حرم شریف زادهالله تعالی شرفا اینفقیربجانب شام متوجه شدو ایشان بجانب بغداد این تذکره نوشته شـد باشدکه بدین بهانه بگوشه خاطر شریف بگذرد التـماس آنکه عنایـت نمودهالتفات از حال ایشان دریغ ندارند و در مهمی کـه رجوع بملازمـان نمایداهتمام فرمایند دولت وسعادت جاوید مسیر باد بالنبی وآله الا مجاد واسلاموالا کرام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۹۱

بعداز عرض نیاز معروض آنـکـهجناب سیادت مآبی مولانا خواجهمردم عزیزند واحرامملاقاتشریف بستهاندوازقبل بعضی ازدرویشان عرضـــه داشتیداردمیخواهند که بعرضهمایونبرسانند التماس آنکه عنایت نـموده التفات واهتمام دریغ ندارندتوفـیـقرفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۹۲

بعداز عرض نیاز معروض آنـکـهخدمتبدرالدین که انواع محنتهاکشیده ورنجها وابتلاها دیدهحالاازهمه فکـرهای فاسد دلپرداختهاست وبفقر و نامرادی خودساخته کسیباردویهمایونفرستاده که نشان جهانمطاع حاصلکند کهمن بعد هیچکسمزاحم اونشود وبیموجهی تفرقه اونرساند التـماس آنکه عنایت نموده امداداو فرمایـندکهغالب ظناین فقیرآنستکه دریـن معنی صادق استتابفراغ بال بـــدعاگویی مشغولباشد توفیقرفیق بـاد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۲۹ ـبرقعه ۴۰۹

برگ ۲۹ـب ،رقعه ۴۱۰

برگ ۲۹ ـبرقعه ۴۱۱

272

عکس ۱۷ شماره دستخط ۲۱۷۸

صفحه ب ۱۲، شماره نامه ۱۳۰

٢٩٣

بعداز عرض نیاز معروض آنکه یاخدمت خواجه حبیب الله شخصی راد عوای شرعی است التماس آنکه عنایت نموده اهتمام فرمایند که نسبت بایشان حکمی بخلاف شریعت مطهره نرود ودرآن باب... شودتاایشان بدرک (؟)رجوع توانندکرد توفیق رفیق بادوالسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

٢٩٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت حافظ مردم عزیزاند ورعایت ایشان لازم التماس آنکه عنایت نموده التفات خاطر ازجانب ایشان دریغ ندارند ونگذارند که برایشان حیفی رود توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

٢٩٥

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده را مددی نوشته اند ووجه آن گرفته و ظاهر چنان مینماید که اوراستعداد آن نبوده التماس آنکه عنایت نموده تدارك آن بکنند ووجهی سا زندکه آن حیف ازوی مرتفع شودتوفیق رفیق باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

٢٩٦

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جماعت غریب زادگان تظلمی دارند که برایشان تعدی میرود التماس آنکه عنایت نموده بغورایشان برسندو نگذارند که برایشان تعدی رود توفیق رفیق بادوالسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ٢٩ ــب رقعه ٤١٢
برگ ٢٩ــب رقعه ٤١٣
برگ ٢٩ــ برقعه ٤١٤
برگ ٢٩ــب رقعه ٤١٥

۲۹۷

خدمت مولانا نعمةالله قاضی که همیشه درصدد دعاگویی ودولتخواهی ملازمان حضرت خلافت‌پناهی می‌باشددرین چندروز بنابرتهمتی که آنجا کرده‌اند فرمان همایون‌صدور یافته بوده‌که تفحص آن بکنند چنین استماع افتاد که غیر واقع بیرون آمده است التماس آن‌میدارد که چون‌منصبی‌شرعی بدو تفویض کرده‌شده‌است ودر ین‌مدت امری منافی آن‌منصب‌ازوی ظاهر نگشته اگربعد الیوم مثل این‌تهمتی‌واقع شودتحقیق ناکرده امری که موجب بی‌عرضی وعلامت بی‌عنایتی باشدواقع نشودبلکه می باید که آثار عنایت ظاهر شود والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۹۸

بعداز عرض نیاز ملتمس آنکه لتفات خاطر شریف‌ازخدمت امیر بهلول دریغ ندارند ودر مصلحتی که‌رجوع بملازمان نماید اهتمام‌فرمایند توفیق رفیق باد وسعادت‌زیادت والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۹۹

چنین استماع افتادکه‌خواجه کیاراکه‌چون کیاپایمال حوادث شده‌از بیخ وبن‌بآن جانب آورده‌اند گناه‌وی‌آنکه درایام ترکمان برگمان آنکه کاری میکند خودرا سپربلای رعایا ساخته‌ومعاملات ومهمات ایشانرا پرداخته و میگویند محضر هاازمردم ولایت‌بدست‌دارد که بحسن معاش اوگواهی داده اند التماس آنکه عنایت نموده‌التفات‌شریف دریغ ندارندوحسب‌المقدور اهتمام فرمایندکه بیرون ازقاعده‌بروی‌حیفی نرود خدمت‌خواجه عادلشاه را نیزدرین باب مبالغه بسیار است‌والسلام

۳۰۰

بعداز عرض نیازمعروض آنکه دارنده‌را با شخصی معامله شرعیه است و می گویدکه قاضی لنگر در آن معامله مساهله مینماید التماس آنکه عنایت نموده و تفحص فرموده وجهی‌سازند که بروی حیفی نرود توفیق رفیق بادو السلام . الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۲۹ـب رقعه ٤١٦
برگ ۲۹ـب‌رقعه ٤١٧
برگ ۲۹ ـرقعه ٤١٨
برگ ۲۹ـب رقعه ٤١٩

۳۰۱

بعداز تعرض بعرض تضرع ونیازمعروض آنکه جناب مخدوم امجداکرم لازال لسما الفضل والافضال نیرآاعظم(۱) بآن جانب تشریف داده اند وحال ایشان چنانکه پیش ایشان ظاهر خواهد بود خالی ازاختلالی نیست فقیران امید وار می باشند که ان بحسن اهتمام ایشان تدارك یابد بیمن التفات ایشان تلافی پذیرد توفیق رفیق باد والسلام   الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۰۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه سیدمحمد وقفیه کاریز قفای عیدگاه رافرستاده التماس آن می دارد که عنایت نموده اشارت رود که بموجب شریعت مطهره پرسیدشود وهیچکس ازمقتضای آن استنکاف ننمایدتوفیق رفیق باد

۳۰۳

بعداز عرض نیازمعروض آنکه خواجه سبحان پیش شخصی امانتی گذاشته بوده است دران خیانتی کرده است وحالا گریخته است التماس آنکه عنایت نموده اگر درآن باب فکری بصواب می توان کرد اهتمام والتفات دریغ نفرمایند توفیق رفیق باد والسلام .

۳۰٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب سیادت مآب سیدعلی اکبر شکر گذاری احسانهای که نسبت بوی واقع شده است می کندوچشم برمقتضای لئن شکر تم لازیدنکم می داردو السلام

---

(۱)لازال تااخیرشماره یك درحاشیه ذکرشده

برگ۲۹ـ ب رقعه ٤۲۰

برگ۲۹ ـب رقعه ٤۲۱

برگ ۲۹ـب رقعه ٤۲۲

رقعه های تحت شماره ،٤۲۳ـ ٤٦٤ دربرگهای ۲۰ـ۱ ـ۲٤ب به قلم محمد نبادگانی ،محمدابن امین الدین ،صوفی علی ،محمد عبدالله محمد بن عبدالملك ،محمد یحیی تعلق داردرك به مقدکتاب

برگ۲٤ ـب رقعه ٤٦٥

۳۰۵

بعداز عرض نیاز معروض آنکه درویشی حاجی علی الدوام بعمارت عیدگاه مشغول است ودر نشاندن درختان وتربیت آن سعی تمام می نماید و از دیوان اعلی ودیوان وقف وظیفه مقرردارد التماس آن میدارد که عنایت نموده التفات خاطر شریف از حال اودریغ ندارند وامداد و اعانت اوفرمایند که در اموری که بعهده اوست قصور وفتوری واقع نشود توفیق رفیق باد . الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۰۶

بعداز عرض نیاز معروض آنکه میگویند شرط واقف‌مدرسه کوسویه ومدرس استیکی خدمت شیخ‌زاده عبدالفتاح‌است وایشان مصمرشده‌اند وضعفی تمام دارند وبامرتدریس کماینبغی قیام نمی‌توانندنمود وبآن‌راضی شده‌اند که کسی‌دیگر شریك باشداگرچنانچه اشارت رودکه خدمت مولانا ابابکرکه هم آنجامتوطن اندودانش‌مندوصالح‌اند ودایم بدرس وتعلیم‌طلبه مشغول اند دران‌مدرسه مدرس باشندوباشیخ زاده شریك باشنددور نمی‌نماید توفیق رفیق باد . الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۰۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه مردم‌بلوك سبقر تظلم میکنند ومی گوشند که خرابی بسیاربه بلوك‌ماراه یافته و درین چندگاه از پیاده و نام بردار چیزی معاف می داشته اندالتماس‌انکه عنایت نموده‌وجهی سازند که بر ایشان حیفی نرود وبهمان دستور که درین چند سال با ایشان عمل می کرده اند عمل کنندتوفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۳۹ـ۱، رقعه ۵۰۸

برگ ۳۹ـ۱ رقعه ۵۰۹

برگ ۳۹ـ۱ـ رقعه ۵۱۰

رقعه های تحت شماره ،٤٦٦ـ ۵۰۷ـدر برگهای ۳۵ـ۱ـ۳۸ـ ب به قلم‌ابو سعید،محمدابن امین الدین،سعدالدین‌محمد بن‌حسن بن علاءالعطار محمدیحی محمد عبدالله، عبیه‌الله تعلق داردرك به مقدمه كتاب

۳۰۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌خواجه شمس الدین محمد عزیمت ار دوی همایون کرده بشرف ملازمت‌سعادتمند خواهندشد التماس‌آنکه نظر لطف وعنایت ورعایت از حال ایشان‌دریغ ندارند ودر مصلحتی که رجوع نمایند اهتمام فرمایند توفیق رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۰۹

بعداز عرض‌نیاز معروض آنکه ضعیفه دارنده می گوید که شوهروی را بمهمی فرستاده بوده اند ومریض شده وبدین سبب درآن مهم نقصیری واقع‌شده حالا بجهت تقصیر اورا محبوس داشته اند التماس آنکه چون‌حال برین گونه باشد عنایت نموده التفات فرمایند که آن مسلمان را صورت استخلا صی واقع شود توفیق رفیق باد والسلام.

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۱۰

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌خواجه اویس جزوی مهمی دارد که بسمع‌شریف خواهد رسانیدالتماس‌آنکه عنایت نموده التفات نمایند واهتمام فرمایند (چونکه) دیرگاهست که درین شهرند... (۱) خودرجوع نموده بکشت‌وزراعت مشغول باشند توفیق رفیق باد والسلام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۱۱

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب‌مخدومی شیخ الاسلامی باو جود ضعف وپیری بنابر ضرورتی بآن جانب تشریف آورده اند شك نیست که در کفا یت مصلحتی که بعرض رسانند التفات‌خواهند نمود واهتمام خواهند فرمود توفیق رفیق بادوالسلام والاکرام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۳۹ــ۱، رقعه ۵۱۱

برگ ۳۹ــ۱، رقعه ۵۱۲

برگ ۳۹ــ۱، رقعه ۵۱۳

(۱) نیم سطر خوانده نمی شود .

برگ ۳۹ــ۱، رقعه ۵۱٤

۳۱۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌مولانا شهاب الدین‌احمد راکه بتحصیل علوم مشغول اند ومحقر وظیفه براوقاف نوشته بوده اند وهماناکه بتمام واصل نمیشود دگر چنانچه‌عنایت نموده‌اهتمام‌فرمایندکه بایشان برسند تامدد تحصیل ایشان‌شود در محل مینماید توفیق رفیق باد والسلام .　　　　الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۱۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌درویشان که از فرق تا قدم ایشان آثار فقر ظاهر است بخدمت خواهندرسید التماس آنکه نظر عنایت بجانب ایشان دارند ودر مصلحتی که رجوع‌کنند اهتمام فرمایند توفیق رفیق باد والسلام .　　　　الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۱٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جمعی‌مردم مقبول القول‌میگویندکه تولیت وشیخیء لنگر خدمت مولانا محیی الدین را فرزند ایشان سلطان شیخ علی به برادر خوردتر خودسلطان‌ناصرالدین‌تفویض میکنند ومسلم‌می‌دارند وجمعی درویشان بصلاح‌ونیك معاشی سلطان ناصر الدین گواهی (میدهند) (۱) اگر چنانچه عنایت‌نموده نوعی سازند که‌این‌امر تعلق بدیشان گیرد ودر لنگر رونق ورواجی‌پیداشود دورنمینماید توفیق رفیق باد السلام .　　　　الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۳۹ـ۱، رقعه ٥۱٥

برگ ۳۹ـ۱، رقعه ٥۱٦

برگ ۳۹ـ۱ رقعه ٥۱۷

(۱) بیواسطه

۳۱۵

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارندگان رقعه اخلاص رامقداری قند بوده است وشربت داران میرزا یاد گارمحمدخریده بوده‌اند و برات وجه آن بیرون آمده بوده است و آن‌کس که خریده وتصرف کرده و وجه راقبول‌کرده موجوداست‌وحالا محروم‌مانده‌اند وبسیار مظلوم اند التماس آنکه اگر ممکن(شود-؟) که تلافی‌احوال‌ایشان‌توان‌کرد عنایت‌دریغ نه داردکه موجب سعادت دینی‌واخرت خواهدبودتوفیق رفیق باد .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۱۶

بعداز عرض نیاز معروض آنکه موالی‌عظام که نام شریف برادر شان عبد الله است بتحصیل علوم مشغول اندوهیچ جهتی که معاش ایشان گذرد ندارند از الطاف عمیم مخادیم آنجایی‌امیدوار می باشد که عنایت نموده التفات فرمایند باشد که ایشانرا فی‌الجمله جهتی معین شود که مدد تحصیل ایشان شودتوفیق رفیق بادوالسلام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۱۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه این‌فقیر بروفت وروب خانهء مدرسه مشغول بود بقصد آنکه بسر درس‌پیشتر بازرود وبتسوید آنچه از تفسیر کلام مجیدمیسر شود اشتغال‌نماید خدمت دارنده متوجه بملازمت شده آنجارسیدباین چندکلمه گستاخی نمود توفیق رفیق باد والسلام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۳۹-۱، رقعه ۵۱۸

برگ ۳۹-۱، شماره ۵۱۹

برگ ۳۹-۱، رقعه ۵۲۰

۳۱۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌خواجه جلال الدین بایزید لاری بجهت مهمی که بعرض شریف خـوا هـدرسانید باردوی همایون توجه نـموده التماس آنـکه عنایت نمـوده التفات‌خاطر شریف از حال وی دریغ ندارند ودر مصلحتی که رجوع نماید اهتمـام‌فرمایند توفیق رفیق باد .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۱۹

بعداز عرض نیاز معروض آنـکـه دارند گان‌در املاك خاصه خرمنی چند سمت رسیده دانسته اندسسان (۱)چرانیده اندالتماس آن‌می‌دارند کـه عنایت نموده اشارت رودکه بردستورمعهودآنرادر دیوان مجری‌دارندتوفیق رفیق باد .

۳۲۰

بعداز عرض نیازمعروض آنـکـه‌والده خدمت حافظ درباورد بیمار بوده ومکتوبی نوشته واورا طلب داشتـه اگرچنانچه عنایت نموده نوعی شود که اورا اجازت دهند روزی برود واورا ببیند وخاطر اورا بدست آرد دو ر نمینماید توفیق‌رفیق‌بادوا لسلام

۳۲۱

بعداز عرض نیازمعروض آنـکـه‌خدمت امیر ملك‌محمد بشرف ملاقات مشرف خواهندشد سابقه این‌فقیر بـاایشان حاضر خاطرشریف‌خواهد بـود التماس آنکه عنایت نموده گوشـه‌خاطری بجانب اودارند که‌احوال ا و بغایت پریشان است‌ودر ماندگی‌بسیاردارد توفیق رفیق باد .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۳۹ـ۱، رقعه ۵۲۱
برگ ۳۹ـ۱، رقعه ۵۲۱
برگ۳۹ ـ۱،رقعه ۵۲۲
(۱)سئسان یعنی خدمتگاران در بارکه اسب‌میچرانند .
برگ ۳۹ـ۱رقعه ۵۲۳
برگ۳۹ـب رقعه ۵۲٤

۳۲۵

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌مولانا خرمی از مشهد مقدس رضوی سلام الله تعالی علی من دفن به (۱)تشریف آوردند و فقیران سرمزار از یمن قدمش بفتوحات رسیدند سایه‌عزو اقبال لا یزال ممدود باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۲۶

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌خواجه قاسم‌که دارندهء رقعه اخلاص است مردی نیـک می نماید وبـروی‌تغلبی رفته است چنانکه محضری که بدست دارد بآن شاهد است التماس‌آنکه عنایت نموده التفات شریف از حال او دریغ ندارند و بغور حال اوبرسند و آن شخص متغلب حالا درین شهر است اگر چنانچه وجهی شودکه معامله عایشان بقطع رسددورنمی‌نما ید توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۲۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارندگان اظهار سابقه خدمتی نسبت بملا زمان آن حضرت می کنند التماس آن‌دارند که عنایت نموده نوعی شود که کلمه چند بعرض همایون بـرسانندا‌گر چنانچه الـتفات شریف مـبذول دارنـد که آن معنی میـسر گردد ازمکارم اخلاق ایشان مستبعد نمی نماید توفیق رفیق باد وسعادت زیادت وا لسلام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۲۸

بعداز عرض نیازمعروض آنکه دارنده‌ضعیفه است فقیره از دست شخصی شکایتی دارد وچنانکه خود میکویدحق‌بجانب او مینماید التماس آنکه عنایت نموده اشـارت فرمایند که مـعامله‌ایشان بر وجهی که حیفی واقع نشود پرسیده کردد توفیق رفیق باد .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

---

(۱) سـلام الـله .. درحاشیه آمـده

برگ ۳۹ـب، رقعه ۸۲۵

برگ ۳۹ـب، رقعه ۵۲۹

برگ ۳۹ـب، رقعه ۵۳۰

برگ ۳۹ـب، رقعه ۵۳۱

۳۲۹

خدمت درویش‌محمود مقری بسیار سال‌یافته شده اند و ضعف واختلال تمام با حوال ایشان راه یافته است وعر ضه داشتی فرستاده انـد والتماس آنکه عنـایت نموده التفات فـرمایندباشد که ملتمس ایشان حاصل‌شود و بفراغ بال بدعا گویی اشتغال نمایـندتوفیق‌رفیق باد والسلام والاکرام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۳۰

بعداز عرض نیاز معروض آنـکـه مخادیم راچنانچه ازرقعه شریفه ایشان معلوم‌خواهند کرد خاطر برآنست که برآن ضعیفه مذکوره درآن‌رقعه امـری بخلاف شریعت‌مطهره واقع‌نشود چون‌مدعای‌ایشان برموجب شریعت مینماید اگر چنانچه دران باب التفات نمایندور نمینماید توفیق رفیق بادوالسلام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۳۱

ضعف‌حال ضعیفه دارنده‌از کمال‌ظهوراز بـیـان مسـتغـنـی‌است‌شك‌نیست که هرکس ترحم نموده بـروی‌شفقتی(کند)مثـاب وما جور خـواهـد بـود سبحانه وتعالی همکنانرا توفیق‌خیرات‌گرداناد بمنه وجوده

۳۳۲

بعدازعرض نیاز معروض آنـکـه شخصی برخدمت مولانا بهاءالـدین‌عمر تغلبی کرده‌وبی جهتی‌شرعی مبلغـــی‌گرفته مولانا مشارالیه می‌خواهند که این‌قضیه رابعرض همایون برسـاندتابغور حال اوبرسند التماس عنایت نموده امداد فرمایند توفیق رفیق باد. الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۳۹ـب، رقعه ۵۳۲
برگ ۳۹ـب رقعه ۵۳۱
برگ۳۹ ـبرقعه ۵۳٤
برگ ۳۹ ـبرقعه ۵۲۵

۳۳۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده مردی فقیرومظلوم مینمایداگر چنانچه عنایت نموده عرضه داشت اورااصغا فرمایند وبآنچه مقتضای شفقت و مرحمت باشد بااوعمل نمایند هرآینه وسیله سعادت دنیوی واخروی خواهد بود توفیق رفیق بادوسعادت زیادت والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۳٤

بعداز عرض نیازمعروض آنکه متعلقان خدمت مولاناعلاءالدین علی قوشچی ازجانب سمرقند رسیده اندومی خواهند که درعقب ایشان بروندو بنشان راه محتاج اندالتماس آنکه عنایت نموده اهتمام فرمایند که می خواهند زود تر بایشان ملحق شوند توفیق رفیق باد .

۳۳٥

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا عبدالکریم که صلاح وصلاحیت وی پیش ایشان ظاهر خواهد بوداحرام شرف ملازمت بسته است شك نیست که بنظر التفات ملحوظ خواهدشدواز سعادت اهتمام محظوظ خواهد گشت توفیق رفیق بادوالسلام .

برگ۳۹ ـب رقعه ٥۳٦

برگ۳۹ـب رقعه ٥۳۷

برگ۳۹ ـب رقعه ۳٥۸

۳۳٦

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دلونده ضعیفه استسیده غریبمیخواهدکه بسمرقند که وطن اوستوکسانوی آنجایند مراجعتکند التماس آن میدارد که از اوقافوغیرآن امدادیواقعشود که اینسفر میسر گردد توفیق رفیق باد . الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۳۷

بعداز عرض نیاز معروضآنکه درویش عطار قلیرا درینشهر حال بتفرقه میگذرد التماس آنکه عنایتنموده وجهی سازند که زودترمراجعت نماید وبمتعلقان خودپیوندد توفیقرفیق باد .

الفقیرعبدالرحمن الجامی

برگ۳۹ـ ۱ ،رقعه ۵۳۹

برگ۳۹ ـبرقعه ۵٤۰

ازین بعدتا آخرمرقعوی رقعه هایتحتشماره ۵٤۱ـ٦۰۱ درورقهای ٤۰ـ ۱ ـ٤۵ـب همه تعلق به قلمدیگراشخاصدارد، رقعه های جامی باهمین رقعه (۵٤۰) تماممیشود جمع۳۳۷ شمارهمسلسل رقعه های جامی رامندربالا ی ورق از ۱ تا ۳۳۷ نوشتم .

توضیحات

شماره ۱. برای سلطان حسین با یقرا (سالهای ۱۵۰۶- ۱۴٦۹) در را-
بطه با اقدام بدفاع ازمرز های دولت‌خود بسال۸۷۸ هجری / ۱۴۷۴-۱۴۷۳
میلادی‌در برا بر‌پسران ابوسعید(مقتول بسال ۱۴۲۹) یعنی میرزا سلطان‌احمد
حکمران ماورا النهر ومیرزا سلطان‌محمود حاکم حصار، ار سال شده .
اشخاص اخیر بخراسان آمدند وشهر بلخ را محاصره کردند .

عبدالواسع النظامی شاگرد ونو یسنده شرح حال جامی آغاز این نامه
جامی را نقل ومتن انرا که در پاسخ‌او (جامی) بسلطان حسین‌نوشته شده
حکایت‌میکند دستنویس‌شماره ۱۲۵٤صفحه آ ۱۰۷ سلطان‌حسین ازجامی‌در
مورد وقایعی که‌روی داده طلب مشو رت نموده بود و جامی به‌وی توصیه
میکند تصادمات را بطریق صلح آمیز‌حل وفصل کند .
این نامه پس از ۸ ژانویه سال۱۴۷٤ یعنی هنگامی نوشته شده که
جامی از مکه بهرات مراجعت کرده‌است . (رجوع شود بتوضیح نامه
شماره ٦)

علیشیر نوائی نیزمتذ کرمیشود‌که پس از مراجعت جامی از مکه ومد-

توضیحات برای‌نامه ها درموارد ی‌داده‌شده که ،توانسته ایم واقعه یا
شخصیت مذکوررادر آنهامعین‌ومشخص‌نمایم ویااطلاعات متن‌شناسی دیگر ی
راازمجموعه های نامه ها ودستنویسهای‌دیگر کشف واستخراج نمائیم .

ینه بهرات سلطان حُسین در حال‌یورش ببلخ بود(خمسته المتحیر ین صفحه ب‌ـ۲۹) .وقایع تاریخی مربوط باین یورش سلطان حسین را خواند میردر حبیب السیر مشرو حاحکایت‌میکند (جلد ٤. صفحات ۱٦٦ـ ۱٦٤).

جالب است که جامی در این واکثردیگرنامه های ارسالیش برای سلطان حسین اغلب از عنوان «دولتخوا هان‌آن حضرت» استفاده میکند. وحتی در منشآت« خود برای‌گروهی ازنامه‌های‌خودکه برای سلطان ارسال‌نموده این عنوان رابکار برده :

رقعه هایی که بملازمان سلطنت‌شعاری حضرت خلافت پناهی نوشته شده» که‌گواه بروجود نوع خاص‌بپادشاهان بوده، خطابی که‌منزلت آنهارا ایده آلیزه، میکرده .

شماره ۲.برای علیشیر نوائی‌ارسال گردیده وگواه بردوستی‌فراوان وتماسهای خلاق‌نزدیك دوشاعر بزرگ‌میباشد. اثرموسوم به«نفحات الانس» کتاب مشهوری است که حاوی نظرات‌فرقه تصوف وشرح حال شیوخ صوفی قرون هشتم تا پانزدهم میباشد .تنظیم این اثر بخواهش علیشیر نوائی‌درسال ۸۸۱هجری (سالهای۱٤۷۷ ـ۱٤۷٦) آغاز گردید و سال ۸۸۳ـ (۱٤۷۹ـ۱٤۷۸) بپایان رسید.(علیشیر نوائی.کتاب‌خمسته المتحیرین صفحه (۵۰) عبدالرحمن جامی.نفحات‌الانس ،صفحات ۵۷،۳ خواندمیر .مکارم‌الا خلاق ،صفحه ب٦۲)وآنگونه که‌ازنامه های دستخط جامی (شماره های ۱۰۸ر۱۰۲) ۱۹۷ر ۹۱۲ و۳۵۹ـ۳۵۳) . برمیاید بقطعات جهت آشنایی برای‌او ارسال میشده .زمان نوشتن‌نامه بین سالهای ۱۸۸ر ۱٤۷٦ و ۸۸۳ر۱٤۷۹ ـ۱٤۷۸ یعنی هنگامی‌میباشدکه نفحات الانس‌نوشته میشده.

جامی بخش‌شعری‌نامه رادر«منشآت»خودفصل» بارکان دولت» نقل‌نموده کلیات جامی (دستنویس‌شماره۱۲۳۱ ،صفحه ب‌ـ ۵٤٦) .

شماره۳ .این‌نامه که برای‌سلطان‌حسین بایقرانوشته شده نیزدرمنشآت جامی‌در قسمت« به ملازمان حضر ت »سلطنت شعاری»درج‌گردیده. (دستنویس‌شماره۱۳۱۳ ،صفحه آ۵۳۲)وآنگونه ه ازمحتوای‌آن برمیآید پاسخ‌نامه سلطان است‌که توسط اوهنگام یکی ازلشکرکشی‌ها یش‌نوشته شده .

شماره ٤.این‌نامه ،پاسخی است وبنظرمیرسد که‌جامی‌آنراعجولانه نوشته است زیراخط آن‌ازخصوصیت خطنامه‌هائی برخورد ارمیباشد که در

شرایط غیر عادی نوشته شده‌انـــد(بایاد داشتی‌مقایسه شودکه اوسوار براسب نوشته است فـاکسمیل نامه های منضم بچاپ روسی‌نامه های جامی شماره ۱۲۱ ،صفحه ۴۰)

شماره ۵. بنظر میرسد برای‌علیشیر نوائی نوشته شده زیراجامی ازگیرنده نامه تقاضا میکند که همه متن را بعرض‌همایون یعنی بسلطان‌حسـین بایقرا برساند .دراین‌نامه جامی‌همچون مدافع‌منافع مردم‌اقدام مینماید وبرای تقلیل مالیات فوق‌العاده ازمـردم ،رشدآزادوبلامانع تجارت‌وحفظ آرامش‌اهـالـی (هرات) کوشش میورزد وسواستفاده‌مقامات راکه گناه آنهابرخودسری هـا صورت میگیرد محکوم میشمارد .

یادآوری ازمالیات «دودی»مـجـا زمیسازد برآن‌شد که ایـن‌نامه پس از قیام مردم‌هرات‌درربـیع‌الاول سـا ل۱۴۹۶ که بمناسبت وضع مالیات‌دودی صورت گرفت‌نوشتـه شـده(تاریـخ‌جمهوری ازبکستان شوروی ،جلد۱ ، صفحه ۴۸۷ ،یاکوبوفسکی خصائصـی‌زندگی اجتماعی وفرهنگی ، صفحه ۱۵ . برخی ازعبارات نامه نظیر :«آوازه باطراف رفته است که کسی‌منبعدمتعرض حال‌تجار نمیشود »،«...دلالان کـــه بیشتر مهجور بوده‌اند» ممکی است که یادآوری ازبعضی اقدامات‌حسین بایقرا معطوف‌به تنظیم امورشهرهرات پس‌ازرسیدن‌او بسلطنت باشد .مانندمعاف‌شدن اهالی ازمالیات های‌فوق ـ العاده بمدت‌دوسال درمـاه‌صفرسـال۸۷۵ اوت سال ۱۴۷۰ . (خواند میر ، حبیب السیر، جلد۴،صفحه ۱۵۲) .

شماره ۶.در زمره نامه های جـامی برای علیشیرنوائی هنگام‌سفرحج د ر سالهـای ۱۴۷۴ ـ۱۴۷۲ م.یـباشـد(رجوع شـود همچـنین به نامه هـای ۳۹۹ر ۳۹۳ و۴۰۳) . ایـن نـامـه درفصل«بارگان‌دولت»ازکتاب» منشآت» جامی درج‌گردیده (دستنویس‌شمار ۱۳۳۱۰ ،صفحه آ۵۴۶).علیشیرنوائی درخمسته المتحیرین (صفحه ۴۱سطراول شعراین نامه ونیز ابتدا وانتهای پاسخ خود بآن‌راکه در همان زمان‌ارسال‌شده نقل نموده است .چهارسطرشعری که جامی دراین نامه نوشته سطورآغازازغزلی است که اودر بغداد سرو ده .(غزل‌مذکور تماماً توسط آ.میرزایف‌دراثرش موسوم به«علیشیرنوائـــی وعبدالرحمن جامی »، صفحه ۱۱ وآ .افصح زاددر«عبدالرحمن‌جامی» ،صفحه ۸۶نقل‌گردیده .درباره‌این نامه جامی‌همچنین درکتاب برتلس‌بنام «نوائی‌ـ وجامی» صفحات ۱۲۳،۲۳۲ سخن‌رفته است) .

چنانکه ازمتن نامه برمیاید که جامی آنرا در بغداد درراه مکه نوشته .او نزدیك به چهارماه ازاواسط نوامبـــرسال۱٤٧٢تا اواسط ماه‌مارس‌در بغداد بسر برده .این‌مطلب رامیتوان ازمسیرسفراوکه توســط فخـرالدیـن علی‌در «رشحات» (صفحات ۱٥۱ ـ۱٥۰) بپایه اظهار خود جامی تـوضیح داده شـده استنساخ نمود. سفـر مذکور با این‌توالی صورت گرفته :

عزیمت ازهرات بمکه :

خروج ازهرات ـ۱٦ربیع‌الاول‌سال۸۷۷ (۲۱اوت‌سال ۱٤٧٢). رسـیدن ببغداد نیمه جمادی‌الثانی‌همان ســال(نزدیك به۱۷ نوامبرسال ۱٤٧٢ . رسیدن بسواحل دجلـه نیـمه شوال‌همانسال (نزدیك ۱٥مارس ۱٤٧٣). عزیمت ازسواحل دجله ،۲۰شوال همان‌سال (۲۰مارس‌سال ۱٤٧٣).خرو ج‌از نجف ،آغاز ذیعقده ،همان سال(۳۰ مارس‌سال ۱٤٧٣) .رسیدن بمدینـه ۲۲یا۲۳ ذیعقده ،همانسال(۲۰یا ۲۱آوریل ســال ۱٤٧٣ .رسیـدن‌بمکـه ذیـحجه همانـسال (٤ مـاه‌مه ســال۱٤٧٣) .

مراجعت ازمکه بهرات:

خروج از مکـه ۱٥ ذیحـجه هـمانسال(۱۳ماه‌مه سال ۱٤٧٣).رسیدن بمدینه ۲٥ ذیحجه هما نسال(۲۳ماهـمه سال ۱٤٧٣) . خراج از مـدینهـ ۲۷ ذیحجه هما نسال (۲٥ ماه مه‌سال۱٤٧٣). نزد یك به ۲٥ مـحرم سال ۸۷۸ (نزدیك به۲۲ ژون سال ۱٤٧٣)، خـروج از دمـشق ٤ربـیـع الاول ۸۷۸ (۳۰ ژوئیه ۱٤٧٣) . ورود به‌حلب ۲۰ ربـیع الثـانی ســال ۸۷۸ (۱٤ ماه اوت سال ۱٤٧٣) ورود بتبریز ۲٤ جمادی الاول ۸۷۸ (۱۷ سپتا مبر سال ۱٤٧٣)، خروج از تـبریز ٦جمادی الثانی سال۸۷۸ (۲۷ماه اکتبر سال ۱٤٧٣) . ورودبه ری یکم رجب‌سال ۸۷۸(۲۲ نوا مبر سال ۱٤٧٣)، ورود بهرات ۱۸ شـعبان سال ۸۷۸(۸ ژانویه سال ۱٤٧٣) .

شماره ۷ بنظر میرسند مرسل الیه‌علیشیر نوائی است . ازمتن نامه بر میآید جامی وگـیرنده دارای دوستـی‌استوار اند. در«منشآت» جامی(دستنو یس ۱/۲۸٤ صفحه ب ۷) این نامه‌در فصل «بار کان دولت» جادار دودر مجموعه نامه های موسوم به «مکتوـبـات تیـموریه» (دستـنویس ۲۲۷۸ صفحه آ ۸٥) که این نـامه در زمره‌نامه های جامی نیزنقل گردیده تذکر داده شده کـه برای علیشیر نـوائی‌نوشته شده .

شماره ۸. گیرنده- علیشیر نوائی. این نامه گواه برمعاشرت نزدیك و خلاق دوشاعر است علیشیر نوائی درپاسخ نامه شعری «نظیره‌ای» رانوشته که در آن همان قافیــه ووزن تکرارگردیده :

مطلع:

چشم شوخ یارو از دنبال ابرو خال+هست آهوئی که چرغی بـاشد از- دنبال او(رجوع شود به حامدی. نوائی و جامی ، صفحه ۹۸)

آنگونه که از خط نـامه برمیآید(تند نویسی) شعرفی البد یهه نوشته شده .

شماره ۹- این نامه پاسخی است وآنطور یکه شعر اختــتامی آن گواهی میدهد بــرای سلــطان حسین بایـقرا هنگام عزیمت از هرات نوشته شده ولی تــوسط علیشیر نوائــی ار سال‌گردیده (بــآ غاز نامه تــوجه شود). از اینرو در «جامی در فصل» بار کان‌دولت درج شده است . (دستنویس شــماره ۱۳۳۱، صــفحــه آ ۵٤۲).

شماره ۱۰- این نامه پاسخی است. بنابر مشابهت با نامه شــماره ۱ که خطاب بسلطان حسین بایقر است ودرآن مــوالــف بــکــیــر نــده بــاکلمــه دولتــخوان هــان «خــطابة یکــند ایــن نامه نیــز برای حسیــن بایقرا که درسفر بوده، نوشته شده .-رقیدی که بنامه افزوده شده‌ازیــك شخصیت‌روحانی باعنوان«شیخ‌الاسلام»ذکری بمیان آمده واین‌همان است که جامی درنامه دیگر (رجوع‌شود به نامه‌شماره ۵۱٤ر۵۰۸) برای او همچون «پیروضعیف» توصیه مینماید .

شماره۱۱. برای‌علیشیرنوائی‌نو شته شده‌وگواه برمعاشرت نزدیك و خلاق دوشاعراست این نامه که پاسخ‌جامی‌به اشعار(قطعه) طرف‌مکاتبه اش است درفــصــل« بارگــان دولــت»از«منشآت» جامی‌نیزآمده است.(دستنو- یس‌شماره ۱۳۳۱ ،صفحــه ب ۵٤۵) .قیدی‌که درحاشیه نامه است‌گواهــی میدهد که مرسل‌الیه (نوائی) بتقاضای‌جامی بمحصلان مدرسه کــمك ما د ی رسانده .

شماره ۱۲.ظاهــرا برای سلــطان‌حسین بایقرا نوشته شده ودرمنشآت جامی‌در بخش« به ملازمان‌حضرت شعاری»درج گردیده‌است .(دستنویس۱۳۳۱ ،صفحه آ۵۳۹) .

شماره (۲۹)۲۸. خطاب به علیشیر نوائی است. این نامه در «منشآت» جامی در فصل «به ملازمان حضرت سلطنت شعاری» نقل گردیده (دستنویس شماره ۱۳۳۱، صفحه ب ۵۴۲ همچنین نوائی آنرا در اثر «خمسته المتحیرین» (صفحه ۴٦) بدون دو قید کوچك موجود در دستخط که حاوی سفارش چند شخص توسط جامی است نقل نموده. نوائی متذکر میشود که این نامه را در اندخود دریافت نموده. گرچه جامی در فصل «به ملازمان حضرت سلطنت شعاری» طبق معمول خود نامه هایش را که خطاب به حسین بایقر است گنجانده معهذا این نامه بنابر تایید علیشیر نوائی. خطاب به وی (به علیشیر نوائی) است.

لذا در این فصل «منشآت جامی» نامه هائی هم که خطاب بنوائی است ممکن است مشاهده شود.

شماره (۳۰)۲۹. خطاب به علیشیر نوائی است. این نامه همچنین در «منشآت جامی» در فصل «بارکان دولت» درج است «(دستنویس شماره ۱۳۳۱، صفحه آ ۵٤۱)، ضمنا توسط نوائی هم در خمسة المتحیرین صفحه ۳۸ گنجانده شده و در آنجا گفته شده است که نامه مذکور در پاسخ نامه نوائی از مرو هنگام قشلاق سلطان حسین در آنشهر دریافت گردیده.

در نقشه خط میر علیشیر نوائی تنظیمی آ.آ. سمیونف و مکمل ای.آ. سلطانف (رجوع شود به عزت سلطان «دفتر قلب نوائی» صفحه داخل جلد) سال اقامت نوائی در مرو فقط ۱٤۹۹ ذکر گردیده. این نامه گواهی میدهد که نوائی قبل از این تاریخ هم حتی در حیات جامی (متوفی بسال ۱٤۹۲) در مرو بوده است.

شماره (۳۱) ۳۰. نامه خطاب بسلطان حسین بایقرا است و حاوی القاب پر طمطراق او:

«حضرت خلافت پناهی سلیمان دستگاهی» وغیره میباشد و در منشآت جامی در فصل «به ملا زمان حضرت سلطنت شعاری» آمده است (دستنو-یس شماره ۱۳۳۱، صفحه ب ۵۳٦). جامی طی آن در رابطه باحصول دریکی از منا زعات داخلی ابراز مسرت میکند و بعقیده او این مصالحه «متضمن مصا-لح جمهورا نام» و «موافق مرافق کافه خواص و عوام» است.

شماره (۳۲) ۳۱. گیرنده و علیشیر نوائی است. آغاز نامه که شعر است توسط علیشیر نوائی در خمسته المتحیرین (صفحات ٤۱-۳۸) همراه

با توضیح مشروح تاریخچه کتابت‌آن نقل گردیده: هنگامی نوائی ضمن مصاحبه باجامی قصیده«دریای ابرار»اثر خسرو دهلوی(متوفی بسال ۱۳۲۵ میلادی) را ستود. پس از چندی جامی‌قصیده «لجةالا سرار» سروده خوددر پاسخ باین قصیده را باوارائه نمود.

نوائی نیز بنوبه خود در پاسخ‌اشعارجامی قصیده‌تحفةالا فکارراساخت مطالع قصائد فوق از اینقرارند:

مطلع دریای ابرار :

گوس شه خالی و بانگ غلغلش‌درد سرست

هرکه قانع شدبه‌خشک وتر شه بحر وبرست

مطلع لجةالا سرار :

کنگر ایوان شه‌کز کاخ کیوان بر ترست

رخنه مادان کش‌بدیوار حصار دین درست

مطلع تحفةالا فکار :

آتشین لعلی که تاج خسروانرا زیورست

اخگری بهر خیال‌خام پختن در سرست

باری این نامه پس از انکه جامی‌شعر مذکور نوائی را خواند و بآن ار زش عالی نهاد ار سال گردیده .

تاریخ نوشتن نامه را بنحومشر وط میتوان زمان اتمام قصیده تحفته الا فکار نوائی یعنی رجب سال ۸۸۰هجری نوامبر سال ۱۴۷۵ شمرد . (ماده تاریخ سرودن این قصیده درپایان آن از اینفرار است: یوم جامع شهررجب) .

این ماده تاریخ همچنین با سال‌سرودن‌قصیده لجةالاسرارتوسط جامی منطبق است که در پایان این قصیده باکلمه «فرخ» بیان گردیده .(صفحه ۸۸۰)

متن تحفةالا فکار در اطلا عیه‌ح‌سلیمانف بنام «علیشیر نوائی و عبد الرحمن جامی» صفحات ۱۸ـ۴ (همراه بالجةالا سرار جامی) تماما نقل گردیده است .

شماره (۳۳) ۳۲. گیرنده بنظرمیرسد علیشیر نوائی باشد که جامی اغلب جهت ارائه کمك مادی بتنگدستان در نامه های دیگر هم باورو میآورد. نام مولا نا جلال الدین سیدمحمود همچنین در نامه های شماره (۱۲۰) ۱۱۵، (۱٤۷) ۱٤۲ و(۳۷۳)۳۲۷ ذکر شده است و جامی اورا همچون تنگدستی که بعلم اشتغالمیورزد معرفی میگند و گاه تقا ضای رسانشکمك مادی باوازمحل در آمدهای وقف میکند وگاه خواهش میکند که باو اجازه عزیمت به خراسان داده شود .

مورد اخیر گواه برآنست که خر وج از حدود دولت سلطان حسین با یقراتحت نظارت قرار داشته (همچنینرجوع شود بنامه های شماره (۲٦٦) (۲٦۱)، (۳۷۲) ۳٦٦، (۵۳۷) ۵۳۱)وغیره .

شماره (۳٤) ۳۳. گیرنده علیشیرنوائی است. این نامه درپاسخ بنامه تبریك علیشیر نوائی بمناسبت مرا جعت موفقانه جامی ازمکه نوشته شده (۸ژانویه سال ۱٤۷٤- بتوضیح نامه شماره ٦ مراجعه شود).
نوائی نامه خود را از بلخ که آنهنگام همراه با سلطان حسین در آنجا اقامت داشت به هرات ار سال نمو. ده. (رجوع شود بتوضیح نامه شماره ۱). بنابراین اطلاعات تاریخ نامهجامی را میتوان بقدر کافی دقیق از اینقرار معین نمود: رمضان سال ۸۷۸(۲۰ژانویه تا۱۸ فوریه سال۱٤۷٤) که پس از شوال سال مراجعت جامیاز مکه بهرات است .

این نامه در «منشآت»جامی فصل«به ملا زمان حضرت سلطنت شعاری» آمده است . (دستنویس شماره۱۳۳۱، صفحه ب ۵٤٤) . نوائی آغاز این نامه وتاریخچه کتابتآنرا درخمسته المتحیرین (صفحه ٤۲) نقل میکند . النظامی شرح حال نویس جامی دراثر «مقامات مولوی جامی» (دستنویس شماره ۱۳۵٤، صفحه آ۹۸) نیزابتد ای رباعی نامه تبریك نوائی را نقل میکند .

شماره (۳۵) ۳٤- بنظر میرسدکه گیرنده علیشیر نوائی باشد . در این نامه جامی ازحل و فصل مسالمتآمیز یك منازعه فئودالی داخلی ابراز مسرت میکند و مینویسد که «مصلحتجمیع مسلمانان از دو جانب (خراسان وماورا النهر) در آنست میتوان پند اشت که جامی در باره یورش سلطان حسین به قندوز در سال ۸۹٦/۱٤۹۱ علیه حکمران حصار (سلطان

ئی در خمسة التحیرین (صفحه ٤٥)متذکر شده است (رجوع شود به بار تولد. میر علیشیر وزنده‌گی سیاسی(صفحات ٢٤٦- ٢٤٥). علیشیر نوا- محمود) وحکمران قندوز (خسرو شاه)اطلاع میدهد که جامی مخالف یورش سلطان حسین به قندوز بود واز نو ائی خواهش نموده که مانع این کار شود. ولی یورش صورت گرفت ونوائی ناگزیر شد همراه باحسین بایقرا عزیمت کند. آنگاه جامی از نوائی‌تقاضا نمود که او (جامی) را در جریان کار گذارد وطی سراسر یورش بین آنها مکاتبه ادامه داشت .

شماره (٣٦) ٣٥- این یکی ازنامه های کثیرجامی بمقامات‌مسوول دولتی است که حاوی توصیه تقسیم حاصل‌وقوف ، ار ائه کمک مادی ویابر قراری مستمری برای‌محصلان و مدرسان نیاز مند مدارس هرات میباشند . گیرند گان این نامه ها صدرها. یعنی مسوولین امور او قاف بوده‌اند. این فرض ونظر توسط‌نامه از مقرر شدن مستمری ازطرف صدر برای یك نیازمند از شخص‌مسوول دیگری که ممکن‌است علیشیر نوائی باشد خواهش میکند پرداخت‌آنرا ترتیب دهد .

این موضوع که علیشیر نوائی نیزدرمقرر ساختن مستمری برای محصلان ومدرسان مدرسه شرکت داشته ازنامه های محمدبن امین الدین در(آلبوم نوائی)نیز بر میآید. در این نامه هامو لف از گیرنده تقاضا میکند که از محل اعتبار وقوف برای محصلان وجوهی اختصاص داده شود. واغلب گیرنده نامه را بالقب امیر گرامی‌میدارد ودریکی از نامه های خود او را دقیقاً: «امیر کبیر، امیر علیشیر»میآمد (نامه شماره ٤٥٧/ ٤٥١) .

شماره (٣٧) ٣٦- آنگونه که ازمتن‌این نامه برمیآید برای در بارحسین بایقرا نوشته شده . این قبیل نامه‌گواه بر کاغذ بازی در ادارات دولتی بوده وجامی با پیروی از اصول انسا ند وستانه . خود کوشش میورزد بمردم رساند و حل وفصل امور آنهارا تسریع نماید .

شماره (٣٤) ٤٢- چنانکه متن آن‌حاکی است خطاب به علیشیر نوائی نوشته شده و منسوب بگروه نامه هائی است که مناسبات خلاق دوشاعر را باز تاب میکنند .

این‌نامه درنشآت جامی‌نصل شده‌است‌بار کان دولت نقل شده است (دستنویس شماره١٣٣١، صفحه آ ٤٥٣) .

قصیده برده نام رایج اثرعبدالله شرف‌لدین معمد بن‌سعید البو سیری شاعر مصری(متوفی بسال ۱۲۹٤ر۶۹٤)تحت‌عنوان «الکواکب الدریه فی‌مد ح خیرالبریه است .این‌اثر باقتباس ا زقصیده متن کعب‌ابن زهیر شاعر قرن هفتم میلادی سروده‌شده .

درقرون بعدتفسیرهای بسیاری‌براین اثرودیگر انواع‌آن نوشته شده (رجوع شودبه م.د.خ. جلد۲صفحات۱۰۵ـ ۸۵ وشماره های ۹۸۹ ۹٤٤ تذکر موجود درنامه مذکور جامی کـه طـی آن ایـن شـاعـر از نـوائـی خواهش‌میکندعقیده خـودراابرازدار دودرزمره آثار فوق‌الذکرمیباشد .باری درفهرست آثار جامی(رجوع‌شود بـه برتلس .نوائی وجامی‌صفحات ۲٤۰ـ ۲۳۹) وکلیات او(دستنویس شماره۱۳۳۱) از تفسیر برقصیده برده نام برده نشده. بنظر میرسدکه درنامه سخن‌برسرترجمه منظوم قصیده‌عبدالرحمن جامی ازعربی بفارسی است‌که در برخی‌دستنویس های‌حاوی متن‌قصیده بوده ملاحظه میگردد (رجوع شود به م.د.خ .جلد ۲، صفحات ۹۵ـ۸۹، شماره های ۹٤۷، ۹۵۰، ۹۰۹) .

شماره (٤٤) ۰٤۳ گیرنده سلطان‌حسین بایقر است. این‌نامه درمنشآـ ت جامی در قسمت «بملازمان حضرت‌سلطنت شعاری»درج گردیده .(دستنو یس شماره ۱۳۳۱، صفـحه آ ۵۳۶).ازمتن نامه معلوم مـیشود که پـاسخ است و ظاهرا در زمان اقامت حسین‌بایقرا در قشلاق بـرای وی بمرو ار سال گردیده . سال تنظیم آن معلوم‌نیست . خوانـد میرفقط تاریخ یـك اقامت وی در قـشلاق (مـرو) راذکرمیکند ـسال ۸۹۲ (۱٤۸۷) . (حبیب السیر جلد ٤، صفحه ۱۷۹).

شـماره (٤۵) ٤٤. حـاوی توضیح‌جامی در باره حـکم شریعت در مـورد مساله تقسیم صدقه بشکرانه انجام‌کاری است . بنظر میرسد عبدالرحمن جامی این یاد داشت را بخواهش یکی‌از مقامات درباری نوشته است وباین جهت در «آلبوم نوائی» درج گردیده

هما نطور که خود جامی خاطر نشان میسازد توضیع او مطابق بـااحکام موجود در آثار فقـهای‌ا سلامی بقرارذیل صورت گرفته :

۱ـ فتاوی الصغری. مولف‌ـ نجم‌الدین ابو یعقوب یوسف بن احمدبن

ابوبکر الخبم الخواردمی (قرن ۱۳میلادی) رجوع شود به م.د.خ.، جلد ٤. صفحه ۱۹۷، شماره ۳۰۱٦ .

۲ـ خلاصه ، یعنی خلاصه الفتاوی.مولف طاهربن احمدبن عبدالرشید افتخار الدین البخاری (متوفی بسال۱۱٤۷/ ٥٤۲) رجوع شود به م.د.خ، جلد ٤ صفحه ۲۰۲، شماره ۳۰٦٤ .

۳ـ خزائن المفتیین . مولف امام‌حسین بن محمد السمعانی الحنفی(این اثرسال (۳۱٤۰ـ ۱۳۳۹ ۷٤۰ بپایان‌رسیده. رجوع شودبه حاجی خلیفه ، دوجلد ۳، صفحه ۱۳٦ شماره ٤۷۰۲

٤ـ المحیط مولف رضی الدین‌محمدالسرخسی (متوفی بسال ۱۱٤۹/ شماره (٥٤٤) رجوع شودبه م.د.صفحه ۲۰٦ـ ۳۰۷.

شماره (٤٦) ٤٥. پاسخ سلطان‌بایقر است ودرمنشآت جامی‌در قسمت «به ملازمان حضرت سلطنت شعاری»مندرج است. (دستنویس ۱۳۳۱،

شماره (٤۷) ٤٦ چنانکه ازمتن‌نامه برمیآید گیرنده علیشیر نوائی است جامی دراین نامه در برابر ماهمچون‌زرمنده راه عدالت وسعادت مردم قد علم میکند و موائی را فرامیخواند که در قطع ظلم و جوری که از جنوب هرات‌گسته‌ش یافته اقدام نماید.جامی‌راجع باین‌موضوع قبلاًهم‌متذکرشداست صفحه ب ٥۳۷) .

شماره (٤۸)٤۷ .گیرنده سلطان‌حسین بایقرا است . آنگونه که از متن آن برمیآید اسلطان بالشکر یانش‌خارج از هرات بوده . دو رباعی موجود در این نامه در منشآت جامی‌درج‌گردیده (دستنویس ۱۳۳۱، صفحه آ ٥٦٥)ولی‌در آنجامتن‌کامل نامه موجودنیست .

شماره (٦٤) ٦۰.رجوع شود بتوضیح نامه شماره (٤٦) ۳٥.

شماره (٦٥) ٦۱. این نامه پاسخی‌پاسخی ازقرار معلوم خطاب به علیشیر نوائی نوشته شده ودرفصل «بارکان‌دولت» منشآت جامی هم نقل گردیده. (دستنویس شماره ۱۳۳۱ صفحه ب٥٤٥) جامی درقید بر نامه از گیرنده تقاضا میکند به شخص بنام میرخلیل الله به یادگار خویش وی موسوم به کمال الدین حسین خوارزمی‌کمك شود. شخص اخیر دانشمند مشهور اهل تصوف ازسرزمین خوارزم‌بوده ودرزمان حکومت‌شاهرخ (۱٤٤۷ ـ ۱٤۰٥) میزیسته . وبعلت اشعارصوفیانه افراطی‌خود بکفرمتهم شدواز

خوارزم بهرات احضار گردید وتحت‌محاکمه قرار گرفت ولی براثردانش عمیق‌خود درفقه توانست تبرئه گردداضافه براشعار، چند اثر با و تعلق دارد. مانند: شرح برمثنوی جلال ا لدین رومی شرح قصیده برده (رجو شودبه توضیح نامه شماره (٤٣)٤٢ وغیره .

اوسال ١٤٢٧ـ ١٤٢٦/٨٣٠ در خوارزم فوت نمود علیشیر نوائی مجا لس النفائس صفحات ١٠ـ٩، خواندمیر. حبیب السیر، جلد ٤، صفحه ٩)

شماره (٦٧) ٦٢. باتکیه باینکه جامی در این نامه از سلطان همچون شخص سوم (ایشان) یاد آور میشود.میتوان گفت که برای یکی از ملازمان (بنظر میر سدعلیشیر نوائی) نوشته شده نظیراین یاد آوری ازشخص سلطان با کلمات «خدمت ایشان» درنامه دیگر جامی مشاهده میشود(آلبوم نامه شماره ٢٢٤/٢٢٩). نامه گواه‌برآنست که در جامعه فیودالی، شاه به شخیتها ومقامات روحانی امتیازا تی در وضع مالیاتهامیداده. این موضوع توسطدیگر نامه های‌جامی (شماره‌های١٠١ر ١٤٥،٦٩ر١٤٠ ،١٥٥ ر١٥٠، ١٩٨ر١٩٣) که درآنها ونظیراین امتیازات رابرای اشخاص‌دیگر متعلق به اقشارخواجه شاید،شیخ درخواست‌میکندنیز تأ ییدمیگردد .

شماره (٦٨) ٦٣.خواجه سیف‌الدین‌مظفر که درنامه ازاونام برده‌شده‌یکی ازوزرا سلطان حسین بایقراست که پس‌ازجلوس‌او بتخت سلطنت(سال ١٤٦٩) باین‌سمت انتصاب یافته.ولی‌بعددر نتیجه سواستفاده مالی زندانی شدودر ژانویه سال١٤٨٦اعدام گردید(خواندمیر،حبیب‌السیر، جلد٤،صفحات ١٣٨،٣٧٩،٣٣٠) .

این‌نامه توصیه ،توسط جامی‌پس‌ازمراجعت‌وی ازمکه بهرات در٨ژانویه سال ١٤٧٤نوشته شده .(رجوع‌شودبه توضیح نامه شماره ٦) .جامی‌خواجه سیف‌الدین‌رامقام سامی‌میشمرده‌وتصادفی‌نیست‌که اودردیگرنامه های توصیه ای‌خود(شمارهای ٧١ر١٤٢،٦٦ر١٣٧)بگیرنده (علیشیرنوائی‌یاسلطان‌حسین بایقرا) مشورت میدهدکه نسبت باوباالتفات باشند .

شماره (٦٩) ٦٤گیرنده ـعلیشیرنوائی‌این‌نامه درمنشآت جامی درفصل

«بارکان دولت» درج است (دستنویس شماره ۱۳۳۱ ، صفحه ب ۵۴۲) . جامی طی آن بنوائی توصیه مینماید که خدمت دشوار دردربار را بخاطر «مصالح مسلمانان» و «دفع مفاسد ظالمان» ترك نگوید تاامکان باشد ازمردم دربرابر تضییق وظلم دفاع نمود .

مکاتبه بین نوائی وجامی بامتن مشابه این نامه درخمسة المحیرین نوائی نیز موجود است (صفحه ۴۱) . نامه مذکور جامی در مجموعه نامه ها ازمنبع انستیتوی خاور شناسی فرهنگستان علوم ازبکستان نقلشده است (معین بن حاجی محمدالفراهی «مجموعه رقعات ومنشآت»، دستنویس شماره ۲۹۶ ، صفحات ب-آ ۱۴۴) . درآنجا آمده است که این نامه خطاب به مجدالدین محمد (یکی ازمقامات دربارسلطان حسین بایقرا، متوفی بسال ۱۴۹۴ ، مغضوب)میباشد . ولی این نظرصحیح نیست . درآلبوم نامه ای ازجامی (شماره ۱۱۶ر۱۱۱)وجوددارد که درآن جامی احتمالاً بخواهش مجدالدین از سلطان حسین بایقرا تقاضامیکند اورابخدمت دربار بپذیرد ونه اینکه اورا درخدمت باقی گذارد . (رجوع شود به توضیح نامه شماره ۱۱۶ ر ۱۱۱) .

شماره (۷۰) ۰۶۵ ازقرار معلوم خطاب به علیشیرنوائی است وگواه بر آنست که درخراسان استفاده ازوقف یا بخشی ازدرآمدهای آن بود که درمکه رایج بوده شماره (۷۱) ۶۶ رجوع شود بتوضیح نامه شماره ۶۸ .

شماره (۷۴) ۶۹ . مخدوم زادگان بمعنی شاهزادگان اشراف زادگان ویا پسران مقامات عالی مذهبی است . ولی دراین نامه معلوم نیست که جامی پسران کدام یك ازاین اقشار را درنظردارد .

شماره (۷۵) ۰۷۰ بنظرمیرسد موردخطاب نامه علیشیرنوائی باشد . جامی دراین نامه ازمنافع مردم زحمتکش دفاع میکند که از مالیات های کثیرفوق العاده خسران میبینند . جامی ابتدا همانطور که درنامه آمده صاحب اعظم خواجه معین الدین را مورد خطاب قرار میدهد که «اظهار عجز ودر ماندگی» نموده و نمیتواند تغییری دروضع دهد وسپس طی همین نامه به علیشیر نوائی رو میآورد .

شماره (۷۶) ۷۱ . این نامه درزمره نامه های خطاب به علیشیرنوائی یا صدرهائی است که بر تقسیم عوایداوقاف نظارت داشته اندوگواه برآنست که جامی مراقب وضع مادی محصلان ومدرسان مدارس هرات

بوده (رجوع شود بتوضیح‌نامه شماره (۳٦)۳۵) .شماره(۷۷)۷۲.
رجوع گردد بتوضیح نامه شماره (۳٦)۳۵ بنظر میرسد
علیشیر نوائی باشد در آن جامی از راجعت گیرنده نامه ازسفراظهارمسرت
مینماید .(چون دراشعار اودریا سخن‌رفته ممکن است‌نوائی دراسترآباد
واقع درسواحل دریای خزر بوده .اودرسالهای ۱٤۸۸ـ ۱٤۸۷ حکومت آن
ناحیه را برعهده داشته وسال ۱٤۸۹از آنجامراجعت نموده است. رجوع
گردد به : بارتولد .میرعلیشیرو زندهٔگی سیاسی، صفحه ۲٤۳) .

کلمه «واسطی» که درشعرآمده‌نوعی نی است که در ناحیه واسط
(مابین بصره و کوفه) میروید و ازآن قلم تهیه میکرده اند .

شماره (۸۰) ۷۵. کلمه «خواجه»که در نامه آمده است بنظر میرسد
خواجه عبیدالله احرار باشد که درباره تاریخ فوت او توسط خود جامی
ماده تاریخ نوشته شده است(رجوع شود بشماره (۲۷۹) ۲۷٤)
که طبق آن تاریخ فوق خواجه عبیدالله سال ۸۹۵(۱٤۹۰) است
دعای آخرنامه احتمالا مربوطبه نزدیکان خواجه احرار (ملازمان ایشان)
ومریدان او است .

شماره (۸۲) ۷۷. آنگونه که ازمتن‌نامه بعدی (۷۸ر۸۳) برمیاید و
جامی در آن از «سفرمبارک» یعنی سفرمکه سخن میگوید در اینجا نیز جامی
سفر خود بمکه برای انجام فرائض‌حج در سال های ۱٤۷٤ـ ۱٤۷۲ رادر
نظردارد .(رجوع شودبه توضیح نامه‌شماره ٦). لذا گیرنده علیشیر نوائی
است که در ترتیب دهی این سفر شرکت فعال داشته وبا جامی درمدت
این سفر مکاتبه مینموده. این بزودی‌پس از مراجعت جامی بهرات نوشته
شده. (ژانویه سال ۱٤۷٤) .

شماره (۸۳)۷۸. در این نامه نیزنظیرنامه قبلی طرف‌مخاطب علیشیر
نوائی است این نامه سال ۱٤۷٤ نوشته شده .

شماره (۸٦)۸۱.خواندمیرازمدرسه بیگم همچون‌یکی ازموسسات تحصیلی
زمان جامی که درهرات دایر بوده‌اند سخن میگوید.این مدرسه همچون
دارالایتام شهرت‌داشته (حبیب‌السیر، جلد ٤، صفحه ٦۰۵).

شماره (۸۷) ۸۲. در نامه احتمال دارد که سخن ازدوخاوند شاه میر و دیگی سعیدبرهای الدین خاوند شاه که از شیوخ متنفذ بلخ درزمان جامی است او زمانی در هرات اقامت داشت ولی سال ۸۵۷/۱۴۵۳ ببلخ مراجعت نمودو درآنجا فوت کرد. دیگری محمد بن خاوند شاه (میرخواند) یکی از پسران سعید برهان الدین خاوند شاه میباشد. (خواند میر ،حبیب السیر، جلد ٤ ،صفحه ۱۰۵، علیشیر نوائی. مجالس النفائس، صفحه ۱٤٥) این تاریخ نویس مشهور هرات در قرن۱۵ مولف روضه الصفا است وبسال ۹۰۳/۱٤۹۸ درهرات فوت نمود .م.د.خ.جلد ۱، صفحات ۳۹،۳۱).

شماره (۹۰) ۸۵.منظور از«مزا رمتبرك حضرت خواجه اقدش «احتمالا گور خواجه عبدالله انصاری ملقب به «پیرهرات» (متوفی بسال ۱۰۸۸ ر ۱٤۸۱) میباشد. این گور در شمال شرق هرات درکاز رگاه قراردارد. (ماسون .درتاریخ نقشه ریزی هرات صفحه ۱۳۸) .

سال ۱٤۲٦– ۸۲۹/۱٤۲٥ توسط شاهرخ پادشاه تیموری نزد گور انصاری بنائی برای زائران احداث گردید وبرای نگهداری خدام آن اوقاف معین شد (عبدالرزاق سمرقندی.مطلع سعدین ،صفحات ۳٤۲–۳٤۱)

شماره (۹۳) ۸۸. رجوع گردد به توضیح نامه شماره (۳٦) ۳٥ .

شماره (۹۷) ۹۲. مولانا لطفی که ذکر آن در نامه آمده ، شاعر مشهور از بك ومعاصر جامی ونوائی است(متولد تقریبا سال ۱۳٦٦ ومتوفی بسال تقریباً ۱٤٦۳) نوائی در مجالس النفا ئس هنگامی که ازاو سخن میگوید (صفحات (۷۳–۷٦ اطلاعاتی د رباره پسران اونمیدهد وشاعر ملقب به لطفی همچون شاعر کم شهرت ترکزبان که در جوانی فوت نموده معرفی میشود (همانجا صفحه ۷٥).درتحقیقات مربوط به لطفی–(مالایف. تاریخ ادبیات از بک، کتاب یکم ، صفحه ۳۲۳، رستمف. شعر ازبکی ، ارکنف. لطفی)، اطلاعاتی در باره پسران او وجود ندارد. بادر نظر گرفتن این نامه جامی میتوان اندیشید که اگر لطفی پسری هم داشته که شاعر بوده اوهم آنچنان مشهور نبوده که ازوی در تذکره های شاعران هراتی قرن پانزده ذکری بمیان آید .

شماره (۹۹) ۹٤. درنیمه دوم سده ۱٥ درگیلان دولت سیدی وجود داشته

(سالهای ۱۵۹۲ـ۱۳۷۰) که مرکز آن لاهیجا نبوده .این دولت در نتیجه جنبش درویشی که اواسط قرن ۱٤ در مازندران وگیلان گسترش یافت بوجود آمد. (پیگولوسکایا. تاریخ ایران، صفحات ۲۳۰ـ۲۲۹، پترو شفسکی ،اسلام در ایران، صفحه ۳۵۹. باری معلوم نیست که جامی از کلمات سلاطین «سیدهای حاکم این زمان را درنظر دارد ویا اعقاب دودمان قدیمی دیگری را .

شماره (۱۰۰)۹۵.چنانکه از متن برمی آید این نامه برای سلطان حسین بایقرا نوشته شده آن احتمالاًصحبت بر سر پسر عموی علیشیر نوائی یعنی امیر حیدر است که درلشکر سلطان حسین بایقرا خدمت میکرده. هنگامیکه نوائی حکمران استر آباد بود. (سالهای ۱٤۸۹ـ۱٤۷۸) بسفارش اوامیر حیدر برای کار های دولتی بهرات رفت و در آنجا بدون اطلاع نوائی بسلطان در باره تلاش سؤقصد بجان نوائی در ستر آباد سخنانی گفت. همین موضوع موجب خشم سلطان ومحبوس نمودن حیدرشد. حیدرپس از آزادی اززندان خدمت لشکررا ترك گفت ودرویش شد وببلخ وسپس بقند وزرفت . هنگام نزاع سیاسی مابین خسرو شاه حکمران قندو زوحسین بایقرا (سال ۱٤۹۹)امیر حیدر بعنوان سفیر خسرو شاه بار دوگاه حسین بایقرا آمد ولی بازداشت ومتهم به خیانت شدو اعدام گردید (سمیونف. مناسبات متقابل علیشیر نوائی وسلطان حسین میرزا صفحات ۲٤۵ـ ۲٤۳ خواند میرحبیب السیرجلد٤ ، صفحات ۱٦۹ـ ۱۸۳، ۲٤٤ـ ۲٤۲) .این نامه را میتوان مورخ سال ۱٤۸۸ یعنی هنگامی دانست که «خدمت امارت مآبی» یعنی امیرعلیشیر هنوز حکمران استر آباد بود.

شماره (۱۰۱)۹٦. رجوع شود به توضیح نامه شماره (٦۷۵) ٦۲ .

شماره (۱۰۵) ۱۰۰ این نامه گواه بر آنست که در زمان سلطنت حسین بایقرا اخذ «مال» یعنی خراج فقط شکل نقدی داشته ولی مواردی هم بوده است که طبق فرمان خاص خودسلطان یاعالیترین مقامات مالی (که بنظر میرسد این نامه جامی برای آنها ار سال گردیده) بجای «مال» نقدی «مال» جنس نیزاخذ میشده.جامی نظیر همین توصیه را برای شخص دیگری که از قشر خواجگان بوده نیز نوشته است (شماره ۱۵۵/ ۱۵۰)

شمـاره (۱۰۸) ۱۰۳. بنشـانـیعلیشیر نوائی است.جامی قطعات جدا گانه نفحات الانس را بترتیب نوشتنآن برایش ار سال میکند (رجوع شود همچنین بتوضیح نـامه شماره ۲) این نامه میسر میسازد نگات جداگانه شرح حال جامی راتدقیـق نمود. درآن٦ روزازماه ذیحجه وتعویق یـک مسا فرت ذکر میگردد. در این بارههمچنین در نامه های شماره ۱۹۷/ ۱۹۲و ۳٤۰ـ۳۳٤ سخن میرود). بادرنظر گرفتن اینکه نفحـات الانس در سـال ۱٤۷۹ـ ۱٤۷۸/ ۸۸۳ بـپایانرسیده (رجوع شود به توضیح نامه شماره۲) ودر این زمان طبق نوشته فخرالدین علی(رشحات ،صفحات ۱٤۳ ـ۱٤۲) سفر سوم جامی بماورا النهرصورت گرفته (ازیکم ربیع الاول سال ۸۸٤ (۲۳ ماهمه ۱٤۷۹) تاپایان جمادیالاخر سال ۸۸٤ (اوت ۱٤۷۹ششم ذیحجه یعنی روزنوشتن ایننامه رامیتوان بسال ۸۸۳ (۱٤۷۹ فوریه ۲۸) متعلق دانست. از اینر وسـفر جامیبماوراالنهر ازفـوریه بـه مـاه مـه سال ۱٤۷۹ بتعویق افتاده .فخرالدینعلی (رشحات، صفحه ۱٤۲) زمان های دو سفرقبلی جامی بسمر قند راَ متذکرشده است. اولیدرسال های۱٤۳٦ ر۸۳۰ـ۱٤۵۲ ر۸۵٦ وثانوی در سال۱٤٦۵ر ۸۷۰ .

شماره (۱۱۰)۱۰۵۰ این نـامه کهپاسخی استودرمنشآت جامی درقسمت «بارکان دولت» درجگردید .(دستنو. پسشماره ۱۳۳۱ ،صفحه آ ۵٤۵) در زمره مکاتبات خصوصی جامی باگیرنده(ظاهراً باعلیشیرنوائی)قراردارد . دراینامه بمناسبت اختتام خیـررویداد های سیاسیمعینی درهرا ت ابراز مسرت شدهاست .

شماره (۱۱٦) ۱۱۱۰اینامه آنطورکه ازمتن آن برمیآید برایسلطانحسین بایقرا ارسال گردیده ودرآنازمجـد الدین محمد یکیازمقامات مشهور دربار حسین بایقرا نام برده شده .اودرسالهای ۱٤۷۸ـ۱٤۷۲مقام باامتیاز«پروانه» رادارا بوده(شخصی که فرامین شخصسلطان راابلاغ میکند وراجع بامـور گزارش میدهد .چنینشخصیهمچنین«نایب» نامیده میشد)ازسال۱٤۷۸ تا سال ۱٤۸۷ بانضام مجدالدین مـوردغضبقرارگرفتوسال ۱٤۸۷ پس از انتصاب علیشیرنوائی بحکمرانیاسترآباد مجددامقرب دربارگردید ووزیـر شدولیبزودی (سال ۱٤۹۰)باتـهامتصاحب وجوه واموالدولتی ازمقامخود معزول گشت .سال ۱٤۹٤نیز عـاز مسفرحج شدوبی آنکه بمکهرسد د ر گذشت .

عبارت «درحین وحشت» که در نامه ذکر گردیده بنظرمیرسدمربوط بقیام هرات‌در سال ۱۴۷۰ باشدکه بعلت‌وضع مالیات «دودی» برای‌اهالی شهر درغیاب سلطان حسین بایقرا صورت‌گرفت‌وباتصمیم عادلانه علیشیرنوائی مشتمل برتنبیه گناهکاران وضع‌کننده مالیات پایان یافت .(بارتولد، میرعلیشیر وزندگی سیاسی، صفحه ۲۳۰) .

آنگونه که ازاطلاعات مذکوربرمیآید این توصیه جامی دربین سالهای ۱۴۷۰و۱۴۷۲ نوشته شده یعنی پس‌ازقیام هرات وقبل ازانتصاب‌مجدالدین بمقام پروانه .

شماره (۱۱۸) ۱۱۲. سید نصرالله کسکنی توسط خواندمیر همچون یکی از اعیان واشراف سبزوار معرفی‌گردیده ،سلطان حسین بایقرادرمارس سال ۱۴۷۰ سبزوار را تصرف نمودوبسیاری از هواداران میرزا یادگار محمد را بقتل رسانید. سید نصرالله‌کسکنی درزمره کسانی بودکه سریعاً ازسلطان حسین بایقرا اطاعت‌کردو موردعفو واقع‌شد حبیب السیر، جلد ٤ صفحه ۱۴۳. ولی آنطور که از نامه جامی برمیآید سید نصرالله محتملاً پس مجدداً بمیرزایادگار پیوندگردید.سلطان‌حسین بایقراپس از پیروزی نهائی بر یادگارمحمد نصرالله رامحبوس ساخت درماه‌اوت سال ۱۴۷۰ (عبدالرزاق سمرقندی ،مطلع سعدین، جلد ۲،فصل۳ صفحات ۱۴۲۷-۱۴۲۵)

بامنظور داشتن زمان وقایع مذکورنامه جامی میتواند مورخ ماقبل نیمه دوم سال ۱۴۷۰ باشدکه ظاهراً برای‌علیشیر نوائی ار سال گردید .

شمار (۱۱۹) ۱۱٤. رجوع شودبتوضیح نامه شماره (۳٦) ۳۵ .

شماره (۱۲۰) ۱۱۵. رجوع شودبتوضیح نامه شماره (۳٦) ۳۵ .

شماره (۱۲۱) ۱۱٦. مخاطب ازقرار معلوم علیشیر نوائی است. این نامه مربوط بزمان‌مسافرت سوم جامی‌بماورا النهر است که سال ۱۴۷۹/ ۸۸٤ انجام گرفت .

(رجوع شود بتوضیح نامه شماره۱۰۸/۱۰۳) وبتاریخ ۱۵ ربیع الثانی سال ۸۸٤ (ژونیه ۱۴۷۹) درفاراب نوشته‌شده . (محل وتاریخ مذکور بنابر اطلاعات فخرالدین علی معین گردیده که نوشته است جامی ۱۵ ربیع الثانی سال ۸۸٤(٦ژوئیه ۱۴۷۹) هنگام‌عزیمت بتاشکند از فاراب گذشته

ودر تاریخ ۲۲ ربیع الثانی سال ۸۸٤ (۱۳ ژونیه سال ۱٤۷۹) بآن شهرر سیده است ـ رجوع شود به رشحات، صفحات (۱٤۳ ـ ۱٤۲) .

نامه مذکور برای تدقیق اطلاعات مربوط به جامی و تعیین دستخط های اودر بین میراث فراوان دستنویس وی اهمیت دارد .

شماره (۱۲۲) ۱۱۷. رجوع شود بتوضیع نامه شماره (۳٦) ۳۵ .

شماره (۱۲۵) ۱۲۰. این نامه ازقرار معلوم برای علیشیر نوائی بپاسخ خبر اودر باره رسیدنش بمحل مورد نظر دریکی ازسفرهایش بشهر های خراسان نوشته شده است .

شماره (۱۲۷) ۱۲۲. امیر مظفر مذکور دو نامه یکی از فرماند های نظامی سلطان حسین بایقرا از طایفه برلاس میباشد که دردر بار از اعتبار فراوان برخوردار بوده در آغاز سال ۱٤۷۲ هنگامیکه علیشیر نوائی در دیوان شاهی بمقام عالی انتصاب یافت بفرمان سلطان هیچکس حق نداشت امضأ خود را بالاتر از امضأ او قراردهد باستثنا میرمظفر برلاس که به سلطان حسین بایقراد ستیابی بتخت سلطنت تیموریان درهرات مساعدت رسانید .(خواندمیر .حبیب السیر جلد٤،صفحات ۱۲٦، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱٤٦، ۱۵۰، ۱۵٦ـ۱۵۳، ۱٦٦، ۱٦۲ـ ۲۰۳) .

شماره (۱۲۹) ۱۲٤. مخاطب ـ علیشیرنوائی. متن کامل وتاریخچه نوشتن آن توسط علیشیر نوائی درخمسة المتحیرین نقل گردیده. هنگامی حسین بایقرا که درکرانه مرغاب اردوزده بودنوائی را باسفارش معجلا بمشهد گسیل نمود درراه بسوی هرات فرستاده سلطان باورسید واورا باردوگاه بازگرداند خمسة المتحیرین ،صفحه ٤۷) .

اظهار تاسف جامی درنامه بمناسبت اینکه اونتوانسته دوست خودرا به بیند احتمالا مربوط باین واقعه است .

شاره (۱۳۰) ۱۲۵ .«مزارعان» یعنی کشاورزان نظیر همه اقشارمالیات دهنده باراساسی مالیات رابردوش داشتند (موقمنوا راجع بتاریخ مناسبات زراعتی ،صفحه (۵۷) جامی دراین نامه اخذ مالیات برابرمیزان رایج برای خزانه دولت را غیرمنصفا نه میشمردزیرادر گرد آوری آن بیحاصلی ناشی ازخشك شدن کاریز هامنظور نمیشد

شماره (۱۳۱) ۱۲٦ .متن نامه گویای آنست که برای یکی ازدولتمردان در بار

تیموریان درهرات که بسلطان دسترسی داشته نوشته شده .درآن منظور از «مخدوم زاده» یکی ازپسران حسین بایقرا است .

شماره (۱۳۲) ۱۲۷ . برای نوائی نوشته شده بااین حساب که متن آن باطلاع سلطان حسین بایقرا خواهدرسید این نامه منسوب بمکاتبات جامی با نوائی درزمان سفر نویسنده آن به حج است وبزودی پس ازخروج او از هرات (۱٦ ربیع الاول سال ۸۷۷ـ ۲۱ ماه اوت سال ۱٤۷۲ـ رجوع شود به توضیح نامه شماره ٦) وورود ش به جام واقع بین هرات ومشهد(شمال خاوری ایران) که زادگاه جامی است ،نوشته شده .

شماره (۱۳۳) ۱۲۸ .ماهیت توصیه جامی دراین نامه نزدیکان خواجه عبد ـ الرحمن ازنامه دیگری (شماره ۱۸۹ و ۱۸٤)روشن میشود که جامی درآن توـ صیه خود مربوط به محفوظ ماندن مقام کدخدائی خواجه عبدالرحمن راکه نیاـ کان اونیز آنرا دارا بوده اند باظهاریه اهالی قریه کوسویه میافزاید .

شماره (۱۳۵) ۱۳۰ بنظرمیرسد امیر مظفرمذکور درنامه که نوکران اوزن بیگناهی رابازداشت کرده اند ،همان امیر مظفر برلاس باشدکه یکی ازسرداران متنفذ سلطان حسین بایقرابوده .(رجوع شود به توضیح نامه شماره ۱۲۷ (۱۲۲) .

شماره (۱۳۷)۱۳۲ .رجوع شود بتوضیح نامه شماره (۳٦) ۳۵ .

شماره (۱٤۲)۱۳۷ رجوع شود بتوضیح نامه شماره (٦۸) ٦۳ .

شماره (۱٤٤)۱۳۹ .این نامه درزمره آن نامه های جامی است که توسط اوهنگام سفرحج برای علیشیر نوائی نوشته شده وچنانکه ازروی متن آن میتوان قضاوت نمود بزودی پس از عزیمت جامی ازهرات (۱٦ ربیع الاول سال ۸۷۷ برابر با ۲۱ ماه اوت سال ۱٤۷۲) نوشته شده .(رجوع شود بتوضیح نامه شماره ٦) .

شماره (۱٤۵) ۱٤۰ .این نامه جامی گواه برآنست که اموال وصیت شده برای وقف ضمن اینکه عموما مالیات بآن تعلق میگرفته طبق فرمان ویژه حکمرانان ممکن بوده است ازپرداخت مالیات برای خزانه دولت ،معاف گردد زیرا متولیان وقفها اساسا شخصیتها وشیخ های فرقه درویشی بودند که ازحمایت حکومت عالیه برخوردارمیشدند . (مالچانف درباره خصائص

سیستم مالیاتی ،صفحات ۱۶۵–۱۶٤،موقمینوا ،راجع بتاریخ مناسبات ارضی صفحات ۷۵–۷۳) .شیخ ابوالخیر که ازاودر نامه سخن رفته است احتما لا متولی وقف خانقاه ابوالغیث است که ازحاکمان قبلی جوازداشته .اوخواسته است باحمایت از سوی جامی ،تصدیق سندمذکور رااز سلطان حسین بایقرادریافت نماید .

شماره (۱٤٦)۱٤۱ دراثرخواندمیرازخواجه مظفر وخواجه شمس الدین بعنوان مسوولان مالی یادشده است.(حبیب السیر ،جلد٤،صفحه ۸۲) .مخاطب نامه ازقرارمعلوم علیشیر نوائی است که اشخاص مذکور باکمك جامی تلاش میورزند حمایت اورا جلب نمایند .هنگامیکه سلطان ابوسعید حکمروان خراسان وماورالنهردر سال۸٦٦ر۱٤٦۲ –۱٤٦۱ برضدسلطان حسین بایقرا باسترآباد رفت مسوولین مالی مذکور همراه باخواجه معزالدین وزیردر اخذمالیاتهای فوق العاده قساوت ازخود بظهور رساندند .(زرلشکر ،نام بردار) .ابوسعید پس ازمراجعت بهرات وزیر رابقتل رساندو خواجه مظفر رااز مقامش دردیوان معزول ساخت .

آنگونه که از این نامه جامی معلوم است آن مسوولان مالی که در نامه جامی اسامیشان ذکرشده احتمالاً درزمان حسین بایقراپس از آنکه او بسلطنت هرات رسید (سال ۱٤٦۹)مجدداً بکارشان گمارده شدند. درنامه های جامی شماره های (۲۰۷) ۲۰۲ و(۵۱۱) ۵۰۵ از خواجه شمس الدین نیز یاد شده است .

شماره (۱٤۷) ۱٤۲. رجوع شود بتوضیح نامه شماره (۳٦) ۳۵

شماره (۱۵۱) ۲٤٦ . این نامه ظاهرا خطاب بنوائی مقارن سفر سوم جامی بسمرقند نوشته شده: آغازربیع الاول سال ۸۸٤ برابر ۲۳ ماه مه سال ۱٤۷۹ تاماه جمادی الاخر سال۸۸٤ برابر بااوت- سپتا مبر سال ۱٤۷۹ میلادی. رجوع شودبه توضیح نامه شماره (۱۰۸) ۱۰۳

شماره (۱۵۵) ۱۵۰ رجوع شودبه بتوضیح نامه های شماره (٦۷) ٦۲و (۱۰۵) ۱۰۰ .

شماره (۱۵۷) ۱۵۲. میرزا محمدعمرکه در نامه از آن نام برده شده پسر میرزا سلطان خلیل یکی ازشاهزادگان تیموری است. آنهنگام که سلطان حسین بایقرا بمبارزه علیه میرزا یادگار برای تصرف تخت سلطنت

هرات مشغول بود، میرزا محمد عمراز لشکراو گریخت وبقندهار رفت و از اطاعت سلطان حسین بایـقرا سرپیچید. این موضوع در مـاه ذیحجه سال ۸۷٤(ژون۱٤٦۹) بوقوع پیوست.میرزا محمد عمر بزودی هنگام جنگ با لشکر یان سلطان حسین بایقرا درفراه بقتل رسید. (خواند میر، حبیب السیر، جلد ٤، صفحـه های ۱۵۹ـ۱۵۸)

نامه جامی تقریـبا در این زمـان نوشته شده واوطی آن تقاضا میکند به مادرونزد یکان میرزامحمد عمرمقتول کمك شود .

شماره (۱۵۸) ۱۵۳. رجوع شودبتوضیح نامه شماره (۳٦) ۳۵.

شماره (۱۵۹) ۱۵٤. رجوع شودبتوضیح نامه شماره (۳٦) ۳۵.

شماره (۱٦۲) ۱۵۷. رجـوع شودبتـوضیح نـامه شـماره (۳٦) ۳۵.

شماره (۱٦٤) ۱۵۹. خواجه قطب‌الدین طاووس که جامی مساعی او را در حفرجوی درنامه اش متذکر میشودوزیر سلطان ابوسعید (سالهای ۱٤٦۹ ـ۱٤۵۱) پـاد شـاه تیمـوری سلف‌حسین بایقرا در هرات است. احداث کانال موسوم به جوی سلطان که ازشمال هرات میگذ شـته بانام قـطب الدیـن ارتـبـاط دارد ایـن کـانال‌از رود پـشـتان تـامنـبع ماهـیان ادامه داشته واز کارز گاه و دامنه های کـوه های زنجیـر گاه و مخـتار میگذشته . (قاسم بن یوسف ابونصرهروی. طریق قسمت آب قلب، مقدمه مایل هروی ، صفحات لد، لج و ۵٤عبدالرزاق سمر قندی. مطلع سعدین، جلد۲،فصل۳، صفحات ۱۳٦٤ـ۱۳٦۳). حفر کانال راکه بفرمان سلطان ابو سعید انجام‌گردیده خواجه قطب الدین‌طاووس سرپرستی میکرده. این کار قبل از لشکرکشی سلطان ابوسعیدبآذر بایجان (سال۱٤٦۸) بپایان رسیده است .

«بـاغ نظـر گـاه» کـه در نـامه جامی از آن‌سخن رفته است.در شمال خاوری هرات واقع است (قاسم بن‌ابونصر هروی. اثرنامبرده، صفحه ۵٤).

شماره (۱٦٦) ۱٦۱. علی صانعی‌که از او در این نامـه ذکری بمیان آمده (درنامه های دیگرعلاً الدین علی‌صانعی یامختصراً صانعی ـرجوع‌شود به نامـه های شـماره ۲۱۳/۱۲۸، ۲۳۹/۳٤۵) در آغاز سلطنت حسین با یقرا یکی از وزرا او بوده وسپس‌هنگامیکه سواستفاده او در امور مالی کشف گردید اموالش ضبط و خودش‌زندانی شدوپس از٦ سال نیز بتاریخ

۸۹۱/۱٤۸٦ اعدام گردید. (خواندمیر. حبیب السیر، جلد٤ ، صفحات ۳۳۰_ ۳۲۹).

بگواهی علیشیر نوائی صانعی مغرض بودواشعاربدی نهیسرود (مجالس النفائس صفحات ۷۸_۷۷) اوحتی درزندن شعر میسروده و برای علیشیر ار سال میکرده تا شفقت او را فراهمآورد وآزاد شود. زیرا متهم کننده اصلی صانعی علیشیر نوائی بوده(خواند میر. جبیب السیر ، جلد ٤، صفحه ۳۳۰) نامه جامی که خطاب باوست بین سالهای ۱٤۸٦_ ۱٤۸۰ هنگامیکه وزیر نامبرده درزندان بودهنوشه شده .

شمس‌الدین محمد تباد کانی نیزکه یکی‌از نویسنده گان نامه های موجود در «آلبوم نوائی» است همچون شاعروشیخ اهل تصوف هرات درنیمه دوم سده ۱۵ شهرت داشته (متوفی بسال۱٤۸٦/۸۹۱) رجوع‌شود دیباچه کتاب حاضر، بخش «مولفان نامه ها»شماره۷۰

شماره (۱۷۰) ۱٤۵. جامی امیربهلول را که در این نامه ازاو سخن رفته است در نامه شماره (٤۱۷)٤۱۱ نیزنزد گیرنده توصیه میکند .

شماره (۱۷۱) ۱٤٤. بیت یکم‌این‌نامه در منشآت جامی (دستنویس شماره ۲٤۸) در صفحه ب ۱٤ درقسمت «سفارش نامه لبعض الاصدقا» درج گردیده ولی در آنجامتن نامه‌موجود نیست .

شماره (۱۸۵) ۱۸۰. رجوع شودبتوضیح نامه شماره (۳٦) ۳۵ .

شماره (۱۸۹) ۱۸٤. رجوع شودبتوضیح نامه شماره (۱۳۳) ۱۲۸ .

شماره (۱۹۱) ۱۸٦. معنی مشروط سمر قندی گری(نیزنگ بازی سمر قندی ها) برای ما دقیقتاً میسر نشد.اگرجامی با این اصطلاح بعمل سیاسی مخبوس اشاره میکنددر اینصورت‌میتوان آنرا مربوط به مناسبات سیاسی متقابل تیمور یان سمر قندی(سلطان محمود و سلطان احمد) و حسین بایقرا دانست که طی ۳۰سال‌آخر قرن ۱۵ بایکد یگر خصومت داشتند .

شماره (۱۹۳) ۱۸۸. آنگونه که‌اززمان نامه برمیآید هنگام سفر جامی بحج (سالهای)۱٤۷٤_ ۱٤۷۲) بزودی‌پس از خروج ازهرات (۱٦ربیع الاول سال ۸۷۷ برابر با ۲۱ ماه اوت سال۱٤۷۲) برای علیشیر نوائی نوشته

شده که جامی طی همه سفر خود بااو مکاتبه داشته است (رجوع شود بتوضیح نامه های شماره ۲، ۱۳۲، ۱۲۷/۱٤٤/ ۱۳۹) .

شماره (۱۹٤) ۱۹۲. برای علیشیر بتوضیح نامه شماره (۳٦) ۳۵ .

شماره (۱۹۷) ۱۹۲ . برای علیشیرنوائی نوشته شد که جامی بخواهش اواثر نفحات الانس را در سالهای۱٤۷۹ـ ۱٤۷٦ تالیف نموده است (رجوع شود بتوضیح نامه شماره ۲). سفر بعدی جامی نزد خواجه عبیدالله سومین سفر اوبماورا النهر بمنظورملا قات باخواجه عبیدالله احرار که بسال ۱٤۷۹ /۸۸٤ ترتیب یافت(رجوع شود بتوضیح نامه های شماره (۱۰۸) ۱۰۳ (۱۲۱) ۱۱٦ .

شماره (۱۹۸) ۱۹۳. رجوع شودبتوضیح نامه شماره (٦۷) ٦۲ .

شماره (۲۰۲) ۱۹۷ . نام نسبت(وردهی) که در ین نامه نوشته شده واضح نیست وماآنرابر حسب شباهت‌آن بانام نسبت (وردهی) که در نامه شماره (۲٤۱) ۲۳٦خوانا نوشته شده‌خوانده ایم .

شاره (۲۰۵) ۲۰۰ رجوع‌شود بتوضیح‌نامه شماره (۳٦)۳۵ .

شمارة (۲۰٦) ۲۰۱ .آنطور که ازمتن این‌نامه برمیآیدپس‌از مراجعت جامی‌از مکه بهرات نوشته شده‌ـ۸ژانویه سال۱٤۷٤(رجوع‌شود بتوضیح نامه شماره ٦) .

شماره (۲۰۷)۲۰۲ ـرجوع‌شود بتوضیح‌نامه شماره (۱٤٦) ۱٤۱ .

شماره (۲۱۲)۲۰۷ .رجوع‌شودبتوضیح نامه شماره (۳٦)۳۵ .

شماره (۲۱۸)۲۱۳ .رجوع‌شودبتوضیح‌نامه شماره (۱٦٦)۱٦۱ .

شماره (۲۱۹) ۲۱٤ .رجوع شودبتوضیح نامه شماره (۳٦)۳۵ .

شماره (۲۲۰)۲۱۵ .بانام ظفرنامه‌دواثر مربوط بتاریخ آسیای میانه و خاور میانه درقرن ۱٤اوائل قرن ۱۵مشهورند .ظفرنامه یکم‌اثر نظام‌الدین شامی‌است که سال۱٤۰٤تنظیم‌گردیده.. (رجوع شود به ، ظفر نامه شرف الدین علی‌یزدی که سال ۱٤۲۵ تنظیم یافته (رجوع شود بچاپ شرف الدین علی‌یزدی . ظفر نامه ، تاشکند، سال ۱۹۷۲) .

شماره (۲۲٤) ۲۱۹. رجوع شودبنامه شماره (۳٦) ۳۵ .

شماره (۲۲٦) ۲۲۱. نام محمودمقری(قاری قرآن) در نامه شماره (۵۳۲) ۵۲٦ همچون شخص پیرفرتوت وبیمار ذکرشده که از گیرنده نامه تقاضائی داردجامی اینجا در نامه (۲۲٦) ۲۲۱ ، در باره او همچون را جع به شخص متوفی سخن میگوید وبرای پسراو سفارش میدهد. این امر گواه بر آنست که نامه های موجود در «آلبوم نوائی» بدان ترتیب زمان وصول آنها بدست گیرنده چسپانده شده اند .

شماره (۲۲۷) ۲۲۲. رجوع شودبه نامه شماره (۳٦) ۳۵ .

شماره (۲۲۸) ۲۲۳ . رجوع شودبه نامه شماره (۳٦) ۳۵ .

شماره (۲۲۹) ۲۲٤ . در اینجانظیر نامه (٦۷) ٦۲ جامی از سلطان همچون شخص سوم (خدمت ایشان)سخن میگوید و از قرار معلوم طرف خطاب او علیشیر نوائی است. آنطورکه درکتب ونشریات آمده سلطان حسین بایقرا هنگام تعقیب شاهزاده‌ابوبکر که علیه او قیام کرده بوده مبتلا به پادرد بوده وشاهزاده درنزد یکی استرآباد در رجب سال ۸۸٤ سپتامبر- اکتبر سال ۱٤۷۹توسط او دستگیرشد. (خواند میر. حبیب السیر، جلد٤، صفحه ۱٦۸) .این نامه جامی‌را میتوان بزمان مذکور منسوب شمرد .

شماره (۲۳۳) ۲۲۸.علاالدین علی(علی قوشچی) که از او در نامه نام برده شده دانشمند اختر شناس وریاضی دان مشهور قرن ۱۵ است (متولد سمرقند تقریباً بسال ۱٤۰۲)او که شاگرد ونزد یکترین دستیار الغ بیك بوده در تنظیم زیج جدیدکورگانی در رصد خانه سمرقند شرکت داشته است .

علی قوشچی پس ازقتل الغ بیك(سال ۱٤٤۹) بسال ۱٤۷۰ به تبریز وسپس به استانبول (ترکیه) رفتو در آنجا سال ۱٤۷٤ درگذشت. (در باره او وآثارش وراجع به زمان خروج او از آسیای میانه رجوع شودبه : اورنبایف. درباره زمان سفر علی قوشچی بخارج)

این نامه جامی همراه بادو توصیه او در باره واگذاری جواز خروج به علی قوشچی واعضأ خانواده وی(رجوع شود به نامه های شماره ۳۵۰/ ۳٤٤، ۵۳۷/ ۵۳۱) واطلاعات‌النظامی شرح حال نویسی جامی میسر میسازد زمان خروج به علی قوشچی‌از حدود دولت تیموریان را معین‌نمود

. (رجوع گرددبه: اورونبایف ، درباره زمان سفر علی قوشچی به خا-
رج . بنابر نوشته النظامی ، علی‌قوشچی هنگامی که ۷۰ ساله بود
یکبار با جامی در هرات ملاقات نمودافکار خلاق خود در مورد ایجاد آثار
جدید و قصدش بعزیمت ترکیه را بااودر میان نهاد . (مقامات مولوی جامی
، دستنویس شماره ۱۳٥٤، صفحات آ٢٤-ب ٢٢). از این موضوع بنظر
میر سد که نامه مذکور جامی در باره‌وا گذاری جواز خروج «نشان راه» به
علی‌قوشچی‌در سالهای ١٤٧٠-١٤٦٩نوشته شده است. لذا خروج علی
قوشچی هم از هرات بااین تاریخ‌انطباق میبابد .

شماره (٢٣٦) ٢٣١. رجوع شودبه نامه شماره (٣٦) ٣٥ .

شماره (٢٣٩) ٢٣٤. متن نامه بامحتویات نامه های جامی در آلبوم
تحت شماره های (٢٥٢) ٢٤٧ و(٢٥٤) ٢٤٩ مربوط میباشد. ضمنا
نامه شماره (٢٥٢) ٢٤٧ پیش ازنامه (٢٣٩) ٢٣٤ نوشته شده‌و معهذا در
آلبوم پس از آن قرار دارد.

هرسه نامه حاوی توصیه ، در رابطه بایك موضوع نوشته شده اند
وگواه براینندکه مقام‌محتسب باتوافق‌مقام عالی حکومت میتوانسته موروثی گردد وبا مقرری دولتی تامین‌شود

شماره (٢٥٠) ٢٤٥. رجوع شودبنامه شماره (٣٦) ٣٥ .
شماره (٢٥٢) ٢٤٧. رجوع شودبنامه شماره (٢٣٩) ٢٣٤ .
شماره (٢٥٣) ٢٤٨. رجوع شودبنامه شماره (٣٦) ٣٥ .
شماره (٢٥٤) ٢٤٩. رجوع شودبنامه شماره (٢٣٩) ٢٣٤ .

شماره (٢٦٠) ٢٥٥، سلطان‌محمود مذکور در نامه (پسر سلطان
ابوسعید) حکمران حصار بوده. برادران شیری او (کوکلتاش ها) هنگام
مصادمه لشکر سلطان حسین ولشکردوبرادر :سلطان احمد حکمران سمر
قندوسلطان محموددر سالهای ١٤٧٤-١٤٧٣ ممکن بود با سارت لشکر
حسین بایقرا در آیند . در آلبوم دونامه خواجه احرار نیز هست (شماره
های (٢٧٤) ٢٦٩ و (٤٩٧) ٤٩١ که‌در آنها مولف نامه خواهش میکند که
کو کلتاشان سلطان محمود رابه‌این‌طرف(از هرات بسمرقند) روانه کنند
این اشتراك مضمون نامه های جامی‌وخواجه حاکی از آنست که دربعض
موارد خواجه احراراز جامی استمدادمینموده. همچنین رجوع شود به
توضیح شماره (٢٤٧) ٢٤٢ .

شماره (۲٦۷) ۲٦۲. در آلبوم نامه های بامتن مشابه وباامضأخواجه عبیدالله که در این نامه از اونام برده شده وجود دارد (شماره ۲۸۱/ ۲۷٦) این موضوع حاکی از آنست که خواجه عبیدالله ، فئودال بزرگ ما ورا النهر وصوفی مشهور بار وآوردن به در بار هرات در را بطه باکاری میکوشیده از اعتبار جامی همزمان با کسب توصیه او بسلطان حسین با- یقرا (یاعلیشیر نوائی) برای آنکارراستفاده نماید. خواجه عبیدالله بدعوت سلطان ابوسعید (۱٤٦۹- ۱٤٥۱)هنگام قشلاق وی درمرو (نوامبر سال ۱٤٦۷- فوریه سال ۱٤٦۸) قبل ازلشکر کشی او بآذربایجان در مرو اقامت داشت‌اسفزاری روضات الجنات، صفحات ۲۸۰- ۲۷۷) .

شماره (۲۷۹) ۲۷٤. شعر جامی‌حاوی ماده تاریخ مرگ خواجه عبید الله فوق الذ کراست (رجوع شودبه توضیع نامه شماره ۲٦۷/ ۲٦۲) معنای عددی حروف در کلمات «مقتول‌شهید» معادل‌ار قام‌سال ۸۹٥ (۱٤۹۰ -۱٤۸۹) میباشد. ۳۰ ربیع الاول‌که جامی در شعر خود بآن اشاره میکند گفت که تاریخ دقیق مرگ‌خواجه عبیدالله ۳۰ ربیع الاول سال ۸۹٥ هجری است (۲۱ فوریه سال۱٤۹۰) .

شماره (۳٤۰) ٤۳۳ رجوع شودبه توضیح نامه شماره (۱۰۸) ۱۰۳.

شماره (۳٤٥) ۳۳۹ . رجوع شودبه توضیح نامه شماره (۱٦٦) ۱٦۱.

شماره (۳٥۰) ۳٤٤ رجوع شودبه توضیح نامه شماره (۲۳۳) ۲۲۸.

شماره (۳٥۹) ۳٥۳ رجوع شودبه توضیحات نامه های شماره ۲،(۱۰۸) ۱۰۳ (۱۹۷) ۱۹۲ .

شماره (۳٦۰) ۳٥٤. باقضاوت برپایه قیه برنامه شماره (۳٦۸) ۳٦۲ توصیه جامی برای خواجه خضراز سوی گیرنده نامه پذیر فته شده‌و او برای ساختن حوض‌در صدد خریدن‌خشت است .

شماره (۳۷۰) ۳٦٤ . رجوع شودبه توضیح نامه شماره (۳٦) ۳٥ .

شماره (۳۷٥) ۳٦۹. رجوع شودبه توضیح نامه شماره (۳٦) ۳٥ .

شماره (۳۷۹) ۳۷۳. امیر مغول‌یکی از سرداران خراسان بوده . او بار ها در لشکرکشیهای سلطان حسین بایقرا ببلخ علیه تیموریان ماورأ النهر (سلطان‌احمدو سلطان محمود) شرکت داشته

. هنگامی هم که سلطان حسین ببلخ تسسلط یافت حکومت این ولایت را دار اشد. (سالهای ۱۴۷۲-۱۴۷۰)امیر مغول قبل از انکه علیشیر نوائی به حکمرانی استرآباد انتصاب یابد (سال ۱۴۸۷)، و نیزپس از او حکومت این منطقه رادارا بود (سال ۱۴۷۹)- امیر مغول در سال ۱۴۹۰ ازاطاعت حسین بایقرا سر باززد وبآ زربایجان گریخت واز سوی سلطان بای سنقر (سالهای ۱۴۹۱- ۱۴۹۰) پسر سلطان یعقوب (سالهای ۱۴۹۰-۱۴۷۹) بخوبی پدیرائی شدولی بزودی (سال ۱۴۹۱ توسط همین سلطان باتهام خیانت بقتل رسید. (خواند میر. حبیب السیر، جلد ۴، صفحات ۱۴۰ ،۱۴۳، ۱۵۳، ۱۸۷-۱۷۹، ۱۹۸) .

نامه جامی آنگونه که ازمتن آن برمیآید بزودی پس از انتصاب امیر مغول بحکمرانی بلخ نوشته شده وازقرار معلوم طرف خطاب اوسلطان حسین بایقرا است .

شماره (۳۹۹) ۳۹۳. از زمره مکاتبات جامی با علیشیر هنگام سفر جامی بمکه (سالهای ۱۴۷۴ -۱۴۷۲)است. تاریخ دوم رمضان که درنامه قید شده (رجوع شود بتوضیح نامه شداره ٦) متعلق بسال ۸۷۷ هجری (۳۱ژانویه ۱۴۷۳) است .

شماره (۴۰۵) ۳۹۹. گیرنده علیشیر نوائی است این نامه در منشآت جامی در فصل «بارکان دولت» (دستنویس شماره ۱۳۳۱، صفحه آ ۵۴۱) وخمسة المتحیرین علیشیرنوائی (صفحه ٤٤) درج میباشد که در آن تاریخ تحریر آن قید گردیده . نوائی این نامه جامی را در راه مرو که همراه سلطان حسین بایقرا که برای قشلاق عازم آنجا بود واز آنجا میبایستی باسمت حمکران باسترآبادعزیمت نماید در یافت کرد. توضیح مشروح این سفر همچنین توسطخواند میر انجام گرفته (حبیب السیر، جلد ٤، صفحه ۱۷۹). واوطی آن،،سال قشلاق کردن در مرو (۱۴۸۷/ ۸۹۲) را متذکر میشود. در نامه پیرامون ارسال رساله جامی اطلاع داده شده. نوائی در نامه پاسخی خود که آنرادر خمسة المتحییرین نقل نموده (صفحات ٤٤،ب- ٤٥) بدوست خوداطمینان میدهد که رساله مذکور «بعرض همایون» یعنی سلطان حسین بایقرا عرضه خواهد شد .

شماره (۴۰۷) ۴۰۱. از زمره مکاتبات دوستانه جامی بانوائی است. ولی نه درخمسة المتحییرین علیشیرنوائی ونـه در منـشآت جامـی دیده نمیشود .

شمـاره (۴۰۹) ۴۰۳ . در زمـرهنامه هائی اسـت هنگام سفـرحج در سالهای ۱۴۷۴ـ ۱۴۷۲ برای علیشیرنوائی ار سال گردیده. راه باز گشت جامی ازمکه بهرات از دمشق به تبریز گذشته تاریخ خروح اواز مدینه ـ ۲۷ ذیحجه سال ۸۷۷ برابر ۲۵ ماهمه سال ۱۴۸۳ میباشد . (رجوع شود به توضیح نامه شماره٦). نامه حاضرنیر بهمین تاریخ تعلق دارد .

شماره (۵۱۱) ۵۰۵. رجوع شودبتوضیح نامه (۱۴٦) ۱۴۱ .

شماره (۵۱۵) ۵۰۹. رجوع شودبتوضیح نامه شماره (۳٦) ۳۵ .

شماره (۵۱۸) ۵۱۲. ازقرارمعلومبزودی پس از جلوس سلطان حسین بایقرا بتخت سلطنت در هرات (سال۱۴٦۹) نوشته شده. چنانکه از نامه برمیآید ماموران یاد کار محمد میرزاهنگام سلطنت کوتاه مدت او درهرات اندکی قبل از سقوط او وقتلش بو سیله حسین بـایقرا (سـال ۱۴۷۰) قند خریداری کرده بودند .

شماره (۵۲۰) ۵۱۴. بنظر میرسدبرای علیشیر نوائی نوشته شده و گواه آنست که جامی از حداقل امکان برای اطلاع دادن از خود وکار هایش بدوست خویش استفاده نموده. این موضوع که جامی خود «برفت وروب خانه مدرسه مشغول بوده» گواه بر شیوه زنـده‌گی محجو بـانه اوست .

شماره (۵۳۲) ۵۲٦. رجوع شود به توضیح نامه شماره (۲۲٦) ۲۲۸.

شماره (۵۳۷) ۵۳۱. رجوع شودبه توضیح نامه شماره (۲۳۳) ۲۲۸.

شماره (۵۳۹) ۵۳۳. رجوع شودبه توضیح نامه شماره (۳٦) ۳۵ .



اصطلاحات

امارت مآبی «»ـ پناهگاه حکومت‌عنوان امرا است . (سمیونف. مقاله نظام صفحه ۵۷) .

عوارضات ـ مالیاتهای فوق العاده‌ای که برای هزینه های مربوط بجنگ یا انجام مراسم باشکوه دردربار وغیره از مردم اخذ میشده.(پترو شفسکی . کشاورزی ، صفحات ۳۸۳ـ۳۸۲، مالچانف. پیرامون خصائص سیستم مالیاتی. صفحه ۱۶۱، محمودف. کشاورزی صفحه ۷۷ وبعد) .

منصب اذان در نامه شماره۲۲۶/ ۲۲۱ جامی بنظر میرسد همان موذن باشد .

بزرگر دهقان وابسته فئودالی‌واکثرا منفرد. (تاریخ ملل ازبکستان، جلد۱ صفحه ۲۳۶و بعد،پترو شفسکی کشاورزی. صفحات ۳۰۹/۹۷وبعد) در نامه جامی (شماره ۳۸/ ۳۷) این‌اصطلاح بمعنی دهقان‌منفردا جاره‌کننده زمین است

بخشی نامه نگاران، ماموران ادارات جنب حکمرانان تیموری. (سمیو نف. مناسبات متقابل علیشیر نوائی‌وسلطان حسین میرزا، صفحه ۲۳۸، همان مولف. رساله بخاری ، صفحه۱۴۳) بنابر اظهار محمد حیدر یکی از مولفان‌قرن۱۶معمولا نامه نگاران‌ایغوری‌راچنین‌می‌نامد (تاریخ ملل ازبکستان، دستنویس شماره ۱۴۳۰ ،صفحه ب۱۲۱) .ولی شرف الدین علی یزدی، یکی از مولفان قرن ۱۵ بمحاذات استقاده از این کلمه بامعنی مذکور (ظفر نامه ، دستنویس شماره ۴۴۷۲ ،صفحه ب ۹۰)آنرا بمعنی نامه نگاران ترک بطور کلی نیز استعمال میکند .(بخشیان ترک‌ـصفحه ب ۹، بخشیان‌تر کستان‌ـ صفحه ب ۷)

بلوک ـ واحد اداری ارضی ای .پ پترو شفسکی آنرا جزئی از ولایت میشمارد. (کشاورزی، صفحه۴۹). بنابر اظهار حافظ ابرو تاریخ نویس وجغرافی دان هرات در نیمه یکم قرن ۱۵ حومه شهر هرات در آنهنگام به هفت «بلوک» از اینقرارتقسیم میشده: گداره، انجیل، آلنجان، خیابان ، توران وتونیان‌سبقر ، غوروان وپاشتان (جغرا فیای حافظ ابرو، صفحات۴۲ ـ۱۵). بکوششش مایل هروی

وظیفه » (وظایف) این اصطلاح ،کثیر المعنی است.درسده‌ها ی اولیه استعمار عربی ماو را النهر این اصطلاح بیش ازهمه بمعنی‌خراج بوده

وظایف بمفهوم نفقه بکار میرفته صفحات ۲۳۹،۲۷۰). کشاورزی اصطلاح مذکور آنگونه هم که درنامه های جامی بکار رفته بمعنی مقرری، ماهانه باز نشستگی ،وجوه دریافتی از وقف است چخویچ .اسناد بخارا، صفحه ۲۲۵ ، موقمینوا. پیرامون مناسبات ارضی ،صفحه ۳۲۵).

وکیل ـ معتمدی که امور مالی واقتصادی را اداره میکند. (پترو شفسکی . اسلام در ایران، صفحه ۱۸۱ ، چخویچ ، اسناد بخارا، صفحه ۲۱۹، توضیح ۲۹) .

در نامه جامی و (شماره ۲۱۸/۳۲۲) نیز اصطلاح مذکور بامعنی فوق بکار رفته است .

وقف ـ اموال منقول وغیر منقول وصیت شده طبق حقوق اسلام توسط هرشخص برای استفاده موقت یاابدی موسسات مذهبی اسلامی یا موسسات خیریه .

در آمد های وقف هاهم بمصرف حفظ وساختمان بنا های مذهبی یا خیریه وهم بمصرف مخارج اشخاصی که منتسب باین موسسات هستند نظیر متولیان،مدرسان،محصلان مدرسه دینی وغیره میر سیده به املاك وقفی مالیات تعلق میگرفته ولی اغلب براساس مجوز هائی بنام «عنایت نامه» از مصونیت مالیاتی برخوردار میشدند. (تاریخ ملل از بکستان ، جلد۱ صفحات ۲۳۴ـ۲۳۳) ، پترو شفسکی .کشاورزی ، صفحات ۲۴۹ ـ ۲۴۷، همین مولف .اسلام در ایران، صفحات ۱۶۱ـ۱۶۰، محمودف . کشاورزی ، صفحات ۶۸ـ۵۴،موقمینوا. پیرامون تاریخ مناسبات ارضی ، صفحه ۷۳ وبعد، عبدالرحیمف . مقاله مناسبات ارضی، جلد۲ ،صفحات ۷۸ ـ ۶۳) .

وقفیه » یا «وقف نامه »ـ (گواهینامه وقف)ـ سند حقوقی است که ارائه اموال منقول وغیر منقول برای استفاده موسسات مذهبی را قانونی میسازد (رجوع شود بتوضیح اصطلاح «وقف»). وصیت کننده وقف میتوانسته ومیتواند شرایط مختلف را برای نحوه استفاده ازدرآمده های وقف مقرر نماید وحتی خود یااعقاب خویش رابمدیریت امور وقف (متولی) منتصب کند. (پترو شفسکی. اسلام در ایران.صفحه ۱۶۰، موقمینوا پیرامون تاریخ مناسبات ارضی .صفحه ۵ ،چخویچ ۱۰اسناد بخارا، صفحات ۲۱۱ و۲۲۱ وغیره) .

دفتر فهرست مالیاتها وعوارض .

دفتردار ــمسوول انجام یاد دا شتهای دفتری (رجوع شود به اصطلا ح «دفتر»)
درنامه جامی (شماره ۱۰۸/۱۱۳)اصطلاح مذکور بااین معنی بکار میرود.
جفت گاو معنی تحت اللفظی آن (دوگاو) و (گاو بندی برای کار های زراعتی) است ولی معنی معمول آن شامل قطعه زمینی است که طی یك موسم باکمك دو گاونر کشتکار شود.اند ازه متوسط «جفت» برای خراسان و آسیای میانه در زمینهای زیرکشت گندم وجو ٦ تا ۷ هکتار بوده (مالچا نف. راجع به خصایص سیستم مالیاتی، صفحه ١٦٦، توضیح شماره ۲۷).
جفت گاو، همین بمنزله واحد مالیات وعوارض دهقانان ــتعیین در آمد و تقسیم و گروه بندی دهقانان برای بیگاری در تصفیه قناتها و کاریز ها وغیره بکار میرفته . (پترو شفسکی،کشاورزی ، صفحات ۲۹۰ــ۲۸۹).
درویش ــعابد وپرهیز گارفقیرکه درسیرو سفریا در خانقاه بسر میبرد. درنامه های جامی این اصطلاح معادل کلمه «فقیر» همچون مترادف «صوفی» ویابمعنای تحت اللفظی آن یعنی «تنکدست» بکار رفته است .
دیوان ــ اداره دولتی وسیستم مؤسسات دولتی .روسای دیوانهای
دیوان وقف یعنی موسسه نظارت رسیدگی میکردند از دیوان عمده فرعی که بامور مختلف زنده گی کشور بکستان جلد۱، صفحات ۲۴۷ و۲٤٦). تبعیت مینمودند. (تاریخ ملل ازکننده بروقفها. تعیین درستی واصل اسناد وقف، حل وفصل اختلا فات نا شی از تصاحب واداره اموال وقفی در حیطه اختیارات آن بوده. درراس این دیوان مقامی بنام «صدر» قرار داشته که یکی ازمقامات عالی روحانی بود. (پترو شفسکی . کشاورزی ، صفحه ۱۴۹ ، موقمینوا. پیرامون مناسبات ارضی صفحه ۷۵) .
دینار ــ نام سکه ایست که درزمانهای مختلف ارزش گوناگون داشته در آسیای میانه درقرن ۱۵ اساسا سکه کوچك مس بوده ضمنا به ضرب سکه های نقره که معمولا «کپکی» موسوم بوده نیز ادامه میدادند دینار مسی در تفاوت از دینار نقره «هراتی» نام داشت و شش دینارمسی هراتی برابریك کپکی نقره بوده (داوید ویچ مواد. صفحات ۲۸۲، ۲۹۲، همان مولف . مواد مربوطه به مسکوکات، صفحات ٤١ــ٤٠).
دودی ــ مالیات دودی ، یکی ازانواع مالیاتهای فوق العاده که ازمردم برای تجدید لشکرو تسلیحات اخذمیشده. این مالیات هنگام نیاز های

حاد، بوجوه پولی اخذ میشده.(محمودف، کشاورزی، صفحات۸۲ـ۸۱،اسناد سمرقند، صفحه ۲۲).

زکات ـمالیات شریعتی متناسب بادارائی که از تجارت وبرحسب تعداد دام ها واموال غیر منقول اخذمیشده ویك چهلم ارزش اشیأ مذکور را تشکیل میداده . (پترو شفسکی اسلام در ایران، صفحات ۳۶، ۷۷ ، همان،مولف کشاوزی ،صفحات ۳۸۶،۳۶۰)

اجاره ـ استفاده پیشه وران ، فروشند گان وکشا ورزان از کاروانسراها، دکانها کارگاه‌ها، حمام‌وغیره‌متعلق به ملاکان وفئود الهادر برابر پرداخت پاداش هاو عوض های معینی‌که طبق قرار داد مقرر میشود. (موقمینوا. پیرامون‌تاریخ‌مناسبات ارضی‌صفحه ٤٨) .

اخراجات » ـ اصطلاح مالیاتی شامل گروهی از مالیاتهائی است که برای تامین هزینه های نگهداری مقامات مقرر بوده. دربین آنها «اخراجات مقرری «بمعنای مالیا تهای» دائمی و«خرجیات» بمعی مالیاتهای فوق العاده وجود داشته است. (پترو شفسکی کشاورزی، صفحات ۳۹۰ـ ۳۸۹) .

احتساب ـ رجوع شود با صطلاح «محتسب» .

کلانتر ـ ارشدوکد خدا کلانترهادر شهرها ریاست شعبه های پیشه وری راعهده دار بوده‌اند از حکومت‌اداری وقضائی استفاده میکرده‌اند. (تاریخ جمهوری ازبکستان شوروی ،جلد ۱. کتاب ۲، صفحه ۲۳، امسنا دمر بوط بتاریخ مناسبات ارضی ،صفحه ۲۳۹، توضیح ۱۰۸). لغت کلانتردر نامه های جامی بمعنای کدخدای‌ده بکاررفته .

کاریز ـ سیسم آبیاری مبتنی براستخراج آبهای زیر زمینی بوسیله مجاری زیر زمینی وچاه های نظارتی.(تاریخ مللاز بکستان، جلد۱ ،صفحه ٤٤، پترو شفسکی. کشاورزی، صفحات ۱۳٤ـ ۱۳۳) .

دینار کپکی »ـ دینار نقره بوزن۸/۵۲ گرم نقره توسط خان مغول بنام کپك رواج یافته (سالهای ۱۳۲۷/۷۲۷/۱۳۱۸/ ۷۱۷). (مالیچانف. پیرامون‌سیستم مالیاتی، صفحه ۱۵٦،داویدویچ ، مواد جدید مرط به مسکوکات. صفحه ٤۱) .

کوکلتاش» (کوکه ـ داش) ترکی‌است و تحت اللفظی بمعنی (برادر شیری) یعنی پسردایه شاهزاده ،

لنگر سکو نتگاه عمومی در ویشان که همچنین خانقاه وزاو یه و تکیه نیز نام داشته . (پتروشفسکی.اسلام در ایران ، صفحه ۳۲۲).

لشکر ـ سپاه وارتش. در نامه‌های جامی همین کلمه بمعنای مالیات

بسود لشکرویا باصطلاح مشهور«زرلشکر» بکار رفته استمعنای تحت اللفظی زرلشکر پول برای ار تش ومالیاتی پولی است (محمودف ، کشاورزی، صفحه ۸۷ و بعد).

موالی » ـ جمع کلمه مولا. این لغت کثیر المعنی است. که موالی نزد اعراب بمعنای مسلمانان جدیدو بردگان آزاد شده ای هستند که تحت حمایت ارباب‌خود باقی‌میمانندهمچنین‌بمعنای ار بابان است. (پترو شفسکی . اسلام وایران) ، صفحات ۳۶، ۱۹۰، ۲٤۲) در نامه های جامی این اصطلاح ازقرار معلوم بمعنای اخیر بکار رفته است .

مددی » ،«مدد»ـ کمك، حمایت ،مساعدت، یکرشته از مالیاتهای فوق العاده این نام راداشته اند مانند اخذمددلشکر (تحت‌اللفظی «کمك بارتش» رجوع شود به : عبدالر حیمف. بررسی‌مقاله مناسبات ارضی، جلد۲، صفحه ـ ۱۸۷). «مدد تویانه» (جمع آوری وجوه ، رجوع شود به : اسناد سمر قند قرون ۱٦ـ۱۵ .صفحه ۲۱٤)،وهمچنین مددنام بردار (کمك بارتش ،رجوع شود به : کتاب‌حاضر، نامه های شماره (۱۳٤) ۱۲۹، (۱۹٦) ۱۹۱ وتوضیح بر اصطلاح‌نام بر دار). آنگونه که ازنامه های‌جا می برمیآید این مالیات فوق العاده ازنوع پولی بوده (رجوع شود بنامه های شماره (۲۹۳) ۲۸۹و (٤١٤)٤٠۸

مدد نام بردار»ـ رجوع شود به «نام بر دار» .

مزارع»ـ رجوع شود به مزرعه .

مزرعه » کشتزار. همچنین سکونتگاه ، ملك، اکثراً کوچك که میشد بقطعات ریزی که دهقانان در آنهامسکون بودند تقسیم شود. (پترو شفسکی. کشاورزی. صفحات ۲۹۷ـ۲۹۰) .

مال (جمع‌آن «اموال») ، دارائی‌این لغت بمعنی مالیات بطور کلی و پرداخت ارضی استعمال میشده ومترادف بااصطلاح «خراج» بموده .

(پترو شفسکی ، کشاورزی ،صفحات ۲۷٤ـ۲۷۳ ، محمودف ، کشا ورزی ، صفحه ۷۵وبعد عبدالر حیمف مقاله مناسبات ارضی ، صفحه ۱٦۲ وبعد) در نامه های جامی اصطلاح‌مذکور بمعنای دوم‌خود بکاررفته است

مولانا »ـ تحت اللفظی بمعنای آقای ماست درزمان جامی همچون خطاب (۱۴۰۵ـ ۱۳۷۰) این اصطلاح درموردخود ویژه محتر مانه ای بکار میرفته که قبل از نام دانشمندان ، شاعران موسیقی دانان وغیره قرار داده میشده .(بولد یرف. علیشیر نوائی درداستانهای معاصران . صفحه ۱۲۷، توضیح شماره ۵).

میرآخور ـ رئیس اصطبل، مهترارشد. در قرن ۱۵ ، زمان تیموریان نقش بزرگی رادر در بار ایفا میکرده.(تاریخ ملل از بکستان ، جلد ۱،صفحه ۳۹۱، بار تولد. تشریفات در دربارخانهای از بك. آثار جلد۲، فصل ۳۹۶ ، سمیونف . رساله بخاری ، صفحه ۱۵۰، همان مولف، مقاله نظام صفحه ۶۰ .

مهتر رئیس، ارشد، بزرگ مسوول ارشد اصطبل. همچون یك اصطلاح تاریخی بمعنای کدخدای ده(تاریخ مللازبکستان، جلد ۱،صفحات ۱۹۷ـ۱۹۶) یارئیس پیشه وران بوده(موقمینوا، مقاله پیرامون تاریخ پیشه وری ، صفحه ۳۳) .

همچنین معنی کارمند اداره امورمالی را داشته (سمیونف. رساله بخا را . صفحه ۱۴۷، اسناد مربوط بتاریخ مناسبات ارضی ، صفحه ۲۳۸ ، توضیح ۹۳). استعمال اصطلاح مهتر درنامه جامی (شماره ۲۲۱/۲۱۶) همراه با لغت رکابدار گواه برآنست که اصطلاح مذکور همچنین بمعنای مقامی درتشریفات در باری بوده .

مباشران (جمع مباشر) ـ مدیر، رئیس، مسوول . مانند مدیر اموروه که از سوی دیوان یاصاحب زمین انتصاب مییافته . (پترو شفسکی، کشا ورزی ، صفحه ۳۰۸) . در نامه جامی بمعنای مدیرامور وقوف استعمال گرد یده .

مجاور ـ درویش مقیم در جوارمقبره مقدس که بحساب نفقه ووجوه وقف متعلق به مقبره زنده گی میکرده. (رجوع شود بفهرست هزینه های وقف در کتاب : موقمینوا. پیرامون تاریخ مناسبات ارضی صفحه ۶۰ با برنامه صفحه ۴۵۴ خواجه سمندرترمزی دستور الملوك صفحه ۲۰۳ توضیح شماره ۱۹۶.

مزارع دهقان وابسته فئودالی اغلب متفرد که در قطعه زمین کوچکی کشاورزی میکرده همچنین رجوع شود به «مزرعه» پترو

شفسکی کشاورزی صفحه ٥٦ و بعد اسناد سمرقند قرن ١٦-١٥ صفحه مزارع نظیر اقشار مالیات دهنده، تودهٔ اساسی مالیات دهندگان کشور بوده اند. (موقمینوا، پیرامون تاریخ مناسبات ارضی، صفحه ٥٧).

ملازم «کسی که حاضر بوده و در صورت اجرا مجدانه اجرا سفار شهای گوناگون نزد رومسامدااما حضور دارد» شخصی که برای کارش وارد قشر کار کنان ادارات دولتی و یا ارتش میشده (تاریخ ملل ازبکستان، جلد ٢، صفحه ١٥٤) . در نامه های جامی این اصطلاح بمعنای مقرب پادشاه یا شخصی از اطرافیا نمقام عالی روحانی استعمال گردیده،

متولی»- اداره کننده وقف که در ازا خدمت خود سهم معینی از در آمدهای اموال موقوفه را در یافت میدارد. ارجا اشخاصی از خاندان و وصیت کننده وقف میباشند.

مقام اداره کننده وقف پردر آمد بوده وسواستفاده متولیای از وقف پدیده نادری نبوده علیشیر نوائی در اثر خود بنام وقفیه نوشته است که بمیل برخی ازمتولیات محصلان تنگدست مدرسه (مجبور بوده اند) برای نوشتن نامه یك ورق کاغذرا تمناکنند. (مونو کمینوا. پیرامون تاریخ مناسبات ارضی صفحات ٦٨-٦٧،٧٢ ٧٠).

محصل - مامور مالی گرد آورنده مالیات. (پترو شفسکی. کشاورزی، صفحه ١١ و بعد). در منابع قرن ١٥ واز جمله در نامه جامی (شماره ٣٧٦ر٣٧٠) ، محصل مقامی بوده که مالیات های عقب افتاده را از اهالی وجوه دولت را از مقامات مسؤل دارائی ایشان طبق فرمان خاص ضبط میشده دریافت میکرده.

محتسب»-مقام محترم ووسیع ارایج در خاور اسلامی فئودالی. این قبیل اشخاص مراقب رعایت احکام وموازین مذهبی واخلاق اسلامی بوده اند. محتسب از جمله ناظر بربازار بوده، زیرا ازدرستی اوزان واندازه هادر بازار و کیفیت خوار بار ومحصول وبهای آنهاوغیره مراقبت میکرده. (تاریخ از بکستان شوروی، جلد ١، کتاب ١، صفحه ٢٢٠، پترو شفسکی اسلام در ایران، صفحه ١٩٥ و بعد، بابر نامه صفحه ٤٤٤).

نامبردار-مشهور ومعروف شونده . در زمان تیموریان طبق تحقیقات محمودف (کشاورزی، صفحه ٨٥ و بعد) بمعنای مالیاتی بوده که از مردم فارغ از خدمت لشکر برای تامین نیاز های ارتش غیر منظم که فقط در هنگام

عملیات نظامی تشکیل میشده اخذ میگردیده. عبدالرزاق سمرقندی مولف قرن پانزده این اصطلاح را بمعنی جمع آوری پول بمحاذات دیگر مالیات ها نظیر زر لشکر بکار می برد. (مطلع السعدین ،جلد ۲ صفحه ۱۲۵۰) .

اصطلاح «نام» بردار بامعنی همساز (وجوه نام بردار) در روضات الجنات (جلد ۲ صفحه ۲٦۰) اثرا سفزاری ،هنگام توصیف وقایع زمان ابوسعید پادشاه تیموری (۱٤٦۹– ۱٤٥۱) مشاهده میشود. ولی اطلاع دردست است که اندکی قبل در زمان تیمور ارتش غیرمنظم نیزبکار میرفته (شرف الدین علی یزدی ،ظفرنامه .دستنویس شماره ٤٤٧۲، صفحه آ ۳٥۹). اصطلاح مذکور همچنین در مجمل فصیحی« (صفحه های ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۷۰) اثرفصیح خوافی مولف نیمه یکم قرن ۱٥ بمعنی شرکت شخصی اهالی غیر نظامی درارتش هنگام لشکرکشی ها بکاررفته است .

در نامه های جامی «نام بردار» (گاهی مدد نام بردار بمعنی مالیات پولی در مورد عملیات نظامی است که ازاهالی طبق فهرست «دفتر» معین اخذ میشده. (آنطور که از نامه شماره ۲۳۱–۲۳٦ برمیاید برای شهروولایت ها بطور جداگانه گرفته میشده) .

«نام بردار» باهمین معنی دریکی از نامه های خواجه عبیدالله (آلبوم نوائی شماره ٥۰٦ / ٥۰۰) استعمال شده. اودر این نامه از گیرنده تقاضا میکند یکی از اشخاصش رااز عارضه نام برداری معاف سازند محمدبن امین الدین نیز نظیر همین تقاضااز دربار بایقرا مینماید نامه شماره ٤۳٥ – ٤۳۰) .

کثرت ذکر «نام بردار» در نامه های جامی همچون عوارض پولی سنگین برای مردم گویای آنست که در زمان سلطان حسین بایقرا «نام بردار» به یکی از مالیاتهای دایمی تبدیل شده بوده. این موضوع را همچنین فرمان حسین بایقرا در مورد (مالیات) نام بردار قشونی تایید میکند که در آن تاریخچه تبدیل این وظیفه به اخذ هرساله پول بوضوح ذکر گردیده . است .در این فرمان ازجمله خاطرنشان میشود که ماموران مغرض مالیاتی برای برخی از اشخاص ثروتمند میزان مالیات اصلی (مال) را کاهش میدادند و کمبود مجموع مبلغ مال رابحساب اخذ هرساله نام بردار قشونی از مردم بطور هرساله جبران میکردند و باین ترتیب آنرا بمالیات دائمی مبدل

نمودند. این امر بورشکستگی اتباع‌ممنجرگردیده سلطان ناگزیرشدفرمانی را صادر نماید که اخذ این عوارض‌رامشروط به‌منحصر بزمان عملیات جنگی کند .(عبداله مروارید. منشـآت‌مروا ریـد، دستنویـس ۲۸۶/۲ ، صفحات ۵۲۲آ‌ـ آ ۵۱، همچنین مراجعه‌شود به : محمـودف . از تـاریخ منا سبات ارضی صفحات ۳۱ـ۲۹ ، همان‌مولف‌ـ کشاورزی ،صفحات۸۶ ـ۸۵) «پیشکش» درنامه جامی (شماره۵۲۶ـ۵۲۰) بمعنای گرداوری وجوه‌و سایل ازمردم برای اهدا بشاه یامقام عـالی‌رتبه استعمال شده‌حاکمان‌محل ببهانه پیش کش ازاتباع ووجود ووسایل ر اخذمیکردند وخودشان‌تصاحب می‌نمودن (محمودف کشاورزی صفحات۸۵ ـ۸٤ ا

رعایا (جمع «رعـیت»)ـ قـشر مالیات دهنده وبـویژه اهـالی زارع مسکون واقشارپائین ومتوسط شهری. (پترو شفسکی ،کشاورزی . صفحه ۳۰۵) .

رعیت رجوع شود به «رعایا».

رسم الصدارهـ جمع‌آوری وجوه‌برای نگهداری و زنده‌گی عالیتـرین مقام روحانی ملقب بصدر که برا موال‌وقفی درمملکت نظارت داشته. بعقیده ای.پ. پترو شفـسکی این اصـطلاح‌معادل «حق التولیه» اسـت که نیز بمعنای گرد آوری وجوه ووسایـــل‌برای صدر میـباشد و مقـدار آن در زمان صفویه یك دهم سهم محصول بوده. (کشاورزی، صفحه ۱۹۳. ولی (ترجمه) این دو اصطلاح در کنـاردر «اسناد سمرقند قـرون ۱٦ـ۱۵» صفحـه ۳٤۰ (متن)و صـفحه ۳۷۰یکد یگر بـشکل کلمـات دارای معنی مستقل بکار رفته است .

سرانه ـ مالیات سرانه بوده‌که از اهالی مسکون در قرون ۱۵ـ ۱٤ اخذ میشده این اصطلاح، آنزمان هادرکنار اصطلاحات «سر شماره» (مالیات هرنفر) و «خانه شماره» (مالیات خانواده‌گی) بجای اصطلاح مغولی «کوپچو ر» (مالیات چمنزاری) در مورد اهالی‌مسکون بکار میرفته. این مالیات در ایران هنگام سلـطنت سلـسه هولاکوئی (قرون۱٤ـ۱۳)رایج شـده‌و در قرون بعدی نیز معمول بوده است.(پترو شفـسکی. پیـرامون مـالیات سرانه ، صفحات ۴۲۰ـ۴۲۰) . استعمال اصطلاح سرانه بمعنی مالیات انفر ادی در نامـه جامی (شمـاره ۳۷۷/۳۷۷)نظرای ـپ. پترو شفسکی رادر باره ادامه وجـود چنین مالیـاتی درزمان تیموریان نیزتأیید میکند .

صدارت مآبی پناه‌صدربوده‌که نظارت براوقاف درحیـطپناه مقام صدریکی‌از مقامات عالی‌دراختیاراوقرارداشته

(چخویچ . اسناد مربوط بتاریخ مناسبات ارضی ، صفحه ۲٤٥، توضیح ۱۸۲، موقمینوا... مناسبات ارضی،صفحه ۳۲٥، توضیح ٥٦).

سیورغال اصطلاح مغولی، بامعنی تحت اللفظی «پاداش ـ انعام» و در مورد هرگونه پاداش وانعامی‌نظیر زمین، مقام ورتبه وامتیاز وغیره بکار میرفته. در قرون ۱٥ ـ ۱۳ درآسیای میانه. وایـران ، نوع خـاص تصاحب زمین براثر انعام دادن آن ازسوی شاه بپسران، نواده گان ومردم خدمتگذ ار باحق اخذ مالیاتهای دولتی‌از مردم مسکون در آن زمین بـسود کامل یاقسمی صاحب سیور غال بوده‌است.در اکثر موار دسیور غال بشکل موروثی بنسل های بعدی انتقال میبافته ضاحب سـیور غال مـوظف بوده است اشخاص مسلـح را بـه لشـکرشاهی که سیور غال را باو بخشیده گسیل دارد. و اضافه براین بویژه‌در هنگام تیموریان در قرن ۱٥ میبابـ یستی هرساله بخشی از در آمد ها یش را بخزانه کل دولت واگذ ار نما ید. (یاکوبفسکی. خـصائص زنـدگی‌اجتماعی وفرهنگی ، صفحات ۹ـ۸ ، پترو فشسکی، کشـاورزی، صـفحات۲۷٤ـ ۲۷۳، همین مولف . مقاله در باره تاریخ مناسبات فئودالی، صفحات۱٥۰ ـ ۱٤٥، عبدالر حیمف . مقاله در باره تاریخچه مناسبات ارضی درحکومت خانخانی بخارا، جلد۱صفحه ۸، همین مولف. پیرامون تحقیق تـاریخ‌زنده‌گی اجتماعی وا قتـصادی دولت تیموریان ، صفحات ۱۷ـ۱٦، موقمینوا، راجع بتار یخچه مناسبات ارضی، صفحه ۳۲۳، محـمودف، کشـاورزی(صفحات ـ ٤۷ـ ۳۸ وغیره) .

تکالیف (مفرد آن تکلیف) ـ این‌یك اصطلاح عمومی برای‌نامیدن همگی مالیاتها و عوارضی است که از سوی‌حقوق اسلامـی منظور نگـردیده ولی اهالی مالیات دهنده موظف بپرداخت‌آن‌بوده اندزیرا بر پایه عرف وعادات وجود داشتند .ای.پ. پترو شفسکی‌نمونه هائی راذکر نموده که در آنها ایـن اصـطلاح بمـعنی مـالیـاتهـای‌فـوق الـعـاده بـکـار رفـتـه به : پترو شفسکی، کشاورزی، صفحه۳۷۹) .

توجیه درکتب ونشریات علمی‌تفاسیرو معانی مختلفی از «توجیه» موجود است . ای پ. پترو شفسکی‌آنرا مالیات ارضی مینامد (کـشاور

زی ، صفحه ۳۳۸) ، ولی درعین‌حال بااستناد باثر مالچانف (درباره خصائص سیستم مالیاتی ، صفحات۱۵۹ــ۱۵۸)مینویسد همچنین به معنی‌ما لیات های فوق العاده بوده (کشاورزی ، صفحه ۳۸۱) .
همچنین «متو جهات» بمعنای‌مجموع همه مالیاتهای دولتی(دیوانی) بکار رفته (همانجا صفحه ۳۸۷).در نامه جامی (شماره) «توجیهات» بمعنای مالیاتهای فوق العاده‌بکار رفته است .

فقیر (معنی تحت اللفظی آن‌ناد ار ومسکین) . در نامه های جامی این کلمه بمعنای نه تنها نادار وحقیربلکه همچنین بمعنای درویش (رجوع شود به درویش) استعمال‌شده .
فقرا (جمع فقیر) اهالی مسکون‌و کوچ نشین مالیات دهنده یا مردم بطورکلی یعنی اتباع .(عبدالرحیمف.بررسی مناسبات ارضی، جلد ۲ ، صفحه ٦ اسناد مربوط بتار یخچه ناسبات ارضی صفحات ۲٤٦ــ۲٤٥ ، توضیح‌شماره ۲۰۰،موکمینوا. پیرامون‌تاریخ مناسبات ارضی‌صفحه ۳۲۵،توضیح شماره ٦۰)
حوالات سندی است که طبق آن‌حقوق‌وپاداش‌دولتی بماموران کشوری پرداخت میگردد . حواله در خزانه‌داری های محلی نوشته میشده ومبلغ مذکور در آن قسماً باپول وقسماً باغله وغیره پرداخت میگردیده و بحساب مالیا تهای معمولی یا بحساب‌مالیات فوق العاده از دهقانان گرفته میشده. (پترو شفسکی، کشاورزی ،صفحه ۳٤٦ عبدالر حیمف. بررسی مناسبات ارضی، جلد۲، صفحه ۱۳۸).
خانقاه ـ رجوع شودبه «لنگر».
«شیخ الا سلام»ـ رئیس جمعیت‌اسلامی عالیترین مقام روحانی مسلمانان که قاضی کل (قاضی القضات)در موردوارسی و تجدید نظردر حکم باو رجوع میکنند .
شرکا ـ دهقانان سهمیه دار .(پترو شفسکی ، کشاورزی ، صفحه ۳۰۹) .



کتب ونشریات مورد استفاده

عبدالله مروارید. شرفنامه شاهی ـ

عبدالله مروارید. منشآت مروارید.دستنویس انستیتوی خاور شناسی تاشکند بشماره ۲/۲۸٦. صفحات ب۷۲ـ ب ۱ .

عبدالرزاق سمر قندی .مطلع سعدین ومجمع بحرین تالیف کمال الدین عبد الرزاق ابن اسحق سمر قندی بتصحیح محمد شفیع ، لاهور، ۱۹۳٦.

عبدالرزاق سمر قندی. مطلع سعدین جلد ۲، فصل ۳ـ مطلع سعدین و مجمع بحرین، تالیف مولاناکمال الدین عبدالرزاق سمر قندی، جلد دوم، جز دوم و سوم بتصحیح محمد شفیع،لاهور، ۱۳۱۸ (۱۹٤۹) .

عبدالرحمن جامی. واسطه العقد. دیوان جامی«واسطه العقد».دستنویس انستیتوی خاور شناسی تاشکند بشماره ۱۱٦ .

عبدالرحمن جامی . کلیات جامی.دستنویس. کلیات جامی ، دستنویس انستیتوی خاور شناسی تاشکند بشماره ۱۳۳۱ .

عبدالرحمن جامی.منشآت ::منشات ،تالیف عبدالرحمن جامی دستنویس انستیتوی خاورشناسی‌تاشکند بشماره ۱۳۳۱(صفحات ب ٥٦٥ـآ ٥۳۱).

نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال‌نو زدهم ، شماره ۱ـ٤ تبریز ۱۳٤٦، (۱۹٦۷) .

عبدالرحمن جامی. نفحات الانس. نفحات الا نس من‌حضرت‌ات القدس.

تالیف عبـدالر حمن جـامی ، لکنهو ،۱۹۱۲ .
عبدالر حمن جامی . الفوائد الضیائیه الفوائدالضیائیه (شرح ملا). تالیف
عبدالرحمن جامی دستنویس انستیتوی خاور شنـاسـی بشماره ۸۸۶۲
دستنویس انستیتوی خاورشناسی تاشکند بشماره ٤۲۷۷.
عبدالرحمن راجع بتحقیق تـاریـخ حیات اجتماعی واقتصادی دولت تیمور
یان .
عبدالر حیمف م.آ. راجع بتحقیق حیات اجتماعی واقتصادی دولت تیمور
یان . در مجموعه از تاریخ رشد اندیشه اجتماعی واقتصادی در ازبکستان
در قرون ۱۵ و ۱٦ . تاشکـند ، سال۱۹٦۰ ، صفحات ۳۳ ــ ٥ .
عبدالر حیمف . بررسی منـاسبات ارضی در دولت خانهای بخارا در قرن
۱٦ نیمه اول قرن ۱۹ ، جلد ۱ .تا شکند ،سال ۱۹٦٦ جلـد ۲،تاشکنـد
،سال ۱۹۷۰ .
عبدالر حمن جامی ۱۰ . مجموعه مقالات.ــ
عصر،زنده گی وخلاقیت بشهر دوشنبه، سال ۱۹٦٥ .
عبدالر حمن جامی ۲. مواد ویژه پنجصدوپنجاهمین سالگردعبدالرحمـن
جامی . شهر دوشنبه ، سال ۱۹۷۳ .
علیشیر نوائی. نسـائم المحبـه ـ نسائم المحبه من شمائم الفتوه ،تالیف
علیشیر نوائی. دستنویس انستیتوی خاور شناسی تاشکند ، بشماره ۸٥۷.
آلبوم نوائی. مجموعه مراسلات .مجموعه مراسلات دستنویس انستیتوی
خاور شناسی تاشکند بشماره ۲۱۷۸(نسخه اصـل، دستخط مولف) ٤۳٤٥
٥۱۳٦ (نـسخ عـبدالله عادلـف). بابر نامه .ــ ظـهیر الدین محمد
بابر . بابر نامه (یاد داشتهای بابر).ترجمه م .آ. سالیه .تاشکند ،۱۹٥۸.
براتوا. رشداند یـشه اجتماعی اقتصادی در ازبکستان درسده ۱٥.
آتورفه رات رساله نامزدی علـوم .تاشکند ، سال ۱۹٦۸ .
بارتولد. میر علیشیر وحیات سیاسی .ــ باتولد و.و. میر عـلیشیر و
حیات سیاسـی مجموعهٔ آثار جلد ۲.مسکو. سال ۱۹٦٤ .صفحات ۲٦۰ــ۱۹۷
بار تولدالغ بیک وزمان او بارتولد.و.والغ بیک وزمان او مجموعه آثار.جلـد
۳ بخش ۲مسـکـوسال ۱۹٦٤ ،صفحات ۱۷۷ــ۲۳

بار تولد . تشریفات در بار خانهای‌از بك . بارتولد و.و. تشریفات‌در بار خانهای از بك درقرن ۱۷ .مجموعه آثار ، جلد ۲، بخش ۲. مسکو. سال ۱۹٦٤ ، صفحات ۳۹۹ــ ۳۸۸ .

بهرامی. راجع بنظرات اجتماعی اقتصادی جامی- بهرامی ع . راجع بنظرات اجتماعی ــ اقتصادی جامی ــدرمجموعه : از تاریخ اندیشه اجتما عی ــ اقتصادی‌در ازبکستان در قرون۱٦ــ ۱۵ . تاشکند ، سال ۱۹٦۰ ، صفحات ٤۰ــ۳۳ برتلس.نوائی وجامی‌برتلس. ۱.۰. نوائی جامی .آثارمنتخب . مسکو، سال ۱۹٦۵ .

بهروز. موازین ادبی سده ها میانه و ظهور آن در سبك مکاتبه (ازروی نمونهٔ مخزن الانشأ ملاحسین واعظ کاشفی) ــ درمجموعه : ادبیات ملل خاور . مسکو ، سال ۱۹۷۰ ، صفحات ۵۳ ٤۱ .

بولد یرف. علیشیر نوائی در داستا نهای معاصران ــ بوولد یرف آ.ن. علیشیر نوائی در داستانهای معاصران ــ در مجموعه علیشیر نوائی. مسکو ــ لنینگراد، سال ۱۹٤٦ . صفحات ۱۵۲ ۱۲۱ .

براگینکی . یادد اشتهائی در موردتحقیق خلاقیت‌جامی ــبراگینکی ای. س.یاد داشت‌های درموردتحقیق‌خلاقیت جامی .ــ در مجموعه : عبدالر حـ ن‌جامی. عصر، حیات وخلاقیت شهردوشنبه ، سال ۱۹٦۵ ، صفحات ٦٦ ــ۵۱ .

داویدویچ .مواد.داویدویچ یه .آ.مواد برای‌تعیین خصائص اصلاح پولی الغ بك.ــ در مجموعه : از تاریخ‌عصرالغ بك . تاشکند ،سال ۱۹٦٤ ،صفحا ت ۲۹۹ــ میر عبدالاول . مسموعات. مسموعات ،تالیف میرعبد الاول‌نیشا پوری. دستنویس انستیتوی خاورشناسی تاشکند بشماره ۲/۳۷۳۵ .

مالچانف . راجع به خصائص نظام‌مالیاتی .ــ مالچانف آ.آ. راجع به خصائص نظام مالیاتی‌در هرات، عصرعلیشیر نوائی .ــ بنیانگذ ار ادبیات ازبکی.مجموعه مقالات‌پیرامون علیشیرنوائی. تاشکند، سال ۱۹٤۰، صفحات ۱٦۹ــ ۱۵۳ .

معین بن حاجی محمد الفراهی .مجموعه رقعات ومنشآت.ــ معین بن حاجی محمد الفراهی . مجموعه رقعات‌ومنشآت،جمع آورنده معین مسکین الفراهی دستنویس انستیتوی خاورشناسی تاشکند بشماره ۲۹٦ .

موکمینوا. دررابطه باتاریخ‌مناسبات ارضی .ـ موکمینوا .گ. دررا بطه با مناسبات ارضی در ازبکستان‌قرن ۱۶. با استفاده از مواد «وقف نامه» ، تاشکند، سال ۱۹۶۶ .

محمد حیدر. تاریخ رشیدی.ـ محمدحیدر. تاریخ رشیدی ، تالیف میرزا حیدر دوغلات. دستنویس خاور شنا سی تاشکند بشماره ۱۴۳۰.

نبیف. از تاریخ حیات سیاسی‌ـ‌اقتصادی‌ـ نبیف ر.ن. از تاریخ حیات سیاسی اقتصادی ماورا النهر قرن ۱۵(یادد اشتهائی در باره خواجه احرار) ـ در مجموعهٔ : شاعر بزرگ ازبك .تاشکند ، سال ۱۹۴۸، صفحات ۴۹ـ ۲۵ .

النظامی. مقامات مولوی جامی .ـمقامات مولوی جامی ، تالیف کمال الد ین عبد الواسع النظامی. دستنویس‌انستیتوی خاور شناسی تاشکند . بشماره ۱۳۵۴ .

پترو شفسکی. کشاورزی.ـ پتروشفسکی ای .پ. کشاورزی ومناسبات ارضی در ایران قرون ۱۴ـ۱۳. مسکوـ لنینگراد. سال ۱۹۶۰ .

پترو شفسکی . اسلام در ایران .ـپترو شفسکی ای .پ. اسلام در ایران در قرون ۱۵ ـ ۷. لیننگراد ، سال۱۹۶۶ .

پترو شفکی دررابطه باتاریخ‌مالیات پتروشفکی ای‌ـپ‌ـدر رابطه بامالیات سرانه درایران هنگا م‌سیطره مغول (اصطلاحات کویچور ، سر شمار، سرانه ، جزیه) . درمجموعه : تحقیقات مربوط به تاریخ فرهنگ خاور. مجموعه بافتخار آکادمیسین‌ای ،آ، اور بلی. مسکو ـلیننگراد، سال ۱۹۶۰ ، صفحات ۴۲۶ـ ۴۲۳ .پترو شفسکی .بررسی تاریخ‌منا مناسبات فئودالی .ـپترو شفسکی‌ای.پ. بررسی تاریخ مناسبات فئودالی در آ ذر بایجان وارمنستان در قرون۱۶ـآغاز قرن ۱۰۹ . لیننگراد ،سال ۱۹۴۶ .

پیگولف کایا ... تاریخ ایران‌ـ پیگولف کایا ،ن. یا کو بوفسکی آ. یو. پترو شفسکی ای .پ. استرو یوال .و. به له نیستکی ل. ، م تاریخ

ایران ازدیـرتـریـن زمان تا آخـــرقرن ۱۸. لنیــنگراد، ســال ۱۹۵۸ .
رجبف .عبدالرحمن جامی.ــ رجبفم. عبدالرحمن جامی و فلسفه تاجیکی قرن ۱۵ــ شهر دوشنبه ، سال۱۹۶۸.
رجبف . نظرات فلسفی واجتماعی‌ـسیاسی عبدالرحمن جامی.ــ رجبف م. نظرات فلسفی‌واجتماعی‌ـ سیاسی عبدالرحمن جامی .ــ درمجموعهٔ: عبدالرحمن جامی .عصر، زنده‌گی و خلاقیت.شهر دوشنبه ، سال ۱۹۶۵، صفحات ۸۶ ــ ۶۷ .

ریاض الانشأـریاض الانشأدستنویس انستیتوی خاور شناسی تاشکند بشماره ۲۸۳.
دستنویس های آثــار عبـدالرحمن‌جامی.ــ دستنویسهای آثار عبدالرحمن جامی در مجموعهٔ انستیتوی خاور شناسی تاشکند . تنظیم کنندگان :آ. او اور نبایف .ل.م یپیغــانوا تاشکندسال ۱۹۶۵ .
رستمف. شعراز بکی .ــ رستمف‌ار.ر. شعر از بکی درنیمه اول سده۱۵ اسناد سمرقند قرون ۱۶ـ۱۵ .ــ
املاک‌خواجه احرار درآسیای میانـــه‌وافغانستان).فاکسمیل ،متن‌انتقادی. مسکو سال ۱۹۶۳ .
ترجمه ،مقدمه توضیحات ونشانی او.د. چخویچ‌ـ مسکوسال ۱۹۷۴ .
م.د.خ.ــ مجموعــه دستنویسها ی‌خاوری فرهنگستان علــوم ازبکستان شوروی .جلدهای ۱۰ــ۱،تاشکند،سال‌های ۱۹۷۵ـ۱۹۵۲ .
سمیونف .رساله بخارا.ــ سمیونف‌آ.آ. رساله بخارا درباره‌مقامات‌وعنواـ نهاو وظایف‌دارندگان‌آنهادر بخارای‌قرون‌وسطی .ــ«خاورشناسی شوروی»جــلد ۵ .مسکو لنینگراد،سال۱۹۴۸،صفحات۱۵۳ـ۱۳۷ .
سمیونف .مناسبات متقابل‌علیشیرنوائی وسلطان حسین‌میرزاـ سمیونف آ.آ مناسبات متقابل علیشیر نوائـــی‌وسلطان حسین میرزاـ درمجموعه ؛ تحقیقات در بار تاریخ‌ملل‌خاور. مجموعه‌بافتخار آکادمیسین ای .آ.اوربلی . مسکو، لنینگراد ،سال۱۹۶۰ صفحات۲۴۹ـ۲۳۷ .
سمیونف .دودستخط خواجه احرار.ـسمیونف آ.آ.دودستخط خواجه احرار خطشناس باستانی خاور«، نشریه پنجم(.مسکو ـلنینگراد،سال۱۹۵۱،صفحات ۵۷ـ۵۱ .

سمیونف . بررسی نظام.ــسمیونف آ.آ. بررسی نظام‌اداره‌مرکزی حکومت خانها بخارادرآخرین زمانها.«موادمربوط‌بتاریخ تاجیکها وازبکهای آسیای‌میانه »نشردوم استالین آباد ،سال۱۹۵٤.
سلطان حسین‌میرزا ــدیوان.ــدیوان‌سلطان حسین‌میرزا بایقرابا نضما م رساله او، به‌مقابله وتصحیح محمدیعقوب واحدی جوزجانی ،کابل۱۳٤٦.
اورونبایف .اطلاعات جدیددربارەزندگی علی‌قوشچی .ــاورنبایف .آ. اطلاعات جدید دربــاره زندگــی علی‌قوشچی‌ـ درمجموعه ؛ازتاریخ‌علــوم دقیقه قرون وسطی‌درخاور نزدیك ومیانه .تاشکند .سال۱۹۷۲،صفحــات ۲٤۷ـ۲٤۲ .

اورنبایف .دربارەخروج‌علی قوشچی‌ـاورونبایف آ.درباره زمان خروج‌علی قوشچی‌از آسیای میانه‌ـ مجله«علوم‌اجتماعی دراز بکســتان» سال ۱۹۷۱ . شماره ۹، صفحات ٥٦ـ٥١ .

فصیح خوافی . مجــمل .ــ فصیــح‌احمد بن جلال الدین محمد الخوافی . مجمل‌فصیحی ترجمه ،مقدمه ،توضیحات‌ونشانی ها از د.یو. یوسوپوا. تاشکند سال ۱۹۸۰ .
فخرالدین علی. رشحات. رشحا ت‌عین الحیات، مصنفه فخرالدین علی‌بن حسین الواعظ الکشاشفی المشتهر بالصفی مطبعه نول‌کشور، کــانــپــو ر ۱۹۱۱ .
حافظ ابرو جغرافیای حافظ ابر وــجغرافیای حافظ ابرو، قسمت ربــع خراسان هرات به کوشش مایل هروی، تهران ، ۱۳٤۹ .
حکمت . جامی ـ جامی تالیف علی‌اصغر حکمت ، تهران، سال ۱۳۲۰ خواجه سمندر ترمذی. دستور الملوك. خواجه ســمــندر ترمذی . دســتور الملوك ،فاکسمیل قدیمی‌ترین دستنویس. ترجمه از فارسی، مقدمه، توــ ضیحات و نشانی هااز م.آ. صلاح‌الدینوا. مسکو سال ۱۹۷۱ .
خواندمیر .نامه نامی ــنامه نامی ،تالیف غیاث الــدین بن همام الــدین الحســینی المد عوبــه خواند میــر .دستنویس انستیتوی خاور شناسی تا شکند بشماره ۲۸٤/۱ .

خواندمیر .حبیــب السیر،ــتاریــخ‌حبیب السیرفی اخبار افراد بشر، تاــ لیف غیاث الــدین بــن همام الــدین‌الحستی المدعوبه خواندمیر ،بهمــت محمد علی ترقی ، جلد چهارم ، تهران،سال ۱۳۳۲ شمسی (۱۹٥٥میلادی).
حسین واعظ کاشفی . مخزن الانشأ‌ـ بهروز م.خ. حسین واعظ کاشفی و

آثار سبك مكاتبه ای او (قرون ۱۵ـ۱٤). اوتورفه رات رساله نـامزدی علوم مسکو، سال ۱۹۷۰ .
شاه محمدف.راجع بمساله رشداندیشه های انـساند و ستـانه .ـ شاه محمدف ش.م. راجع بمساله رشداندیشه های انساند و ستانه در خلاقیت کلاسیك های شعر فارسی- تاجیکیاوتورفه رات رساله دکتری. تاشکند، سال ۱۹٦۹
شرف الدین علی یزدی. ظفرنامه .ـ ظفرنامه ، تالیف شرف الدین علی یزدی دسـتنویس انستـیتوی خـاورشناسی تاشکندبشماره ٤٤٧۲ شریف خـان مخـدوم. کـاتا لـوگ دستـنویسها.ـ شریف جان مخدوم . کاتالوگ دستنویسها یمـجمـوعه شریف جانمخدوم دسـتنویس انستیتـوی خاور شناسی تاشکند بشماره ۲٤٦۰ .
چخویچ. اسناد بخارا.ـ چخویچ او.د. اسناد بخارا قرن ١٤، تاشکند ، سال ۱۹٦۵ .
چخویچ .مقدمه برچاپ اسناد سمرقند سده های ١٦ـ١٥.ـ اسناد سمر قند سده های ١٦ـ١٥ (در باره املاكخواجه احرار در آسیای میانه و افغا نستان) . فاکسمیل ،متنانتقادی ،ترجمه ،مقدمه ، توضیحات و نشانی هاازاو.د. چخو یچ . مسکو، سال ۱۹۷۳ .
یا کوبفسکی. خصائص حیات اجتماعیو فرهنگی.ـ باکوبفسکی آ .یو. خصا نصحیات اجتماعـی وفرهنگی عـصرعلیشیر نوائی.ـ درمجموعه : علیشیر نوائی. . مسکوـ لیننگراد سال١٩٤٦
عبدالرزاق سـمر قنـدی. مطـلعسعدینو مجمعالحریـن .ترجـمه ا ز فارسی بازبکی ، مقدمه و توضیح لغات .آ. اورنبایف. تاشکند ، ۱۹٦۹ .
علیشیر نوائی ، مجالس النفائسمتن تنقیدی، تهیه کنـنده سـویمـه غنیوا داکتور مسوول ،واحد زاهدف.. تاشکند، سال ۱۹٦۱ .
علیشیر نوائی . منشآت.ـعلیشیرنوائی . آثار در ١٥ جلد ، جلد ١٣: محبوب القلوب منشآت. وقفیه. تهیه کننده برای انتشار، پارسا شمسیف. داکتـور سویمه غنیوا تاشـکـند ،سال ۱۹٦٦، صفحات ب ١٥٦ـ٨٥ .
علیشیر نوائی .خمسته المتحییریـنـعلیشیر نوائی . خمسته المتحییرین

علیشیر نوائی . گرد آورنده. وآماده‌کننده برای انتشار پارسا شمسیف. داکتور مسوول سویمه غنیوا تـــاشـکـنـد، ســال ۱۹۶۶ صــفحــات ب ۷۷ـ۱۹.

براتوا. در باره یك اثر قرن ۱۵:«مجیوعــه مراسلات». براتـــو .م. در باره یك‌اثرقرن ۱۵:«مجموعه مراسلات»

عزت‌سلطان. دفترقلب نوائی. تاشکند عزت سلطان. دفتر قلب نوائی.ـ . سال ۱۹۲۹ .

مالایف. تاریخ ادبیات ازبکی ، کتاب اول .ـ مالایف ن.م. تاریخ ادبیات ازبکی کتاب اول. (قرن۱۷). تاشکندسال ۱۹۷۶ .

سلیمانف . یك اثر علیشیر نوائی‌که بتازگی یافت شده.ـ حمید سلیما ن یك اثر علیشیر نوائی که بتازگی‌یــافـت‌شـده سته‌ضروریه و یـــادر بـاره دستـخـط او مـیـراث ادبـــی(اسناد وتدقیقات) ۱۰. تاشکند ،سال ۱۹۶۸ .

خواندمیر(غیاث‌الدین بن‌همام الدین).مکارم الاخلاق. ترجمه از قارسی بازـ بکی توسـط پـار ساشمـسییف ، داکتور مســوول ای. او. سلــطانف. تا شکند . سال ۱۹۶۷ .

تاریخ ادبیات ازبکی.ـ تاریخ ادـبیات ازبکی ،در ۵جلد ۲. تاشـکند، سال ۱۹۷۷ .

«گلستان» ، سال ۱۹۷۱، صفحات‌شماره ۱۲ ،ب ۲۹ـ۲۸ .

ارکینف. لطفی .ـ صادرار کینف.لطفی ، مقدمه برمجموعه اشعار لطفی . تاشکند سال ۱۹۵۸ .

غنیوا. یك سندمربوط بشرح حال‌نوائی .ـ سویمه غنیوا یك سـنــد مربوط بشرح حال نوائی. «زبان وادبیات ازبکی» ـ شماره ۱، سال ۱۹۸۱ . صفحات ب ۱۳ـ ۹ .

حکیم جانف یو. آلـبوم نوائـی .ـ

«ازبکستان مدنیتی» ۲۲۶ آوریل ، سال۱۹۶۸حمید سلیمان‌دربره منابع آثا ر نوائی‌و نشراین اثرحمید سلیمان دربارەمنابع آثار نوائی‌و نشراین آثار

داویدویچ. مودا جدید تخقیقی مسکوکات . داویدویچ یه .آ. مـواد جدید تحقیق مسکوکات برای‌تعیین خصائص‌مـنـاسبات کالائی ـپولی درمنطقـه جنوب تاجیکستان درقـرن ۱۵.ـ درمجموعه : عبدالرحمن جامی، شهر دو شنبه، سال ۱۹٦۵. صفحا ۵۰ـ۱۳.
اسناد مربوط بتاریخ مناسبات ارضی.ـ اسناد مربوط بتاریخ مناسبات ارضی درحکومت خانهای بخارا،انتشاراول. اسناد مالکیت خصوصی برزمین ، قرون۱۹ـ۱۷. انتخاب‌اسناد، ترجمه، مقدمه و توضیح از ا.د. چخویچ . تاشکند سال ۱۹۵٤ .
تاریخ هند.ـ تاریخ هند در سده‌های مـیانه. مسـکو بسـال ۱۹٦۸ .
تاریخ ملتهای از بکستان.ـ تاریخ‌ملتهای از بکستان، جلد ۱از دیرین ترین زمان تا آغاز قرن ۱۲. تاشکند، سال ۱۹۵۰.
تاریخ جمهوری شوروی ازبکستان.ـ تاریخ جمهوری شوروی ازبکستان در چهار جلد، جلد ۱. از دیرین ترین‌زمان تانیمه قرن ۱۹. تاشکند، سال ۱۹٦۷ .
اسفزاری ،روضات الجنات.ـ روضات‌الجنات فی اوصاف مدینه هـرات ، تالیف معین الدین محمد الزمـجی الاسفزاری باتصحـیح سیدمحمـد کاظم (، بخش یکم، تهـرای ۱۳۳۸، بخش‌دوم تهران، ۱۳۳۹ .
قاسم بن یوسف ابونصر هروی .. طریق قسمت آب قلب.ـ رسـاله طریق قسمتآب قلب از قاسم بن یو سف ابو نصر هـروی ، بامـقدمه و تحشیه وتصحیح وتعلیق مایل‌هروی‌تهران ، ۱۳٤۷.
قلی زاده ،جهان بینی قاسـم‌انوار قلی زاده .جهان بینی قاسم انوار ار. باکو، سال ۱۹۷٦ .
کلیات جامی.ـ رجوع شودبـه :.عبدالرحمن جامی .کلیات جامی . مجمو عه مراسلات رجوع شودبـه: آلبوم‌نوائی .
مکتوبات تیموریه ـ مکتوبات تیموریه دستنویس انستیتوی خاور شنا سی تاشکند به شماره ۲۲۸۷ .
ماسون. در باره نقشه برداری تاریخی هرات.ـ ماسون م.یه. در باره نقشه برداری تاریخی هرات قرن ۱۵ـ در مجموعه: شاعر بزرگ ازبك . تاشکند، سال ۱۹٤۸ . صفحات ۱٤٤ـ ۱۲۰ .
محمودف. کشاورزی.ـ محمودف‌ن.کشاورزی ومنـاسبات ارضـی ونظام مالیاتی تیموریان. «اخبار شعبه علوم‌اجتماعی فرهنگستان علوم جمهوری تا جیکستان شوروی» ، ۱ (۳۲) ، سال۱۹٦۳، صفحات ۳۳ـ ۲۱ .

.علیشیر نوائی .آثاردرقرن ۱۵ جلـد.تاشکند سال‌های ۱۹۶۸-۱۹۶۳.جلد ۱صـــفـــحـــات ب ۵۶-۲۷

همرایف . یك کتابخانه ... شـخصـی وکـا تـو لـو كآ ن هـمـرا یـف یك‌کـتـا بـخـانـه‌کـا تـبـو لـــو كآن .ـ در درمجموعه شخصی کارهاواطلاعیه علمی.کتاب ٦تاشکند. سال ۱۹۶۳، صفحات ۳۹۵-۳۸۷ .

حامدی .نوائی و جامی. درمجموعه : ار مغان نوائی . تاشکند ، ۱۹٦۸ .

افـصح زاد.ـ عبدالر حمن جامـی‌اعلی خان افصح زاد. عبدالرحمن جا می . شهر دوشنبه .سال ۱۹۷۸ .

افصح‌زاد. عبدالرحمن جامی.ـاعلی‌خان افصح زاد، روز گار و آثار عبد الرحمن جامی ، شهر دوشنبه . سال۱۹۸۰

میرزایف. علیشیر نوائی وعبدالرحمن جامی .ـ مـیرزایف عبـدالغنی . علیشیر نوائی و عبدالرحمن جامی .روابطادبی. شهـر دوشنـبه ، سال ۱۹٦۸ .

ع. اورونبایف .ل. یپی فانوا(مترجم گهر سنج). مکاتیب مولانا جامی ، «آریانا» مجله سه‌ماهه تاریخی ،ادبی‌وفلسفی انجمن تاریخ افغانستان سال ۳۳، شماره مسلسل ۳۱٤، میزان ـقوس ۱۳۵٤ ،ص. ۹٦-۹۱.



اسماء

حرف الف

آ_آ_ مالچانف ص ۱۹_۱۸_۱۶۹
ابوسعید ص ۱۷_ ۱۳۹_ ۱۴۵
_۱۷۰
ابو سعید(سلطان) ۱۸۷
ابو نصر هروی _ ۱۷۱
ابوالولید (خواجه)ص ۵۴
ابو یوسف (مولانا)ص ۱۱۲
احمد دفتر دار ص ۷۴
احمد رکابدار ص ۱۰۳
ادبیات ازبکی ص ۳۷
اسفزاری ص ۱۷۶_ ۱۸۷
اعلی خان افصح زاد ص ۴ _
۲۹_ ۳۰_ ۱۵۲
الغ بیک_ ص۱۷_ ۱۷۴
امیر ابو مسلم ص ۹۳
امیر بهلول ص ۱۷۲_ ۱۳۷_۹۰
امیر بهبود ۱۱۳
امیر جان احمد ص ۹۰
امیر جلال‌الدین یعقوب ص ۱۱۰
امیر جنید ص ۱۳۲
امیر حاجی محمدبخشی‌ص ۱۲۵
امیر حیدر ۱۶۵
امیر درویش احمدص ۱۱۵
امیر درویش محمد ص ۱۱۵
امیر زاده یارمحمد ص ۱۱۳
امیر سعید عبدالاول ص ۳۴
امیر علاء الدین ص ۱۳۰
امیر عبدالخالق ص ۱۱۹
امیر عبدالعظیم ص ۱۱۹
امیر علی (مولانا) ص ۶۳
امیر غیاث ص ۶۷
امیر مظفر ص ۱۶۸_ ۸۰
امیر مظفر برلاس ص ۱۶۹
امیر محمد بارك ص ۱۱۲
امیر قاسم ص ۸۹
امیر قاسم اختچی ص ۱۳۲
امیر ملك ص ۱۴۳
امیر کمال الدین عبدالاول
ص ۳۴
امیر نورالدین محمدص۱۰۴_۲

امیر ویس ص ۸۰
اورنبایف ص ۱۷٤
حرف با
بابا حاجی ـص ۱۱۰
بار تولد ـ ص۱٦۷ ـ ۱٦۳ ـ ۱۹۲
بایزید دوم ص ۳
بایسنقر ـ ۱۷۷
بدرالدین ص ۹۵ـ ۱۳۵
براتوا ـص ۳۸
برتلس ص ۳۰ـ۱۵۹ـ ۱۹۲
برهان الدین ـ۷٦
بصره ـ ص ۱٦۳
بولدروف ص ۱۸۵
بهاء الدین عمر ص ۱٤٦
بهاء الدین نقشبند ص ۱۷
بهرامی ص ۱۹۲
بهروز ص، ۱۹۲
بیکه بیکم ص ۹۸
پارسا شمیف ص ۳۲
پترو شفسکی ص ۱٦۵ـ ۱۸٦ ۱۸۷ـ ۱۸۸ ـ ۱۸۵ ـ ۱۸٤ ۱۸٤ ـ ۱۸۰ ـ ۱۸۳ ـ ۱۸۲
پهلوان شمس ص ۹٦
پهلوان محمدشیر بانص ۱۱۹
پیر احمد (پهلوان) ص ۱۱۷
پیکو لوسکایا ص ۱٦۵
حرف تا
تاج الدین احمد ص ٦۱
ج
جامی ـ۱ـ ۲ـ ٤ـ۵ـ ۹ ۱۰ ۲۹ـ ۳۰ـ ۲۸ـ ۲۰ـ ۲۱ ۲۲ـ ۲۳ ـ ۲٤ ـ ۲٦ ۲۷ ـ ۳۲ ـ ۳٤ ـ ۳٦ـ ٤۰ ٤۱ ـ ازصفحه ٤۵ تا ۱٤۸ در غالب صفحه ها نام جامیست . ۱۵۹ ـ ۱٦۱ ۱٦۲ ۱٦۳ ۱۵۰ـ ۱۵۱ ـ ۱۵۳ ـ ۱٦۸ ۱٦۹ ـ ۱۵۵ ـ ۱۵٦ ـ ۱۵۷
جلال الدین جامی ـ ۸۵
جلال الدین بایزیدلاری ۱٤٦ـ۵٤
جلال الدین (مولانا) ۸۱
جلال الدین محمود ۷٦ـ۹٦ ۱۵۷ـ۸۳ـ ۱۲۹
جلال الدین یوسف ص ٦۷
جمال الدین عطاء الله ـ ۱۱٦
جمال الدین حافظ ص ۹۰
جهانشاه قره قونلو ص ۳
چخویچ ـ۳٤ـ ۳٦ـ ۳۳ـ۱۸۹ـ ۱۸۱
حرف ح
حاجی خلیفه ص ۱٦۰
حاجی محمد ص۱۱٦
حاجی یوسف ـ۱۲۱
حسین بن محمد سمعانی الحنفی ۱٦۰
حسین نیشا بوری : ۹۸
حکیم جانف ـ ص ۳۲
حمزه ـ ٦۸

حمید سلیمان ـ ۳۲
حرف خ
خدای قلی ـ ۷۹
خرمی (مولانا) ص ۱۴۵
خسرو شاه ۱۵۸ ـ ۱۶۵
خسرو دهلوی ـ ۱۵۶
خواجه احمد ـ ۵۹
خواجه اسمعیل ـ ۱۲۶
خواجه ابوسعید ـ ۱۰
خواجه اویس ـ ۱۴۰
خواجه حبیب‌الله ۱۳۶
خواجه حسن ـ ۱۰
خواجه سلطان ـ ۱۱۱
خواجه سبحان ـ ۱۳۸
خواجه سعدالدین ـ ۱۰
خواجه سیف‌الدین مظفر ـ ۱۶۱
خواجه شمس الدین ـ ۱۷۰
خواجه صوفی علی ـ ۱۰
خواجه عادلشاه ـ ۱۲۷
خوارزم ـ ۱۶۱
خواجه عبدالخالق : ص ۱۱۶
خواجه عبدالرحمن: ۹۵ ـ ۱۶۵
۷۹
خواجه عبدالعزیز ص ۱۴۴
خواجه عبدالله انصاری ۱۶۴
خواجه عطاء الله ـ ۵۰ ـ ۱۳۳
خواجه قاسم : ۹۹ ـ ۱۴۵
خواجه قطب الدین طاوس ۱۷۰
خواجه کمال الدین مظفر، ۱۴۴
خواجه کیا ص ۱۲۷
خواجه علاء الدین ص ۱۲۳
خواجه علی: ص ۱۰ ـ ۱۵ ـ ۳۴
۱۳۱
خواجه علی فخرالدین ص ۱۲۶
خواجه محمدبن‌علاء العطارص ۱۷
خواجه محمودص ۱۱۱ ـ ۱۲۸
خواجه محمد یحیی .ص ۱۶ ـ
۱۳۹ ـ ۶۳
خواجه مظفر ص ۱۷۰
خواجه ناصرالدین، ۱۲۹
خواجه یحیی ص ۱۰
خواند میر : ۱۸ ـ ۱۵۱ ـ ۱۵۲
۱۵۹ ـ ۱۶۴ ـ ۱۶۷ ـ ۱۷۱ ـ
۱۷۲ ـ ۱۷۰ ـ ۱۷۴ ـ ۱۷۷ ـ
داوید ویچ ص ۱۸۰
درویش حاجی ـ ۱۳۹
درویش عبدالکریم ص ۶۶
درویش علی ص ۸۵
درویش محمد مقری ص ۷۷ ـ
۱۴۵ ـ ۱۴۶
درویش عطار قلی ص ۴۸ ـ ۱۴۸
حرف ر
رجیف ص ۲۹ ـ ۳۰
رستمف ـ ۱۶۴
رضی الدین‌محمدالرخی ص ۱۶۰
ر ـن بنیف، ۱۹ ـ ۲۰
حرف ز
زین‌الدین ابوبکر تایبادی ۱۲۴
۱۲۹
زین الدین علی (مولانا) ۸۸
زین العابدین :ص ۹۸ ـ ۱۲۰

حرف س

سعد الدين ـ ۱۷
سعدالله ، ۱۷
سعدالدين محمدبن حسن بن علا العطار ، ۱۳۹
سعدالدين مسعود خواجه، ٥٥
سعيد تقى الدين، ص۱۸
سلطان ابوسعيد ص ۱۳ـ ٤٠ـ ۱۷٥ـ ۱۷۱
سلطان احمد:ص ۱۳ـ ۱۳۸ ـ ۱۷۲ـ ۱۷٥ـ ۱۷٦
سلطان بيك، ص ٥۱
سلطان حسين ۱۸ـ۱٥ـ ۳ـ۱۸۷ ۱۹ـ ۲٦ـ ۲۷ـ ۳۲ـ ۳٤ـ۱٦۱ ۱٦۲ـ ۱٦٥ـ ۱٦٦ـ ۱٦۷ـ ـ ۱٦۸ـ ۱٥۲ـ ۱٤٥ـ ۱٥۱ـ۱٥٤ ۱٥۷ـ ۱۷۱ ـ ۱۷٦ـ ۱۷۷ ـ ۱۷۸
سلطان شيخ على ـ ۱٤۱
سلطان محمد مجذوب : ۸۲
سلطان محمود، ۱۳ـ ۳٥ـ ۱۷۲ ۱۷٥ـ ۱۷٦
سلطان ناصرالدين ص ۱٤۱
سلطانف، ۱٥٥
سلطان يعقوب ۱۷۷
سليمانف ـ ۱٥٦
سمندر ترمزى ، ۱۸٥
سويمه غنيوا،ص ۳۲
سيد احمد (خواجه)ص ۱۱۲
سيد استرا بادى ۱۰۹
سيد برهان الدين، ۱٦٤
سيد خاوند شاه ٦٥
سيد خليل‌الله ٦٥
سيد زاده ،ص ۷۰
سيد شريف الدين ،۸۱
سيد على اكبر، ۱۳۸
سيد قطب الدين، ٦٤ـ ۸۱
سيد محمد، ص ۱۳۸
سيد محمد مجذوب ص ۹۱ـ۸۲
سيد محمدامير هاشم،ص ۹۳
سيد معزالدين، ص ۱۰۲
سيد نصرالله سبز وارى‌ص ۹٤
سيد نصرالله كسكنى ص ۱٦۷
سيف الدين مظفر، ٥۹ـ٦۱ـ۸۲
سيف الدين (مولانا) ۱۲۱
سيف الدين ولد خواجه رمضان تونى ۱۱۷
سى كله (استاد) ص ۸۱
سيميونف ۲۰ ـ ۱٥٥ ـ ۱۸٥ ۱٦٥ـ ٦۰

حرف ش

شاه خواجه، ص ۷۳
شاهرخ ،ص ۱٦٤
شاهزاده ابوبكر ،۱۷٤
شاه غياث الدين ـ۱۰۸
شامحمد وف، ۳۰
شرف الدين على: ۱۸۰ـ۱۷۳ ۱۸۷
شريف جان مخدوم، ٥ـ۱۰ـ۳۳ ۳٥ ـ ۱۲۷
شمس الدين حافظ ص ٦٥
شمس الدين على ص ٦٤

شمس الدین کرمانی ص ۱۲۹
شمس الدین‌محمدص ۱۴۰ـ۱۰۰
۶۹ـ ۸۹ـ ۸۳ـ ۸۴
شمس الدین محمد تباد کانی ،
۱۷۲
شمس الدین محمد (مولانا)۱۲۵
شیبانی خان‌ص ـ۱۶
شیخ احمد، ۱۰۴ـ ۶۲
شیخ ابوالخیر، ۱۷۰
شیخ بایزید پهلوان ،۶۰
شیخ حافظ عمروردهی ۹۹ـ۱۰۹
شیخ حسن (مولانا) ص ۱۳۰
شیخ درویش ، ۷۱
شیخ زاده ابهری ، ۱۲۳
شیخ زاده صدر ، ۱۱۵
شیخ زاده طوسی ص ۱۰۹
شیخ‌محمد (مولانا) ۱۰۳
شیخ محمد حسن ، ۷۱
شیخ یوسف ،۱۰۵
شیرین بیك، ۷۱
شهاب الدین احمد خوانی ۱۰۹
ـ ۱۱۲ ـ ۱۴۱
شهاب الدین اسحاق ص ۱۰۰
شهاب الدین اسمعیل ۸۷
شهاب الدین (خواجه) ۸۹
شهاب الدین محمد جاجرمی‌ص۱
حرف ص
صانعی (مولانا) ص ۱۰۲
صدرالدین محمد (حافظ)ص۸۸
صوفی علی ص ۱۸
حرف ط
طاهر بن‌احمد بن عبد الر شید
افتخارالدین البخاری ،ص ۱۶۰
حرف ظ
ظهیر الدین محمد بابر ص ۶
حرف ع
عاد لف : ص ۷ـ۱۱ـ ۱۲
۱۸ـ ۲۰
عبدالاحد (خواجه) ص ۱۰۲
عبدالاول (خواجه) ۱۰ـ ۱۴ـ
۱۵ـ ۳۶ـ ۱۳۱
عبدالرحیمف : ۱۸۱ ـ ۱۸۴ ـ
۱۸۹ـ ۱۹۰
عبدالفتاح شیخ زاده ـ ۱۳۹
عبدالرزاق سمرقندی ، ۱۶۳ـ
۱۶۷
عبدالکریم (مولانا) ص ۱۰۷ـ
۱۴۷
عبدالله شرف‌الدین محمدص۱۵۹
عبدالله مروارید، ۱۸۷
عبدالغنی میرزا یف ۱۵۲
عبد اللطیف (خواجه) ص ۸۷
عبدالواسع نظامی ، ۱۵۰
عبیدالله احرار (خواجه) ۸ـ ۹
۱۰ ـ ۱۳ ـ ۱۵ ـ ۱۷ـ ۱۹ ـ
۲۰ـ۳۴ ـ ۱۳۹ ـ ۱۶۳ـ ۲۱ـ
۱۷۳ ـ ۳ ـ ۵ـ ۶ـ ۳۳ ـ ۳۵
۳۷ـ ۳۹ ـ ۱۱۶ـ ۱۱۸ ـ۱۷۶
۱۸۷
عزت سلطان ، ۱۵۵
عزالدین ملك احمد ص ۱۱۴
عزالدین ملك حسن ،۱۱۴
علاء الدین (مولانا) ۸۷
علاء الدین عطار ص ۱۷

علاء الدين على غوری، ٨٤
علاء الدين عيسى ، ٧٣
علاءالدين على (مولانا) ١٠٧
علاءالدين على صانعی ،١٢٠ ـ
ـ ١٧١ ١٧٢ ـ ٩٨
علاء الدين على قوشبجی، ٢١ـ
١٢٢ ـ ١٤٧ـ ١٧٤ـ ١٧٥
عليشير نوايى (امير) ١ـ ٢ ـ
٤ـ ٥ـ ١١ـ ١٢ ١٨ـ ١٩ـ
٢١ـ ٢٢ـ ٢٣ـ ٢٤ـ ٢٥ـ ٢٦
٣٧ـ ٢٩ ـ ٣٠ـ ٣٥ـ ٣٨ـ ٤٨
٣٧ـ ١٥٢ـ ١٥٠ـ ١٥١ـ ١٥٤
١٥٥ـ ١٥٧ـ ١٥٨ ـ ١٦٥ ـ
١٦٦ـ ١٦٧ـ ١٥٨ ـ ١٦١ ـ
١٦٢ـ ١٦٣ ـ ١٦٤ـ ١٦٦ ـ
١٦٩ـ ١٧٢ـ ١٧٣ ـ ١٧٦ـ
١٧٧ـ ١٨٥ ـ ١٨٦ـ ١٧٧ ـ
١٧٨ـ ١٨٧

حرف غ

غياث الدين (خواجه) ٦٧

حرف ف

فخرالدين على، ص ٢٩ـ ١٥٢
١٦٧ـ ١٦٦
فخرالدين (خواجه) ص ٨٠
فضل الله (مولانا) ١٠٨ـ ١٢٣

حرف ق

قاسم انوار ص ١٠ـ ٣٥
قاضى زاده رومى ص ١
قنبر على ص ٧٥
قسم بن العباس ص ١٨
قطب الدين ص ١٧١
قطب الدين طاوس (خواجه)
ص ٨٨
قفال شاشى ص ١٦
قوام الدين سمنانى ص ٩٣

حرف ك

كعب بن زهير ص ١٥٩
كمال الدين اظهر (مولانا) ص
١٢٠
كمال الدين حسن (خواجه) ص
٩٦
كمال الدين حسين، ص ١٠٥
كمال الدين مظفر (خواجه) ٨٣
كيخسرو : ٧٣

حرف ل

لطف الله (خواجه) ١٠٦

حرف م

مالا يف، ١٦٤
مايل هروى، ،١٧١ـ ١٨٠
مجدالدين محمد ، ١٦٢ـ ١٢٠
ـ ٧٥ـ ١٦٦ـ ١٦٧
محمود بيركه ص ٩٧
محمود بن شيخ محمد الكيلا نى
ص ٣
محمودف، ١٨٣ـ ١٨٤ـ ١٨٠ـ
١٨٣
محمود مقرى، ١٧٤
محمدبن امين الدين ٩ـ ١٠ـ ١٣
١٤ـ ١٣٩ـ ١٨٧
محمدبن خواوند شاه ص ١٦٤
محمد بن عبدالملك ص ١٨

محمد تباد کانی ص ۱۵ـ۱۶
محمد تقی الدین ، ۱۳۱
محمد حیدر ، ۱۸۰
محمد خواجه ص ۱۸ـ۱۹
محمد عبدالله ، ۱۶ـ ۱۸ـ ۳۶
۱۳۹
محمد علی (خواجه) ص ۱۰۸
محمد قاسم ، ۵۶ـ ۸۵
محی الدین (مولانا) ۱۴۱،
معین فراهی ملا معین بن حاجی
محمد ۶ـ ۳۱ـ ۴۲ـ ۱۶۲
معین الدین اعظم خواجه : ۶۲ـ
۱۶۲
معین الدین محمد، ۹۹
ملک سکندر ص ۱۰۴
موقیمینوا، ۱۶۸ـ ۱۸۱ـ ۱۸۲
۱۸۳ ـ ۱۸۵ـ ۱۸۶ـ ۱۸۹ـ
۱۹۰
مولانا ابوسعید ص ۱۴۴ـ ۱۰۳،
مولانا ابوبکر ص ۱۳۹
مولانا ابویوسف ص ۱۲۸
مولانا اویس ص ۱۱۰
مولانا جعفر ص ۹۳
مولانا حسن ۱۰۴
مولانا رئیس الدین ص ۶۸
مولانا زاده ص ۱۱۲ (رومی)
مولانا سعید ص ۶۷ـ ۱۰۳
مولانا عبدالکریم ص ۱۴۷
مولانا قاسم ص ۳۳ـ ۳۵ـ ۱۴ـ
۱۵ـ ۳۷
مولانا قاضی ، ۱۱۵
مولانا لطفی ص ۶۸ـ ۱۶۴
مولانا محمود ص ۶۴
مولانا نورالدین ۱۰۵
مولوی اعظمی ۷۱
مهتر محمد چله ۹۳
میر خلیل الله ۱۶۰
میرزا سلطان احمد ۱۴۶
نظام الدین احمدخوانی ص۱۱۳
نجم الدین عبدالحمید (مولانا)
میرزا سلطان خلیل ۱۷۰
میرزا سلطان محمود ۱۵۰ـ۱۱۵
میرزا محمد عمر ۸۶ـ ۱۷۰ ـ
۱۷۱
میرزا یادگار محمد ۱۴۲ـ ۱۷۰
۱۶۷ـ ۱۷۸
میر عبدالعلی ص ۱۲۷
میرکی سمرقندی ص ۸۵
میر مظفر برلالی ۱۶۸
ن
نجم الدین ابو یعقوب یوسف بن
احمدبن ابوبکرخوارزمی ص ۱۵۹

نجم الدین عبد الحمید (مولا نا) ص ۱۳۲
نصر الله (سید) ص ۷۵
نظام الدین احمد جامی ص ۱
نظام الدین احمد خوافی ص ۱۱۳
نظام الدین (مولانا) ۸۸ـ ۱۰۶ ۱۱٤
نظام الدین سلطان (شیخ) ص ۱۲۵
نظامی (عبدالواسع) ۱۷٤ـ۱۷۵
نعمت الله قاضی (مولانا) ص ـ ۱۳۷
نور الدین اکرم ص ٦۵
نور الدین علی (مولانا) ص ۱۲۹
نور بخشی (مولانا) ص ۷٤
یان ریپکا ص ۲۱

اسماء واعلام متن نامه ها

ابوالولید ـ ۵٤
ابوسعید ـ۱۰۳
احمد ـ ۷٤
احمد رکابدار ـ ۱۰۳
استاد مجدد الدین ۱۲۰
استاد حاجی محمد ـ ۱۱٦
استاد سلام ـ ٦٦
استر آباد ـ ۱۲۹
اعظم خواجه معین الدین ٦۲
امیر بهبود ـ ۱۱۳
امیر بهلول ـ ۱٤۵
امیر جلال الدین یعقوب ـ ۱۱۰
امیر جنید ـ ۱۳۲
امیر حیدر ـ ٦۹
امیر ابو مسلم ـ ۹۳
امیر بهلول ـ ۱۳۷
امیر جان احمد ـ ۹۰
امیر درویش ـ ۱۱۵
امیر خلیل ـ ۸۰
امیر زاده یار محمد ـ ۱۱۳
امیر سیدمحمد امیر هاشم ـ ۹۳
امیر علاء الدوله ـ ۱۳۰
امیر علاء الدین غوری ۸٤
امیر عبد الخالق ـ ۱۱۹
امیر عبدالعظیم ـ ۱۱۹
امیر علی سپاهی ۷۰.
امیر قاسم ـ ۸۹
امیر محمد یارک ـ ۱۱۲
امیر مزید ـ ۹۱
امیر مظفر ـ ۷۸ ـ ۸۰
امیر ملک محمد ـ ۱٤۳
امیر نورالدین محمد قناد ۱۰٤
امیر ویس ـ ۱۰٤

حرف ب

بابا حاجی ۱۱۰
باورد ـ ۱٤۳
بدخشان ـ ۹۱ـ ۱۱۳
بدرالدین ـ ۱۳۵
بخشیان ـ ۱۱۹
بلخ ـ ٦۵
بلوک سبقر ـ ۱۳۹

بهاء الدین عمر ـ ١٤٦
پهلوان پیر احمد ـ ١١٧
پهلوان شمعون ـ ٩٢
پهلوان محمدشیربان تبریزی ٨٧
تاج الدین احمد ـ ٦١ ـ
جلال الدین بایزید. ـ ١٤٣
جلال الدین سید محمود . ٥٣
جمال الدین عطاء الله ١١٦
حاجی یوسف ـ ١٢١
حافظ شمس الدین ـ ٦٥
حافظ جمال الدین ـ ٩٠
حافظ عمر وردهی ـ ١٠٩
حافظ صدرالدین محمد ـ ٨٨
حافظ عمر وردهی ـ ٩٩
حمزه ـ ٦٨
خواجه احمد ـ ٥٩
خدایقلی ـ ٧٩
خلیل الله ـ ٦٥
خواجه اویس ـ ١٤٠
خواجه جلاالدین بایزید لاری ـ ١٤٣
خواجه جلال الدین جامی ـ ٨٥
خواجه جلال الدین محمود ـ ٩٤
خواجه حبیب‌الله ـ ١٣٦
خواجه زین الدین ـ ١٢٠ ـ ٩٨
خواجه سبحان ـ ١٣٨
خواجه سعدالدین مسعود ـ ٥٥
خواجه سید احمد ـ ١١٢
خواجه سیف الدین ـ ١٦ ـ ١١٧
خواجه سلطان بیگ ـ ٥١
خواجه سلطان احمد ـ ١٣٨ ـ ١١١
خواجه سیف الدین مظفر ـ ٨٢
خواجه شمس الدین محمد ٨٣ ـ ١٤٠
خواجه شهاب الدین ٨٩ ـ ١٠٠
خواجه عادلشاه ـ ١٣٧
خواجه عبدالرحمن ٧٩ ـ ٩٥
خواجه عبد العزیز ـ ١٤٤
خواجه عبدالخالق ـ ١١٦
خواجه عبداللطیف ـ ٨٥
خواجه عباس ـ ١١١
خواجه علاء الدین ـ ١٢٣
خواجه عبدالاحد ـ ١٠٢
خواجه عطاء الله ـ ١٣٣
خواجه علی فخرالدین ـ ١٢٦
خواجه غیاث الدین ـ ٦٧
خواجه علی فخرالدین ـ ٦٧
خواجه فخرالدین ـ ٨٠
خواجه قاسم ـ ٩٩ ـ ١٤٥
خواجه قطب الدین طاوس ـ ٨٨
خواجه کلان ـ ١١٩
خواجه کمال الدین ـ ٨٣ ـ ١٤٤
خواجه کیارا ـ ١٣٧

خواجه محمود ـ ١١١
خواجه معين الدين محمد ـ ٩٩
خواجه محمد على ـ ١٠٨
خواجه ناصرالدين ـ ١٢٩
درويش افراسياب ـ ١٢٥
درويش حاجى ـ ١٢٩
درويش صوفى ـ ١٣٢
درويش عبدالكريم ـ ٦١
درويش عطار قلى ـ ١٤٨
درويش على ـ ٨٥
درويش محمود مقرى ـ ١٤٦
سعد الدين ـ ١٣٩
سلطان شيخ على ـ ١٤١
سلطان ناصرالدين ـ ١٤١
سيد اميران ـ ٧٤
سيد خاندشاه ـ ٦٥
سيد شرف الدين ـ ٨١
سيد على اكبر ـ ١٣٨
سيد قطب الدين ـ ٦٤ ـ ٨١
سيف الدين مظفر ـ ٥٩
سيد محمد ـ ١٣٨
سيد محمد مجذوب ـ ٨٢
سيد نصرالله كسكنى ـ ٧٥ ـ ٩٤
شاه خواجه ـ ٧٣
شاه غياث الدين ـ ١٠٩
شبرغان ـ ٨٥
شمس الدين على ـ ٦٤
شمس الدين محمد ـ ١٤٠
شهاب الدين احمد ـ ١٤١
شيخ احمد ـ ١٠٤ ـ ٩٢
شيخ زاده عبدالفتاح ـ ١٣٩
شيخ زين الدين ـ ١٣٣
شيرين بيك ـ ٧١
شيخ نظام الدين سلطان ـ ١٣٥
صوفى على ـ ١٣٨
عبدالله ـ ١٤٢
عبدالكريم ـ ١٤٥
عبدالله محمدبن عبدالملك ـ ١٢٨
عبدالله ـ ١٤٢
عزالدين ملك احمد ـ ١١٤
قنبر على ـ ٧٥
قوام الدين سمنانى ـ ٩٣
كمال الدين حسين خوارزمى ٥٩
كمال الدين حسن ـ ٩٤
كمال المظفر ـ ١٤٤
كيخسرو ـ ٧٣
مجدالدين ـ ص ٧٥
محمد امين الدين ـ ١٣٨ ـ ١٣٩
محمد تبادكانى ـ ١٣٨

محمد مجذوب ـ ۹۱
محمد عبدالله ـ ۱۳۹
محمد قاسم ـ ۹٦
محمد یحیی ـ ۱۳۹ ـ ۱۳۸
محمود برکه ـ ۹۷
مهتر محمد چله ـ ۹۳
مولانا ابوبکر ـ ۱۳۹
مولانا ابو یوسف ـ ۱۲۸
مولانا ابوسعید ـ ۱٤٤
مولانا اویس ـ ۱۱۰
مولانا امیرعلی ـ ٦۳
مولا نا جعفر خطاط ـ ۹۳
مولانا جلال الدین بایزید ٥٤
مولانا جلال الدین یوسف ـ ٦۷
مولانا جلال الدین محمود ۸۳ ـ ۱۲۹
مولانا جمال الدین ـ ۸۱
مولا نا حبیب ـ ٦۱
مولا نا حسن ـ ۱۰٤
مولانا حسین بیشا بوزی ـ ۹۸
مولانا خرمی ـ ۱٤٥
مولانا رئیس الدین ـ ٦۸
مولانا زین‌الدین تایبادی ـ ۱۲۹ ـ ۸۸
مولانا سعید ـ ٦۷ ـ ۱۰۳
مولانا سیف الدین ـ ۱۲۱
مولانا زاده شهر سبزی ۱۲۸
مولا ناشرف حسن ـ ۱۲۷
مولانا شمس الدین کرمانی ۱۲۹
مولانا شمس الدین ـ ۱۲٥
مولانا شهاب الدین احمدخوافی ۱۱۲ ـ ۱٤۱ ـ ۱۰۹
مولانا شهاب الدین اسمعیل ص ۸۷
مولانا شیخ حسن ص ۱۳۰
مولانا شیخ محمد ـ ۷۱ ـ ۱۰۳
مولانا صانعی ـ ۱۰۲ ـ ۸۹
مولانا عبدالکریم ـ ۱۰۷
مولانا علاء الدین عیسی ۷۳
مولانا علاءالدین علی قوشجی ۱٤۷ ـ ۸۷ ـ ۱۲۲ ـ ۱۰۷
مولانا عماد الدین احمد ـ ۱۰٦
مولانا فضل‌الله ـ ۱۰۸ ـ ۱۲۳
مولانا لطفی ـ ٦۸
مولانا لطف الله ـ ۱۰٦
مولانا عبد الحمید ـ ۱۲٦
مولانا عبدالکریم ـ ۱٤۷
مولانا محمود ـ ۹٤
مولانا محی الدین ـ ۱٤۱
مولانا نعمت الله ـ ۱۳۷
مولانا کمال الدین ـ ۱۰٥ ـ ۱۲۰
مولانا نظام الدین ـ ۸۸ ـ ۱۰٦
مولانا نور بخشی ـ ۷٤
مولانا نور الدین اکرم ٦٥
مولانا نورالله ـ ۱۰٥
میرزا سلطان محمود ـ ۱۱٥
میرزا محمد عمر ـ ۸٦
میرزا یادگار ـ ۱٤۲

جا یها

آذر بایجان : ص ۳ـ ۳۷
آسیای میانه ص ۳۹
از بکستان ـ ص ۲۰
استانبول ص ۱٤۷
استر آباد ـ ۱۸ـ ۳۸ ـ ۱٦٥ـ
۱٦٦ ـ ۱۷٤ ـ ۱۷۷
انجیل (بلوك) ـ ۱۸۰
اند خود ص ۱٥٥
انستیتوت خاورشناسی از بکستان
فرهنگستان علوم ص ۱٦۲
ایران ص ۳ـ ۱٦۹
باغ نظرگاه ـ ص ۱۷۱ ـ ۸۸
باورد ـ ص ۱٤۳
بخارا ص ۱۷
بصره ص ۱٦۳
بغداد ص ۱٥۳
بلخ ٤۱ ـ ٦٥ـ ۱٥۰ـ ۱٥۱ ـ
۱٦٤ ـ ۱۱۱ ـ ۹٦ ـ۱۷٦ـ۱۷۷
بلوك سبقر ص ۱۳۹
پراگ ص ۲۱
تاشکند ص ٤ـ ۳۲ ـ۳۹ـ ۱٦۷
۱۹۲
تبریز ـص ٤ـ ۱٥۳ ـ ۱۷٤
تربت جام ـ ۷۹
ترکیه ص ۳
توران وتونیان بلوك ۱۸۰
جام‌ص ۸٤ـ ۹۲ ـ ۱٤٤ـ ۱۸۰
خانقاه شاه ابوالغیث، ۹۳ـ ـ۱۷
حلب ص ۱٥۳
خانقاه میرزا ص ۹۸
خانقاه شیخ چاوش ص ۱۲۱
خراسان ـ۱ـ۲ ـ ۱۲ ـ ۱۳ـ۱٦
۱۷ ـ ۱۸ ـ ۱۹ ـ ۲۰ ـ ۲۳ ـ
۲٦ ـ ۲۸ ـ ۷۱ ـ ۱٥۷ ـ ۱٦۲
۱٦۸ ـ ۱۷٦ ـ ۱۸۲
خوارزم ص ۱٦۱
خیابان ـ ۱۸۰
دجله ـ ۱٥۳
دریای خزر ص ۱٦٥
دمشق ص ۱٥۳
رصد خانه الغ بیك ص ۱
سبزوار ص ۹٦
سبقر (بلوك) ص ۱۸۰
سمرقند ـ ۱ـ۷ـ۱٥ ـ ۱٦ ـ۲۹
۱۷۰ ـ ۱۷۲ـ ۱۷٤ ـ ۱۷٥
شبرغان ـ ۸٦
غرجستان ص ۸٤

غار خواجه احمد عباس ص۱۱۱
غوروان وپاشتان (بلوک) ۱۸۰
فاراب ص ۳۹ ـ ۱۶۷
فراه ـ ص ۹۸ـ ۱۷۱
فرکت ص ۱۵
فرهنگستان علوم از بکستا ن
۱۷ ـ ۱۹ـ ۳۲
فوشنج ص ۸٤
قریهٔ غشه ـ ۸۹
قزوین ص ۱۲۷
قندهار ص ۱۷۸
قندوز ص ۱٦٥ـ ۱۵۸
کابل ـ ۳۸
کازر گاه ـ ص ۱٦٤ـ ۱۷۱
گدازه بلوک ص ۱۸۰
کرخ ص ۱۰٦
کفشیر (محله) ص ۱٦
کمبراق (بلوک) ۱۱۷
کوسویه ٥٤ـ ۷٤ـ ۸۱ـ ۹٥ ـ
۱۰۱ـ ۱۰۹ ۱۲٤ـ ۱۲٦ـ ۱۳۲
۱٦۳
گیلان ص ۱٦٤ـ ۱٦٥
ماوراء النهر ص ۱ ـ ۲ ـ ۸ ـ
۱۲ـ ۱۳ـ ۱٦ـ ۱۹ ۲۰ـ ٦۳
۲۳ ـ ۳۹ ـ ۱٥۰ـ ۱۵۷ـ ۱۷٦
۱۷۳ ـ ۱٦٦ ـ ۱۸۲
گنا بادص ۱۰۲
مدرسه بیگم ص ٦٥ - ۱٦۳
مدرسه تومان آغا ۱۱ ـ ۱۰۹ ـ
۱۳۲
مدرسه کوسویه ص ۱۳٥
مدرسه نظامیه ص ۱
مدینه ، ۱۹ ـ ۱۵۳
مرد ـ ۱۹ـ ۳۲ـ ۱۰٥ ـ ۱٥۹
۱۷۷
مرو پاشتان ص ۱۷۱
مزار حضرت خواجه ـ ٦٦
مشهد مقدس ـ۱٤٥ـ ۱٦٤
مکه ـ ۲۳ـ ۲۱ـ ۱۵۷ـ ۱۵۳ـ
۱٦۱ ـ ۱٦۲ ـ ۱٦٦ ـ ۱۷۷ ـ
۱۷۸
نجف ـ ص ۱۵۳
نیشابور ص ۱٤ـ ۱۳۲
وردهی ص ۱۵۲
هرات : ص ۱ـ ۳ ـ ٤ـ ۷٦ـ
۱٦ـ ۱۸ ـ ۱۹ـ ۲۰ـ ۲٦ـ۳۸
٤۱ـ ٥۷ـ ۱٦۹ ـ۱٥۱ـ ۱٥۲ـ
۱٥٤ـ ۱۵۷ ـ ۱۷۱ـ ۱۷۳ ـ
۱٥٥ـ ۱٦٦ ـ ۱٤۳ ـ ۱٦٤ ـ
۱٦٦ ـ ۱٦۹ ـ ۱۷۰ ـ ۱۷۸ ـ
ـ۱۸ـ
همدان ـص ۱۳۲

کتابها

ادبیات اوزبکی ص ۲۰
اسناد بخارا ،ص ۱۸۱
اسناد سمرقند ص ۳۵–۳۶ –۳۳
الغبیك وزمان او (بارتولد)۳۹
الکواکب الدریه فی مدح الخیر-البریه ص ۱۵۹
المحیط – (کتاب)ص ۱٦۰
بابرنامه –ص ۳۲
پیرامون سفر قوشجی اورنبا یف ص ۳۸ – ۳۹
تاریخ ادبیات اوزبك ص۳۱–۱٦٤
تاریخ ایران – ۱٦۵
تاریخ اسلام وایران– ۱۸٤–۱۸۱
تاریخ جمهوری اوزبکستا ن ص ۱۵۲ – ۱۸۳
تاریخ حیات سیاسی واقتصادی بنی یف ۳۷
تاریخ ملل اوزبکستان – ۱۸۰–۱۸۳ – ۱۸۱–۱۸۵ – ۱۸٦
تاریخ مناسبات ارضی ۱۸۵–۱۸٦
تاریخ هندوستان – ص ۳۱
تحفة الافکار – ۱٦۵
تشریفات دربارخانه های اوزبك ۱۹۳
جامی ونوایی ص ٤۰– ۱۷۱
جغرافیای حافظ ابرو ص ۱۸۰
جهان بینی قاسم انوار قلی‌زاده ص ۳۵ –
حبیب السیر–۱٦–۳٦– ۲۷–۱۵۱–۱۵۲– ۱۵۹ – ۱٦۱ –۱٦۳ – ۱٦٤– ٦۱– ۱۷۰– ۱۷۲– ۱۷٤ ۱۷۷
خزاین المفیتین ص ۱٦۰
خلاصه فتاوی ص ۱٦۰
خلاقیت جهان بینی جامی‌ص ۲۹
خمسة المتحیرین –٤ – ٦– ۲۲ ۳۲– ٤۰– ٤۱– ٤۲– ۷۸–۱۵۱ ۱۵۵ – ۱٦۲ – ۱٦۸– ۱۷۷
دریای ابرار –۱۵٦
دستور الملوك ، ۱۸۵
دستنو یسهای آثار جامی– ۲۹– ۳۸
دفتر قلب نوایی ص ۱۵۵
دونامه دستخط خواجه احرار سیمیونف ۳۷
رساله بخاری– –۱۸
رشحات فخرالدین علی ٦– ۲۹– ۳۵– ۳٦– ۱۵۳– ۱٦۷
روضات الجنات ۱۷٦ – ۱۸۷
روضة [illegible] ص ۱٦٤
ریاض الانشاء ص ۳۱
شرح برمثنوی رومی – ۱٦۱
شرح پاله اوگرافیك ص ۳۳
شرفنامه عبداله مروارید ص۳۳ –۳۹
شواهد النبوه جامی – ۳۹
طریق قسمت آب قلب‌ص ۱۷۱

ظفر نامه ۱۷۳ـ ۱۸۰ ـ ۱۸۷
فتاوی الصغری ـ ۱۵۹
فوايد ضيائيه ص ۳۹
قصيده برده ص ۱۵۹
کشاورزی (کتاب) ـ۱۸۵
کلیات جامی ص ۳۰ـ ۴۰
مثنوی رومی ـ ۱۶۱
مجالس النفایس ـ ۱۶۱ـ ۱۶۴ ـ ۱۷۳
مجله آریانا ص ۳۸
مجمل فصیحی ص ۱۸۷
مجموعه مقالات عبد الرحمن جامی ص ۳۰
مخزن الانشاء ـ۳۲ ـ ۱۹۲
مسموعات میر عبدالاول ص ۳۳
مصلع سعدین ـ۴۱ـ۴۲ـ ۱۶۴ ـ۱۶۷ـ ۱۷۱ ـ ۱۸۷
مقامات جامی از نظامی ـ ۳۵ـ ۳۶ـ ۱۵۷
مکاتبه علیشیر نوایی و سلطان حسین ص ۳۲
مکارم الاخلاق ـ ۳۶ـ ۱۵۱
مکتوبات تیموریه ص ۳۱ـ ۴۲ـ ۱۵۳
مناسبات متقابل علیشیر و سلطان حسین ۳۷ـ ۱۶۵
منشات جامی : ۳ـ ۳۰ـ ۳۱ ـ ۳۲ـ ۴۰ـ ۱۵۳ـ ۱۵۴ـ ۱۵۵ ـ۱۵۹ـ ۱۶۰ـ ۱۶۶ ـ ۱۷۲ ـ ۱۷۷
منشات معین فراهی ص ۴۱
نسایم المحبت ص ۵ـ ۶ـ ۳۲ـ ۳۵ ـ ۳۹
نفحات الانس ـ ۴۵ـ ۱۱۵ـ ۱۵۱ ـ ۱۶۶ ـ ۱۷۳
نوایی وجامی ص ۳۰ـ ۱۵۲ ـ ۱۵۴ ـ ۱۹۲

لغات و اصطلاحات

اتفاق نامه

اجارت ۱۰۳

احتساب

ارباب یقین

اردوی همایون ٦۱

ارکان دولت

اوقاف اشرفی ـ ۷٦

الاغان

املاك خالصه

امور دیوامور دیوانی

برات وجه ـ ۱٤۲

بارگاه دولت

بخشیان

پروانه ـ ٦٥

برات

تفرقه ـ ۱٤۸

تمنا

جریمه ـ ۷٥

جفت گاو زمین ـ ۷۱

جنس

حجت ـ حرالاصل ،حواله

خلافت خالصه ـ۱۰۹

خط آزادی

خلافت پناهی ـ ۱۳۷

تولیت شیخی ـ ۱٤۱

دارالقضا

دفتر دار ـ ۷٥

دستور

دینار

دینار کپکی ـ ٦٥

دلال ـ ۷٥

دودی

دیوان

دیوان اعلی ـ۱۳۹

رسم الصداره ـ۱۱۱

رسم پیشکش ـ ۱٤٤

رعیت

رقعه نیاز ـ ۱٤٤

رکابدار

زمین خالصه

سرانه (مالیه) ۱۳۰

سمرقندی گری ـ۹٥

سیور غال ـ٦۲

شربت دار ـ ۱۴۲
شفاعت ـ ۱۱۲
عرضه‌داشت ـ ۹۰
عمل دیوانی کلانتر متروکه
عید گاه ـ ۱۳۸
متولی ـ ۸۱
متولیان ـ ۸۱
مددی ـ ۱۱۰
منصب شیخی ـ ۸۲
منشور ـ منشور آزادی

میر آخر ـ ۷۳
نامبردار ـ ۸۰
نشان ـ
نقابت انتصابی
وتف
وقفیه ـ ۱۳۸
وکیل
یتیم





یادآوری

قرار بود صحتنامه یی در پایان این کتاب آورده شود ، اما نظربه معاذیری این امر بـه فرجام نیامد . امید است خوانندهگان ما را معذور پندارند .

Abdur-Rahman Jami's

Autograph Letters

from

The Murraqqa of Mir

Ali Sher Nawayi

Edited by: A. Urunbaev

Collabaration and Introd-

uction

By: Mayel Herawi



متصدی چاپ : ننگیالی بخرگی